

الطوفان الثانی

تھیلی پر روایات

« لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ قَتِي يَزْهَبَ ثَلَاثًا النَّاسِ »

گردآورنده :

صادق شکاری

28 / شَوَّال / 1438

سایت رسمی دعوت مبارک یمانئ سئء اءمء الءسن (ع):

[/http://almahdyoon.org](http://almahdyoon.org)

مطالب کتاب :

- 1- پیش گفتار : 4
 - 2- نصیحتی به مهاجرانِ اِلَى الله : 10
 - 3- لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ : 13
 - 1- اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ : 17
 - 2- لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ : 35
 - طلوع «النَّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ» در ماه رمضان نداء آسمانی : 37
 - صیحه آسمانی تجلیگاه عذاب مادی : 79
 - روایاتی از صیحه مادی در ماه رمضان نداء آسمانی : 84
 - 4- هلاکت 2/3 [دُو سَوْم] بشریت پیشاپیش قیام قائم (ع) : 104
 - تعلیقی بر عبارت «الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ بَابِلُ الْمَدِينَةِ الْقَوِيَّةُ» در روایای یوحنا : 119
 - 5- نتیجه بحث : 131
 - 6- هفت حدیث در خاتمه کتاب : 138
- ***
- 7- ضمیمه (1) : عذاب الهی در کلام سید احمد الحسن (ع) : 149
 - 8- ضمیمه (2) : عذاب الهی در مکاشفات یوحنا لاهوتی : 161
 - 9- ضمیمه (3) : سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ وَ الْعَذَابُ فِي قرآن کریم : 172

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَ يَغْرَقُ
مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن کشتی روان در اقیانوس‌های ژرف؛ هر که بر آن سوار شود، ایمنی یابد و هر که آن را رها کند غرق شود. کسی که از آنها پیش افتد، از دین خارج است و کسی که از آنها عقب بماند، نابود است؛ و همراه با آنها، ملحق به آنها است.

اهداء:

إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص)



• پیش‌گفتاره

نصوص و آورده از معصومین در خصوص ویژگی های دوران ظهور بیانگر کشته شدن افراد بسیار زیادی و چه بسا 2/3 (دُو سِوْم) بشریت باشد. روایات هلاکت بشریت در بین ادیان و مذاهب مختلف جهان نیز شایع بوده و در جای جای زمین آثاری از آن در کتب و بیانات بزرگان مذاهب یافت میشود در بین محققان این روایات در حاله ای از ابهام و تردید قرار دارد علت آنهم عظیم بودن آن حادثه است بگونه ای که بعضی ها بخاطر عدم درک و تحمل چنین روایات سنگینی آنها را رد و تکذیب میکنند و عده ای نیز قائل به تاویل شدند و روایات اینچینی را مربوط به جنگ قرقیسیا و حرب آرماگدون دانسته اند و برای این امر دلایلی نیز ذکر کرده اند عده ای نیز موت احمر را مربوط به برخورد شهاب سنگی بزمین میدانند بهر شکل موت احمر هرچه که باشد از جمله اتفاقات بزرگ و عجیب دوران آخرالزمان خواهد بود که بدلیل عذاب بودن آن حوادث برای بشریت باین نتیجه خواهیم رسید که حجت الهی در زمین حضور دارد و مردم را بسوی خود دعوت میکند.

شیخ صدوق (ره) در کتاب کمال الدین از ابو بصیر و محمد بن مسلم نقل میکند که گفتند شنیدیم حضرت صادق (ع) میفرمود:

« لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ، فَقُلْتُ: فَإِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ قَالَ: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي؟ ؛ این امر (ظهور امام مهدی) تحقق نمیپذیرد، مگر اینکه دو سوم مردم از میان بروند عرض شد وقتی دو سوم مردم از میان بروند، دیگر کی میماند؟ فرمود: آیا دوست ندارید که شما از یک سوم باقی مانده باشید؟»¹

¹ - بحار الأنوار: 52 / 113 ب 21 ح 37 از غیبت طوسی و ص 207 ب 25 ح 44 از کمال الدین:

روایات هلاکت مربوط به قبل از قیام قائم (ع) است بنابراین نتیجه ای که بدست می آید این است که یمانی موعود (ع) همان حجت الهی خواهد بود که بعثت تکذیب آن حجت الهی بدست بزرگان و بتبع آن مقلدان زمینه بوقوع پیوستن بلاء الهی و موتان احمر و ایض شکل خواهد گرفت، ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: « **وَ لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ رَايَةٌ اَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةٌ هُدًى لَآنَهُ يَدْعُو اِلَى صَاحِبِكُمْ فَاِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السَّلَاحِ عَلَي النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ اِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضُ اِلَيْهِ فَاِنَّ رَايَتَهُ رَايَةٌ هُدًى وَ لَا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ اَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ لَآنَهُ يَدْعُو اِلَى الْحَقِّ وَ اِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ** ؛ و در پرچمها پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست، و آن پرچم هدایت است، بخاطر اینکه شما را به صاحبان دعوت می کند، و اگر یمانی خروج کرد فروختن اسلحه حرام می شود، و اگر یمانی خروج کرد بپا خیز به سوی او که همانا پرچمش پرچم هدایت است، و بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کنند و اگر کسی این کار را انجام دهد از اهل جهنم می شود، زیرا که او به حق و به راه راست دعوت می کند».^۲

و از آن جهت که دعوت و زمینه سازی یمانی موعود (ع) برای امام مهدی (ع) یک دعوت جهانیست لذا عذاب ناشی از تکذیب آن ولی موعود دامنگیر تمام زمین خواهد شود چرا که خلفاء الهی برای اتمام حجت و موعظه و اندرز کافی برخاستند «**وَ مَا اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ** ؛ ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر این که انذار کنندگانی برای آنها بود»^۳ آنچه در آیات آمده است، در حقیقت بیان همان قاعده عقلی معروف یعنی «قاعده قبح عقاب بلا بیان» است، و شبیه آن در آیه 15 سوره «اسراء» نیز آمده است: «**وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نُبْعَثَ رَسُوْلًا** ؛ ما هرگز جمعیتی را عذاب نمی کنیم تا رسولی در میان آنها برانگیزیم و حقایق را

^۲ - الغيبة للنعماني ص 135 و البحار ج 52 ص 210 و ص 232 و منتخب الأثر ص 456 و الغيبة

للطوسي ص 271 و إعلام الوری ص 429 و إلیزام الناصب ص 184 و بشارة الإسلام ص 93 و ص 121

^۳ - الشعراء 208

بازگو کنیم». آری، مجازات بدون بیان کافی، قبیح است و ظلم، و این در حالیست که خداوند حکیم و عادل است. از جهتی دیگر خداوند متعال در آیه 18 سوره محمد به عنوان هشدار به گروه بی ایمان استهزاءکننده، می‌فرماید: « **فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ** ؛ آیا منتظران جز این انتظاری دارند که السَّاعَةَ ناگهان فرا رسد (آن گاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید، تذکر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت.»!

آری، آنها آن زمان که باید ایمان بیاورند، سرسختی و لجاجت به خرج می‌دهند، و در برابر حق تسلیم نمی‌شوند، بلکه به سخریه و استهزاء برمی‌خیزند، ولی، آن زمان که حوادث هولناک و آغاز سَاعَةَ، جهان را به لرزه درآورد، به وحشت می‌افتند، و اظهار خضوع و ایمان می‌کنند در حالی که هیچ سودی به حالشان ندارد.

بنابراین از این جهت که هر حادثه عظیمی مقدماتی دارد که زمینه پیدایش امر نهائی را فراهم مینماید: **(فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا)** در نتیجه جستجو برای یافتن حق و حقیقت و صاحب آن نیز باید پیش از وقوع حادثه عظیم صورت پذیرد والا در هنگامه واقعه جز پشیمانی و سرگردانی چیز دیگری حاصل نخواهد شد همانگونه که خداوند متعال در سوره یس می‌فرماید: «**وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ * إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ * يَا حَسْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنَ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ؛** و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود؛ * (بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! * افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزاء می‌کردند!».^۴

مسئله هالکت دو سوم بشریت و اینکه چه زمانی و کجا و بچه شکلی روی میدهد؟! مسئله ای است که اگر ما میدانستیم و میتوانستیم تشخیص دقیق دهیم دیگر هدف از آن یعنی برنامه الهی برلی آزمایش و امتحان مردم ملقاء می شد، چرا که آن هلاکت نتیجه شکست درآزمایش و امتحان امم نسبت به امام هر زمان است که در نتیجه تکذیب رسولان، نزول بلاء و عذاب الهی نتیجه آن خواهد بود.

خداوند متعال در سوره «فتح» آیه 23 بعد از آن که پیروزی مؤمنان و شکست کفار و عدم وجود یار و یاور برای آنها را مطرح می کند، می افزاید: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ؛ این سنت پروردگار است که در گذشته نیز بوده، و هرگز سنت الهی تغییر نمی پذیرد». و در صورت پیروزی در امتحان و ایمان بحجت الله درهای برکت آسمان بر روی آنها باز میشود». و در آیه 85 سوره «غافر» بعد از آن که تصریح می کند: ایمان آوردن کفار لجوج از اقوام پیشین، به هنگام مشاهده عذاب استیصال، مفید واقع نشد، اضافه می کند: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ؛ این سنت الهی است که در گذشته نیز در مورد بندگان اجرا می شد، و در آنجا کافران گرفتار زیان و خسران شدند». و نیز در سوره «اسراء» آیه 77 هنگامی که توطئه تبعید یا نابودی پیامبر (ص) را بیان می فرماید، اضافه می کند: اگر آنها این کار خود را عملی می کردند بعد از تو جز مدت کوتاهی باقی نمی ماندند: «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَ لَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ؛ این سنت پیامبرانی است که قبل از تو فرستادیم، و هرگز دگرگونی در سنت نمی بینی».

از مجموع این آیات، به خوبی استفاده می شود که: منظور از «سنت» در این گونه موارد، قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی دهد، و به تعبیر دیگر، خداوند در عالم تکوین و تشریح، اصول و قوانینی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم، در میان مردم جهان، دست خوش دگرگونی و تغییر نمی شود، این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است، و هم بر اقوام امروز و آینده، حکومت خواهد کرد.

ما منتظران میتوانیم با دقت و حفظ و انتقال آثار معصومین بیکدیگر همچون رسولان الهی بشیر و نذیر باشیم، بشارت به منتظران بدلیل نزدیکی هلاکت ظالمان، و انذار بظالمان بخاطر از کف دادن زندگی و حیات ابدی. از این رو اقدام به تبیین گوشه ای از این آثار نمودم هرچند که امر عظیم است اما ذکر آن سبب حفظ آثار و بشارت و انذار منتظران خواهد شد.

سید احمد الحسن (ع) فرمودند: « **أما علامات الظهور وتفصيلها وفقكم الله فبعضها رمز له في الروايات لغايات وأغراض، فلا يمكننا أن نكشف منها إلا ما شاء الله لنا كشفه وفي الوقت الذي يشاء سبحانه، أما ما تركناه فلکم أن تفهموه بما يوفقكم الله له، وإن شاء الله سينجلي لكم واضحاً جلياً في حينه، وفقكم الله لكل خير؛** اما نشانه های ظهور و تفصیل آن ، خداوند شما را توفیق دهد ، بعضی از آنها در روایات برای اهداف و خواسته هایی رمزگذاری شده اند ، برای ما امکان ندارد که از آنها پرده بر داریم مگر همان مقدار که خداوند در زمانی که خود بخواهد از آن پرده بر داریم ، اما آنچه را که ترک کردیم بر شماسست که با توفیق خداوند به شما ان را بفهمید ، و ان شاء الله در زمانش برای شما روشن و واضح می شود ، خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند .»⁵

سید احمد الحسن (ع) در مورد پرداختن به روایات ظهور، و جزئیات مرتبط با آن فرمودند:

« **أما إذا كنت تقصد روايات الظهور فهذه نحن لا نبين منها إلا موضع الحاجة والضرورة، أما ما تركناه بيانه فمن أراد الله إيفاهمه يفهمه المراد منها، وكل بحسب إخلاصه، ويبقى بيانها على اليقين لكل الناس في حينها، ... بالنسبة للتفاصيل كلها يحتمل فيها البداء، بل هو الراجح بالنسبة لخطة عسكرية يراد بها الانتصار على العدو وهو الشيطان وجنده ، فحتى الخروج الذي نص عليه أنه في يوم واحد فيه البداء ؛** اگر منظور شما روایات ظهور است، ما چیزی از آن را به جز در حد نیاز و ضرورت بیان نمی کنیم، و آنچه توضیحش را ترک کرده ایم، خداوند به هر

⁵ - جواب المنیر جلد 5 سوال: 460

کس که بخواهد با توجه به میزان اخلاصش، منظور روایت را می‌فهماند و به یقین بیان آن برای همه‌ی مردم تا وقت خودش باقی می‌ماند، ... در همه‌ی جزئیات، احتمال بداء وجود دارد؛ حتی این موضوع (بداء)، با توجه به طرح و برنامه‌ی نظامی که هدف از آن پیروزی بر دشمن یعنی شیطان و ارتش او است، اولویت بیشتری دارد. حتی در مورد زمان خروج که در مورد آن به صراحت در حدیث آمده که «در یک روز انجام می‌شود» احتمال وقوع بداء وجود دارد»⁶.

توجه: نظرات این کتاب بیانات شخص نویسنده است، و الزاماً نظریه ای رسمی در دعوت مبارک یمانی (ع) نمیباشد هرچند که نویسنده از انصار امام مهدی (ع) باشد.

⁶ - مع العبد الصالح ج 1، المحطة الثانية : ما يتعلق بالروایات

• نصیحتی به مهاجرانِ اَلیِّ اَللهِ:

در روایات پیشوایان دین نقل شده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» ؛ «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ» ؛ «انْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ». فرج بمعنی: (گشایش) مفهومی وسیع تر از ظهور حضرت مهدی (ع) دارد و تنها یکی از مصداق های آن ظهور منجی است. یکی از علل اصلی شکست منتظران در طول تاریخ عدم صبر و شکیبائی آنها در برابر ظهور منجی و حوادث وعده داده شده است، بنابراین یک منتظر واقعی وظیفه دارد علائم ظهور را بشناسد و تا موقع تحقق علائم صبور و شکیبا باشد و هنگامی که خداوند توفیقش عطا فرمود و توانست ظهور منجی را درک کند، باید در مسیر همراهی و تبعیت از آن نیز با معرفت هرچه تمام تر تلاش نماید و صبوری پیشه سازد در برابر اعمال مجهول منجی (ع).

مسئله امتحان مردم ب(صبر) در عصر ظهور به دو دوره تقسیم میشود و وضعیت منتظرین در این دو موقعیت همچون وضعیت موسی بن عمران (ع) نسبت به عبد صالح (ع) است:

1- صبر و شکیبائی و پیجوئی علائم ظهور همراه با توکل به خداوند تبارک و تعالی، در دوران قبل از ظهور یمانی موعود (ع) خداوند کریم فرمود: **وَ إِذِ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (60) فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (61) فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (62) قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (63) قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا (64) فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِينَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (65)**⁷ به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو برنمی دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! * (ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا

⁷ - (سورة الكهف 60-65)

رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). * هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده‌ایم!» * گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفت‌آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» * (موسی) گفت: «آن همان بود که ما می‌خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی‌جویی می‌کردند. * (در آن جا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.

2- صبر و شکیبائی در همراهی با یمانی موعود (ع) در دوران دعوت یمانی و خروج ایشان (ع)، این صبر و همراهی میتواند مصادیق مختلفی را در دوران ظهور شامل شود از جمله، کسب علوم و معارف الهی در زمان مقرر و مناسب، بیان حوادث و علائم ظهور، توضیح پیرامون اعمال و رفتار قائم (ع)؛ خلاصه هر مقدار که یک شاگرد نسبت به معلم خود همراهی میکند و مطیع است در این دوران نیز صادق است، خداوند کریم فرمود: **قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا (66) قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (67) وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (68) قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (69) قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (70)** [^] موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» * گفت: «تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! * و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟! * (موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت؛ و

در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» * (عبد صالح) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز مپرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.»

سید أحمد الحسن (ع) فرمودند: « **فموسی کان یقول سأصبر والعبد الصالح قال له لن تصبر، فتحقق قول العبد الصالح وكان من حقه موسى بالذات الذي تعهد بالصبر، والامتحان بالصبر أمر مهم في تعليم موسى (ع) تحمل من هم دونه والصبر عليهم بسبب اعتراضاتهم المستمرة، فهو الآن وفي هذا الموقف كان المعترض الذي لم يصبر وقد لمس بنفسه كم صبر عليه العبد الصالح، وكم كان هو نفسه يحتاج لهذا الصبر من العبد الصالح ليصل إلى الحقيقة؛ موسى (ع) همواره میگفت من صبر میکنم وعبد صالح به او میگفت تو نمی توانی صبر کنی و در نهایت گفته عبد صالح تحقق پیدا کرد وآن کسی که آن را تحقق بخشید موسی (ع) بود که به آن تعهد میکرد، همانا امتحان اودر صبر بود واین امر در تعلیم موسی (ع) امری مهم بود او می بایست کسانی را که علمشان از او کمتر است را تحمل کند و در برابر اعتراضات مستمر آنها صبر نماید، اما او اکنون در این موقف از افرادی بود که اعتراض می کنند وصبر نمی نمایند و خود این موضوع را لمس میکرد که عبد صالح چقدر بر گفته و کردار او صبر کرده است وچقدر نفس وی محتاج به این صبر وبردباری عبد صالح است تا به حقیقت دست یابد»⁹.**

⁹ - رحلة موسى إلى مجمع البحرين : (إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا)

• لَا يَقُومُ الْكَافِرُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ



روایات بیانگر آن هستند که در صورت تکذیب قائم (ع) بعد از ظهور شریفشان مردم در روزگار قبل از خروج دچار دو نوع بلاء میشوند: 1- یک نوع بلاء طبیعی است که از آن بعنوان: (خَوْفٍ شَدِيدٍ) یاد میکنیم. 2- نوع دیگر بلاهائی هستند که مردم بدلیل اختلافات سیاسی و عقیدتی خود بوجود می آورند که از آنها بعنوان: (اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ) یاد میکنیم.

روایت 1 : الغيبة للنعماني ؛ النص ؛ ص 253 ؛ باب 14 ح 13 - أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد ابن عقده قال حدثني أحمد بن يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفي من كتابه قال حدثنا إسماعيل بن مهران قال حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه و وهيب بن حفص عن أبي بصير عن أبي جعفر محمد بن علي ع أنه قال: « لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عِلاَّ عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلَ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ وَ تَشْتَّتِ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأْسِ وَ الْقُنُوطِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرَجًا فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ ».

شیخ نعمانی در کتاب الغیبه از ابو بصیر نقل میکند که ابی جعفر محمد بن علی باقر (ع) فرمود: « قائم (ع) قیام نمی کند مگر آنکه مردم را ترسی سخت (شدید) فرا بگیرد و زلزله ها و فتنه ها و بلاهائی که نصیب مردم شود و پیش از این خوف طاعون و شمشیری برنده در میان عرب و اختلاف سخت بین مردم، و پراکندگی در دینشان، و پیدایش دگرگونی در وضعشان بوجود خواهد آمد، تا جایی که آرزومند روز و شب آرزوی مرگ نماید از شدت آنچه که از سگ صفتی و درنده خوی مردم میبیند، پس خروج آن حضرت حاصل نشود مگر در آن زمان که مردم از دیدن فرجی مایوس و نا امید شوند، پس خوشا بحال آن کسانی که (حضور) قائم (ع) را درک کنند و از انصارش گردد، وای و تمامی وای کسی را که با او مخالفت ورزد و از فرمانش سرباز زند و از دشمنان او باشد.»

روایت 2 ؛ الغیبه للنعمانی ؛ النص ؛ ص 262 باب 14 ح 22- حدثنا أحمد بن محمد بن سعید قال حدثني أحمد بن يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفی قال حدثني إسماعیل بن مهران قال حدثنا الحسن بن علی بن أبی حمزه عن أبیه و وهیب عن أبی بصیر عن أبی جعفر ع قال: « يَقُومُ الْقَائِمُ ع فِي وَتْرٍ مِنَ السِّنِينَ تِسْعَ وَاحِدَةٍ ثَلَاثِ خَمْسٍ وَ قَالَ إِذَا اِخْتَلَفَتْ بَنُو أُمَيَّةَ وَ ذَهَبَ مُلْكُهُمْ ثُمَّ يَمْلِكُ بَنُو الْعَبَّاسِ فَلَا يَزَالُونَ فِي عُنْفَوَانٍ مِنَ الْمَلِكِ وَ غَضَارَةٍ مِنَ الْعَيْشِ حَتَّى يَخْتَلِفُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَإِذَا اِخْتَلَفُوا ذَهَبَ مُلْكُهُمْ وَ اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعْمَ وَ أَهْلُ الْقِبْلَةِ وَ يَلْقَى النَّاسَ جُهْدٌ شَدِيدٌ مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَى فَالْنَّفِيرَ النَّفِيرَ فَوَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ أَمَا إِنَّهُ لَا يُرَدُّ لَهُ رَأْيَةٌ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ ».

شیخ نعمانی در کتاب الغیبه از ابو بصیر نقل میکند که ابی جعفر محمد بن علی باقر (ع) فرمود: « قائم (ع) در سالهای فرد، نه، یک، سه، پنج قیام می کند، و فرمود: هنگامی که بنو امیه اختلاف کردند و حکومتشان از دست رفت سپس بنی عباس بحکومت خواهند رسید و همواره در بهار حکومت و طراوت زندگی خواهند بود تا آنکه در میان خودشان دچار اختلاف شوند همین که باختلاف دچار شدند حکومتشان از دست خواهد رفت، و اهل مشرق و اهل مغرب نیز دچار

اختلاف شوند، آری همچنین اهل قبله نیز گرفتار اختلاف شوند و ناراحتی و سختی بسیار به مردم خواهد رسید از آنچه بر ایشان از ترس می‌گذرد، پس پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه نداکننده‌ای از آسمان آواز برآورد و چون ندا برآمد پس کوچ کنید! کوچ کنید، به خدا سوگند گوئی به او می‌نگرم که در میان رکن و مقام از مردم به امری نوین و فرمانی جدید و نظامی تازه از آسمان (نظامی الهی) بیعت گیرد، بدانید که هیچ پرچمی (که او گسیل داشته) بدو بازگردانده نشود تا پایان عمر او.»

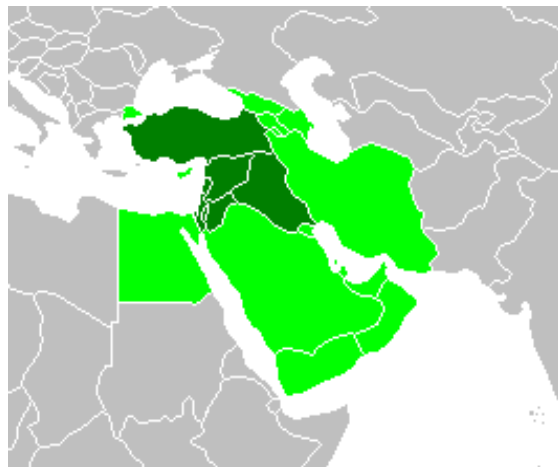
در ادامه مبحث: **(لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ)** قصد داریم دو مصداق مهم این عذابها را مورد بررسی قرار دهیم در ابتدا اختلافات شدیدی که بین سیاسیون اهل مشرق و مغرب در شامات و خاورمیانه حاصل میشود را مورد بررسی قرار میدهیم سپس از میان خوف های شدید طبیعی سراغ ستاره مشرقی النجم المذنب یا القرن ذی الشفاء خواهیم رفت. اما قبل از آن لازم است بدانیم مشرق به چه منطقه ای گفته میشود:

مشرق زمین شامل دو بخش شرق دور و شرق نزدیک میشود:

1- شرق دور یا همان خاور دور که یک اصطلاح جغرافیایی جایگزین است در زبان انگلیسی برای اشاره به آسیای شرقی شامل: (آسیای شمال شرقی)، شرق دور روسیه (بخش آسیای شمالی) و آسیای جنوب شرقی است. آسیای جنوبی نیز گاهی به دلایل اقتصادی و فرهنگی جزئی از آن محسوب می‌شود. از دید جغرافیایی این منطقه شامل کشورهای چین، مغولستان، کره (شمالی و جنوبی)، تایوان، ژاپن و مناطق خودمختار هنگ کنگ و ماکائو بخشهایی از روسیه و... میباشد.



2- شرق نزدیک یا خاور نزدیک باستان گهواره کهن‌ترین تمدن‌ها و دربرگیرنده خاورمیانه کنونی، میان‌رودان (عراق، جنوب باختری ایران، جنوب شرقی ترکیه، شمال شرقی سوریه و کویت کنونی)، مصر باستان، ایران باستان، آناتولی، سرزمین کوهستانی ارمنستان، شام، قبرس و شبه‌جزیره عربستان می‌باشد. خاور نزدیک باستان را یکی از نقطه‌های رشد بشری می‌دانند. پیشرفت کشاورزی، قشربندی، پدیداری دولت مرکز‌گرا، ادیان و جنگ‌های سازماندهی‌شده، نخستین امپراتوری‌ها و ... از اینجا آغاز شدند. همچنین این منطقه را مهد اختراع خط، حقوق، چرخ، اخترشناسی و ریاضیات می‌دانند. خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساسترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده‌است و مکان کشمکش‌های دراز مدت اعراب و اسرائیل است. خاورمیانه زادگاه ادیان مهمی چون یهودیت، مسیحیت، اسلام، بهائیت و ادیان غیر ابراهیمی مثل دین زرتشتی، آیین مهر و مانوی است.



بخش عظیمی از خوف‌ها آخرالزمان ناشی از حوادث طبیعی است که روی میدهد و قسمتی مربوط به اخبار جنگ‌ها و اختلافات سیاسی نظامی بین اهل مشرق و اهل مغرب است گستردگی این اختلافات محدود به خاورمیانه نخواهد بود چرا که روایت از اختلاف تمام مناطق زمین از شرق و غرب خبر میدهد نه فقط اختلاف مشرقیان اهل قبله با اهل مغرب: **(وَ اِخْتَلَفَ اَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ اَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعْمَ وَ اَهْلُ الْقِبْلَةِ).**

• 1- اِخْتِلَافِ شَرِيْرِ فِي النَّاسِ:



بنابر روایت مقدمات آغاز این: (اِخْتِلَافِ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ) که همراه است با (الْبَجَزِ الْأَكْبَرِ وَ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ) در دوران فتنه و اختلاف شام روی خواهد داد (إِذَا اِخْتَلَفَ الرَّمْحَانِ بِالشَّامِ لَمْ تَنْجَلِ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ) بگونه ای که میتوانیم بگوئیم با آشکار شدن اختلافات و درگیری ها در بین اهالی شام از آغاز سال 2012 آيَةٌ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ شروع شده (وَ اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعَمٌ وَ أَهْلُ الْقِبْلَةِ) را بوجود آورده است.¹⁰

¹⁰ از مهم ترین مسائل پیرامون نام مایا در جهان امروز، افسانه پایان جهان در سال ۲۰۱۲ است که حسب پیشگویی های مایاهای قدیم جهان در آن روز پایان می پذیرد. درباره این موضوع فیلم هایی نیز در هالیوود ساخته شده که از میان آنها می توان به فیلم ۲۰۱۲ به کارگردانی رولند امریش اشاره نمود. روز گمان شده برای این رویداد که بیست و یکم دسامبر ۲۰۱۲، برابر شب یلدای سال ۱۳۹۱ هجری خورشیدی بود پایان

*1: الغيبة للنعماني؛ النص؛ ص 305 باب 18 ح 16 - أخبرنا علي بن أحمد، عن عبید الله بن موسى، عن محمد بن موسى، قال: أخبرني أحمد بن أبي أحمد المعروف بأبي جعفر الوراق، عن إسماعيل بن عیاش، عن مهاجر بن حکیم، عن المغيرة بن سعيد، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام، أنه قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: **« إِذَا اخْتَلَفَ الرَّمْحَانُ بِالشَّامِ لَمْ تَجَلِ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ رَجْفَةٌ تَكُونُ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا إِلَى أَصْحَابِ الْبَرَازِينَ الشُّهْبِ الْمَحْدُوفَةِ وَ الرَّيَّاتِ الصُّفْرِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ الْجَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسَتَا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ آكِلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِنبَرٍ دِمَشْقٍ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانْتَظِرُوا خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ ع »**.

مغيرة بن سعيد گوید ابی جعفر (ع) از قول امیرالمؤمنین (ع) فرمود: « هنگامی که دو نیزه در شام اختلاف کردند¹¹ از یکدیگر باز نگردند مگر آنکه نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند هویدا شود.

پذیرفت. بر خلاف عقیده ذکر شده در بالا، برخی دیگر باور دارند که سال ۲۰۱۲ آغاز رستاخیزی (آرماگدون) برای بشریت است. باور برخی بر این است که این تاریخ پایان پنجمین دوره ۵۱۲۵ ساله تقویم قوم مایا است. گفته می‌شود پس از آغاز مجموعه تحولات دسامبر ۲۰۱۲، سیاره زمین و ساکنان آن متحمل تغییرات مثبت فیزیکی و ذهنی خواهند شد و این امر سبب می‌شود که سال ۲۰۱۲، آغاز عصر جدیدی برای بشریت باشد.

¹¹ عباد بن محمد المدائنی گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم، آیا برای خودتان دعا نمودید؟ فرمود: برای نور آل محمد و راهبر ایشان، هم او که به فرمان خدا از دشمنانشان انتقام می‌گیرد دعا نمودم. عرض کردم: خداوند مرا فدای تو گرداند، آن بزرگوار کی ظهور خواهد نمود؟ فرمود: هر گاه خداوند - که خلق و امر به دست اوست - بخواهد. عرض کردم: آیا او نشانه‌ای پیش از ظهور خواهد داشت؟ فرمود: بله، نشانه‌های گوناگون، عرض کردم: مانند چه؟ فرمود: **« خُرُوجُ رَايَةٍ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ رَايَةٍ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ فِتْنَةٌ تَطَّلُ أَهْلَ الزَّوْرَا خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ وَ انْتِهَابُ سِتَارَةِ الْبَيْتِ »** خروج پرچمی از مشرق زمین، و پرچمی از مغرب زمین، و فتنه و آشوبی که بر اهل زوراء سایه می‌افکند، و خروج مردی از فرزندان

عرض شد: یا امیرالمؤمنین آن نشانه چیست؟ فرمود: رَجَفَهُ حَادِثَةً شَدِيدَةً در شام روی دهد که بیش از صد هزار نفر در اثر آن جان می‌سپارد، و خداوند آن حادثه را برای مؤمنین موجب رحمت و برای کافرین عذاب قرار میدهد، و چون این پیش آمد روی دهد متوجه سوران مرکب‌های پرواز کننده حامل آتش باشید^{۱۲}، و پرچمهای زردی که از مغرب روی می‌آورد تا آنکه بشام میرسد و این هنگامی است که ناراحتی بزرگ و مرگ سرخ روی دهد^{۱۳}، و چون چنین شد متوجه باشید که شهرکی در دمشق بنام حَرَسَاتَا بزمین فرو خواهد رفت، و چون چنین شود فرزندان هند جگرخوار از وادی یابس خروج کند تا آنکه بر منبر دمشق بنشینند، و چون این چنین شود خروج مهدی (ع) را منتظر باشید.»

عمومیم «زید» در «یمن»، و به غارت و تاراج رفتن پوشش و پرده خانه خدا. خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد^{۱۴}. مستدرک سفینه البحار ج 7 ص 47. فلاح السائل ص 170-171

¹² **بِرْدُونٌ** : م بِرْدُونَةٌ ، ج بِرَادِين (ح) : ستوری که بار سنگین بردارد ، اسب ترکی یا تاتاری . لاف این اسم (العِراب) است . **شِهَابٌ** : ج شُهَبٌ و شُهَبَانٌ و شُهَبَانٌ و أَشُهَبٌ : هر شعله و جرقه یا روشنائی که از آتش پدید آید ، ستاره ی آسمان ، آنچه که بسان ستاره دیده شود که در حال فرود آمدن باشد ، سرنیزه - (ا ع) : دستگاه برافروختن بمبها یا موشکها . **حَذَفٌ** : جَذَفًا الشیءَ : آن چیز را بُرید - الطائرُ : پرنده با شتاب پرید حَذَفٌ : (ح) : گونه ای مرغابی .

¹³ در کتاب سنن وارده در فتن از ابو عمر دانی از علماء نخستین اهل سنت از کعب الاحبار نقل کرده است: " **وَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ، قِيلَ: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: خُرُوجُ أَهْلِ الْمَغْرِبِ عَلَى الْبَرَادِينِ الشُّهْبِ يَسْتَبُونَ بِأَسْيَافِهِمْ حَتَّى يَنْتَهَوْا إِلَى اللَّجُونِ، وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، يَكُونُ لَهُ وَقْعَةٌ بِقَرْقِيسِيَاءَ وَوَقْعَةٌ بِعَاقِرُقُوبَ يُسَبَّى فِيهَا الْوُلْدَانُ يُقْتَلُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ كُلُّهُمْ أَمِيرٌ وَصَاحِبُ سَيْفٍ مُحَلِّيٌّ ؛ عَجَبٌ وَكُلُّ الْعَجَبِ فِي بَيْنِ مَاهِ هَي جُمَادَى وَرَجَبٍ. سوال شد این تعجب بخاطر چیست؟ گفت: تعجب از خروج اهل مغرب سوار بر برآدین الشُّهْبِ گونه همراه با شمشیرهای نابودگر، آنها پیش روند تا اینکه به اللُّجُونِ رسند ، و خروج سفیانی و واقعه ی که برای او در قرقیسیا روی دهد، و واقعه منطقه عَاقِرُقُوبَ (نواحی بغداد) که در آن بیش از صد هزار نفر کشته و کودکان باسارت برده شوند تمام کشته شدگان امیرند و شمشیرهای زینت داده شده دارند^{۱۵}. السنن**

الواردة فی الفتن - أبو عمرو الدانی ، رقم الحدیث (543)

همان طور که شام مهم است، فتنه و اختلاف آن هم مهم است و باید مراقب آن بود چرا که نشانه ای بزرگ است از آیاتِ الله که همراه است با (الْجَزَعِ الْكَبِيرِ وَ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ) و در نهایت فرج و گشایش در امر مهدی موعود (ع) و خروج ایشان بعد از تکذیب بزرگان قوم: از امام علی (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه: **فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ** فرمودند: «**انْتَظِرُوا الْفَرْجَ فِي ثَلَاثٍ**» عرض کردند: یا امیرالمؤمنین آن سه چیست؟ فرمود: «**اِخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ، وَ الرَّأْيَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ، وَ الْفِرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ**؛ اختلاف اهل شام بین خود و پرچم‌های سیاه از سوی خراسان و آن ترس که در ماه رمضان بوجود می آید». ^{۱۴}

امام باقر (ع) فرمودند: «**يَا جَابِرُ لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ النَّاسَ بِالشَّامِ فِتْنَةٌ يَطْلُبُونَ الْمَخْرَجَ مِنْهَا فَلَا يَجِدُونَهُ**؛ ای جابر قائم (ع) ظهور نفرماید تا اینکه مردم را در شام فتنه ای فرا گیرد در آن زمان به دنبال راه خروجی از آن فتنه گردند اما راهی نیابند». ^{۱۵}

کعب الاحبار در مورد فتنه شام گفته است: «**ثَلَاثُ فِتْنٍ تَكُونُ بِالشَّامِ : فِتْنَةُ إِهْرَاقَةِ الدِّمَاءِ ، وَفِتْنَةُ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَنَهْبِ الْأَمْوَالِ ، ثُمَّ يَلِيهَا فِتْنَةُ الْمَغْرِبِ وَهِيَ الْعَمِيَاءُ**؛ سه فتنه در شام بوقوع پیوندد 1- فتنه خونریزی 2- فتنه قطع رحم و غارت اموال 3- فتنه ی گور (و بی انتها) که از جانب غریبان هدایت شود». ^{۱۶} در روایت نقل شده از کعب الاحبار، شام در آخرالزمان دستخوش سه فتنه بزرگ خواهد بود، فتنه اول (إِهْرَاقَةُ الدِّمَاءِ) است که در آن خونریزی حاصل شود و آن اشاره ای است به اختلافات داخلی حکومت شام که باعث جنگ داخلی و کشته شدن افراد بسیاری از دوطرف میشود، در ادامه آن فتنه (قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَنَهْبِ الْأَمْوَالِ) قطع رحم و غارت اموال نیز بوجود می آید، قطع الأرحام اشاره ای است به خارج کردن بعضی از مسلمانان دیگری را از اسلام و محدود کردن دانستن خون و حلال شمردن اموالشان، سپس

¹⁴ الغيبة للنعماني ؛ النص ؛ ص 251 ب 14 ح 8

¹⁵ غيبة النعماني: ص 288 ب 14 ح 65

¹⁶ الفتن ابن حماد ؛ ص 155 ح 633

فتنه گوری که پایانی برایش متصور نیست بوسیله غریبان در شام حاصل شود (ثُمَّ يَلِيهَا فِتْنَةٌ الْمَغْرِبِ وَهِيَ الْعَمِيَاءُ) که نهایت آن به دخالت نظامی و خروج سفیانی وصل خواهد شود.

از کعب الاحبار روایت شده که او گفته است: « اِبْتَدَرَ اَهْلُ الْمَشْرِقِ وَاَهْلُ الْمَغْرِبِ الشَّامَ كَفَرَسَى رِهَانَ ، يَرَوْنَ اَنَّ الْمُلْكَ لَا يَتِمُّ اِلَّا لِمَنْ ضَبَطَ الشَّامَ ، كُلُّ يَقُولُ : مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا فَقَدْ حَوَى عَلَى الْمُلْكِ ؛ اهل مشرق و اهل مغرب مانند دو اسب مسابقه بسوی شام حرکت میکنند درگیری بر سر ملک و حکومت پایان نپذیرد مگر برای کسی که تسلط پیدا کند بر شام در آن زمان همه میگویند کسی که غلبه پیدا کند بر شام صاحب آن خواهد شد ». ^{۱۷} در کتاب فتن از کعب نقل شده است: « لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مَدَّةٍ حَتَّى يَقْرَعَ الرَّأْسُ ، فَإِذَا أُقْرِعَ الرَّأْسُ يَعْنِي : الشَّامَ - هَلَكَ النَّاسُ ، قِيلَ لِكَعْبٍ ، وَ مَا قَرَعُ الرَّأْسِ ؟ قَالَ : الشَّامُ تَخْرَبُ ؛ مردم هم‌چنان مهلت دارند تا آن‌گاه که «سر کوبیده شود»، وقتی که سر کوبیده شد مردم به هلاکت می‌افتند، سؤال شد: کوبیده شدن سر چیست؟ فرمود: شام خراب می‌شود ». ^{۱۸} روایات فوق شام را به منزله «الرأس» یعنی (سر) خاورمیانه به حساب آورده (فَإِذَا أُقْرِعَ الرَّأْسُ يَعْنِي : الشَّامَ - هَلَكَ النَّاسُ) و طبعاً هر نوع حادثه سیاسی که در شام رخ دهد، تاثیر مستقیم و حیاتی بر کل منطقه خواهد داشت، بنابراین تسلط بر شام بمنزله تسلط بر کل منطقه خاورمیانه خواهد بود، و بتبع آن هر حادثه‌ی دهشتناکی که در عراق ایران مصر عربستان یمن و ... می‌افتد رابطه مستقیمی با فتنه شام و حوادث واقع در آن خواهد داشت. و (سُرَّةُ الشَّامِ) یعنی مرکز و وسط منطقه شام همان پایتخت سوریه دمشق خواهد بود (سُرَّةُ الشَّامِ، يَعْنِي دِمَشْقَ) و با حفظ امنیت در دمشق امنیت کل منطقه بصورت نصبی پایدار خواهد ماند و در صورتی که دمشق در فتنه‌های سیاه مغرب زمین غرق شود و حاکمی دست‌نشانده غرب در آنجا بر سر کار آید فتنه‌های سیاه و تار تمام منطقه را فرا خواهد گرفت.

¹⁷ الفتن ابن حماد ؛ ص 176 ح 711

¹⁸ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 109 الباب 76 ح 89

در کتاب فتن نعیم بن حماد از کعب الاحبار نقل شده: « **إِذَا ظَهَرَ الْمَغْرِبُ عَلَى مِصْرَ فَبَطَنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا لِأَهْلِ الشَّامِ، وَيَلُّ لِلْجُنْدِيِّينَ؛ جُنْدِ فَلَسْطِينَ وَالْأُرْدُنِّ، ... ، وَصَاحِبِ الْمَغْرِبِ رَجُلٌ مِنْ كِنْدَةَ أَعْرَجٌ؛** هنگامی که (صاحب) مغرب در مصر ظاهر شود (جهت تجهیز سپاه) پس در آن روز برای اهالی شام دل زمین بهتر است از روی زمین وای بر دو سپاه (در آن زمان) سپاه فلسطین (اشغالی) و سپاه اردن ... در آن زمان حاکم مغرب مردی از تازیان بدخوی است.»^{۱۹} سعید بن یزید از زهری نقل میکند: « **إِذَا دَخَلَتِ الرَّايَاتُ الصَّفْرُ مِصْرَ فَاجْتَمَعُوا فِي الْقَنْطَرَةِ، أَنْتَظِرُوا حَتَّى يَسْتَجِيشَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ وَيَقْتَتِلُونَ بِهَا سَبْعًا، يَكُونُ بَيْنَهُمْ مِنَ الدَّمَاءِ مِثْلَمَا كَانَ فِي جَمِيعِ الْفِتَنِ، ثُمَّ تَكُونُ الدَّبْرَةُ عَلَى أَهْلِ الْمَشْرِقِ حَتَّى يُنْزِلُوهُمْ الرَّمْلَةَ؛** هنگامی که پرچمهای زرد وارد قَنْطَرَةَ^{۲۰} (مصر) شدند در آنجا جمع شوند و منتظر میمانند تا سپاهیان اهل مشرق و اهل مغرب نیز برای جنگ جمع شوند جنگ آنها در قَنْطَرَةَ بمدت یک هفته بطول می انجامد بگونه ای که بین آنها آنقدر خون ریخته میشود که در تمام فتنه ها به همان مقدار خون ریخته شده بود سپس اهل مشرق عقب نشینی میکنند تا اینکه آنها (پرچمهای زرد) در رمله فرود میایند.»^{۲۱} حسان و غیره گفته اند که گذشتگان اینگونه بیان کرده اند: « **إِذَا بَلَغَتِ الرَّايَاتُ الصَّفْرُ مِصْرَ، فَاهْرُبْ فِي الْأَرْضِ جُهْدَكَ هَرَبًا، وَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّهُمْ نَزَلُوا الشَّامَ وَ هِيَ السَّرَّةُ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلْتَمِسَ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ أَوْ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ فَافْعَلْ؛** هنگامی که پرچمهای زرد رنگ به مصر برسد پس باید در فرار کردن جهد و کوشش کنی بخاطر جنگهایی که در زمین بوقوع میپیوندد پس هنگامی که خبردار شدی آنها

^{۱۹} الفتن ابن حماد ؛ ص 183 ح 743

^{۲۰} قَنْطَرَةَ: [قنطر]: مص - ج قَنَاطِرٍ: پُلّ که بر روی آب زنند، ساختمان بلند، ساختمانی که به شکل کمان (قوس) باشد. قنطره شرق شهری واقع در شمال شرقی کشور مصر و در سمت شرق کانال سوئز است. این شهر که در استان اسماعیلیه قرار دارد در فاصله ۱۶۰ کیلومتری شمال شرق قاهره و در ۵۰ کیلومتری جنوب پورت سعید قرار دارد.

^{۲۱} الفتن ابن حماد ؛ ص 176 ح 713

فرود آمدند در پایتخت شام (از شدت بلاء) اگر توانستی نردبانی بسازی و به آسمان بروی و یا در زمین چاهی بکنی و در آنجا قرار بگیری این کار را بکن.»^{۲۲} در کتاب فتن نعیم بن حماد از عبد الله بن عمر نقل کرده است: « **إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَالرَّايَاتُ الصُّفْرُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى يَلْتَقُوا فِي سُرَّةِ الشَّامِ، يَعْنِي دِمَشْقَ، فَهَنَالِكَ الْبَلَاءُ، هُنَالِكَ الْبَلَاءُ؛** هنگامی که پرچمهای سیاه از مشرق پیشروی کردند و پرچمهای زرد نیز از سمت مغرب پیشروی کردند تا اینکه در (سُرَّةِ الشَّامِ) مرکز شام^{۲۳} یعنی دمشق باهم درگیر شدند پس آن موقع هنگام بلاست پس آن موقع هنگام بلاست.»^{۲۴} در کتاب فتن نعیم بن حماد از ارطاه نقل کرده است: " **إِذَا اصْطَكَّتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرُ وَالسُّودُ فِي سُرَّةِ الشَّامِ فَالْوَيْلُ لِسَاكِنِهَا مِنَ الْجَيْشِ الْمَهْزُومِ، ثُمَّ الْوَيْلُ لَهَا مِنَ الْجَيْشِ الْهَازِمِ، وَيْلٌ لَهُمْ مِنَ الْمُسَوِّهِ الْمَلْعُونِ؛** هنگامی که پرچمهای زرد و پرچمهای سیاه در مرکز شام باهم درگیر شدند پس وای بر ساکنان پایتخت شام در آن زمان از جیش مهزوم فرار کننده و جیش هازم پیروز شونده و آن مُسَوِّهِ زشت روی ملعون (یعنی سفیانی)!"^{۲۵}

از روایات شیعه و سنی چنین فهمیده می‌شود که سرانجام در این فتنه، دهشتناک (**فَهَنَالِكَ الْبَلَاءُ، هُنَالِكَ الْبَلَاءُ**) دمشق فتح میشود و کار به نفع سفیانی که حاکمی عرب و طرفدار غرب است خاتمه می‌یابد، آنهم با حمله نیروهای غربی به پایتخت شام یعنی دِمَشْقَ، عبد الله بن مسعود میگوید: رسول خدا (ص) برای ما فرمود: « **وَ فِتْنَةٌ مِنْ بَطْنِ الشَّامِ، وَ هِيَ فِتْنَةُ السُّفْيَانِيِّ؛**

²² الفتن ابن حماد ؛ ص 160 ح 744

²³ **سُرَّةٌ** : ج سُرَّات و سُرَر: بمعنی ناف که در میان شکم قرار دارد ، منفذ تغذیه ی جنین در رحم ؛ « سُرَّةُ الْوَادِي »: میان درّه ، بهترین جای درّه ؛ « سُرَّةُ الْحَوْضِ »: جای گرد آمدن آب در ته حوض ؛ « سُرَّةُ الْبَلَدِ »: مرکز شهر ؛ « سُرَّةُ الْفَرَسِ » (فک): نام ستاره ایست در آسمان ؛ « امْرَأَةٌ سُرَّةٌ »: زنی که مردم را شاد کند .

²⁴ الفتن ابن حماد ؛ ص 161 ح 750

²⁵ الفتن ابن حماد ؛ ص 186 ح 760

فتنه که از دل شام (پایتخت) بیرون آید و آن فتنه سفیانی است.»^{۲۶} طبرانی در کتاب معجم کبیر خود از عوف بن مالک نقل میکند که رسول خدا (ص) فرمودند: ... در آن روزگار است که گروهی از مردم پناه میبرند به یکی از شهرهای شام که به آن دمشق گفته میشود و آن از بهترین شهرهای شام است سپس دشمنانشان آنها را محاصره میکنند، عوف گوید سوال کردم: «**وَهَلْ يُفْتَحُ الشَّامُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَشِيكًا، ثُمَّ تَقَعُ الْفِتْنُ بَعْدَ فَتْحِهَا، ثُمَّ تَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءُ مُظْلِمَةٌ، ثُمَّ يَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضَهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ أَدْرَكَتَهُ فَاتَّبَعَهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛** آیا شام هم فتح میشود؟ حضرت فرمودند: بله بشکلی عجیب. سپس فتنه ها بعد از فتح شام رخ میدهد. سپس بعد از آن فتنه تاریکی های پراکنده شکل میگیرد سپس فتنه ها یکی بعد از دیگری بوقوع میپیوندند تا اینکه مردی از اهل بیت من که به آن مهدی گفته میشود خروج کند پس تو اگر او را درک کردی تبعیتش کن و یکی از هدایت یافتگان باش.»^{۲۷}

در روایات بیان شده وقتی که سپاهیان مغربی به مصر میرسند مردم شام باید در فرار کردن جهد و کوشش نمایند و زیر زمین از روی زمین برای آنها بهتر است: **(فَبَطْنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا لِأَهْلِ الشَّامِ)** در چنین زمانی سپاهیان مشرق تجهیز نیرو کرده با اهل مغرب بمدت یک هفته جنگی نمایند که خونهای ریخته شده در آن از جمیع فتنه های بیشتر است **(حَتَّى يَسْتَجِيشَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ وَيَقْتَتِلُونَ بِهَا سَبْعًا، يَكُونُ بَيْنَهُمْ مِنَ الدِّمَاءِ مِثْلَمَا كَانَ فِي جَمِيعِ الْفِتَنِ)** سپس جیش مغربی پیروز شده حرکت کرده در رمله فلسطین اشغالی اردو میزنند، جهت حمله به پایتخت شام (دمشق) در این حمله دو کشور (اسرائیل و اردن) با حمایت حاکم مغرب جنگ را پیش میبرند **(وَيَلُّ لِلْجُنْدِيِّينَ: جُنْدِ فِلَسْطِينَ وَالْأَرْدُنِّ، ... ، وَصَاحِبِ الْمَغْرِبِ رَجُلٌ مِنْ كِنْدَةَ أَعْرَجٌ)** و هنگامی که سپاهیان پیشروی خود را آغاز نمودند و

²⁶ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 67 ح 5

²⁷ إحقاق الحق و إزهاق الباطل: ج 29 ص 191: نقلا من المعجم الكبير للطبرانی رقم الحديث: 14536

توانستند پایتخت شام یعنی دمشق را فتح نمایند مردم باید چنین دستور العملی را اجرا نمایند: **(فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلْتَمِسَ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ أَوْ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ فَافْعَلْ)**، اگر توانستی نردبانی بسازی و به آسمان بروی و یا در زمین چاهی بکنی و در آنجا قرار بگیری این کار را بکن) عبارت: **(نَفَقًا فِي الْأَرْضِ)** نشان دهنده حفر چاه هائی است که جهت در امان ماندن از آسیب های بمبهای اتمی کاربرد دارد.

*2: كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر ؛ ص 216 : باب ما جاء عن أمير المؤمنين ع ما يوافق هذه الأخبار و نصه على ابنه الحسن و الحسين ع : حدثني علي بن الحسين بن مندة قال حدثنا محمد بن الحسن الكوفي المعروف بأبي الحكم قال حدثنا إسماعيل بن موسى بن إبراهيم قال حدثني سليمان بن حبيب قال حدثني شريك عن حكيم بن جبير عن إبراهيم النخعي عن علقمة بن قيس قال: خطبنا أمير المؤمنين ع على منبر الكوفة خطبته للؤلؤة فقال : **« وَ تَعْمَلُ الْقُبَّةُ الْغَبْرَاءُ ذَاتُ الْفَلَاءِ الْحَمْرَاءِ وَ فِي عَقِبِهَا قَائِمُ الْحَقِّ يُسْفِرُ عَنْ وَجْهِهِ بَيْنَ أَجْنِحَةِ الْأَقَالِيمِ بِالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ الدَّرِّيَّةِ أَلَا وَ إِنَّ لِيخْرُوجِهِ عِلَامَاتٍ عَشْرَةَ أَوْلَهَا طُلُوعُ الْكَوْكَبِ ذِي الذَّنْبِ وَ يُقَارِبُ مِنَ الْجَارِي وَ يَقَعُ فِيهِ هَرَجٌ وَ شَغَبٌ »**.

امیرالمومنین در منبر کوفه خطبه ایراد فرمودند خطبه ای که معروف است به لؤلؤه در آن خطبه علی (ع) بعد از ذکر ملوک 24 گانه بنی العباس فرمودند : « آنچه که دارای گنبد تیره و غبار آلود بهمراه بیابانی از قرمزی است روی دهد و در گردن (انتها) آن قائم به حق خواهد بود. (در آن زمان قائم الحق) به طور آشکار پرده از روی خود برداشته و میان اقلیمها همچون ماه نورانی در بین ستارگان در افشان ظاهر می شود. آگاه باشید که برای خروج قائم الحق ده علامت است: اولین آن علامتها طلوع ستاره دنباله دار است که از مجاری نزدیک می شود، و در آن زمان فتنه و آشوب واقع می شود.»²⁸

²⁸ - التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 270 ح 392 : **وَ تَمَّتِ الْفِتْنَةُ الْغَبْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْحَمْرَاءُ، وَ فِي عُنُقِهَا قَائِمُ الْحَقِّ، ثُمَّ اسْفَرَّ عَنْ وَجْهِهِ بَيْنَ أَجْنِحَةِ الْأَقَالِيمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ الدَّرَارِيِّ** ؛ زمانی که فتنه تیره و غبارآلود و گردن بند قرمز رنگ تمام شد در گردن (انتها) آن (فتنه) قائم به حق خواهد بود.

توضیح : روایت مذکور به چهار شکل مختلف در کتب شیعه نقل شده است که این تفاوت در نقل آسیبی به ماهیت و مقصود امام علی (ع) وارد نمیسازد. تفاوت در این بخش از روایت است در نقل صاحب کفایه الأثر: **(وَ تَعْمَلُ الْقُبَّةُ الْغَبْرَاءُ ذَاتُ الْفَلَاءِ الْحَمْرَاءِ)** در نقل صاحب التعریف بالفتن: **(وَ تَمَّتِ الْفِتْنَةُ الْغَبْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْحَمْرَاءُ)** و در نقل صاحب مشارق أنوار الیقین: **(ثمَّ الْفِتْنَةُ الْحَمْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْغَبْرَاءُ)** آمده است.

الْقُبَّةُ: [قُبُّ بَب] (ع | ا) قبه. برآمدگی هر چیز را گویند. بنای گرد برآورده چون گنبد. هرچه مثل گنبد سازند، چون قبه سپر. گنبد. و ... **الْغَبْرَاءُ:** مؤنث (الأغْبَر) است غبراء و غبیراء گیاهی است دشتی و گویند غبراء درخت و غبیراء میوه آن است و آن میوه ای است خوردنی و باز گویند غبیراء درخت و غبراء میوه آن است بعکس، جمع و مفرد آن یکی است غَبْر : م غَبْرَاء ، ج غُبْر [غبر]: آنچه که به رنگ تیره باشد ، آنچه که در وصف گرسنگی سخت باشد ؛ « الجوعُ الأَغْبَرُ وَ المَوْتُ الأَحْمَرُ »: قحطی سخت و مرگ سرخ . سَنَةُ غَبْرَاءَ «: سال قحطی . أَغْبَرًا : إغْبَارًا [غبر]: به رنگ تیره در آمد ، گرد و خاک برانگیخت. **الْقِلَادَةُ:** گردن بند، گلوبند، آنچه بگردن آویزان کنند. **الْفَلَاءُ:** دشت بی آب و علف و گیاه یا بیابان بی آب یا صحرای وسع و فراخ . **الْحَمْرَاءُ:** مؤنث احمر، سرخ - رنگ و سختی گرما، به حسب ظاهر آنچه از عبارت:

(در آن زمان قَائِمُ الْحَقِّ) به طور آشکار پرده از روی خود برداشته و میان اقلیمها همچون ماه نورانی در بین ستارگان دُر افشان ظاهر می‌شود.

- مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ؛ ص 262 : **ثُمَّ الْفِتْنَةُ الْغَبْرَاءُ ، وَ الْقِلَادَةُ الْحَمْرَاءُ فِي عُنُقِهَا قَائِمُ الْحَقِّ ، ثُمَّ أَسْفَرَ عَنْ وَجْهِ بَيْنَ أَجْنِحَةِ الْأَقَالِيمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ ؛** سپس فتنه تیره و غبارآلود و گردن بند قرمز رنگ روی دهد و در گردن (انتهاه) آن (فتنه) قائم به حق خواهد بود.

- مناقب آل أبي طالب ج 2 ص 308 ، ط، بیروت دار الأضواء : **ثُمَّ الْفِتْنَةُ الْحَمْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْغَبْرَاءُ فِي عُنُقِهَا قَائِمُ الْحَقِّ ؛** سپس فتنه قرمز رنگ و گردن بند تیره و غبارآلود روی دهد که در گردن (انتهاه) آن (فتنه) قائم به حق خواهد بود.

(الْقُبَّةُ الْغَبْرَاءُ ذَاتُ الْفَلَاءِ الْحَمْرَاءُ ؛ كُنْبَدِ تِيرِه و غُبَارِ آلُودِ بِهْمَرَاهِ بِيَابَانِي از قرمزی) که و نقل های مختلف فهمیده میشود این است که آن احتمالاً وقوع یک حادثه اتمی پیش از خروج قائم بحق (ع) است شاید بدان جهت که سببی شود برای تضعیف نظام های فدرتمند و خطرناک جهان در آستانه قیام قائم (ع) و شاید آن حادثه سببی شود برای استفاده نکردن از این سلاح در دوران قائم بحق و یا حتی نابودی و ازبین بردن تسلیحات کشتار جمعی. (الله يعلم)



*3: الغيبة للنعماني 253: ب 14 ح 13 : أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقده، قال: حدثني أحمد بن يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفي من كتابه، قال: حدثنا إسماعيل بن مهران، قال: حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه و وهيب بن حفص، عن أبي بصير، عن أبي جعفر محمد بن علي عليهما السلام أنه قال: « إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ عِ انْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ».

ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «هنگامی که آتشی بزرگ شبیه به هُرْدِی - شبیه به بوته زعفران رنگ زرد و سرخ - مشاهده کردید که از [جانب] مشرق سه روز یا هفت روز طلوع کرد توقع فرج آل محمد (ع) را داشته باشید، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ** که خداوند عزیز و حکیم است».

توضیح : در روایت بیان شده است آتشی از سمت مشرق که مشخص نیست آن مشرق کدام قسمت را شامل میشود به مدت سه تا هفت روز طلوع مینماید از ویژگی های این آتش چنین است که شبهه **الْهَرْدِی** می باشد و معنای **الْهَرْدِی** در لغت نامه چنین بیان شده است: **هَرْدِی**: آنچه که با رنگ زرد رنگ آمیزی شده باشد . **هَرْدِی** : نام گیاهی است که نی هندی از آن درست میشود نی که حاتی چتر مانند دارد . **هَرْد** : گل سرخ ، رنگ زرد که ریشه گیاهی داشته باشد ، زردچوبه . **هَرَد** : **هَرْدَاءُ** : آنرا درید و پاره کرد ، آنرا پاره و نابود کرد - **اللَّحْم** : گوشت را پخت بطوریکه از هم پاشیده شد.

بنابراین عبارت آتش شبهه **الْهَرْدِی العظیم** که در روایت آمده است، اشاره ایست به حالتی که در انفجارهای اتمی حاصل میشود، و طلوع سه روزه یا هفت روزه آن میتواند اشاره به مدت زمان این جنگ اتمی باشد که در مشرق زمین بوقوع میبویند. بعضی نیز این حادثه را به فوران آتش فشانی تعبیر کرده اند که در مشرق بوجود می آید و بمدت سه تا هفت روز متوالیاً فوران می نماید. (الله يعلم)

*4: الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 8 ؛ ص 177 **كِتَابُ الرَّوْضَةِ خُطْبَةُ لِمَیْرِ الْمُؤْمِنِينَ ع ح 198** - سهل بن زیاد عن بكر بن صالح عن محمد بن سنان عن معاوية بن وهب قال: **« تَمَثَّلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع بَبِيْتِ شِعْرِ لِابْنِ أَبِي عَقِبٍ: وَ يُنْحَرُ بِالزَّوْرَاءِ مِنْهُمْ لَدَى الضُّحَى ثَمَانُونَ أَلْفًا مِثْلُ مَا تُنْحَرُ الْبُدُنُ [و روی غیره: الْبُزْلُ]. ثُمَّ قَالَ لِي: تَعْرِفُ الزَّوْرَاءَ؟ قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَقُولُونَ إِنَّهَا بَغْدَادُ. قَالَ: لَا. ثُمَّ قَالَ ع: دَخَلَتِ الرَّيَّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: آتَيْتَ سَوْقَ الدَّوَابِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: رَأَيْتَ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ تِلْكَ الزَّوْرَاءُ. يُقْتَلُ فِيهَا ثَمَانُونَ أَلْفًا مِنْهُمْ ثَمَانُونَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ كُلُّهُمْ يَصْلُحُ لِلْخِلَافَةِ. قُلْتُ: وَ مَنْ يَقْتُلُهُمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: يَقْتُلُهُمْ أَوْلَادُ الْعَجَمِ ».**

از معاویه بن وهب گوید امام صادق (ع) بیک بیت از شعر ابن ابی عقب تمثل جست:

| | |
|---|--|
| وَ يُنْحَرُ بِالزَّوْرَاءِ مِنْهُمْ لَدَى الضُّحَى | ثَمَانُونَ أَلْفًا مِثْلُ مَا تُنْحَرُ الْبُدُنُ |
| أَوَائِلِ صَبْحٍ فِي زَوْرَاءٍ كَشْتَه مِثْلُ شَدْنِ شَتْرٍ | هشتاد هزار نفر مثل کشته شدن شتر |

در روایت دیگر بجای کلمه البدن البزل آمده است و آن بمعنی شتران قوی و نیرومند است.²⁹ گوید من گفتم: قربانت می گوید زوراء همان بغداد است، فرمود: نه، سپس فرمود: تو به ری رفته‌ای؟ گفتم: آری، فرمود: ببازار چارپایان رفتی؟ گفتم: آری. فرمود: آن کوه سیاه را که سمت راست جاده است دیده‌ای؟ آنجا زوراء است، که در آن 80 هزار نفر کشته شوند و 80 مرد از آنها که از فرزندان فلانند و همگی شایسته خلافت دارند کشته می شوند. گفتم: قربانت کردم چه کسی آنها را میکشد؟ فرمود: عجم زاده‌ها آنها را میکشند.

توضیح: در روایت فوق امام صادق (ع) منظور خود را از زوراء که معروف به بغداد است ری معرفی نموده که احتمالاً مراد و قصد ایشان از چنین تشبیه‌ی اشاره به پایتختی و مقر خلافت بودن ری است در آن زمان که چنین حادثه‌ی در آخرالزمان روی دهد (يُقْتَلُ فِيهَا ثَمَانُونَ أَلْفًا مِنْهُمْ ثَمَانُونَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ كُلُّهُمْ يَصْلُحُ لِلْخِلَافَةِ) حادثه‌ای که در آن هشتاد هزار نفر بوسیله اولاد عجم یا باصطلاح غریبون کشته میشوند کشته شدن هشتاد هزار نفر یک امر عادی نیست و فقط بوسیله تسلیحات کشتار جمعی امکان پذیر است در بین این هشتاد هزار نفر هشتاد مرد از ولد فلان که اشاره‌ی است به خبرگانی که صلاحیت انتخاب خلیفه را دارا میباشند نیز کشته میشوند عبارت (كُلُّهُمْ يَصْلُحُ لِلْخِلَافَةِ) اشاره‌ی صریح است به نخبه بودن آنها جهت خلیفه شدن یا انتخاب خلیفه. شاید بیان چنین نکته‌ی در روایتی که بحث اصلی آن کشته شدن هشتاد هزار نفر از اهالی ری است برای این بوده که حضرت علت این کشتار وسیع

²⁹ - نحر: گلوبریدن، شترکشتن، قربانی کردن، ضحی: چاشتگاه، هنگام برآمدن آفتاب. بدن: ج ابدان:

بدن: جسم انسان. بزل: مص، سختی

را بیان فرموده باشند که آنها اختلافات داخلی آن دیار است بر سر انتخاب خلیفه ری که همزمان است با خروج سفیانی از این روست که در روایتی معروف از امیرالمومنین علی (ع) در مورد حوادث ری در آخرالزمان چنین بیان شده است: « **وَأَمَّا الرَّيُّ فَإِنَّهَا مَدِينَةٌ افْتَتَتْ بِأَهْلِهَا، وَبِهَا الْفِتْنَةُ الصَّمَاءُ مُقِيمَةٌ، ... ، وَلَيَقْتَلَنَّ بِالرَّيِّ عَلِيُّ بَابِ الْجَبَلِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلْقٌ كَثِيرٌ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا مَنْ خَلَقَهُمْ، وَلَيَصِيبَنَّ عَلِيٌّ بَابِ الْجَبَلِ ثَمَانِيَةَ مِنْ كُبْرَاءِ بَنِي هَاشِمٍ كُلِّ يَدْعَى الْخِلَافَةَ، ... ، وَلَيَصِيبَنَّ أَهْلَ الرَّيِّ فِي وِلَايَةِ السُّفْيَانِيِّ قَحْطٌ وَجَهْدٌ وَبَلَاءٌ عَظِيمٌ ؛** و اما ری آن شهری است که بوسیله اهالیش مورد فتنه قرار میگیرد و در آن فتنه سیاهی خفته و پایدار است. ... بتحقیق که در آخرالزمان در دروازه کوه ری، مردم بسیاری که شمارشان را جز آفریدگارشان کسی نمی داند کشته می شوند. و همچنین بر دروازه کوه ری به هشتاد نفر از بزرگان بنی هاشم که هر کدامشان دعوی خلافت و ولایت دارد دست یافته (آنها را میکشند). ... و حقیقتاً به اهالی شهر ری در دوران ولایت سفیانی قحطی و سختی و مصیبتی بزرگ وارد خواهد شد.»³⁰

علی ابن ابراهیم بن مهزیار از ملاقات خود با امام مهدی (ع) گوید که به حضرت عرض کردم: یابن رسول الله! آن واقعه «**قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ**» چه زمانی روی خواهد داد؟ فرمود: «**إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ بِأَقْوَامٍ لَا خَلْقَ لَهُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْهُمْ بَرَاءٌ وَظَهَرَتِ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ ثَلَاثًا فِيهَا أَعْمِدَةٌ كَأَعْمِدَةِ اللَّجَيْنِ تَتَلَأَأُ نُورًا وَ يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرِبِجَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَاحِمَ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرَ لَزِيْقِ جَبَلِ طَالِقَانَ فَيَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَةٌ صَيْلَمَانِيَّةٌ يَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَهْرَمُ مِنْهَا الْكَبِيرُ وَ يَطْهَرُ الْقَتْلُ بَيْنَهُمَا فَعِنْدَهَا تَوَقَّعُوا خُرُوجَهُ إِلَى الزَّوْرَاءِ ؛** هنگامی که مردمی بدسیرت که از دین و ایمان بهره‌ای ندارند و خدا و رسول خدا از آنها بیزارند راه کعبه را بر شما ببندند، و سرخی در آسمان سه بار پدید آید، که در میان آن سرخی عمودی است که آن عمود مانند نقره نورش تلاً می نماید،

³⁰ الفتوح: ج 2 ص 78-81

و خروج شروسی از بلاد اَرْمِیْنِیَّة و آذَرَبِیْجَان، به قصد کوه سیاه پشت شهر ری که متصل به کوه سرخ و چسبیده به کوه های طَالَقَان است، و میان شروسی و مَرُوْزِی، جنگ بسیار سختی واقع شود که کودکان را پیرو اشخاص بزرگ را فرسوده کند و از دو طرف جمعی کشته شوند و کشته‌ها در میان آن دو زیاد شود. در آن موقع منتظر باشید که شروسی به طرف زَوْرَاء (بغداد) خروج نماید.»^{۳۱}

ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت کرده که پدرم (امام باقر) به من فرمود: « **لَا بُدَّ لِنَارٍ مِّنْ آذَرَبِیْجَانٍ لَا یَقُومُ لَهَا شَیْءٌ فَإِذَا كَانَ ذَٰلِكَ فَکُونُوا أَحْلَاسَ بُیُوتِکُمْ وَ الْبُدُوءَا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّکَ مُتَحَرِّکُنَا فَاسْعُوا إِلَیْهِ وَ لَوْ حَبُوءًا وَ اللَّهُ لَکَانِی أَنْظِرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرَّکْنِ وَ الْمَقَامِ یَبَیْعُ النَّاسَ عَلَی کِتَابٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ قَالَ وَ وِیْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ ؛** لاجرم باید آتشی از آذربایجان برافروزد که چیزی در برابرش نتواند ایستاد، پس چون چنین شود در خانه‌های خود بمانید و تا زمانی که ما آرام هستیم شما نیز آرام باشید، **فَإِذَا تَحَرَّکَ مُتَحَرِّکُنَا فَاسْعُوا إِلَیْهِ وَ لَوْ حَبُوءًا**، و چون حرکت کننده از ما (اهل بیت) به فعالیت پرداخت به سوی او بشتابید اگر چه بر سر زانوان، به خدا سوگند گوئی من هم اکنون بدو می‌نگرم که در میان رکن و مقام از مردم بر فرمانی جدید که بر عرب سخت گران است بیعت می‌گیرد، فرمود: **وَ وِیْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ**، و وای بر عرب از شری که به زودی فرا می‌رسد.»^{۳۲} عبد الله بن ضمیره از کعب الأحمربار نقل کرده که او گفت: « **ثُمَّ یَظْهَرُ بَعْدَ غَیْبَتِهِ مَعَ طُلُوعِ النَّجْمِ الْأَحْمَرِ وَ خَرَابِ الزَّوْرَاءِ وَ هِیَ الرَّیُّ وَ خَسْفِ الْمَزُورَةِ وَ هِیَ بَغْدَادُ وَ خُرُوجِ السُّفْیَانِیِّ وَ حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْنَانِ اَرْمِیْنِیَّةِ وَ آذَرَبِیْجَانِ** ^{۳۳} **تِلْكَ حَرْبٌ یُقْتَلُ فِیْهَا الْوَفُّ وَ الْوَفُّ کُلُّ یَقْبِضُ عَلَی سَیْفٍ مُحَلِّی تَخْفِقٌ عَلَیْهِ رَآیَاتٌ سُوْدٌ تِلْكَ حَرْبٌ یَشُوبُهَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ الْأَغْبَرُ ؛** سپس بعد از غیبتش

³¹ کمال الدین و تمام النعمة ؛ ج 2 ؛ ص 465 ؛ باب 43 ح 22

³² الغیبة للنعمانی ؛ النص ؛ ص 263 ؛ باب 14 ح 24

³³ ای جیش الغرب و التترک من جهت اَرْمِیْنِیَّة و آذَرَبِیْجَان

ظاهر میشود ظهوری که همراه است با طلوع ستاره سرخ و خرابی الزَّوْرَاءِ که همان ری باشد، و فرو رفتن الْمُزَوَّرَةِ که همان بغداد باشد، و خروج سفیانی، و جنگ فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان (یعنی جنگ فرزندان عباس با سپاهیان غرب و ترک از جهت ارومیه و آذربایجان) چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد، تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ پرچمهای سیاه (مهدوی) بخاطر آن جنگ به اهتزاز در آید، آن جنگی است که با مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک آمیخته است».^{۳۴}

*5: مع العبد الصالح ج 2 باب (ماتت وهی تبکی علی الأولاد!) قال السيد احمد الحسن (ع): «**عام 2006 عندما خرجنا من البيت الذي كانت فيه الوالدة (رحمها الله)، ولم تتمكن من العودة بسبب شدة طلب الظالمين، رأيت رؤيا وأنا في النجف في البيت الأخير الذي هجم عليه الظالمون واضطرونا للخروج، رأيت رؤيا: إني كنت أفق في مكان ما، ورأيت أنه حدث انفجار كبير كأنه نووي بحيث مات خلق كثير جداً، يعني ربما مات نصف الناس أو بعض الأماكن خليت من البشر. وبعد هذا وقفت وكنت ألبس ملابس عسكرية، وأحمل راية كبيرة ومهمّة جداً، وكنت أسير شمالاً رغم أنني كنت في منتصف العراق**».

سید احمد الحسن (ع) در کتاب همگام با عبد صالح فرمودند: « سال 2006 وقتی از خانه ای که به همراه مادرم در آن زندگی میکردم، خارج شدیم و به سبب طلب شدید ظالمان نمیتوانستیم دیگر به آنجا بازگردیم، رؤیایی دیدم و گویا در نجف و در آخرین خانه ام که ظالمان بدان هجوم بُرده و مجبور به ترک آن شدیم بودم، رؤیایی دیدم: در مکانی ایستاده بودم و دیدم که انفجار اتمی عظیمی اتفاق افتاد (**انفجار کبیر كأنه نووی**)، به قدری شدت داشت که بیشتر مردم کشته شدند، چه بسا نصف مردم یا بعضی از اماکن خالی از بشر شد و بعد از آن

³⁴ الغيبة للنعماني ؛ النص ؛ ص 145 ؛ باب 10 ح 4

ایستادم و لباس رزمی به تن کردم و درفش بزرگ و خیلی مهم را حمل کردم و داشتم به سوی شمال حرکت میکردم (یعنی سوریه: دمشق) به رغم اینکه در میان عراق بودم.»

*6: الجواب المنير عبر الأثير (الجزء الثاني) سوال 107 : كتب السيد احمد الحسن (ع): « الجيش الأمريكي لم ولن يكون في يوم من الأيام داعية سلام، فنحن لا نعرف في هذه الأرض إلى الآن أحداً استعمل القنابل النووية وأباد شعوباً بأكملها غير الجيش الأمريكي، وإذا كان هناك عاقل يحترم عقله، فسيقول إنَّ الخطر الحقيقي الذي يهدد أهل الأرض هو امتلاك الجيش الأمريكي للسلاح النووي؛ لأنه استعمله فيما مضى ولا أحد يضمن أن لا يستعمله الجيش الأمريكي في المستقبل، وإذا كانت الدول التي تمتلكه ومنها أمريكا لا تريد استعماله لماذا لا تتخلى عنه. ثم أي عاقل يحترم عقله، يستطيع أن يرى بوضوح أن الشر والشيطان اليوم يتمثل بالجيش الأمريكي وبتنظيم القاعدة (قاعدة الشيطان) .»

سید احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنیر جلد 2 سوال 107 نوشتند: « نیروهای آمریکایی حتی یکروزه هم در پی برقراری امنیت نبود و نیستند و ما تا امروز کسی را جز نیروهای آمریکا در زمین نمیشناسیم که از سلاحهای هسته ای استفاده و گروهی از مردم را به طور کامل نابود نموده باشد. پس اگر عاقلی باشد که به عقل خود احترام بگذارد ، خواهد گفت که خطر حقیقی که اهل زمین را تهدید میکند مالکیت نیروهای آمریکا بر سلاحهای هسته ای است زیرا این نیروها در گذشته این سلاحها را استفاده کرده اند و کسی ضمانت نکرده است که آنان از این سلاحها در آینده استفاده نکنند . و اگر دولتهای صاحب این سلاحها نمیخواهند از آنها استفاده کنند ، چرا خود را از این سلاحها پاک نمیکنند؟ آری ان عاقلی که به عقل خود احترام بگذارد ، میتواند به وضوح ببیند که شر و شیطان در سپاه آمریکا و سازماندهی القاعده (قاعده الشيطان) نمایان شده است .»

*7: صفحة الرسمية بالفيسبوك 23/ رجب / 1438 كتب السيد احمد الحسن (ع): « خطوات ترمب الاقتصادية تحتاج تمويل خارجي ورؤوس أموال تدخل لأمريكا. الحرب أو التهديد بشبح حرب حل

أمثل، خصوصا إذا كانت بعيدة عن حدود أمريكا وفي منطقة شرق اسيا ومحيطها والتي جذبت ولا تزال تجذب رؤوس الأموال وبالتالي فهي محفظة مالية ضخمة يمكن ان تفتحها الحرب او شبحتها او على الأقل فإنها ستوقف هجرة رؤوس الأموال اليها. وربما تنتقل كميات من رؤوس الأموال الى أمريكا بالنسبة لنا الامر واضح وجلي ولهذا فمع تصاعد التهديد بحرب نووية قد تضر كل سكان الأرض فإننا امام الله والناس اجمعين نحمل الحكومة الامريكية المسؤولية التاريخية والأخلاقية لأنها تدفع وبقوة بهذا الاتجاه مع دكتاتور متسلط على الشعب الكوري الشمالي».

سيد احمد الحسن (ع) در صفحه رسمي فيسبوك خود نوشتند: « عمليات اقتصادي ترامپ نیازمند دست اندازی خارجی به اموالی است که سردمداران آمریکایی در آن دخالت میکنند. و راه حل جذب این سرمایه های خارجی را مثلا در بوجود آوردن جنگ یا شبیه به جنگ میدانند، خصوصا زمانی که این جنگها بسیار دور از مرزهای آمریکا باشد مثلا در منطقه شرق آسیا و اطراف آن تا به این شکل اموالی را که جذب کرده اند و میکنند را تامین کنند. و این امر شبیه به یک محل برای جمع آوری سرمایه های زیاد میشود که جنگ و یا شبیه به جنگ میتواند آن محفظة مالی را بازگشایی کند. و یا لاقلا (این دستاندازی های خارجی) عاملی باشد برای حفظ سرمایه های انتقالی آمریکا سرمایه هائی که شاید بتوانند آنها را به امریکا منتقل کنند. اما از موضع ما قضیه روشن و واضح است و به این دلایل (که ذکر شد) و با بالا گرفتن تهدیدات جنگ هسته ی که ضررش به همه اهل زمین میرسد ما در مقابل همه مردم مسئولیت تاریخی و اخلاقی این عمل (جنگ هسته ی) را بر دوش آمریکا قرار میدهیم چرا که ترامپ با قدرت و با این روش میخواهد بر مردم و دیکتاتوری کره شمالی مسلط شود».^{۳۵}

³⁵ - توجه: روایات در خصوص جنگها و اختلافات آخرالزمان بسیار زیاد است و ذکر همه آنها در این کتاب امکان پذیر نیست و ما را از جهت اصلی خارج میسازد لذا موضوع اختلاف شدید در میان اهل مشرق و اهل مغرب و اهل قبله را خاتمه داده و علاقه مندان را به کتاب تفصیلی غیبت ارجاع میدهیم.

• 2- لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ:



روزگاری همین که ستاره دنباله داری در آسمان پیدا میشد، مردم از ترس به خود میلرزیدند. آنان میپنداشتند که ستارگان دنباله دار پیکها و علائم بلا هستند و رسیدن بلا و وبا، یا جنگ و مرگ را از پیش آگهی میدهند. تقریباً در هر ده سال، یک بار دنباله داری درخشان در آسمان دیده شده و دنباله های نورانی آنها هفته ها قابل مشاهده میباشند. اخترشناسان صدها دنباله دار را شناسایی کرده اند. هر سال 24 دنباله دار به محدوده ما در منظومه شمسی میآیند. روشنایی این دنباله دارها به حدی نیست که بدون تلسکوپ مشاهده شوند. عده اندکی که درخشندگی زیاد دارند، از باشکوه ترین مناظر آسمانی هستند.

هر ستاره دنباله داری یکسری سیارک بدور خود دارد که معمولا سنگها و صخره های بزرگی میباشند که از خود ستاره جدا شده اند و بدلیل نیرو جاذبه ای که ستاره مادر دارد در حول آن حرکت در میآیند بعد از نزدیک شدن این ستاره بزمین در آخرالزمان سیارکهای ازمدر

آن ستاره مادر جدا شده و بسمت زمین بحرکت در میآید علت آنهم میتواند جذب سیارک بوسیله نیرو جاذبه زمین و یا انفجارهای داخلی خود ستاره مادر باشد که سبب میشود سیارکهای آن بسمت زمین حرکت کنند .

وقتی ستاره دنباله دار از خورشید دور میشود، نخست دمش پیشاپیش میرود و سپس سر آن. علت این امر آن است که فشار نور خورشید اجزای کوچکی از هسته ستاره را بیرون میراند و این خود باعث تشکیل دم در پیشاپیش راس آن میشود. در نتیجه هنگامی که ستاره دنباله دار از خورشید دور میشود، دم آن میبایست جلو جلو برود و در اثنای دور شدن از خورشید ستاره دنباله دار کم کم از سرعت خود میکاهد و از انظار ناپدید میشود. ستارگان دنباله دار ممکن است سالها از برابر چشم ما مخفی بمانند، ولی بیشتر آنها بالاخره به چشم ما خواهند آمد. آنها به گرد خورشید پیوسته در حرکت هستند، ولی برای یک دور گردش به دور خورشید ممکن است زمان زیادی در راه باشند. دنباله دارهای جدید از دورترین بخشهای منظومه شمسی میآیند و بیشترشان فقط در مدت چند ماه خورشید را دور میزنند و سپس برمیگردند و گردش خود را در ورای سیاره پلوتو به انجام میرسانند. گردش آنها در مدارهایی بسیار پهن است و چندین هزار سال طول میکشد. برخلاف سیاره ها ، دنباله دارها میتوانند مدار خود را با مدارهای کاملا جدید عوض کنند. آنها اجسامی با ثبات نیستند و هرگاه به سیاره های بزرگ مانند مشتری بسیار نزدیک شوند، کشش گرانشی آن ، مدار دنباله را عوض میکند. این حادثه برای دنباله دار هالی اتفاق افتاده و از این رو تکرار بازگشت آن بیشتر شده است. دنباله دارهای با تناوب طولانی مدت از ناحیه ای کروی متشکل از اجرام یخ زده به نام ابر اورت سرچشمه میگیرند. این اجرام در دورترین قسمت منظومه شمسی قرار دارند و از آمونیاک منجمد ، متان ، سیانوژن ، یخ آب و صخره تشکیل شدهاند. معمولا یک اختلال گرانشی باعث راه یافتن آنها به داخل منظومه شمسی میشود.

• طلوع «النَّجْمِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ» در ماه رمضان نراء آسمانی؛

پاره ای از روایات بیانگر این مسئله است که در دوران سفیانی و بحکومت رسیدن حاکمی جدید در خراسان ستاره ای آشکار می‌گردد که معروف است به ستاره هلاکت بجهت انذار مردم از تکذیب رسول امام مهدی یمانی موعود (ع) و گناهای که مرتکب میشوند. امام صادق (ع) فرمودند: « **يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةً تُجَلِّلُ السَّمَاءَ** ؛ بازداشته می شوند مردم قبل از قیام قائم (ع) از گناهانشان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر میشود و سرخی که آسمان را می پوشاند ». ³⁶ و احتمالاً این همان ستاره ای است که در نهایت خود یا سیارک هائی از آن بزمین برخورد کرده و سبب نابود 2/3 دو سوم بشریت میشود گویا ورود این ستاره درمدار زمین و آشکار شدنش درماه رمضان خواهد بود ورود این ستاره درمدار زمین باعث خواهد شد حادثه ای در زمین اتفاق بیفتد که از زمان هبوط آدم بزمین سابقه نداشته است. باین معنی که قبل از هبوط نفس آدم و ذریه اش بر زمین سابقه نداشته است. مانند برخورد ستاره ای دنباله دار به زمین در دوران حیوانات غولپیکر معروف به دایناسورها که سبب نابودی آن موجودات عظیم الجسه را فراهم نمود.

این حادثه بی سابقه از زمان هبوط نفس آدم (ع) همان خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه (قمر) گرفتگی در ابتدا یا آخر ماه رمضان است. نکته مهمی که باید به آن دقت کرد مسئله کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان است زیرا کسوف به دلیل قرار گرفتن ماه بین زمین و خورشید روی میدهد و خسوف نیز به سبب واقع شدن زمین بین خورشید و ماه روی می‌دهد، مطابق نظریات علمی، کسوف شمس در نیمه ماه امری غیر عادی است؛ زیرا ماه امکان ندارد در حالی که بدر کامل است، در پانزدهم ماه خورشید را بپوشاند زیرا این پوشاندن، ضرورتاً همراه با تاریک بودن بخشی از ماه است که رو به زمین دارد و این حالت لزوماً با بدر کامل

³⁶ - بحار الأنوار جلد : 52 صفحه : 221-85. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ؛ ج 2 ؛ ص 378

بودن آن همخوانی ندارد. و اما در مورد خسوف ماه باید توجه داشت که با قرار گرفتن زمین بین ماه و خورشید و با افتادن سایه زمین بر ماه، ماه گرفتگی روی می‌دهد این بدان معناست که زمین از ماه به خورشید نزدیک‌تر است و این اتفاق تنها در پانزدهم ماه که ماه بدر کامل است رخ می‌دهد اما در روایات کاملا برعکس بیان شده است یعنی خورشید گرفتگی در نیمه ماه و ماه گرفتگی در ابتدا و یا انتهای ماه است و این بدان معنی می‌باشد که این خورشید و ماه گرفتگی به سبب برخی اجرام سرگردان در فضا یا اجرامی که هاله‌ای بسیار پهن در پیرامون خود دارند صورت می‌پذیرد.

در بیش از یک روایت آمده است که آن دو، نشانه‌هایی‌اند که از زمان هبوط آدم (ع) سابقه نداشته است به این معنی که چه بسا قبل از آفرینش آدم (ع) جرم سرگردانی در فضا، این پدیده را رقم زده باشد و زمان عبور مجددش از منظومه شمسی، تاریخ مشخصی است که مصادف با زمانی بسیار نزدیک به خروج مهدی اول (ع) می‌باشد. پس به روشنی می‌توان تصور نمود که هر دو حادثه یا یکی از آن دو حادثه (یعنی: خسوف و کسوف) توسط یک جرم آسمانی در یک ماه رخ خواهد داد. مانند ستاره دنباله‌داری که از نزدیک زمین عبور می‌کند و مدتی طول می‌کشد تا از فضای مجموعه شمسی بگذرد.

*1: الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج 8؛ ص 212 حَدِيثُ الصَّيْحَةِ ح 258 - عده من أصحابنا عن سهل بن زياد عن أحمد بن محمد بن أبي

نصر عن ثعلبة بن ميمون عن بدر بن الخليل الأزدي قال: كنت جالسا عند أبي جعفر ع ، فقال: **«آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ**

الْقَائِمِ عَ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ تَنكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ

الْقَمَرُ فِي آخِرِهِ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَنكَسِفُ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَ الْقَمَرُ فِي

النِّصْفِ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: إِنِّي أَعْلَمُ مَا تَقُولُ وَ لَكِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ ع.»

بدر الأزدي نقل کرده است که نزد امام باقر (ع) نشسته بودیم که حضرت فرمود: « دو نشانه پیش از قیام قائم پدیدار خواهد شد که از هنگام هبوط آدم بر زمین اتفاق نیفتاده است؛ اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان.

مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی کسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می‌آید. امام باقر (ع) فرمودند: می‌دانم شما چه می‌گویید (از لحاظ برنامه‌های جاری همین است)، **وَ لَكِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ، اَمَّا (من می‌خواهم بگویم که) این دو حادثه از بعد از هبوط (نفس) آدم به زمین روی نداده است.**»

*2: الغيبة للنعماني: صفحہ : 271- 46 - حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حدثنا القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم، قال: حدثنا عبيس بن هشام الناشرى، عن عبد الله بن جبلة، عن الحكم بن أيمن، عن ورد - أخی الكميث - عن أبي جعفر محمد بن علي (عليهما السلام) أنه قال: **«آيَاتَانِ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ خُسُوفُ الْقَمَرِ لِخَمْسٍ وَ كُسُوفُ الشَّمْسِ لِخَمْسَةِ عَشَرَ، وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنَجِّمِينَ.»**

نعمانی در کتاب غیبت از ورد روایت کرده است که حضرت باقر (ع) فرمود: « در پیشاپیش این امر (قیام قائم) دو نشانه بزرگ دیده می‌شود: 1- خسوف ماه در پنجم آن. 2- کسوف خورشید در پانزدهم ماه. از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه‌ای رخ نداده است. هنگام حدوث این حادثه دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند.»

*3: الغيبة للنعماني: صفحہ : 272 - 47 - عن علي بن أبي - حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: **«عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ كُسُوفُ الشَّمْسِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ثَلَاثِ عَشْرَةٍ وَ أَرْبَعِ عَشْرَةٍ مِنْهُ.»**

ابی بصیر گوید امام صادق (ع) فرمود: « نشانه خروج مهدی کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.»

*4: إحقاق الحق و إزهاق الباطل ؛ ج 29 ؛ ص 350 - رواه جماعة من أعلام العامة في كتبهم: فمنهم الشريف عبد الله بن محمد بن الصديق الحسنی الإدريسی المغربي الغماری فی «المهدى المنتظر» (ص 78 ط بيروت) قال: و قال الدار قطنی فی «سنه»: حدثنا أبو سعيد الإصطخری، حدثنا محمد بن عبد الله بن نوفل، ثنا عبید بن يعیش، ثنا يونس بن بكير، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن محمد بن علي قال: **«إِنَّ لَمَهْدِيْنَا آيَاتَيْنِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،**

يُنْخَسِفُ الْقَمَرَ لِأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ ، وَتَتَكَسَفُ الشَّمْسُ فِي النِّصْفِ مِنْهُ ، وَلَمْ تَكُونَا مِنْذُ خَلَقَ
اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ .»

نور الله شوستری، صاحب کتاب إحقاق الحق از جابر نقل میکند که امام محمد باقر (ع) فرمودند: « برای مهدی ما دو نشانه است که از آغاز آفرینش آسمانها و زمین سابقه نداشته است؛ ماه در آغاز رمضان و خورشید در نیمه آن می‌گیرد این دو حادثه از زمانی که خداوند آسمان و زمین را آفرید رخ نداده.»

*5: مختصر البصائر: 463-475/ ح 14 : الحسن الحلبي قال: من خطبة لمولانا أمير المؤمنين عليه السلام تسمى المخزون عن آخر الزمان جاء فيها: « وَ يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ ، عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ : يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا ، وَ يُنَادِي مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ بَعْدَ مَا تَغَيَّبُ الشَّمْسُ : يَا أَهْلَ الضَّلَالَةِ اجْتَمِعُوا ، وَ مِنْ الْغَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَكْوَرُ الشَّمْسُ ، فَتَكُنُ [فَتَكُونُ] سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً ، وَ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ بِخُرُوجِ دَابَّةِ الْأَرْضِ ، وَ تُقْبَلُ الرُّومُ إِلَى قَرْيَةٍ بِسَاحِلِ الْبَحْرِ ، عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ ، وَ يَبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ ، (مع كلبهم) ³⁷ ، إِلَيْهِمْ ، رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مَلِيخَا وَ الْآخَرُ كَمَسْلَمِينَا ، وَ هُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ ع .»

³⁷ بحار الأنوار ؛ ج 52 ؛ ص 274 : 167 : وَ يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ عِنْدَ الْفَجْرِ يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا وَ يُنَادِي مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ بَعْدَ مَا يَغِيْبُ الشَّفَقُ يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا وَ مِنْ الْغَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَتَلَوَّنُ الشَّمْسُ وَ تَصْفَرُّ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً وَ يَوْمَ الثَّلَاثِ يُفَرِّقُ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ تَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ تُقْبَلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ .

و در ماه رمضان بهنگام طلوع صبح گوینده‌ای از سمت مشرق میگوید: ای راه- یافتگان جمع شوید، بعد از آن گوینده‌ای در موقع غروب میگوید: ای پیروان باطل اجتماع کنید؛ فردای آن روز در هنگام ظهر آفتاب تغییر رنگ داده و از زردی به سیاهی و تاریکی می‌گراید، و در روز سوم خداوند حق و باطل را از هم جدا می‌سازد، و دابۀ الارض و لشکر روم بساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف میرسند، خداوند هم جوانان اصحاب کهف را با سگشان از میان غارشان برانگیخته میگرداند.

اصبغ بن نباته روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت امیر المؤمنین (ع) می فرمود: «آنگاه منادی در ماه رمضان از طرف مشرق در وقت طلوع آفتاب ندا و فریاد خواهد کرد ای اهل هدایت اجتماع کنید و منادی دیگر از طرف مغرب بعد از غروب آفتاب فریاد مینماید ای اهل ضلالت جمع شوید **وَ مِنْ الْعَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَكْوَرُ الشَّمْسُ، فَتَكُنْ [فَتَكُونُ] سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً،** و فردای آن روز در وقت ظهر خورشید تغییر رنگ داده سیاه و تاریک میگردد و در روز سوم بسبب خروج دابۀ الارض حق از باطل جدا شود. و روی آورد روم بقریه ای که کنار دریا است نزد غار اصحاب کهف و خداوند آن جوانان را از غار بر می انگیزاند و از میان ایشان مردی است بنام مَلِيحًا و دیگر بنام کمسلمینا و این دو نفر دو شاهد مسلمان شده هستند برای حضرت قائم (ع)».^{۳۸}

*6: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن جلد : 1 صفحه : 270- الباب 58 فیما نذکره من خطبۀ مولانا علی (علیه السلام)، المعروفه باللؤلؤة، ذکر السلیلی أنه خطب بها قبل خروجه من البصره بخمسۀ عشر یوما یدکر فیها ملوک بنی العباس و ما بعدهم، تقتصر منها علی ما بعدهم، و فیه ذکر المهدی. 392- فقال فیها بعد تسمیة ملوک بنی العباس: **« وَ تَمَّتِ الْفِتْنَةُ الْغَبْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْحَمْرَاءُ، وَ فِي عُنُقِهَا قَائِمُ الْحَقِّ، ثُمَّ اسْفَرَ عَنْ وَجْهِ بَيْنَ أَجْنَحَةِ الْأَقَالِيمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ الدَّرَارِيِّ، أَلَا وَ إِنَّ لِخُرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةَ، فَأَوْلُهُنَّ طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُدْنَبِ، وَ يَقَارِبُ مِنَ الْمُحَاذِي، وَ آيٌ قُرْبٍ، وَ يَتَّبِعُ بِهِ هَرَجٌ وَ شَغْبٌ، فَيَلْكَ أَوَّلُ عَلَامَاتِ الْمُغِيبِ، وَ مِنْ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ، فَإِذَا انْقَضَتِ الْعَلَامَاتُ الْعَشْرُ ظَهَرَ فِيهَا الْقَمَرُ الْأَزْهَرُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ عَلَى التَّوْحِيدِ بِاللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ».**

سید بن طاووس در کتاب «الملاحم و الفتن» قسمت آخر خطبه لؤلؤه امیرالمؤمنین (ع) را از قول سلیلی اینگونه روایت کرده است که سلیلی گوید: پانزده روز پیش از آنکه امیرالمؤمنین (ع) از بصره خارج شود خطبه‌ای خواند و در آن خطبه بعد از آنکه پادشاهان بنی عباس را اسم برد چنین فرمود: « زمانی که فتنه تیره و غبارآلود و گردن بند قرمز رنگ تمام شد در گردن (انتهاء) آن (فتنه) قائم به حق خواهد بود. (در آن زمان قائم الحَق) به طور آشکار پرده از روی

³⁸ - نکته: از ظاهر روایت فوق برداشت میشود این حادثه متعلق به ماه رمضان سال بعد از خروج قائم است.

خود برداشته و میان اقلیمها همچون ماه نورانی در بین ستارگان دُر افشان ظاهر می‌شود. آگاه باشید که برای خروج قَائِمُ الْحَقِّ ده علامت است: **فَأَوَّلُهُنَّ طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمَذْنَبِ**، اولین آن علامتها طلوع ستاره دنباله‌دار است که از مجاری نزدیک می‌شود و چه نزدیک شدنی، و بعد از آن فتنه و آشوبهائی بپا می‌شود و جنگ و شرارت روی می‌دهد. پس آن ستاره اولین علامات آن غایب شونده است، و از هر علامتی، تا وقوع علامت دیگر عجائبی روی خواهد داد. پس موقعی که علامات ده‌گانه پایان رسید ماه تابان خواهد درخشید، و کامل خواهد شد کلمه اخلاص بالله رب العالمین». ^{۳۹}

39 - در روایت مرحوم سید بن طاووس علیه الرحمه درمورد خطبه لؤلؤه امیر المؤمنین (ع) ده نشانه برای خروج مهدی (ع) بیان کرده است که در آن خطبه ذکر یک علامت آمده اما در روایات دیگری که از امیرالمومنین علی (ع) نقل شده است ذکر تعدادی از آن حوادث دهگانه و بیشتر از آن نیز بیان شده است که جهت استفاده محققین قرار داده میشود: " **طلوع الكوكب المذنب، و اقتران النجوم، و هرج، و مرج، و قتل، و نهب، و إنقطاع الحاج، و خسف و قذف بخراسان، إحصار الكوفة بالرصد و الخندق، و تحريق الزوایا (وتخريق الروایا) فی سبک الكوفة، و تعطيل المساجد أربعين ليلة، (و كشف الهيكل) و تخفیق آیات ثلاث حول المسجد الأكبر، یُشبهن بالهدی، القاتل و المقتول فی النار، و قتل كثير و موت كثير ذریع، و قتل النفس الزکیة بظهر الكوفة فی سبعین، و المذبوح بین الركن و المقام، و قتل الأسبع المظفر صبرا فی بیعه الأصنام، مع كثير من شیاطین الأنس. و خروج السفیانی برأیه خضراء، و صلیب من ذهب، أمیرها رجل من کلب، و اثنا عشر ألف عنان من خیل یحمل السفیانی متوجهاً إلى مكة و المدینة، أمیرها أحد من بنی أمیه یقال له: خزیمة، أطمس العین الشمال، علی عینه طرفه تمیل بالدنیا، فلا ترد له رأیه حتی ینزل المدینة، فیجمع رجالاً و نساءً من آل محمد ص فیحبسهم فی دار بالمدینة یقال لها: دار أبي الحسن الأموی. و یبعث خیلاً فی طلب رجل من آل محمد ص، قد اجتمع إليه رجال من المستضعفین بمكة أمیرهم رجل من غطفان، حتی إذا توسطوا الصفائح البیض بالبیضاء، یخسف بهم ؛ طلوع ستاره دنباله‌دار و نزدیک شدن ستاره‌ها به یکدیگر و هرج و مرج در دنیا، و قتل و غارت اموال می‌باشد، و جلوگیری از حج و زیارت بیت الله، و خسفی در زمین خراسان، و وقوع قذفی در همان سرزمین خراسان، محاصره کوفه بوسیله نگهبانان و خندق، و (تخریق الزوایا) گندن حفره‌های مثلثی شکل در راه‌های ورودی کوفه، و (تخریق الروایا) رخنه کردن آب در**

*7: دلائل الإمامة؛ ص 469 باب معرفة وجوب القائم 63/459- و قال أبو علي النهاوندي: وجدت في كتاب لبعض إخواننا: روى عن الصادق (عليه السلام)، أن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قال: قال لي النبي (صلى الله عليه و آله): « يَا عَلِيُّ، صَاحِبَ الْحَلِيِّ، أَخْبِرْكُمْ بِأَمْرِي، أَنْذِرْكُمْ بِأَسِّ الْمَهْدِيِّ، يُقِيمُ فِيكُمْ سُنَّةَ النَّبِيِّ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ بَيْعَةِ الصَّبِيِّ، عِنْدَ طُلُوعِ الْكَوَاكِبِ الدَّرِّيَّةِ، يَفْزَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ».

محمد بن جریر طبری صاحب کتاب دلائل الإمامة، از ابو علی نهاوندی روایت کرده است که او در کتاب بعضی از شیعیان از قول امام صادق (ع) دیده است که رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمودند: « یا علی ای دوست شیرین من، شما را به امر خود خبر دهم و از ناراحتی مهدی بترسانم، قیام مهدی در میان شما بسان سنت نبی خواهد بود، و آن قیام هنگامی واقع شود که با (الصَّبِيِّ) جوان نادان بیعت شود، و ستاره نور افشان طلوع نماید، طلوعی که باعث ترساندن ساکنان مشرق و مغرب خواهد شد ».

کوچه‌های کوفه، و تعطیل شدن مساجد به مدت چهل شب، (و پیدا شدن هیکل) و برافراشته شدن سه پرچم در اطراف مسجد بزرگ کوفه که شبیه به مرچم هدایت هستند، و قاتل و مقتولی که هر دو در آتش دست و پا میزنند، و قتل زیاد و مرگ سریع؛ و کشته شدن نفس زکیه با هفتاد نفر در پشت کوفه (یعنی نجف اشرف)، و شخصی که در بین رکن و مقام سر او را از تن جدا میسازند (نفس زکیه محمد بن الحسن) و کشته شدن اسب المظفر (ده مرد بزرگ) درحالی که پایدار هستند بر بیعت اصنام (بشری) بهمراه جمع زیادی از شیاطین انس، و خروج سفیانی با پرچمی سبز و صلیبی از طلا (در بعضی نسخ پرچمی قرمز) که سرکرده آنها مردی از قبیله کلب است. و رفتن دوازده هزار نفر از لشکر سفیانی بطرف مکه و مدینه که سرلشکر آنها مردی از بنی امیه بنام خزیمه است. چشم چپش نابینا گشته، و در چشم راستش لکه غلیظی است، و خود را بمردان شبیه نموده. هر جا میروند فتح میکند تا آنکه وارد مدینه می‌شود، در خانه‌ای که آن را خانه ابو الحسن اموی میگویند فرود می‌آید. آنگاه لشکری برای گرفتن مردی از خاندان پیغمبر (ع) که شیعیان گرد وی اجتماع نموده‌اند و در آن موقع از مدینه بکه باز میگردد، میفرستد، سرلشکر آن سپاه سفیانی مردی از قبیله غطفان است موقعی که آن لشکر بمنطقه «الصفائح البیض» در بیداء میرسند بزمین

*8: الفتن ابن حماد ؛ ص 148 - ح 607 : حدثنا سعيد أبو عثمان عن جابر عن أبي جعفر قال: « **إِذَا بَلَغَ الْعَبَّاسِيُّ خُرَّاسَانَ طَلَعَ مِنَ الْمَشْرِقِ الْقَرْنُ ذُو الشَّفَا، وَ كَانَ أَوَّلَ مَا طَلَعَ أَمَرَ اللَّهُ بِهَلَاكِ قَوْمِ نُوحٍ حِينَ غَرَقَهُمُ اللَّهُ، وَ طَلَعَ فِي زَمَنِ إِبْرَاهِيمَ حَيْثُ أَلْقَاهُ فِي النَّارِ، وَ حِينَ أَهْلَكَ اللَّهُ فِرْعَوْنَ وَ مَنْ مَعَهُ، وَ حِينَ قَتَلَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا، فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الْفِتَنِ، وَ يَكُونُ طُلُوعُهُ بَعْدَ انْكَسَافِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ ثُمَّ لَا يَلْبَثُونَ حَتَّى يَظْهَرَ الْأَبْقَعُ بِمِصْرَ** ».

جابر جعفی از ابو جعفر امام باقر (ع) روایت کرده که گفت: « **إِذَا بَلَغَ الْعَبَّاسِيُّ خُرَّاسَانَ**، موقعی که عباسی بخراسان رسد (حاکم شود)، ستاره‌ی **الْقَرْنُ ذُو الشَّفَا** (شاخدار شفا بخش) طلوع نماید⁴⁰، و آن اول ستاره‌ای بود که طلوع کرد و خدا بغرق و هلاکت قوم نوح امر نمود، و در آن زمان که حضرت ابراهیم را در آتش انداختند آن ستاره نیز طلوع کرد، و آن موقعی که خدا فرعون و یاران او را هلاک کرد آن ستاره نیز طالع شد، و یکی از مواقعی که آن ستاره طلوع کرد وقتی بود که حضرت یحیی بن زکریا را کشتند، بنابراین وقتی که آن ستاره را دیدید **فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الْفِتَنِ**، از شر فتنه‌ها بخدا پناه ببرید، و طلوع آن ستاره موقع گرفتن آفتاب و ماه خواهد بود، بعد از آن طولی نمیکشد که **أَبْقَعُ** در مصر ظاهر میشود ».

توضیح: بعضی از محققان به اشتباه رفته و بواسطه این قسمت از روایت فوق «**ثُمَّ لَا يَلْبَثُونَ حَتَّى يَظْهَرَ الْأَبْقَعُ بِمِصْرَ**» بر این امر اعتقاد پیدا کرده اند که طلوع ستاره مشرقی قبل از خروج سفیانی و احتمالاً در ماه صفر واقع خواهد شد، علی بن ریاح نقل که بن مسعود گفته است:

40 - **قَرْنٌ** : ریسمانی که از ریشه های درخت بافته شده باشد ، یک بسته از موی یا پشم ، گیسوی زن ، قُله کوه ، تپه ، دژ - مِنْ الْجَرَادِ ، دو شاخک روی سر ملخ - مِنْ السَّيْفِ : لبه شمشیر - قُرُونٌ : یک نسل از مردم ، یکصد سال ، نسلی پس از یک نسل ، زمانه ، شاخ جانوران ، پاشنه کش کفش که از استخوان یا فلز ساخته شده باشد ، شِفَاءٌ : [شفی] : مص ؛ « قَابِلٌ لِلشَّفَاءِ » : قابل بهبودی است - جَ أَشْفِيَهُ وَ جَج أَشَافٍ : دارو که باعث بهبودی است ". و نامهای دیگری نیز برای آن ستاره موجود است از جمله: الطارق ، النجم الثاقب ، النجم المذنب ، الكوكب المذنب ، نیبیرو (نام گذاری سومریان) و ...

«تَكُونُ عَلَامَةً فِي صَفَرٍ، وَ يُبْتَدَأُ نَجْمٌ لَهُ ذَنَابٌ؛» در ماه صفری علامتی خواهد بود که ابتداء ستاره دنباله داری پیدا شود.^{۴۱} اما کلام آنها دقیق نیست و این روایت طلوع ستاره مشرقی را در ماه رمضان نفی نمیکند اگر آنها به عبارت ظهور اربع **بِمِصْرٍ** دقت میداشتند متوجه میشدند که آن اشاره ای است به طلوع این ستاره بعد از خروج سفیانی در ماه رجب سپس در رمضان طلوع ستاره واقع میشود و در همان ماه یا یک ماه بعد از آن اربع جهت ارسال نیرو به شامات وارد مصر شده و در آنجا ظاهر میگردد.

نعیم بن حماد در کتاب فتن از اُرطاة نقل کرده است: « هنگامی که ترک و روم جمع شوند (بدور فتنه شام)، قریه ای در دمشق دچار خسف شود و دیواره غربی مسجد دمشق فرو ریزد، در آن هنگام سه پرچم در شام باهتزاز درآید: اَبَقِعَ وَأَصْهَبَ وَسُفْيَانِي، (سفیانی) مردی را در دمشق محاصره نموده و او را به همراه همراهانش میکشد، از فرزندان ابی سفیان دونفر خروج مینمایند که پیروزی و ظفر از آن دومی است، **فَإِذَا أَقْبَلَتْ مَادَّةُ الْأَبَقِعِ مِنْ مِصْرَ ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ بِجَيْشِهِ عَلَيْهِمْ**، پس هنگامی که مَادَّةُ الْأَبَقِعِ (بزرگ اربعیان) از مصر حرکت خود را آغاز نمود، سفیانی همراه با سپاهیان بر شامیان (ورایات مختلفه) پیروز گردد، سپس جنگ نماید با ترک و روم در قَرَقِيسِيَا تا بدانجا که شکم درندگان زمین سیر شود از گوشت هایشان».^{۴۲}

*9: الفتن ابن حماد ؛ ص 196 - ح 800 ؛ حدثنا سعيد أبو عثمان، عن جابر، عن أبي جعفر: **« إِذَا اِخْتَلَفَتْ كَلِمَتُهُمْ، وَطَلَعَ الْقَرْنُ ذُو الشِّفَاءِ، لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى يَظْهَرَ الْأَبَقِعُ بِمِصْرَ، يَقْتُلُونَ النَّاسَ حَتَّى يَبْلُغُوا إِرْمَ، ثُمَّ يَثُورُ الْمَشْوَهُ عَلَيْهِ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمَا مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، ثُمَّ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ، فَيَظْفَرُ بِهِمَا**

⁴¹ - التشریف بالمنن ؛ ص 103 باب 64 ح 76

⁴² الفتن ابن حماد ؛ ص 194 ح 794

جَمِيعًا، وَيَرْفَعُ قَبْلَ ذَلِكَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَايَةً بِالْكُوفَةِ مَعْرُوفَةً، وَيُقْتَلُ بِالْكُوفَةِ رَجُلٌ مِنْ وَدِّ الْحُسَيْنِ يَدْعُو إِلَى أَبِيهِ، ثُمَّ يَبُثُّ السُّفْيَانِيَّ جِيوشَهُ.»

ابن حماد در کتاب فتن از جابر نقل میکند که ابی جعفر امام محمد باقر (ع) فرمود: « هنگامی که اختلاف کلمه پیدا کنند، و ستاره دنباله دار ذُو الشَّقَاء طلوع نماید، مدت زمان زیادی طول نمیکشد که اَبَقَع در مصر ظاهر میشود، مردمان را میکشد تا اینکه به اِرَم (دمشق) میرسد^{۴۳}، سپس اَلْمُشَوَّه (زشت چهره یا سیرت) بر علیه آن دست به انقلاب زده که سبب میشود بین آن دو (ابقع و مشوه) جنگ سختی درگیرد، سپس سفیانی ملعون ظاهر شده و بر آن دو غلبه پیدا میکند، و قبل از این وقایع دوازده پرچم (گروه) معروف در کوفه قد برافراشته اند، و **يُقْتَلُ بِالْكُوفَةِ رَجُلٌ مِنْ وَدِّ الْحُسَيْنِ يَدْعُو إِلَى أَبِيهِ**، و در کوفه مردی از اولاد حسین (ع) که بسوی پدرش دعوت میکند کشته میشود، سپس بعد از آن است که سفیانی سپاهش را میفرست^{۴۴}».

43 - اِرَم. (اخ) ابن سام بن نوح : دمشق دارالملک بلاد شام است و نخست ارم بن سام بن نوح علیه السلام در آن حدود باغی ساخت و باغ ارم که در میان طوایف امم اشتهاار دارد عبارت از آنست و بعد از ارم شداد عاد بتقلید بهشت هم در آن سرزمین بستانی فردوس آئین بنا کرد و بقول بعضی از اهل تفسیر، ((ارم ذات العماد الذی لم یخلق مثلها فی البلاد)) (قرآن 89/7) کنایه از آن موضع است. (حیط ج 2 ص 399).

44 - جابر جعفی، گوید ابو جعفر امام باقر (ع) فرمود: **« وَ يَبْعَثُ بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَقْتُلُ بِهَا رَجُلًا وَ يَهْرُبُ الْمَهْدِيُّ وَ الْمَنْصُورُ مِنْهَا وَ يُؤْخَذُ آلُ مُحَمَّدٍ صَغِيرُهُمْ وَ كَبِيرُهُمْ لَا يُتْرَكُ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حَبْسَ وَ يَخْرُجُ الْجَيْشُ فِي طَلَبِ الرَّجَلَيْنِ وَ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا عَلَى سُنَّةِ مُوسَى خَائِفًا يَتَرَقَّبُ حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ وَ يَقْبَلُ الْجَيْشُ حَتَّى إِذَا نَزَلُوا الْبَيْدَاءَ وَ هُوَ جَيْشُ الْهَمَلَاتِ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرٌ »**؛ (سفیانی) لشکری به مدینه می‌فرستد، پس مردی را در آن جا می‌کشد و مهدی و منصور از مدینه می‌گریزند، و کوچک و بزرگ فرزندان پیغمبر (ص) را دست‌گیر مینمایند و هیچ کس از آنها باقی نماند مگر آنکه به زندان می‌افتد، و لشکری در پی آن دو تن (مهدی و منصور) بیرون می‌رود و مهدی نیز به سان موسی (که از مصر گریخت) هراسان و نگران از مدینه بیرون می‌رود تا به مکه می‌رسد، سپاه (سفیانی) هم که لشکر هلاکت است در پی

*10: الفتن ابن حماد ؛ ص 209 ؛ ح 841 - حدثنا أبو عثمان عن جابر عن أبي جعفر قال: « إِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْأَبْقَعِ، وَعَلَى الْمَنْصُورِ، وَالْكَنْدِيِّ، وَالْتُرْكِ، وَالرُّومِ، خَرَجَ وَصَارَ إِلَى الْعِرَاقِ، ثُمَّ يَطْلُعُ الْقَرْنُ ذُو الشِّفَاءِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ هَلَكَ عَبْدُ اللَّهِ، وَيُخْلَعُ الْمَخْلُوعُ، وَيَنْتَسِبُ إِلَى أَقْوَامٍ فِي مَدِينَةِ الزُّورَاءِ عَلَى جَهْلٍ، فَيُظْهِرُ الْأَخْوَصُ (اي: الْأَخْوَصُ) عَلَى مَدِينَةِ عَنُوءَ، فَيَقْتُلُ بِهَا مَقْتَلَةً عَظِيمَةً، وَيَقْتُلُ سِتَّةَ أَكْبَشٍ مِنْ آلِ الْعَبَّاسِ، وَيَذْبَحُ فِيهَا ذَبْحًا صَبْرًا، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْكُوفَةِ. »

نعیم بن حماد متوفای 229 ه. ق و از بزرگان اهل سنت از جابر نقل میکند که امام صادق (ع) فرمود: « هنگامی که سفیانی چیره شود بر اَبَقَع و بر مَنْصُور⁴⁵ و کِنْدِی⁴⁶ و ترک و روم، خروج کرده و حرکت مینماید به سمت عراق، سپس ستاره دنباله دار ذُو الشِّفَاءِ طلوع میکند، پس آن زمان هلاکت عبد الله خواهد بود، و مَخْلُوع آن کسی که در آستانه برکناری است برکنار

او می‌روند، و چون در بیداء منزل کنند، به زمین فرو روند و جز یک تن که خبرشان را می‌برد هیچ کدام جان سالم به در نمی‌برند ". تفسیر العیاشی 1: 64-65 (بقره، ح 117)

45 - مَنْصُور: پیروز، چیره، غالب، فاتح، فیروز، نصرت یافته، فیروزمند، مظفر. احتمالا منظور منصور یمانی است که اصل و نسبی در صنعاء یمن دارد. از ابی جعفر (ع): " إِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْأَبْقَعِ، وَالْمَنْصُورِ الْيَمَانِيِّ، خَرَجَ التُّرْكُ وَالرُّومُ فَظَهَرَ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ ؛ هنگامی که سفیانی بر اَبَقَع و منصور یمانی چیره شود ترک و روم (نیز) خروج کنند پس بر آنها نیز غالب شود ". الفتن ابن حماد ؛ ص 147 ح 605

از ابی جعفر (ع): " ثُمَّ يَسِيرُ إِلَيْهِمْ مَنْصُورُ الْيَمَانِيِّ مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ، وَلَهُ فَوْرَةٌ شَدِيدَةٌ، يَسْتَقْتِلُ النَّاسَ قَتْلَ الْجَاهِلِيَّةِ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْأَخْوَصُ، وَرَأْيَاتُهُمْ صَفْرٌ، وَيَأْبَهُمْ مَلُونَةٌ، فَيَكُونُ بَيْنَهُمَا قِتَالٌ شَدِيدٌ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْأَخْوَصُ السُّفْيَانِيُّ عَلَيْهِ ؛ سپس منصور یمانی از صنعاء با لشکرش و با جنبشی شدید به سوی آنها می‌آید در حالی که مردم را مانند قتل جاهلیت میکشد، منصور یمانی با اخوص روبرو میشود در حالی که پرچمهای آنها (منصور یمانی) زرد رنگ است و لباسهایشان رنگین در بین آنها جنگی شدید رخ می‌دهد سپس اخوص سفیانی بر آنها (گروه منصور یمانی) پیروز میشود ". الفتن ابن حماد ؛ ص 174 - ح 809

46 كِنْدِی: به معنی مکان و محل و شهر و به صورت پسوند در امکنه ماوراءالنهر دیده می‌شود: اوزکند. بیکند. خواکند. سمرقند... یا قوت در کلمه «اوزکند» گوید: خبرت ان «کند» بلغه اهل تلك البلاد (ماوراءالنهر) معناه القرية، كما يقول اهل الشام «الكفرة». (حاشیه برهان چ معین)

میگردد^{۴۷}، و این برکناری نادانسته به گروه هایی در زوراء نسبت داده میشود^{۴۸}، سپس اخوص (صحیح: اخوص)^{۴۹} با زور بر شهر زوراء چیره شده و آنجا را فتح مینماید و کشتاری عظیم در زوراء انجام دهد^{۵۰}، سفیانی شش بزرگ از آل عباس را بقتل میرساند یکی از آن شش نفر را دست و پا بسته ذبح مینماید^{۵۱}، سپس بسمت کوفه خروج میکند.»

*11: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص 367 ح 538- روی جویریة بن قدامة السعدی عن أمير المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، قال: « شَهِدْتُ مَعَ مَوْلَايَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّهْرَوَانَ، فَحِينَ فَرَعْنَا مِنَ الْقِتَالِ نَزَلْنَا [و] نَزَلَ بِأَرْضِ بَابِلَ، وَ كَادَتِ الشَّمْسُ تَغِيْبُ وَ لَمْ يُصَلِّ، فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ لِمَ لَا تُصَلِّي؟ فَقَالَ: «يَا جُوَيْرِيَّةُ هَذِهِ أَرْضٌ أُصِيبَتْ مَرَّتَيْنِ، وَ هِيَ مُتَوَقَّعَةُ الثَّلَاثَةِ» فَلَمَّا عَبَرْنَا غَابَتِ الشَّمْسُ، فَرَأَيْتُ مَوْلَايَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ تَكَلَّمَ بَيْنَ شَفَتَيْهِ بِكَلَامٍ إِمَّا بِالْعَرَبِيَّةِ أَوْ بِالسُّرْيَانِيَّةِ، فَرَجَعَتِ الشَّمْسُ، فَقَالَ: «يَا جُوَيْرِيَّةُ أَذْنُ» فَأَذْنْتُ وَ صَلَّيْنَا، فَلَمَّا فَرَعْنَا اشْتَبَكَتِ النُّجُومُ، فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ قَدْ ذَكَرْتَ الْمَرَّتَيْنِ، فَمَتَى تَكُونُ الثَّلَاثَةُ؟ قَالَ: يَا جُوَيْرِيَّةُ إِذَا عَقَدَ الْجِسْرُ بِأَرْضِهَا وَ طَلَعَ النَّجْمُ (ذُو الذَّنْبِ) مِنَ الْمَشْرِقِ هُنَالِكَ يُقْتَلُ عَلَيٌّ جِسْرُهَا كِتَابٌ.»

سویرة بن قدامة میگوید: « من با مولای خودم علی بن ابی طالب (ع) در نهروان بودم، موقعی که از قتال فارغ شدیم و بزمین بابل پیاده شدیم نزدیک بود که آفتاب غروب کند و آن

⁴⁷ **مَخْلُوعٌ**: برکنده شده، کسی که از مقام خودافتاده باشد، (اسم) ۱- کنده شده جدا شده . ۲- از کاربرکنار شده . ۳- شاهی که از سلطنت معزول شده باشد جمع : مخلوعین .

⁴⁸ **الزُّورَاءُ**: دجله بغداد را گویند. بعضی گویند زوراء بغداد است و وضع آن زواری یعنی انحرافی است.

⁴⁹ **الأخوصُ**: خوص بمعنی غوطه ور شدن، فرو رفتن، ژرف اندیشی، در اندیشه فرو رفتن، به فکر فرو رفتن. است ولی در روایات دیگر بجای الأخوصُ از کلمه الأخوصُ استفاده شده است که بنابر قرائن همان أخوصُ صحیح است و در اینجا احتمالاً تصحیفی روی داده است. و أخوصُ بمعنی: چشم بگودافتاده. آنکه چشمش بگودی افتاده باشد است.

⁵⁰ **عَنُوةٌ**: گویند: فتحت مکه عنوةً؛ فتح مکه به اجبار و بطور قهر و غلبه انجام شد. (ناظم الاطباء)

⁵¹ **أَكْبَشُ**: جمع کلمه کبش است بمعنی: ۱. (زیست شناسی) گوسفند شاخ دار، قوچ. ۲. [مجاز] بزرگ قوم.

حضرت نماز نخوانده بود، گفتیم: یا علی چرا نماز نمیخوانی؟ فرمود: این زمین دو مرتبه مصیبت دیده است اینک توقع دارد که مرتبه سوم نیز ببیند، همین که آفتاب غروب کرد دیدم مولای من علی (ع) بعربی یا سریانی تکلمی کرد و آفتاب برگشت، آنگاه بمن فرمود: اذان بگو من اذان گفتیم و نماز خواندیم وقتی که از نماز فارغ شدیم دیدم که ستاره‌ها کاملاً پیدا شدند، من گفتیم: یا علی شما فرمودید: دو مرتبه پس مرتبه سوم چه موقع خواهد بود؟ فرمود: **إِذَا عَقَدَ الْجِسْرُ بِأَرْضِهَا وَ طَلَعَ النَّجْمُ (ذُو الذَّنَبِ) مِنَ الْمَشْرِقِ هُنَالِكَ يُقْتَلُ عَلِيٌّ جِسْرَهَا كَتَائِبٌ**، هنگامی که پل در آنجا (بغداد) زده شد، و ستاره‌های دنباله‌دار از طرف مشرق طلوع کرد، در آن وقت کتیبه‌هایی از لشکرها بر روی پل بغداد کشته شدند».^{۵۲}

*12: الفتن ابن حماد ؛ ص 134 – ح 552 : حدثنا سعيد أبو عثمان حدثنا جابر الجعفی عن أبي جعفر قال : **«آلِ الْعَبَّاسِ ... فَلَا تَزَالُ دَوْلَتُهُمْ حَتَّى يَظْهَرَ النَّجْمُ ذُو الذَّنَابِ ، وَيَخْتَلِفُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ»**.

ابو عثمان از جابر جعفی از ابي جعفر (امام باقر ع) نقل می‌کند: «آلِ عَبَّاسِ ... دولتشان همواره برقرار است تا زمانی که ستاره دنباله‌دار ظاهر شود و در بین خود اختلاف پیدا کنند».

⁵² - پس اگر مراد از عقد جسر، کشیدن پل باشد امری است واقع شده و گذشته، و گویا رضی الدین برادر علامه حلی همین معنا را فهمیده که در کتاب عدد گفته: «و مدّ الجسر ممّا یلی الکرخ» کشیدن جسر از ناحیه کرخ و او را در حساب گذشته‌ها و واقع شده‌ها ذکر کرده، ولی شیخ مفید در «ارشاد» به همان عقد تعبیر کرده و فرموده «عقد الجسر ممّا یلی الکرخ». و اگر به معنی بنای جسر باشد پس این امر به تازگی واقع شده در زمان ما، جسر ثابت و محکم ساخته‌اند، و شاید رضی الدین و امثال او که به معنی کشیدن معنی کرده‌اند، نظر به این بوده که تصور نمی‌کرده‌اند که بشود جسر ثابتی بنا کنند. بهر حال آن پل که در احادیث فراوانی آمده است در زمان ما زده شده است. این پل علاوه بر آنکه در نقطه تعیین شده (در مقابل کرخه) زده شده، از دیگر پلهای بغداد مشخص است و به زودی گروه‌گروه در عهد سفیانی در کنار آن کشته خواهند شد.

*13: کمال الدین و تمام النعمة؛ ج 2؛ ص 465؛ باب 43 ح 22- حدثنا أبو الحسن علي بن موسى بن أحمد بن إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ع قال وجدت في كتاب أبي رضى الله عنه قال حدثنا محمد بن أحمد الطوال عن أبيه عن الحسن بن علي الطبرى عن أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي بن إبراهيم بن مهزيار قال سمعت أبي يقول سمعت جدى علي بن إبراهيم بن مهزيار يقول عن امام المهدي محمد بن حسن العسكري: «... فَقَالَ لِي: يَا ابْنَ مَهْزِيَارَ كَيْفَ خَلَّفْتَ إِخْوَانَكَ فِي الْعِرَاقِ؟ قُلْتُ: فِي ضَنْكِ عَيْشٍ وَ هَنَاءَ قَدْ تَوَاتَرَتْ عَلَيْهِمْ سِيُوفُ بَنِي الشَّيْصَبَانَ. فَقَالَ: «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ» كَأَنِّي بِالْقَوْمِ قَدْ قُتِلُوا فِي دِيَارِهِمْ وَ أَخَذَهُمْ أَمْرُ رَبِّهِمْ لَيْلًا وَ نَهَارًا.

فَقُلْتُ: مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ بِأَقْوَامٍ لَا خَلَقَ لَهُمْ وَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْهُمْ بَرَاءً، وَ ظَهَرَتِ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ ثَلَاثًا فِيهَا أَعْمِدَةٌ كَأَعْمِدَةِ اللَّجَيْنِ تَتَلَأَلُ نُورًا، وَ يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرَبِيْجَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلِ الْأَسْوَدِ الْمُتَلَاحِمِ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ لَزِيْقِ جَبَلِ طَالْقَانَ، فَيَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَةُ صَيْلْمَانِيَّةٍ يَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَهْرَمُ مِنْهَا الْكَبِيرُ، وَ يَظْهَرُ الْقَتْلُ بَيْنَهُمَا فَعِنْدَهَا تَوَقَّعُوا خُرُوجَهُ إِلَى الزَّوْرَاءِ.»

علی ابن ابراهیم بن مهزیار از ملاقات خود با امام مهدی (ع) گوید که حضرت مهدی (ع) بمن فرمود: «ای پسر مهزیار برادران خود را در عراق چگونه ترک کردی؟ عرض کردم: همه در تنگی زندگی می کنند و شمشیرهای بنی شَیْصَبَانَ (بنی عباس) همواره بر سر ایشان است. فرمود: خدا آنها را بکشد «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ» گویا من هم اکنون آنها را به چشم خود می بینم که در خانه های خود کشته شده و به غضب الهی دچار گشته و امر خداوند در شب و یا روز آنها را فرا گرفته است. عرض کردم: یا بن رسول الله! آن «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ» کی و چه وقت خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که مردمی بدسیرت که از دین و ایمان بهره ای ندارند و خدا و رسول خدا از آنها بیزارند راه کعبه را بر شما ببندند، وَ ظَهَرَتِ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ ثَلَاثًا فِيهَا أَعْمِدَةٌ كَأَعْمِدَةِ اللَّجَيْنِ تَتَلَأَلُ نُورًا، سرخی در آسمان سه بار پدید آید، که در میان آن سرخی عمودی است که آن عمود مانند نقره نورش تلاً می نماید. و خروج شَرُوسِي از بلاد أَرْمِينِيَّةٍ و آذْرَبِيْجَانَ، به قصد کوه سیاه پشت شهر ری که متصل به کوه سرخ و چسبیده به کوه های طَالْقَانَ است، و میان شَرُوسِي و مَرْوَزِي، جنگ بسیار سختی واقع شود که کودکان را پیرو

اشخاص بزرگ را فرسوده کند و از دو طرف جمعی کشته شوند و کشته‌ها در میان آن دو زیاد شود. در آن موقع منتظر باشید که شَرُوسِی به طرف رَوْرَاء (بغداد) خروج نماید.»^{۵۳}

⁵³ توضیح : به حسب ظاهر آنچه از کلمه الشَّرُوسِیُّ در متن عربی و (شَرُوسِی) کلمه اصلاح شده در بحار الانوار فهمیده می‌شود این است که: این کلمه (یعنی: شَرُوسِی) از مادّه (شَرَسَ) و به معنای شرارت و شرّ در شرّ است و اشاره به پیدایش شخصی و گروهی شرور و ظالم و جنایتکار و ریاست‌طلب است که گویا از طرف ارمنیه و یا (ارومیّه) به سمت آذربایجان و تبریز به قصد گرفتن بخشهایی از ایران و ری حرکت می‌کند و از آن سمت، کم‌کم جنگ را شروع می‌کند، بر این اساس با توضیحی که یادآور شدیم و هم‌چنین با توجه به اینکه حضرت ولی‌عصر «روحی و ارواح العالمین له الفداء» خروج شَرُوسِی و جنگ او را با (مَرُوزِی) از علائم قریبه ظهور موفور السرور خود دانسته‌اند، نتیجه‌ای که از این روایت بدست می‌آید چنین است که: به حسب ظاهر - و الله اعلم - مراد از: «مَرُوزِی» همان حاکم خراسان و مقصود از «شَرُوسِی» شخص جنایتکاری است که در آفریدن شرّ و فتنه نظیر ندارد و برای اینکه انقلاب اسلامی سیّد خراسانی را به شکست بکشد و برای تسخیر ایران به این کشور حمله می‌کند که در نتیجه این جنگ بین شَرُوسِی و مروزی رایات سود مهدوی بقیادت حسنی فتی و فرماندهی شعیب بن صالح در ایران شکل می‌گیرد و مروزی جهت دفع شیعیان عثمان السفیانی به گروه رایات سود که طرفدار یمانی موعود (ع) هستند سلاح و محمات و پادگان نظامی میدهد، از علی (ع) روایت شده است: **« فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ بخراسان الذی أتى من الصين و مُلتان [و غلبَ علی أرضِ کوفان و مُلتان و جازَ جَزیرهَ بَنی کاوان] ، وجه السفیانی فی الجنودِ إلیه فلم یغلبوا علیه ثم یقوم منا قائم بجیلان یعنی المشرقی فی دفع شیعة عثمان و یجیه الأبر و الدیلم و یجدون منه النوال و النعم ؛ پس هنگامی که قیام‌کنندای در خراسان قیام کرد آن که (نسلش) از صین و مُلتان میاید [و بر سرزمین کوفان و ملتان مسلط شود و از جزیره بنی کاوان بگذرد]، سفیانی سپاهیان را بسوی خراسان فرستد اما نمیتواند بر آنها غلبه پیدا کند، (ثم یقوم مِنَّا قائمٌ بجیلان یعنی المشرقی فی دفع شیعة عثمان)، سپس قیام‌کننده ای از ما اهل بیت در گیلان قیام نماید (حسنی فتی) و مشرقی کمکش کند بخاطر دفع کردن (خطر) شیعیان عثمان (سفیانیون)، ابر و دیلم (دعوت قائم گیلان را) اجابت کنند و بیابند از جانب (مشرقی) سلاح و نعمت .»** در ادامه حدیث علی (ع) در مورد اتفاقاتی که سبب برپائی نهضت یمانی در ایران میشود توضیح بیشتری ارائه میفرماید: **« فَإِذَا جَهَّزَتِ الْأَلُوفُ وَ صَفَّتِ الصُّفُوفُ وَ قَتَلَ الْكَبْشُ الْخُرُوفَ فَيَمُوتُ الثَّائِرُ وَ يَقُومُ الْآخِرُ ثُمَّ يَنْهَضُ الْيَمَانِي لِمُحَارَبَةِ السُّفْيَانِي ؛ پس هنگامی که هزاران نفر تجهیز شوند و صفوف متوالی تشکیل شد، قوچ**

بزرگ (رئیس و بزرگ قوم) بره نری که نصیحت‌پذیر نیست را بکشد، پس انقلابگر بمیرد و دیگری جای او را بگیرد، سپس یمانی برای جنگ با سفیانی نهضتی برپا کند ". امام جعفر علیه السلام فرمود: " **استعیدوا بالله من شر السفیانی و الدجال و غیرهما من أصحاب الفتن، ... ثم یبعث السفیانی جیوشا إلى الأطراف، و یتخر کثیرا من البلاد، و یبالیغ فی القتل، و الفساد، و یدهب إلى الروم لدفع الملك الخراسانی، و یرجع منها منتصرا فی عنقه صلیب ثم یقصد الیمانی فینهض الیمانی لدفع شره ؛ استعاده نماید و پناه برید به خدای تعالی از شر سفیانی و دجال و غیر ایشان از اصحاب فتنه‌ها، ... سپس سفیانی لشکرهای بسیار به اطراف عالم بفرستد، و شهرهای بسیار را مسخر سازد، و در قتل و فساد مبالغه نماید، و از برای آنکه ملک و پادشاهی را از خراسانی بگیرد به جانب روم رود و برخواهد گشت سفیانی از جانب روم در حالتی که نصرانی شده باشد، و صلیب در گردن افکنده باشد، سپس قصد یمانی کند، و یمانی از جهت دفع شر او نهضتی فرماید.** " امام صادق (ع) نیز خطاب به مفضل (ره) در مورد نهضت یمانی در ایران زمین اینگونه خبر میدهد: " **ثُمَّ یَخْرُجُ الْحَسَنِيُّ الْفَتَى الصَّبِيحُ الَّذِي نَحْوَ الدَّيْلَمِ يَصِيحُ بِصَوْتٍ لَهُ فَصِيحٌ يَا آلَ أَحْمَدَ اجْبُوا الْمَلْهُوفَ وَ الْمُنَادِيَّ مِنْ حَوْلِ الضَّرِيحِ فَتَجِيبُهُ كُنُوزُ اللَّهِ بِالطَّلَقَانِ ؛** سپس حسنی آن جوانمرد خوشروی از طرف دیلم خروج می‌کند وبا بیانی فصیح گوید: «ای انصار احمد اجابت کنید دردمند پریشان حال را؛ وآن که از پیرامون ضریح ندا میدهد». پس او را گنج‌های طالقان اجابت میکنند ".

محتمل است باعتقاد حقیر جنگ ایران زمین در آخرالزمان از دو ناحیه روی دهد:

حدیفه از رسول الله روایت کرده: «**ذَكَرَ فِتْنَةً تَكُونُ بَيْنَ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي فَوْرِ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ جَيْشًا إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْزِلُوا بَارِضَ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَعْنِي بَغْدَادَ ؛** پیامبر (ص) از فتنه‌ای که بین مشرق و مغرب واقع خواهد شد یاد نمود، و فرمود: در حالیکه آنها گرفتار فتنه (شام) هستند، سفیانی از وادی یابس (بیابان خشک) بر آنها خروج می‌کند، تا آنکه به دمشق فرود می‌آید، آنگاه دو لشکر یکی به سوی مشرق و یکی به سوی مدینه روانه می‌کند، (لشکر مدینه پیش رود) تا اینکه به سرزمین بابل و شهر نفرین شده یعنی بغداد وارد میشود». یونس بن ابی یعفر گوید امام صادق (ع) میفرمود: «**إِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَيْنَا وَ جَيْشًا إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَتُونَا عَلَى كُلِّ صَعْبٍ وَ ذَلُولٍ ؛** هنگامی که سفیانی خروج کند لشکری بسوی ما و لشکری بسوی شما فرستد، و چون چنین شد از هر (راه) هموار یا ناهمواری بسوی ما آید».

1- حمله از مناطق کُرد نشین عراق و سوریه که از ناحیه آذربایجان و تبریز بوسیله کشور هائی همچون: اسرائیل، ترکیه و آمریکا و نیروهای معارض انجام میشود. حملات در این قسمت بیشتر بوسیله جنگنده ها و موشکها صورت خواهد گرفت و در نهایت موفق خواهند شد پایگاههای نظامی و هسته ای اطراف تهران را بمب باران نمایند، بنظر می آید در این بمب باران ها از بمبهای اتمی استفاده نشده باشد، ولیکن بدلیل اینکه به مراکز حساسی از لحاظ نظامی و برنامه های اتمی حمله میشود انفجارها و خسارات حاصل از آن کمتر از بمب اتمی نخواهد بود. امام باقر (ع) فرمودند: «لَأُبَدَّ لِنَارٍ مِنْ آذْرَبِيجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَحْلَاسَ بِيوتِكُمْ وَ أَلْبِدُوا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مَتَحَرَّكْنَا فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا؛ لاجرم باید آتشی از آذربایجان برافروزد که چیزی در برابرش نتواند ایستاد، پس چون چنین شود در خانه‌های خود بمانید و تا زمانی که ما آرام هستیم شما نیز آرام باشید، و چون حرکت کننده از ما (اهل بیت) به فعالیت پرداخت به سوی او بشتابید اگر چه بر سر زانوان». امام مهدی (ع) خطاب به علی ابن ابراهیم بن مهزیار فرمودند: «يَخْرُجُ الشَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةَ وَ آذْرَبِيجَانَ يَرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلِ الْأَسْوَدِ الْمُتَلَاحِمِ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ لَزِيْقِ جَبَلِ طَالِقَانَ، فَيَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَهُ صَيْلَمَانِيَّةُ يَشِيبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَهْرَمُ مِنْهَا الْكَبِيرُ، وَ يَظْهَرُ الْقَتْلُ بَيْنَهُمَا؛ و خروج شَرُوسِي از بلاد أَرْمِينِيَّة و آذْرَبِيجَانَ، به قصد کوه سیاه پشت شهر ری که متصل به کوه سرخ و چسبیده به کوه های طَالِقَانَ است، و میان شَرُوسِي و مَرْوَزِي، جنگ بسیار سختی واقع شود که کودکان را پیرو اشخاص بزرگ را فرسوده کند و از دو طرف جمعی کشته شوند و کشته‌ها در میان آن دو زیاد شود». از کعب الأحبار نقل است: «وَخُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَحَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةَ وَ آذْرَبِيجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا أَلُوفٌ وَ أَلُوفٌ؛ و خروج سفیانی، و جنگ فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند». از امام علی (ع) روایت شده است: «إِذَا وَقَعَتِ الْوَأَقَعَةُ بَيْنَ هَمْدَانَ وَ حَلْوَانَ، وَ يَقْتَلُ خَلْقٌ فِي حَلْوَانَ إِلَى النُّهْرَوَانَ، وَ يَزُولُ مَلِكُ الدِّيْلِمِ، يَمْلِكُهَا أَعْرَابِيٌّ وَ هُوَ عَجْمِي اللِّسَانِ، يَقْتَلُ صَالِحِي ذَلِكَ الْعَصْرِ، وَ هُوَ أَوَّلُ الشَّاهِدِ؛ هنگامی که واقعه ای بین همدان و حلوان روی دهد و در مسیر حلوان بسمت نهروان خلائی کشته شوند ملک دیلم زائل گردد (در آن زمان) فردی عربی الاصل اما عجمی اللسان حاکم آن (دیلم یا ایران) شده است او صالحی آن عصر را که از جمله اولین شاهدان نیز میباشد بقتل میرساند». مشارق الأنوار 168

2- حمله از منطقه خلیج فارس از ناحیه بصره و اهواز استان خوزستان بوسیله کشور های عرب حاشیه خلیج فارس و عربستان سعودی بعلاوه مصر و ارتشی از اردن و انگلیس. سپاهیان شروسی یا همان سفیانی از طرف

غرب ایران حتی تا منطقه اصطخر نیز پیش روی مینمایند. امام علی (ع) در خطبه تنطجیه فرمودند: «تقبل الرايات من شاطئ جيحون لفارس و نصيبين، تترادف إليهم رايات العرب، فينادى لسانهم بقدر مجرى السحاب، و نقصا من الكواكب و طلوع القطر التالى الجنوب، كغراب الابنور و زلازل و هبات و آيات. هنالك يوضح الحق و يزول البلاء، و يعز المؤمن و يذل الكافر المخالف، و يملك بحار الكوفة البرى منهم، لا المتغلبين فى، ألا إنهم طغاة مرادى فراغته، و تكون بنواحي البصرة حركة، لست أذكرها و يظهر العرب على العجم، و يعدلون بالأهواز من دون الناس، و كم أشياء أخفيتها لا يطيقها الوعي، و لا يصبر على حملها و أمور قد أهملتها خوفا أن تقال متى علمتها؛ پرچمهایی از جانب فارس و نصیبین از کناره‌های رود جیهون بحرکت درآید، پشت بند آنها نیز پرچمهای عرب حرکت خود را آغاز کنند، با زبانهائی که نزدیک است به جایگاه حرکت ابرها برسد ندهائی سر میدهند، در آن زمانه ستاره‌ها دچار نقصانی میشوند، و ستاره دنباله دار جنوب، مانند کلاغ سیاه بدشگون ابنور طلوع نماید، در آن زمان زلزله‌ها، و گرد خاک‌ها و نشانه‌های (بسیار) روی دهد، در آن هنگام است که حق واضح گردد و بلاء زایل شود و مومن عزتمند و کافر مخالف ذلیل گردد، و اعرابی که از اهالی فارس بیزار هستند مالک آبهای کوفه گردند، آگاه باشید که آنها طغات و فرآینه زمانند، و در نواحی بصره حرکتی روی دهد که قصد بیان آن را ندارم، ولی پیروز میشود عرب بر عجم و پیش میروند تا اینکه به اهواز میرسند بدون آنکه با مردم کاری داشته باشند، و چقدر از وقایع را که مخفی نگه داشتیم بخاطر اینکه جایگاه و صبر کننده‌ای بر حمل آن را نیافتیم، و اموری را نیز مهمل گذاشتم بخاطر ترس از اینکه بگوئید اینها را از چه وقت دانسته است». مشارق أنوار اليقين؛ ص 263؛ جابر از حضرت ابی جعفر امام محمد باقر (ع) روایت میکند که حضرت فرمود: «ثُمَّ تَكُونُ لَهُ وَقْعَةٌ بِتُخُومِ خُرَّاسَانَ، وَيَسِيرُ الْهَاشِمِيُّ فِي طَرِيقِ الرَّيِّ، فَيَسْرَحُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ مِنَ الْمَوَالِي يُقَالُ لَهُ شَعِيبُ بْنُ صَالِحٍ إِلَى إِصْطَخْرٍ إِلَى الْأُمَوِيِّ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْمَهْدِيُّ وَالْهَاشِمِيُّ بَبَيْضَاءَ إِصْطَخْرٍ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمَا مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، حَتَّى تَطَأَ الْخَيْلُ الدَّمَاءَ إِلَى أَرْسَائِهَا، ثُمَّ تَأْتِيهِ جُنُودٌ مِنْ سَجِسْتَانَ عَظِيمَةٌ، عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ بَنِي عَدِيٍّ، فَيُظْهِرُ اللَّهُ أَنْصَارَهُ وَجُنُودَهُ؛ سپس هنگامی که برای ایرانیان واقعه تُخُوم (مرز) خراسان به وقوع پیوست، هاشمی در مسیر ری حرکت میکند آنگاه مردی از مَوَالِی بنی تمیم که او را شعیب بن صالح می‌نامند به طرف إِصْطَخْر به جنگ با اُموی می‌فرستد، پس شعیب و مهدی و هاشمی در بَبَيْضَاءَ إِصْطَخْر با هم ملاقات مینمایند و در میان آن دو گروه (اموی و مهدوی) جنگ بزرگی روی می‌دهد، به گونه‌ای که خون تا ساق پای اسبان می‌رسد، سپس سپاهی عظیم از سیستان که سرکردگی آنها را مردی از بنی عَدِيٍّ برعهده دارد به کمک «هاشمی» می‌آید، در آن هنگام خداوند انصار و سپاهیان مهدی را پیروز میگرداند». الفتن ابن حماد؛ ص 218؛ ح 869

*14: الغيبة للنعماني؛ النص؛ ص 145؛ باب 10 ح 4- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا أحمد بن محمد الدينوري قال حدثنا علي بن الحسن الكوفي قال حدثنا عميرة بنت أوس قالت حدثني جدي الحصين بن عبد الرحمن عن عبد الله بن ضمرة عن كعب الأحبار أنه قال: «... إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ عَ لَهُ غَيْبَةٌ كَغَيْبَةِ يُوسُفَ وَ رَجَعَهُ كَرَجَعَهُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ثُمَّ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ مَعَ طُلُوعِ النَّجْمِ الْأَحْمَرِ وَ خَرَابِ الزُّورَاءِ وَ هِيَ الرَّيُّ وَ خَسْفِ الْمَزُورَةِ وَ هِيَ بَغْدَادُ وَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرَبِيجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوَفُّ وَ الْوَفُّ كُلُّهُ يُقْبَضُ عَلَى سَيْفٍ مُحَلَّى تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ الْأَغْبَرُ.»

عبد الله بن ضمرة از كعب الأحبار نقل کرده که او گفت: «... آگاه باشید قائمی که از نسل علی (ع) است دارای غیبتی میباشد همچون غیبت یوسف، و بازگشتی همانند بازگشت عیسی بن مریم، ثُمَّ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ مَعَ طُلُوعِ النَّجْمِ الْأَحْمَرِ، سپس بعد از غیبتش ظاهر میشود ظهوری که همراه است با طلوع ستاره سرخ و خرابی الزوراء که همان ری باشد، و فرو رفتن المزوره که همان بغداد باشد، و خروج سفیانی، وَ حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرَبِيجَانَ، و جنگ فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان (یعنی جنگ فرزندان عباس با سپاهیان غرب و ترک از جهت ارومیه و آذربایجان)، چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد، تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ، پرچمهای سیاه (مهدوی) بخاطر آن جنگ به اهتزاز در آید، آن جنگی است که با مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک آمیخته است.»^{۵۴}

⁵⁴ توضیح: همانگونه که مشاهده کردید در این روایت بسیار معروف که از کعب الأحبار وارد شده است در آخرالزمان بعد از طلوع ستاره قرمز رنگ چهار اتفاق بسیار مهم می‌افتد: 1- خَرَابِ الزُّورَاءِ وَ هِيَ الرَّيُّ، خرابی شهر زورائی که آن را ری نامند، 2- خَسْفِ الْمَزُورَةِ وَ هِيَ بَغْدَادُ، فرو رفتن مزوره که همان بغداد باشد. احتمال دارد که دو کلمه ری و بغداد در این روایت بوسیله نسخه برداران جابجا شده باشد بدین شکل که زوراء بغداد نامیده شده باشد و ویرایش بدلیل هجوم بیگانگان و فتنه هائی است که از دور نزدیک آن را

فرا میگیرد، و مزوره که بمعنی قلابی و ساختگی است نام شهر ری باشد آنجاست که بوسیله خسف معذب خواهد شد، خَسْفٌ : نقصان ، کمبود ، خواری ، زیون کردن و تحمیل انسان بر کاری که نخواهد ؛ « سَامَةٌ خَسْفًا »: کاری بر او تحمیل کرد خَسَفَ الْمَكَانُ : آن مکان فرو رفت و غرق شد که میتواند اشاره ای باشد به زلزله؛ امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل میفرماید: قبل از قیامت [و ظهور حضرت] حتما ده اتفاق واقع شود: ... **وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ**. ... ؛ در روایتی دیگر حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل میکند: ... **وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ ، وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ ، وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ ، وَ خُرُوجُ الدَّابَّةِ** ... ؛ و در روایت شب معراج از رسول اکرم (ص) نقل شده است که ختاوند متعال خطاب به او (ص) فرمود: « ... **وَ عِنْدَ ثَلَاثَةِ خُسُوفٍ خَسْفٍ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٍ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٍ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَ خَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ تَتَّبِعُهُ الزُّنُوجُ، وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ ظُهُورُ الدَّجَالِ يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتَانَ، وَ ظُهُورُ السُّفْيَانِي** ؛ ... در این هنگام سه خسوف واقع گردد، خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جَزِيرَةُ الْعَرَبِ، و بصره به دست یکی از فرزندان تو ویران گردد و زُنُوج از وی پیروی کنند ، و خروج مردی از فرزندان حسین بن علی، و ظهور دجالی که خروج نماید از سجستان در مشرق ، و ظهور سفیانی ». کمال الدین و تمام النعمة ؛ ج 1 ؛ ص 251 باب 23 ح 1

3- **خُرُوجُ السُّفْيَانِي** ، برای توضیح بیشتر درمورد خروج سفیانی بعد از طلوع ستاره دنباله دار به سخنی از سطح کاهن بسنده میکنیم: و این وقایع هنگام طلوع ستاره دنباله دار است همان ستاره که عرب را میترساند پس در آن زمان است که باران کم و نهرها خشک و اوقات اختلاف پیدا می نماید و قیمت ها در همه جا بالا می رود، سپس بربرها با پرچم های زرد بر زمین های محکم پیش آیند تا اینکه در مصر فرود آیند . پس مردی از اولاد صخر (ابوسفیان) خروج می کند، پرچم های سیاه را به سرخ تبدیل کرده، حرام ها را مباح و زن ها را از پستان ها می آویزد اوست غارت کننده کوفه .

4- **وَ حَرَبٍ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرَبِيجَانَ** ، جنگ فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان (یعنی جنگ فرزندان عباس با سپاهیان غرب و ترک از جهت ارومیه و آذربایجان) چنان جنگی

که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد، این جنگ احتمالا همان جنگ مابین شروسی و مروزی است جنگی که بین آمریکا، ترک، عربها و بعضی کشورهای غربی با ایران و حاکمان خراسان انجام میشود، میتوان جمعیت شروسی را به عنوان سفیاتی نوعی که عبارت است از نوعی نگرش و رفتار ابوسفیانی گونه که در برابر اسلام قد علم کرده و زورگویانه رفتار میکند بحساب آورد، این جنگ که احتمالا باهشیاری ایرانیان در خارج از مرزهای و در همان منطقه قرقیسیا روی خواهد داد، بوقوع میببوند؛ اما ضربات سخت این جنگ در مناطقی از ایران چون تبریز و جبل الری بسیار شدید خواهد بود، علت آنها عقب نشینی و شکست گروه های جنگی قرقیسیا است، زیرا در آن زمان در ایران اختلافات داخلی بعلت فقدان رهبری بوجود خواهد آمد؛ اَبی رومان از امیرالمومنین علی (ع) روایت کرده است : " **يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ عَلَى الشَّامِ، ثُمَّ يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَقَعَةٌ بِقَرْقِيسِيَا، حَتَّى يَشْبَعَ طَيْرُ السَّمَاءِ وَسِبَاعُ الْأَرْضِ مِنْ جَيْفِهِمْ، ثُمَّ يُفْتَقُ عَلَيْهِمْ فَتَقُ مِنْ خَلْفِهِمْ، فَيَقْبَلُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ حَتَّى يَدْخُلُوا أَرْضَ خُرَاسَانَ، وَتَقْبَلُ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ، فَيَقْتُلُونَ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ، ثُمَّ يَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي طَلَبِ الْمَهْدِيِّ؛ سَفْيَانِيٌّ بِرَأْسِهِ**) شام ظاهر شود، سپس واقعه قرقیسیا بین آنها روی دهد، تاجای که حتی پرندگان آسمان و درندگان زمین شکم هایشان را از آنها سیر میکنند، سپس اختلافی بین آنها ایجاد میشود (که سبب میشود) گروهی از آنها به عقب باز گردند، در نتیجه این عقبگرد گروهی از سُفْيَانِيُون پیشروی کرده تا جائی که داخل آراضی خراسان نیز می شوند، سپاهیان سُفْيَانِيٌّ جهت دست یافتن به اهل خراسان روی آورند؛ وشعیان آل محمد را در کوفه بکشند، سپس (گروهی از) اهل خراسان که در طلب مهدی هستند خروج نمایند . " الفتن ابن حماد ؛ ص 208- ح 838 ؛ از امیر مومنان نقل است: " **فَإِذَا جَهَّزَتِ الْأُلُوفُ وَصَفَّتِ الصُّفُوفُ وَقَتَلَ الْكَبِشُ الْخُرُوفَ فَيَمُوتُ النَّائِرُ وَ يَقُومُ الْآخِرُ ثُمَّ يَنْهَضُ الْيَمَانِيُّ لِمُحَارَبَةِ السُّفْيَانِيِّ ؛** پس هنگامی که هزاران نفر تجهیز شدند و صفوف متوالی تشکیل شد، قوچ بزرگ (رئیس و بزرگ قوم) بره نری که نصیحت پذیر نیست را بکشد پس انقلابگر بمیرد و دیگری جای او را بگیرد، سپس یمانی برای جنگ با سفیانی نهضتی برپا نماید . " إلزام الناصب ج 2 ؛ ص 133

*15: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 102 : 74- حدثنا نعيم، حدثنا الوليد بن مسلم، حدثني شيخ عن يزيد بن الوليد عن كعب الأحبار، قال: « **عَلَامَةُ انْقِطَاعِ مُلْكِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ حُمْرَةٌ تَظْهَرُ فِي جَوْفِ السَّمَاءِ، وَ نَجْمٌ يَطْلُعُ مِنَ الْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ثُمَّ يَنْعَقِفُ** ». قال الوليد: بلغني عن كعب أنه قال: « **قَحْطٌ فِي الْمَشْرِقِ، وَ دَاهِيَةٌ فِي الْمَغْرِبِ، وَ حُمْرَةٌ فِي الْجَوْ، وَ مَوْتٌ فَاشٍ فِي الْقِبْلَةِ** ».

كعب الاحبار گوید: « علامت انقطاع خلافت فرزندان عباس آن قرمزی است که در وسط آسمان ظاهر می شود و آن ستاره ای که از طرف مشرق طلوع میکند و چون ماه شب چهارده نورانی خواهد بود **ثُمَّ يَنْعَقِفُ** سپس دوطرفش بسوی هم کج میشود ». ولید گوید: از کعب بمن رسیده که گفت: « قحطی در مشرق و بلائی در مغرب و قرمزی در جو پیدا می شود و موتی از طرف قبله انتشار پیدا میکند ».

*16: الفتن ابن حماد ؛ ص 188 ح 770 - حدثنا رشدين عن ابن لهيعة عن عبد العزيز بن صالح عن علي بن رباح عن ابن مسعود قال: « **يَتَبَدَّى نَجْمٌ وَيَتَحَرَّكُ بِإِيلِيَّا رَجُلٌ أَعْوَرُ الْعَيْنِ، ثُمَّ يَكُونُ الْخَسْفُ بَعْدُ** ».

علی بن رباح از ابن مسعود نقل میکند: «ستاره ای آشکار میشود و مردی **أَعْوَرُ الْعَيْنِ** (یک چشم) بسوی **إِيلِيَّا** (کوفه) بحرکت درآید سپس بعداز آن است که خسف (بیداء) روی دهد».

در جنگ شروسی و مروزی از پیشرفته ترین سلاحها استفاده خواهد شد و هزاران نفر از دو طرف کشته خواهند شد هیچ بعید نیست بدلیل مقاومت بالای ایرانیان نیروهای شروسی از سلاح های شیمیائی نیز استفاده نمایند **تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ الْأَغْبَرُ** ، آن جنگی است که با مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک آمیخته است. در نهایت بدلیل خطری که ایران عزیزمان را تهدید مینماید و شدت جنگ، حاکمان ایران زمین تصمیم میگیرند جهت تقویت نیروهای زمینی و ایجاد انگیزه معنوی در بین مردم به طرفداران سید یمانی (ع) در ایران اجازه فعالیت نظامی دهند، چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می گیرد، **تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ** ، پرچمهای سیاه (مهدوی) بخاطر آن جنگ به اهتزاز در می آید.

*17: بحار الأنوار؛ ج 51؛ ص 162؛ باب 11 نادر فيما أخبر به الكهنة و أضرابهم و ما وجد من ذلك مكتوبا في الألواح و الصخور: روى البرسى في مشارق الأنوار عن كعب بن الحارث عن سطح الكاهن: « و ذاك عند طلوع الكوكب الذي يفرع العرب، و له شبهه الذنب، فهناك تنقطع الأمطار و تجف الأنهار و تختلف الأعصار و تغلو الأسعار في جميع الأقطار، ثم تقبل البربر بالرايات الصفر على البراذين السبر، حتى ينزلوا مصر فيخرج رجل من ولد صخر، فيبدل الرايات السود بالحمرة، فيبيح المحرمات، و يترك النساء بالثديا معلقات، و هو صاحب نهب الكوفة ».

شيخ برسی در کتاب مشارق الأنوار روایت کرده از کعب بن حارث که گفت سطح کاهن چنین گفته است: « و این (وقایع) هنگام طلوع ستاره‌ای است که عرب را به ترس واداشت، ستاره‌ای که چیزی شبیه به دم دارد. پس در آن هنگام است که بارانها کم و نهرها خشک و اوقات اختلاف پیدا می‌نماید و قیمت‌ها در همه جا بالا می‌رود، سپس بربرها با پرچم‌های زرد بر زمین‌های محکم پیش آیند تا اینکه در مصر فرود آیند. پس مردی از اولاد صخر (ابوسفیان) خروج می‌کند، پرچم‌های سیاه را به سرخ تبدیل کرده، حرام‌ها را مباح و زن‌ها را از پستان‌ها می‌آویزد. اوست غارت‌کننده کوفه ».

*18: الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ ج 1؛ ص 290؛ روى مسعدة بن صدقة قال سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد ع يقول خطب أمير المؤمنين ع الناس بالكوفة فحمد الله و أثنى عليه ثم قال: « فَلَوْ قَدِ اسْتَكْمَلْتُمْ نَهْلًا وَ امْتَلَأْتُمْ عَلَلًا مِنْ سُلْطَانِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ ^{٥٥} لَقَدْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَى نَاعِقِ ضَلَالٍ وَ لَأَجَبْتُمْ الْبَاطِلَ رِكْضًا ثُمَّ لَغَادَرْتُمْ دَاعِيَ الْحَقِّ وَ قَطَعْتُمْ الْأَدْنَى مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ وَ وَصَلْتُمْ الْأَبْعَدَ مِنْ أَبْنَاءِ حَرْبِ آلَا وَ لَوْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَ كُشِفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَضَتِ الْمُدَّةُ وَ أَزَفَ الْوَعِيدُ وَ بَدَا لَكُمْ النُّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ أَشْرَقَ لَكُمْ قَمَرُكُمْ كَمِْلٍ شَهْرِهِ وَ كَلِيلُهُ تَمَّهُ فَإِذَا اسْتَمْتُمْ ذَلِكَ فَرَاغُوا التَّوْبَةَ وَ خَالَعُوا الْحَوْبَةَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ أَطَعْتُمْ طَالَعَ الْمَشْرِقَ سَلَكَ

بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ ص ٥٦ فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الصَّمَمِ وَ اسْتَشْفَيْتُمْ مِنَ الْبُكْمِ وَ كُفَيْتُمْ مَثْوَنَةَ التَّعَسُّفِ وَ الطَّلَبِ وَ بَدَتْكُمْ الثُّقَلُ الْفَادِحُ عَنِ الْأَعْنَاقِ فَلَا يُبْعِدُ اللَّهُ إِلَّا مَنْ أَبِي الرَّحْمَةِ وَ فَارَقَ الْعِصْمَةَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

شیخ مفید (ره) در ارشاد از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: شنیدم امام جعفر صادق (ع) میفرمود: امیرالمؤمنین (ع) در کوفه برای مردم خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: « ... ، و چون کامل شود سیرایشان نوشیده میشود بر ایشان برتری جوئی **سُلْطَانِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ** سلطان شجره ملعونه در قرآن (سفیانی)، بتحقیق که جمع میشوند بر سوق دهنده گمراهی و میپذیرند باطل او را بسیار سریع ، سپس پیمان شکنی میکنند با داعی حق و قطع می کنند رشته ارتباط با اهل بدر را و با آنان که از حق دور شده اند و از فرزندان جنگ (بر علیه حق) هستند میپیوندند، آگاه باشید هنگامی که آب شود آنچه در دستانشان است نزدیک میشود امتحان برای جزاء و پرده بالا میرود و مدت پایان میابد و وعده نزدیک میشود، **وَ بَدَأَ لَكُمْ النُّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ**، و آشکار میشود برای شما ستاره ای از جانب مشرق، و نورانی شود برای شما ماه تان آنهم مانند ماه شب چهارده در شب تار، و چون این علامت آشکار گردد توبه کنید و گناه را از خود دور سازید **وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنِ اطَّعْتُمْ طَالَعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ**، و بدانید که اگر از طلوع کننده مشرق پیروی کنید (مقصود مهدی اول است که از مشرق یعنی کوفه ظهور نماید) او شما را بطریق رسول الله (ص) رهبری نماید،

56 - الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 8 ؛ ص 66 - ح 22 : **وَ لَعَمْرِي أَنْ لَوْ قَدْ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَدَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ، وَ قَرُبَ الْوَعْدُ، وَ انْقَضَتِ الْمُدَّةُ، وَ بَدَأَ لَكُمْ النُّجْمُ ذُو الذَّنْبِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ لَاحَ لَكُمْ الْقَمَرُ الْمُنِيرُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَارْجِعُوا التَّوْبَةَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنِ اتَّبَعْتُمْ طَالَعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جَ الرَّسُولِ ص**؛ به جانم سوگند! آن گاه که قدرتشان کاهش یابد، در آن وقت، زمان غربال برای جزا فرارسیده و وعده نزدیک شده و فرصت به پایان میرسد و در آن وقت است که ستاره دنباله دار از طرف مشرق نمایان می شود و ماه درخشان از دور می درخشد. در آن هنگام به سوی توبه بازگردید و بدانید که اگر از قیام گر مشرق پیروی کنید، شما را به طریق رسول الله (ص) می برد.

و از کری و گنگی شفا خواهید یافت و کفایت کند شما را از طلب و امانت سخت، و تحمل بارهای سنگین را از گردنها فرود می آورید. خداوند در آن روز هیچ کس را از رحمت خود بی نصیب نگذارد مگر آنکس که خود از رحمت حق سرباز زند و خویشان دار نباشد، **و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ** .»

*19: إنجيل متى اصحاح 24 قال عيسى (ع): « **28- لَأَنَّهُ حَيْثُمَا تَكُنِ الْجِنَّةُ، فَهَنَّاكَ تَجْتَمِعُ النَّسُورُ.** **29- وَلِلْوَقْتِ بَعْدَ ضَيْقِ تِلْكَ الْأَيَّامِ تُظْلِمُ الشَّمْسُ، وَالْقَمَرُ لَا يُعْطِي ضَوْءَهُ، وَالنُّجُومُ تَسْقُطُ مِنَ السَّمَاءِ، وَقُوَّاتُ السَّمَاوَاتِ تَتَزَعَّزَعُ.** **30- وَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ عَلَامَةُ ابْنِ الْإِنْسَانِ فِي السَّمَاءِ. وَحِينَئِذٍ تَنُوحُ جَمِيعُ قَبَائِلِ الْأَرْضِ، وَيُبْصِرُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا عَلَى سَحَابٍ بِقُوَّةٍ وَمَجْدٍ كَثِيرٍ.** **31- فَيُرْسِلُ مَلَائِكَتَهُ بِبُوقٍ عَظِيمٍ الصَّوْتِ، فَيَجْمَعُونَ مُخْتَارِيهِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرِّيَّاحِ، مِنْ أَقْصَاءِ السَّمَاوَاتِ إِلَى أَقْصَائِهَا** .»

عیسی (ع) در انجیل متى اصحاح 24 فرمودند: « ۲۸ هر جا که لاشهای باشد عقابها گرد آن جمع خواهند شد. ۲۹ بلافاصله بعد از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را نخواهد تاباند، ستارگان از آسمان فرو خواهند افتاد و نیروهای آسمانها به لرزه در خواهند آمد. ۳۰ سپس، نشانه پسر انسان در آسمان آشکار خواهد شد و آنگاه تمامی طایفه‌های زمین از فرط اندوه بر سینه خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. ۳۱ او فرشتگان خود را با صدای بلند شیپور خواهد فرستاد و آنان برگزیدگانش را از چهار گوشه زمین از یک کران آسمانها تا کران دیگر گرد هم خواهند آورد .»

*20: منجی در ادیان ؛ ص 227 : از کتب مقدس هندوان است که در آن بشارت ظهور این‌گونه آمده است: « **ویشنو، در میان مردم ظاهر می‌گردد. او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است. در یک‌دست ویشنو، نجات‌دهنده شمشیری به مانند ستاره دنباله‌دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد. هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید** .»

*21: پژوهش مهدوی؛ ص 126؛ 8. در کتاب اوپانیشاد در شرح واژه کلی دهمین مظهر ویشنو آمده است: « این مظهر ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار، در دست دارد ظاهر می‌شود و شیران را تماما هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد.»

توضیح :

نجوم (ستارگان) و دیگر اجرام آسمانی یک مفهوم مادی دارند که همین ستارگانی هستند که در آسمان دیده می‌شوند، و یک مفهوم معنوی که اشاره به دانشمندان و شخصیت‌های است که روشنی بخش جوامع بشری هستند، و همان گونه که مردم راه خود را در شبهای تاریک در بیابانها و بر صفحه اقیانوسها بوسیله ستارگان پیدا می‌کنند، توده‌های جمعیت در اجتماعات انسانی نیز راه زندگی و سعادت و حیات را به کمک این دانشمندان و رهبران آگاه و با ایمان می‌یابند. در دعای شریفه ندبه خطاب به مهدی موعود (ع) می‌خوانیم: « **أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةُ** **أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ** **أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ** **أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ** **وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ** **أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ** **الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِترَةِ الْهَادِيَةِ** **أَيْنَ الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟** ؛ کجایند خورشیدهای پرتوافکن؟ کجایند ماههای درخشانده؟ کجایند ستارگان تابناک؟ کجایند نشانه‌های دین و پایه‌های علم؟ کجاست آن حضرت بقیة الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجاست آن آماده‌شده برای برکنند دنباله ستمگران؟ »^{۵۷}

امّ هانی ثقفیه گوید: بامداد خدمت سرورم امام محمد باقر (ع) رسیدم و گفتم: ای آقای من! آیه‌ای از کتاب خدای تعالی بر دلم خطور کرده است و مرا پریشان ساخته و خواب از چشم ربوده است، فرمود: ای امّ هانی! بپرس، گوید گفتم: ای سرورم! این قول خدای تعالی: «**فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ**» (پس سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند * ستارگانی که به سرعت

می‌روند و پنهان می‌شوند) فرمود: « **نِعْمَ الْمَسْأَلَةُ سَأَلْتِنِي يَا أُمَّ هَانِي هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِتْرَةِ تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ فَيَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتِيهِ وَ يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ ؛** ای امّ هانی! خوب مسأله‌ای پرسیدی، این مولودی در آخر الزّمان است، او مهدیّ این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه شوند و اقوامی نیز هدایت یابند و خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا بر کسی که او را دریابد.»^{۵۸}

در روایت فوق منظور امام باقر (ع) از عبارت: **(هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْعِتْرَةِ)** همان مهدی اول و یمانی موعود (ع) است که بنابر وصیت پیامبر (ص) سه نام دارد: (احمد، عبد الله و مهدی)، و او همان شخصی است که بردن اسمش حرام بوده است آنهم تا قبل از دوران بعثتش که همان امامت و ظهورش میباشد. همانگونه که میدانید امام محمد بن الحسن العسکری (ع) قبل از تولد و حتی به امامت رسیدنشان بعد از پدر بزرگوارشان بارها و بارها از اسمش و اینکه امام دوازدهم است بوسیله ائمه پرده برداشته شده است. پس آن کدام امام است که تا قبل از بعثتش بردن نامش جایز نیست. عمر بن خطاب از امیر المؤمنین (ع) پرسید: آیا اسم مهدی را به من خبر می‌دهید؟ حضرت فرمودند: « **أَمَّا اسْمُهُ فَلَا إِنْ حَبِيبِي وَ خَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِمَّا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ فِي عِلْمِهِ ؛** امّا اسمش را نمی‌گویم، زیرا حبیب و خلیل من سفارش کرده است که نام او را بازگو نکنم تا خدای تعالی او را مبعوث کند و آن از چیزهایی است که خدای تعالی نزد رسولش به ودیعه نهاده است.»^{۵۹}

⁵⁸ - کمال الدین و تمام النعمه؛ ج 1؛ ص 330؛ ح 14

⁵⁹ - کمال الدین و تمام النعمه؛ ج 2؛ ص 648؛ ح 13

تحقیقاً این مولود آخرالزمان که اسم مهدی را به‌مراه دارد و از عترت یعنی از فرزندان امام مهدی (ع) است و برای او غیبت و حیرتی نیز وجود خواهد داشت کسی نمی‌تواند باشد جزء اولین مومنان و اولین مهدیین ذکر شده در وصیت نامه شب وفات محمد بن عبد الله (ص).⁶⁰

در حدیث دیگری که از امام باقر(ع) و ام هانی در مورد آیه شریف سوره تکویر نقل شده است چنین بیان شده که کلمه (الْخَنَّسِ) اسم خاصِ امام مهدی (ع) است و به تَبَعِ آن (الْكَنَّسِ) اسم خاصِ مهدی اول احمد موعود (ع) خواهد بود. - امّ هانی گوید: «امام باقر (ع) را ملاقات کرده از او در مورد این آیه سؤال کردم: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَّسِ الْجَوَارِ الْكَنَّسِ» فرمود: «الْخَنَّسُ إِمَامٌ يَخْنِسُ فِي زَمَانِهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنْ عِلْمِهِ عِنْدَ النَّاسِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ فَإِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ قَرَّتْ عَيْنُكَ ؛ منظور از «خَنَّس» امامی است که

⁶⁰ - از ابی عبدالله از پدرانش از امیر مؤمنان (ع) از رسول خدا (ص)، در همان شبی که رحلت ایشان (ص) واقع شد به علی (ع) فرمودند: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور. حضرت رسول اکرم (ص) وصیت خود را املاء فرمود و علی می‌نوشت تا بدین‌جا رسید و فرمود: " يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مَنْ بَعْدَهُمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَيْ عَشَرَ الْإِمَامِ، وساق الحديث إلى أن قال: وَ لَيْسَلَّمَهَا الْحَسَنُ ع إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ص فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلَيْسَلَّمَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمَهْدِيِّينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ كَأَسْمَى وَ اسْمِ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ وَ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ؛ یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشند و بعد از ایشان دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام می‌باشی. و حدیث به درازا کشید تا این‌که فرمود: و چون وفات حسن عسگری برسد آن (خلافت) را به فرزندش (م ح م د) که مستحفظ شریعت و از جمله آل محمد است تسلیم کند، و ایشان دوازده امام‌اند. سپس بعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود. پس وقتی که قائم (ع) را اجل دریافت، آن‌گاه امر (خلافت) را به فرزندش که اولین مهدیین است بسپارد، که برای او سه نام است، یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آن‌ها عبدالله و احمداند، و نام سوم اومهدی است و او اولین مؤمنان است ". بحار الأنوار ج 53 ص 148 البرهان ج 3 ص 310 الغيبة للطوسي ص 385.

خویشتن را در زمان خود به هنگام قطع شدن آگاهی مردم نسبت به او، از دیده‌ها غایب می‌سازد در سال 260، سپس مانند شهابی درخشان در تاریکی شب آشکار می‌شود، اگر آن را درک کردی چشمت روشن می‌شود».^{۶۱}

با توجه به احادیث ذکر شده و بیان قرائن موجود در آن متوجه شدیم که (الْخَنَّس) در سال 260 از دیدگان غایب و پنهان شده و سپس (الْكُنَّس) که مولودی در آخرالزمان است از عترت امام مهدی (ع) به بعثت میرسد در نتیجه عبارت: **(ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ)**^{۶۲} که در حدیث ام هانی بیان شده است اشاره به مهدی اول احمد موعود (ع) دارد. بنابراین احمد موعود(ع) تمثیلی از شهاب در آسمان آخرالزمان خواهد بود و نشانی از تولد آن مولود مبارک و نشانی از عذاب بزرگ. امام صادق از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلوات الله عليهم اجمعین روایت کند که فرمود: **« الْمَهْدِيُّ مِنْ وَدْيِ اسْمِهِ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ؛** مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است، برای او غیبت و حیرتی است تا به غایتی که مردم از ادیانشان گمراه شوند، آنگاه مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».^{۶۳}

⁶¹ - الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 1 ؛ ص 341 ؛ ح 23

⁶² - الهداية الكبرى ؛ ص 362 ؛ **ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَإِنْ أَدْرَكَتْ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنَاكَ.**

الغيبه للطوسي ؛ النص ؛ ص 159 ؛ **ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فَإِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ قَرَّتْ عَيْنُكَ.**

واقِد: تابناک، مشتمل. **ثاقب:** تابان، تابناک، رخشان، روشن، فروزان، منور، سوراخ کننده، نافذ. **وقاد:** بسیارفروزنده، فروزان، بسیارروشن - کوب وقاد ؛ روشن و سخت افروخته. (المنجد)

⁶³ - کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 1 ؛ ص 287 .

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ؛ مگر آنکه بخوهد دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود، که شهابی روشن او را دنبال می کند.»^{۶۴} «إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ؛ مگر آنکه شیطانی خبری را [دزدانه و] با سرعت بر باید [و فرار کند] که در این صورت گلوله‌ای آتشین و شکافنده او را دنبال می کند.»^{۶۵} «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ؛ بر شما شعله‌هایی از آتش بی دود و دود آتش آلود فرستاده خواهد شد، در نتیجه نمی‌توانید یکدیگر را [برای دفع عذاب] یاری دهید!»^{۶۶} «وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيئَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا * وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا؛ ما (شیاطین) آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم * و این که ما پیش از این به استراق سمع در آسمان‌ها می نشستیم، اما اکنون هر کس بخوهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد.»^{۶۷}

از بُعد معنوی منظور از آسمان که جایگاه فرشتگان است، یک عالم ملکوتی و ماوراء طبیعی است، که از این جهان محسوس، برتر و بالاتر است، و منظور از نزدیک شدن شیاطین به این آسمان برای استراق سمع و پرتاب کردن شهب بسویشان آنست که آنها می‌خواهند به جهان فرشتگان نزدیک شوند تا از اسرار خلقت و حوادث آینده آگاهی یابند، ولی فرشتگان شیاطین را با انوار ملکوتی که تاب تحمل آن را ندارند می‌رانند. آنچه در آیات قرآن آمده است تعبیری همچون: شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ، شِهَابٌ مُّبِينٌ، شِهَابٌ ثَاقِبٌ، شِهَابًا رَّصَدًا، است. با توجه به این تعبیر ابزار خداوند در راندن شیاطین شهاب است.

شهاب چیست؟

64 - (الحجر 18)

65 - (الصافات 10)

66 - (الرحمن 35)

67 - (جن: 9.8)

شهاب ها همان سنگریزه های سرگردانی هستند که در این فضای بیکران در گردشند و گاه گاه که در حوزه جاذبه زمین قرار می گیرند ، به سوی زمین کشیده می شوند و بر اثر سرعت برخورد با امواج هوا، داغ و سوزان و شعله ور و خاکستر می شوند. از دیدگاه معنوی شیاطینی که بدنبال دست یابی به اخبار آسمانها هستند «وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ؛ ما پیش از این به استراق سمع در آسمان ها می نشستیم»، همان شیاطین انس و جنی هستند که در قالب گروه از دانشمندان حيله گر و ریاکاری مردم عوام را بتقلید از خود دعوت می کنند، این گروه شایستگی و اهلیت آن را ندارند که از کلمات خداوند و شگفتیهای عالم بالا و نظم و حسابی که بر آنها حکومت می کند، آگاه شوند، خداوند این علم و دانش را از آنها ممنوع ساخته، شنونده اسرار آسمان در بین انس و عالم ماده کسی بغیر از عالم بی عمل نیست چرا که او لباس اهل ایمان و رسولان الهی را برتن نموده و خود را در جایگاه آن خلفاء الهی که آورنده وحی الهی بوده اند قرار داده است لذا خداوند این ریاکاران فریبکار را از نعم معنوی و علم به حقائق اشیاء منع مینماید راههای کشف حقیقت از جمله رویاء صالحه و مکاشفه را از آنها سلب نموده و در نتیجه غرور و عمل به هوای نفس آن دانشمندان روحانی نما را در معرض وساوس شیطانی قرار میدهد و از طرق مختلف شیاطین به آنها وحی مینمایند. شاید یکی از عواملی که سبب میشود علماء بی عمل خواب های صادق را در هنگام بعثت رسولان الهی رد و تکذیب کنند خوی گرفتن آنها به وساوس شیطانی باشد آنهم بدلیل پیروی از هوای نفس و ریاست طلبی. خداوند تبارک و تعالی به وحی شیطانی اشاره کرده و می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ؛ این چنین در برابر هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که سخنان فریبنده و دروغ را به طور سری به یکدیگر می گفتند».^{۶۸} همچنین می فرماید: «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ

وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود»^{۶۹}

در نتیجه ی وحی های شیطانی به حُکام و عُلَمَاءِ سُوءِ جَامِعِهِ مذهبی و دین الهی از مسیر حق و حقیقت خارج شده و رو بزوال میگذارد و بدعتها در جوامع شکل میگیرد در چنین زمانی است که خداوند تبارک و تعالی مومنان مخلصی را از بین همان جمعیت همچون شهابی ثاقب برانگیخته و به عنوان رسول و خلیفه الهی به بعثت میرساند آن رسولان الهی دعوت اصلاحی خود را آغاز مینمایند اما با مخالفت سردمداران شیاطین جن و انس و مقلدانشان روبرو میشوند. در چنین شرایطی است که عذاب بر امت تکذیب کننده رسول الهی سایه انداخته و هر لحظه ممکن است باذن خداوند همچون شهابی تیزرو آنها را به نابودی بکشاند. لذا تعبیراتی همچون شُواظٌ مِّن نَّارٍ ، شِهَابٌ مُّبِينٌ ، شِهَابٌ ثَاقِبٌ ، شِهَاباً رَّصِداً ، برای پیامبران و رسولان الهی کاملاً بجاست چرا که آن مومنان مخلص تمام بدعتها ، عقائد و شرایع باطل علماء بی عمل را دنبال کرده و اصلاح مینمایند و در صورت تکذیب عذاب الهی بر آنها صحیح زده نابودشان میگرداند، البته چنانچه قضاء الهی بر هلاکت قوم تکذیب کننده جاری شود والا چه بسیار بودند رسولان تکذیب شده و چه کم بودند اتمهای بهلاکت رسیده. لذا دانشمندان و حکیمان بر اساس نصوص و وحی های الهی همچون رویاء صادق و مکاشفات پی خواهند برد که طلوع یک ستاره دنباله دار به چه نشانه است:

1- آیا رسولی الهی متولد شده است؟

2- آیا رسولی الهی به بعثت رسیده و دوران دعوت اصلاحیش را آغاز نموده است؟

3- آیا طلوع آن ستاره نشانه نزدیک شدن عذابی است که بعلت تکذیب آن رسول بوقوع خواهد پیوست؟

این سه پرسش مواردیست که حکیمان بر اساس نصوص وارد شده در کتب و یا بوسیله کشف و رویای صادق جواب آن را بدست خواهند آورد لذا از این روست که طلوع ستاره مشرقی در دوران عیسی (ع) سبب شد دانشمندان مجوسی اعتقاد پیدا کنند مولودی مبارک که پادشاهی یهود را بر عهدی میگیرد متولد شده است، اعتقاد آنها حاصل از رویاهای صادق و نصوصی بود که در اختیار داشتند اما گاهی اوقات ممکن است طلوع یک ستاره دنباله دار نتایج دیگری در پی داشته باشد که یک مورد مهم آن وقوع عذاب الهی است.

سید احمد الحسن (ع) در خصوص رابطه اجرام آسمانی و ستارگان با انبیاء و اوصیاء فرمودند: « هذا الكون الجسماني الذي يمكن أن نراه هو كلمة من كلمات الله يمكننا أن نصم آذاننا عن سماعها كما يمكننا أن نسمعها ونفهم منها أن الأنبياء والذين يضعون أنفسهم في خدمة ربهم قليلون كقلة النجوم أو نفهم منها أن هناك خلفاء لله يتبعون خلفاء لله آخرين نجد هارون يتبع موسى (ع)، ونجد علياً يتبع محمداً (ص)، كما ان هناك شمساً تدور حول شمس، وهناك مؤمنون مخلصون يتبعون أنبياء، كما تدور الكواكب حول الشمس، ويمكننا أن نفهم أن اثر الإنسان في العالم والناس بقدر عمله وإخلاصه لله كما أن اثر الأجرام السماوية في الكون بقدر كتلتها والطاقة التي تصدر منها أو تعكسها، ويمكننا أن نفهم أن الإنسان إذا اخلص لله يكاد يكون نوراً يضيء من نفسه، كما ان الشمس تكاد تضيء من نفسها، اي يكاد يكون نوراً لا ظلمة فيه لأنه خلق على صورة الله. ... كما قلت لك الكون كلمة الله وبالتالي يمكننا أن نستمر في السماع منها حتى نملئ كتباً مما تقوله هذه الكلمة، فإذا سمعت هذه الكلمة ربما لا احتاج أن أقول لك أي نجم رأى أولئك الذين أتوا ليشوع (عيسى ع) لأنك أكيد ستفهم أنهم كانوا يسمعون كلمات الله فرأوا النجم في رؤى الليل، فأرشدهم الله بالرؤى أن هناك نوراً ونجماً مباركاً قد نزل في الأرض المقدسة هو يشوع (ع)، وستفهم انهم رأوا بأعينهم السماء ونجومها وهي ترشدهم الى الجهة التي نزل فيها النجم المبارك عليه

السلام هم كانوا يسمعون كلمات الله جيدا ولهذا فقد رأوا هذا النجم في كل شيء وكان كل شيء يرشدهم الى ذلك النجم المبارك يشوع (عيسى ع) يمكنك أنت أيضاً أن تسمع الله في كل شيء في كلماته في السماء في النجوم في كل الأحداث التي تصادفك يوميا حتى في أعماقك يمكنك أن تسمع الله لأنك إنسان والإنسان هو كلمة الله الأعظم.»

« این عالم جسمانی که ما قادر به مشاهده آن هستیم کلمه ای از کلمات خداوند است و میتوانیم گوشهای خود را از شنیدن باز داریم؛ همانطور که میتوانیم به آن گوش فرا دهیم و از آن بفهمیم که انبیا و کسانی که خودشان را وقف خدمت به پروردگارشان کردند، همچون ستارگان، اندک اند؛ یا از آن بفهمیم خلفا و جانشینانی برای خداوند وجود دارند که از جانشینان دیگر پیروی میکنند؛ میبینیم که پیروی میکند، درست مانند خورشیدهایی که^۴ گرد خورشیدهای دیگر میچرخند. همانگونه که هارون تابع موسی (ع) شد و همانطور که علی (ع) تابع محمد (ص) شد؛ همچنین مؤمنان مخلصی وجود دارند که از پیامبران پیروی میکنند؛ درست همانند سیارات که گرد خورشیدها میچرخند. همچنین میتوانیم دریابیم که تأثیر انسان در این عالم و بر مردم به میزان اخلاصش برای خداوند میباشد؛ درست همانند تأثیر اجرام آسمانی در هستی که به میزان جرم آنها و انرژی که از آنها صادر یا منعکس میشود، بستگی دارد. همچنین میتوانیم بفهمیم که اگر انسان برای خداوند خالص گردد تقریباً نوری میشود که به خودی خود فروزان میباشد همانطور که خورشیدها تقریباً به خودی خود فروزان هستند؛ به عبارت دیگر نزدیک به نوری میشود که ظلمتی در آن نیست چرا که او بر صورت خداوند خلق شده است. ... همانطور که گفتم، کیهان کلام خداوند است و در نتیجه پیوسته میتوانیم به آن گوش فرا دهیم تا آنجا که کتابی از آنچه این کلمه میگوید، بنگاریم. اگر به این کلمه گوش بسپاری چه بسا نیاز نباشد به شما بگویم آنها که به سوی یسوع (عیسی ع) آمدند ستارهای دیدند؛ چرا که شما خواهید فهمید که آنها به کلمات خداوند گوش میسپردند، پس ستاره را در رؤیای شبانه دیدند؛ خداوند با رؤیا آنها را راهنمایی فرمود که نور و ستارهای مبارک در سرزمین مقدس فرود آمد؛ یعنی یسوع (ع) و خواهی فهمید که آنها با چشمهایشان آسمان و

ستاره‌هایش را دیدند و آسمان نیز آنها را به سمتی که در آن ستاره ی مبارک (ع) فرود آمد راهنمایی کرد و هر چیزی آنها را به آن ستاره‌ی مبارک یعنی یسوع (عیسی ع) راهنمایی نمود. آنها به شدت به کلمات خداوند گوش میدادند؛ از همین رو این ستاره را در هر چیزی دیدند و همه چیز، آنها را به سوی آن ستاره‌ی مبارک یعنی یسوع (عیسی ع) هدایت نمود. شما می‌توانی خداوند را در هر چیزی بشنوی، در کلماتش، در آسمان، در ستارگان، در هر چیزی که هر روز با شما برخورد میکند. می‌توانی در اعماق وجودت خدا را بشنوی؛ چرا که شما انسان هستی و انسان کلمه ی برتر خداوند است.»^{۷۰}

در آخرالزمان نیز براساس روایات و احادیث صادره از معصومین مشخص میشود طلوع ستاره دنباله دار مشرقی نشانه وقوع عذاب الهی و خروج قائم آل محمد (ص) است به این معنی که حضرت قائم (ع) قبل از طلوع ستاره مشرقی ظهور کرده و دعوت اصلاحی خویش را آغاز نموده اند اما بعلت تکذیب و عدم تبعیت از او عذاب الهی همراه با طلوع ستاره هلاکت ذُو الشَّفَا یا النَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ آغاز میشود، امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: « **وَلَعَمْرِي أَنْ لَوْ قَدَّ ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَدَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ، وَ قَرُبَ الْوَعْدُ، وَ انْقَضَتِ الْمُدَّةُ، وَ بَدَأَ لَكُمْ النَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ لَاحَ لَكُمْ الْقَمَرُ الْمُنِيرُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَرَاغِعُوا التَّوْبَةَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالَعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ ص** ؛ به جانم سوگند! آن گاه که قدرتشان

⁷⁰ - الجواب المنير ج7 جمادى الثاني / 1433 هـق . السؤال / 669 ؛ ستاره ی مشرقی که مجوسیان سه گانه را از مشرق به سوی عیسی (ع) آورد، چیست؟ در انجیل متی اصحاب دوم آمده است : «1- **وَلَمَّا وُلِدَ يَسُوعُ فِي بَيْتِ لَحْمِ الْيَهُودِيَّةِ، فِي أَيَّامِ هِيرُودَسَ الْمَلِكِ، إِذَا مَجُوسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَدْ جَاءُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ.** 2- **قَائِلِينَ: «أَيْنَ هُوَ الْمَوْلُودُ مَلِكُ الْيَهُودِ؟ فَإِنَّا رَأَيْنَا نَجْمَهُ فِي الْمَشْرِقِ وَأَتَيْنَا لِنَسْجُدَ لَهُ؛** 1- و چون عیسی در ایام هیرودیس پادشاه در بیت لحم یهود تولد یافت، ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده. 2- گفتند: کجا است آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره ی او را در مشرق دیده و برای سجده در پیشگاه او آمده‌ایم.» فرستنده: برادر دارن آمریکا

کاهش یابد، در آن وقت، زمان غربال برای جزا فرارسیده و وعده نزدیک شده و فرصت به پایان میرسد و در آن وقت است که ستاره دنباله‌دار از طرف مشرق نمایان می‌شود و ماه درخشان از دور می‌درخشد. در آن هنگام به سوی توبه بازگردید و بدانید که اگر از قیام گر مشرق پیروی کنید، شما را به طریق رسول‌الله (ص) می‌برد».^{۷۱}

با بررسی روایات اینگونه تصور میشود که طلوع ستاره مشرقی در ماه رمضان نداء آسمانی خواهد بود، یعنی در دوران سفیانی و قبل از خروج یمانی (ع)، و همچنین محتمل است برخورد چند سیارک از ستاره مشرقی بزمین آنهم درماه رمضان نداء آسمانی.

بنابراین طلوع ستاره مشرقی (الْقَرْنُ ذُو الشَّفَا) یا (النَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ) یا (النَّجْمُ الْأَحْمَرُ) یا (الْكَوْكَبِ الْمُدْنَبِ) و ... خود دلیلی است بر اطمینان یافتن از ظهور سفیانی چرا که سفیانی خود از علائم حتمیه ظهور امام مهدی (ع) است. و در نتیجه اطمینان یافتن از ظهور یمانی موعود (ع) و دوره دعوتگری اصلاحی و علت وقوع عذاب نیز مشخص میشود، محمد بن عبد الله از صادق آل محمد (ع) روایت کرده که فرمود امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند: « **و تَعُوذُ دَارُ الْمَلِكِ إِلَى الزُّورَاءِ، وَ تَصِيرُ الْأُمُورُ شُورَى، مَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ فَعَلَهُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، فَيَرْكَبُ فِي الْأَرْضِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ؛** مقرر سلطانت به زوراء برخواید گشت و کارها بوسیله شورا انجام خواهد شد و کسی که بر امری غالب شد آن را عملی میکند. در آن موقع است که سفیانی خروج مینماید و مدت نه ماه در زمین گردش میکند و مردم را بدترین عذابها معذب خواهد کرد».^{۷۲} همانگونه که در روایت مشاهده کردید از سفیانی بعنوان کسی که بدترین عذابها و بلاها را نسیب امت میکند نام برده شده است: **(يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ)** و از آنجهت که عذاب بدون تکذیب رسول و دعوت اصلاحی ممکن نیست برای ما ثابت میشود

⁷¹ - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج 8؛ ص 66 - ح 22

⁷² (3) - التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص 266

که قبل از ظهور امام مهدی یعنی امام محمد بن الحسن العسکری (ع) ، رسول و فرستاده ای از جانب امام مهدی (ع) می آید که معصوم است و از حجج الهی که در نتیجه تکذیب و عدم پیروی از آن بوسیله علماء بی عمل و مقلدینشان عذاب سفیانی بر امت مخصوصا شیعی وارد میشود، روایات این شخص مصلح و فرستاده امام مهدی (ع) را یمانی لقب داده است و برای او مشخصات یک معصوم را بیان کرده است، ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: « **وَ لَيْسَ فِي الرَّايَاتِ اَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدَى لَانَّهُ يَدْعُو اِلَى صَاحِبِكُمْ ؛ فَاِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَي النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ اِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ اِلَيْهِ فَاِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدَى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ اَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ لَانَّهُ يَدْعُو اِلَى الْحَقِّ وَ اِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ ؛** و در پرچمها پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست و آن پرچم هدایت است چون که شما را به صاحبتان دعوت می کند، و اگر یمانی خروج کرد فروختن اسلحه حرام می شود و اگر یمانی خروج کرد، بپا خیز به سوی او که همانا پرچمش پرچم هدایت است و جایز نیست مسلمانان از او سرپیچی کنند، و اگر کسی این کار را انجام دهد از اهل جهنم می باشد زیرا که او به حق و به راه راست دعوت می کند.»^{۷۳}

بنابراین بدلیل تکذیب و عدم تبعیت از حجت الله یمانی (ع) عذاب سفیانی بر شیعیان وارد میشود و از آنجهت که عذاب بدون حضور اصلاحگر معصوم سنت الهی نیست در روایت بیان شده است: «**وَ كَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ عِلْمَةً؛** برای شما سفیانی بعنوان علامت کافی است.» یعنی ظهور سفیانی برای شما کافیتست که بدان یمانی موعود ظهور کرده است و باید خود را آماده جهاد در زیر پرچم حقی که اهل بیت سفارش نموده اند بنمائید، عیسی بن قاسم گوید از امام صادق (ع) شنیدم که میفرمود: « **اِذَا كَانَ رَجَبٌ فَاقْبَلُوا عَلَي اسْمِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اِنْ اَحْبَبْتُمْ اَنْ تَتَاَخَّرُوا اِلَى شَعْبَانَ فَلَا ضَيْرَ وَ اِنْ اَحْبَبْتُمْ اَنْ تَصُومُوا فِي اَهَالِكُمْ فَلَعَلَّ ذَلِكَ اَنْ يَكُونَ اَقْوَى لَكُمْ وَ كَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ عِلْمَةً؛** هر گاه ماه رجب فرا رسید بنام خدا بیائید و اگر تا ما شعبان

بتأخیر انداختید اشکالی ندارد و اگر دوست دارید که روزه را نزد کسان خود بگیریید شاید برای شما بهتر باشد و برای شما سفیانی بعنوان علامت کافی است».^{۷۴}

طلوع ستاره مشرقی (الْقَرْنُ ذُو الشَّفَا) یا (النَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ) و... به معنی آشکار شدن و تاثیر گذاریش بر مدارزمین ممکن است طی چندین دوره رخ دهد بدین شکل که با هر طلوعی حادثه ای در زمین بوقوع میپیوندد و طبعاً تا برخورد نهائی ستاره مشرقی بزمین چند ماه یا چند سالی بطول می انجامد.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: « أَلَا وَ إِنَّ لِخُرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةً، فَأَوَّلُهُنَّ طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُدْنَبِ، وَ يُقَارَبُ مِنَ الْمُحَاذِي، وَ أَيُّ قُرْبٍ، وَ يَتَّبِعُ بِهِ هَرَجٌ وَ شَغْبٌ، فَتِلْكَ أَوَّلُ عَلَامَاتِ الْمُغِيبِ، وَ مِنْ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ، فَإِذَا انْقَضَتِ الْعَلَامَاتُ الْعَشْرُ ظَهَرَ فِيهَا الْقَمَرُ الْأَزْهَرُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ الْأَخْلَاصِ عَلَى التَّوْحِيدِ بِاللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ آگاه باشید که برای خروج آن حضرت ده علامت است اول آن علامتها طلوع ستاره دنباله دار است که از مجاری نزدیک می شود و چه نزدیک شدنی، و بعد از آن فتنه و آشوبهائی بپا می شود و جنگ و شرارت روی می دهد. پس آن ستاره اولین علامات آن غایب شونده است، و از هر علامتی، تا وقوع علامت دیگر عجائبی روی خواهد داد. پس موقعی که علامات ده گانه بپایان رسید ماه تابان خواهد درخشید، و کامل خواهد شد کلمه اخلاص بالله رب العالمین ».^{۷۵}

طلوع این ستاره و تاثیرگذاریش بر روی سیاره زمین سبب باز شدن درهای ملکوت برای زمینیان خواهد شد از این روست که در 23 رمضان ندای ملکوتی و آسمانی جبرایل بوسیله رویاء صادق و مکاشفه برای همگان یا حداقل اکثریت مردم قابل دریافت خواهد شد چرا که هر عمل و حادثه ای در ملکوت تاثیری نیز بر عالم ماده و جسمانی دارد لذا در بعضی از

⁷⁴ الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج 8 ؛ ص 264 ؛ ح 381

⁷⁵ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن جلد : 1 صفحه : 270 - الباب 58 ح 392.

روایات بجای استفاده از کلمه (نداء) واژه (صیحه) و یا (صوت) بکار برده شده چرا که صیحه در ملکوت رحمتی است برای مومنان زیرا که سبب آشکار شدن امر امام مهدی (ع) و جهاد در زیر پرچمهای سیاه مهدوی میشود: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ».^{۷۶}

ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: « يَقُومُ الْقَائِمُ ع فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ تِسْعَ وَاحِدَةٍ ثَلَاثِ خَمْسٍ وَ قَالَ: ... وَ اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعْمَ وَ أَهْلُ الْقِبْلَةِ وَ يَلْقَى النَّاسَ جَهْدٌ شَدِيدٌ مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَى فَالْغَيْبُ النَّفِيرِ ؛ قائم (ع) در سالهای فرد، نه، یک، سه، پنج قیام می‌کند، و فرمودند: ... و اهل مشرق و اهل مغرب نیز دچار اختلاف شوند، آری همچنین اهل قبله نیز گرفتار اختلاف شوند و ناراحتی و سختی بسیار به مردم خواهد رسید از آنچه بر ایشان از ترس می‌گذرد، پس پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه نداکننده‌ای از آسمان آواز برآورد و چون ندا برآمد پس کوچ کنید! کوچ کنید».^{۷۷}

اما تجلی صیحه ملکوتی جبرئیل در عالم ماده نشانگر نزدیک شدن سایه عذاب و طوفان دومی است،^{۷۸} که بعد از هبوط نفس آدم بزمین سابقه نداشته مگر در دوران دایناسورها.^{۷۹}

⁷⁶ - 42 ق

⁷⁷ - الغيبة للنعماني، جلد: 1، صفحه: 262-ح22

⁷⁸ - مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام؛ ص264 فصل [خطبة التطنجية]: **أَنَا صَاحِبُ**

طُوفَانِ الْأَوَّلِ، أَنَا صَاحِبُ الطُّوفَانِ الثَّانِي.

⁷⁹ - عامل اصلی انقراض دایناسور ها؛ دانشمندان به این نتیجه رسیدند که دایناسور ها در اثر سقوط سیارک ها نابود شده اند طی چندین سال دانشمندان بر سر علت انقراض کلی که در 65 میلیون سال قبل دایناسور ها طی آن نابود شدند، بحث و گفتگو هایی داشتند. حالا یک هیئت متشکل از 41 کارشناس بین المللی بصورت رسمی می گوید: یک سیارک با قطری تقریبی 15 کیلومتر که به محلی بنام چیکسوکلب در

مکسیکوی امروزی برخورد نمود مقصر اصلی این رویداد تاریخی است. بعد از بررسی یک سلسله شواهد متعدد برای نظریه های مختلف، این هیئت میگوید که شواهد آشکار این است که ساختار ها در قسمت های درونی این حفره حفظ شده است. نمونه های کمپیوتری پیش بینی نموده که چه مقدار سنگ در اثر برخورد تبخیر و یا به بیرون پرتاب شده اند. دکتور پنی بارتون که این گروه را سرپرستی می کند می گوید " این تلاش به ما اجازه داد تا رویداد های هیجان انگیزی که چند ثانیه بعد از برخورد بوجود آمد، مجسم بسازیم. وقتی قسمت جلویی سیارک زمانی با زمین برخورد کرد دم آن هنوز در اتموسفیر بالایی قرار داشت و یک سوراخی را در میان اتموسفیر زمین بوجود آورد".

انقراض این دوره که بنام (Cretaceous–Paleogene extinction) یاد میشود، یکی از بزرگترین رویداد برخورد ها در تاریخ زمین می باشد که در لایه های سنگ نشانه های آن کشف شده است. با اینکه این رویداد بصورت گسترده به مثابه عامل اصلی انقراض نسل ها شمرده میشود، اما بعضی از منتقدین مخالف می گویند که فوسیل های کوچک بدست آمده از خلیج مکسیکو نشان داد که این برخورد مدتها قبل از انقراض نسل ها صورت گرفته و دلیل اصلی نابودی دایناسور ها نمی باشد .

دوره آتشفشان های عظیم که سیفون های دیکان هند را در همان دوره های ساخته نیز به مثابه عامل اصلی انقراض ها مطرح شده است. (سیفون های دیکان در حقیقت یک منطقه عظیم آتشفشانی است که در قسمت های مرکزی - غرب هند قرار دارد). اما در بررسی این هیئت شبیه سازی های کمپیوتری چنان رویداد های زمین ساختی را ترکیب داد که از نظریه برخورد سیارک ها حمایت میکند. شبیه سازی ها نشان داد که چنین یک برخورد باعث ایجاد تکان های شدید مخرب، ضربه عظیم و داغ و یک سونامی بزرگ در سراسر زمین شده است .

بیشتر از آن این برخورد مقدار زیاد غبار و ذرات و گاز ها را به هوا بلند کرد که به مدت طولانی سطح زمین را پوشانید و باعث کاهش تابش نور، یخ بستن اقیانوس ها و سرد شدن سطح زمین شد و در نتیجه تلفات زیادی را به پروسه فتوسنتز (جذب نور توسط گیاهان و گونه های حیاتی) شد که به نور و انرژی خورشید وابسته بودند .

حوادث ابتدائی عذاب سهمگین یا بهتر است بگوئیم سایه عذاب با طلوع ستاره مشرقی و برخورد چند سیارک از آن در مناطقی از عراق و خاور نزدیک روی میدهد که باعث میشود تغییراتی در جوّ زمین، آب و هوا و تحریک گسلها در پوست زمین، بوجود آید. در نتیجه آن زمین لرزه های شدید و سیلاب های وسیع بوقوع خواهد پیوست، ولی احتمالاً برخورد نهائی در دوران بعد از خروج یمانی (ع) و قبل از قیام امام مهدی (ع) روی میدهد که سبب هلاکت بیش از 2/3 بشریت خواهد شد.

به باور دانشمندان این سیارک با نیروی یک میلیارد بار قویتر از بمب منفجر شده در هیروشیما با زمین برخورد نموده است. بنابراین سنگ و خاک و هرچه در اطراف محل برخورد بوده با قوت و سرعت بسیار زیادی به اتموسفیر پرتاب شدند و در اثر آن یک سلسله عواملی بوجود آمد که به بروز زمستان سراسری در زمین گشته و بیشتر گونه های حیات را در طی چند روز نابود ساخت .

دکتور بارتون میگوید " وقتی سیارک به شکل انفجاری بخار شد یک حفره یا گودالی با عمق 30 کیلومتر و با قطری 100 کیلومتر ایجاد نمود که به بلندی کوه های هیمالیا میرسید. در ضمن طی دو دقیقه لبه های حفره به درون یعنی عمیق ترین جاهای حفره سقوط نمود که در نتیجه یک گودال یا حفره کم عمق را بوجود آورد .

این رویداد وحشتناک چنان تاریکی و زمستان سراسری را بوجود آورد که در نتیجه آن بیش از 70 درصد گونه های حیات شناخته شده را از بین برد. یک نوع پستاندار کوچک و زرنگی که در آن زمان وجود داشت، توانست با محیط خود را سازگار سازد، اما دایناسور های سنگین و بزرگ نتوانستند چنین شرایط دشوار را تحمل کنند که نابودی این موجودات عظیم الجثه راه را برای گسترش پستانداران و در نتیجه پیدایش انسان در زمین هموار ساخت. منبع : universetoday.com

<http://kabulsky.com/?lang=af&pageID=32&nid=170>

نعمانی از ابو بصیر نقل کرده است که به حضرت صادق (ع) عرض کردم: « **جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ ع؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ. ... ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَى شَيْءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ. قُلْتُ: بِمَ يُنَادَى؟ قَالَ: بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ أَلَا إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانَ قَائِمٌ آلَ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَتُوقِظُ النَّائِمَ وَ يَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَ تُخْرَجُ الْعَذْرَاءُ مِنْ خِدْرِهَا وَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرِئِيلَ ع؛ فدایت کردم خروج قائم (ع) چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: ای ابا محمد ما خاندان وقتی معین نمی کنیم، ... سپس فرمود: ای ابا محمد ناگزیر پیشاپیش خروج قائم دو طاعون روی خواهد داد: طاعون سفید، و طاعون سرخ، عرض کردم: فدایت کردم آن دو طاعون چیست؟ فرمود: اما طاعون سفید همان مرگ همه گیر و عمومی است و اما طاعون سرخ همان شمشیر است، و قائم خروج نمی کند تا آنکه در دل آسمان در شب بیستم و سوم ماه رمضان شب جمعه او به نام خوانده شود، عرض کردم: قائم به چه چیز خوانده می شود (مضمون آن آواز چیست) فرمود: به نام خودش و به نام پدرش ندا برآید که: «توجه کنید همانا فلانی فرزند فلانی قائم آل محمد است به سخن او گوش فرا دهید و از او فرمانبرداری کنید»، پس هیچ چیز که خداوند در آن روح آفریده باشد باقی نمی ماند مگر اینکه آن صیحه را می شنود، و خفته را بیدار کرده به صحن خانه اش بیرون آورد، و دختر باکره را از پس پرده اش بیرون می آورد، و قائم از آن آواز که می شنود خروج می کند و آن صیحه جبرئیل (ع) است.»^{۸۰}**

80 - غيبة النعمانی: ص 289-290 ب 16 ح 6.

• صیحه آسمانی تهللیگاه عذاب مادی^{۸۱} :

سید احمد الحسن (ع) فرمودند: « همان گونه که در روایات واضح است، جبرئیل ع در آسمان یعنی در عالم ملکوت نداء می‌دهد... صیحه از آن جبرئیل ع می‌باشد و جبرئیل فرشته است، پس صیحه او در عالم خودش یعنی عالم ملکوت رخ می‌دهد. او به فرشته موکل به امر رؤیا نداء می‌دهد و آن فرشته به ملائکه موکل به امر رؤیا که تابع خودش‌اند، و گوش به فرمان او هستند و رؤیایا را به مردم نشان می‌دهند، نداء می‌دهد، و همچنین جبرئیل ع در آسمان صیحه می‌زند، پس همه ارواح می‌شنوند^{۸۲}».

هر انسانی دارای نفس و روح می‌باشد؛ پس برای او در عالم ملکوت، وجود و هستی است و در نتیجه هر انسانی در عالم ملکوت، صیحه را می‌شنود به عبارت دیگر روح او صیحه را می‌شنود؛ اما هر کسی که روح او، صیحه را در عالم ملکوت شنیده باشد، الزاما بدین معنی نخواهد بود بود که در زمین رویاء صالحه را ببیند بلکه کسانی میتوانند رویاء صالحه و نداء جبرئیل را در عالم ماده دریافت کنند و بخاطر آورند که قبلا در عالم ملکوت دارای جایگاهی شده باشند، البته بدلیل نزدیکی ستاره مشرقی این امکان برای افراد غیر مومن حاصل میشود که صیحه جبرئیل را در عالم ملکوت بوسیله رویای صالحه در عالم ماده دریافت کنند.

امام صادق (ع) فرمودند: « فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَتُوقِظُ النَّائِمَ وَ يَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَ تُخْرَجُ الْعَذْرَاءُ مِنْ خِدْرِهَا وَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرَائِيلَ ع ؛ پس هیچ چیز که خداوند در آن روح آفریده باشد باقی نمی‌ماند مگر اینکه آن صیحه را می‌شنود، و خفته را بیدار می‌کند و به صحن خانه‌اش بیرون آید، و دختر باکره را از

81 - 2 - طلوع النّجم من قبل المشرق در ماه رمضان نداء آسمانی

82 - [فصل الخطاب - أحمد خطاب: ج 1 ص 80، یکی از انتشارات انصار امام مهدی (ع).]

پس پرده‌اش بیرون می‌آورد، و قائم از آن آواز که می‌شنود خروج می‌کند و آن صیحه جبرئیل (ع) است.»^{۸۳}

در کتاب اعمال رسولان بخش دوم آیات 16 تا 21 از پطرس نقل شده است که خطاب به اهل یهودیه و ارشلیم فرمود: **۱۶ لَكِنَّ هَذَا هُوَ مَا قِيلَ بِالنَّبِيِّ يُؤْتِي: ۱۷ «وَفِي الْأَيَّامِ الْأَخِيرَةِ»، يَقُولُ اللَّهُ، «أَسْكَبُ مِنْ رُوحِي عَلَى شَتَّى الْبَشَرِ، فَيَتَّبَعُ بَنُوكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَيَرَى شَبَابَكُمْ رُؤْيً وَيَحْلُمُ شُيُوخُكُمْ أَحْلَامًا. ۱۸ وَأَيْضًا عَلَى عَيْدِي وَعَلَى إِمَائِي أَسْكَبُ مِنْ رُوحِي فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ، فَيَتَّبَعُونَ. ۱۹ وَأُعْطِيَ عَلَامَاتٍ عَجِيبَةً فِي السَّمَاءِ مِنْ فَوْقُ وَأَيَّاتٍ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَسْفَلُ، دَمًا وَنَارًا وَضَبَابَ دُخَانٍ. ۲۰ تَتَحَوَّلُ الشَّمْسُ إِلَى ظُلْمَةٍ وَالْقَمَرُ إِلَى دَمٍ قَبْلَ أَنْ يَجِيءَ يَوْمُ يَهُوهَ، الْيَوْمِ الْعَظِيمِ السَّنِيِّ. ۲۱ وَيَكُونُ أَنْ كُلِّ مَنْ يَدْعُو بِاسْمِ يَهُوهَ يَخْلُصُ».**

83 - به نقل از یکی از انصار نزدیک سید : گفت که روزی بصورتی حلقه در حسینی‌ه سید بودیم و در بین ما قائم أحمد الحسن یمانی(ع) بود و بعد از اتمام نماز مغرب و عشا تا وقت نماز صبح نشسته بودیم و جلسه عبارتی بود از سوال و جواب. و انصار هر کدام به نوبت خود سوالی میکرد و از جمله سوالات، حقیقت محمد و آل محمد(ص) در آسمان هفتم و همچنین سوال از سه روز مختص محمد(ص) در هفته شد تا وقتی که این سوال را یکی از انصار پرسیدند و آن اشاره ای است که میخواهم آنرا بگویم. گفت: ای سرورم أحمد الحسن، دانستیم که ندا همان رویا یا خواب صادقه میباشد ولیکن، آیا ندایی در عالم مادی در هنگام قیام مقدس امام مهدی(ع) وجود دارد؟؟؟ فرمود : و آنرا متناً برای شما بازگو میکنم: فرمودند: **در اولین روز از قیام امام مهدی (ع) همه رویا یا خواب میبینند حتی سگ.** (پایان حرف سید).

و آنچه را که از این عبارت متوجه شدم آنست که در ابتدای ظهور مقدس امام مهدی(ع) ندای جبرئیل دریچه ای کوچک در آسمان باز خواهد شد که تنها یک باب یا در دارد تا ارواح مومنین از آن به ملکوت عروج کنند، و آنگاه از ملکوت خدا هم میبینند و هم میشوند ولیکن در اولین روز از ظهور مقدسشان همه آسمان باز میشود تا هر نفسی به ملکوت عروج کند تا رویا ببیند و شهادت خدا برای صاحب این امر را بشنود حتی روح سگ هم به آسمان عروج میکند و قصد از سگ همانا دشمن دعوت میباشد. لذلک خداوند متعال فرمودند: **(تَظَلُّ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ** ؛ گردنهای آنها برای این امر مطیع میشود).

جهت تبیین بیشتر این مسئله که تجلی هر حادثه ملکوتی سبب وقوع حادثه ی دیگر در عالم ماده میشود مطالبی را از سید یمانی (ع) نقل می کنم: « **وما يُقضى في السابعة يحصل في الملكوت، وما يحصل في الملكوت يحصل في الملك، والرؤيا التي تراها وتحصل في الأجسام ما هي إلا أمر حصل في الملكوت، وبعد ذلك حصل في هذا العالم الجسماني ؛** و آنچه در آسمان هفتم اتفاق می افتد در ملکوت حاصل می شود و آنچه در ملکوت رخ می دهد، نتیجه ای در عالم مُلک دارد و رویایی که می بینی و در عالم اجسام رخ می دهد، در حقیقت در عالم ملکوت رخ داده است و پس از آن در عالم جسمانی رخ داده است.»^{۸۷} همچنین سید احمد الحسن (ع) در توضیح بخشی از آیه: «**إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا** * ما برای تو فتح نمایانی را مقدر کرده ایم» فرمودند: « **وليس المراد فتح مكة في هذه الآية، وإن كان فتح مكة من لوازم هذا الفتح؛ لأنَّ الفتح في الملكوت يتبعه فتح في الشهادة، فما بالك إن كان الفتح في عالم اللاهوت! بين الذات الإلهية ومحمد (ص)، وهو إمطة شيء من الحجاب. وقصر الآية على فتح مكة تعسف، وميل بالآية عن المراد منها؛ حيث استخدم صيغة الماضي (إِنَّا فَتَحْنَا)، أي: إنَّ الفتح تحقق في فترة سبقت نزول الآية، أو أثناء نزولها، بينما فتح مكة تحقق بعد عامين من نزول الآية ؛** منظور از فتح در این آیه، فتح مکه نیست، هر چند فتح مکه از ملزومات این فتح می باشد؛ چرا که فتح در ملکوت، فتحی در عالم شهود را به دنبال دارد؛ حال اگر فتح در عالم لاهوت رخ دهد، وضعیت چگونه خواهد بود؟! فتحی بین ذات الهی و محمد(ع) که برداشتن جزئی از حجاب بود. اختصاص دادن آیه فقط به فتح مکه، ظلم و منحرف و دور کردن آیه از منظور محسوب می شود. در این آیه صیغه ی ماضی به کار گرفته شده است «**إِنَّا فَتَحْنَا**» (ما برای تو فتح کردیم)؛ یعنی فتح و گشایش قبل از نازل شدن این آیه یا هنگام نازل شدن آن محقق گشته است، در حالی که فتح مکه دو سال پس از نزول این آیه به وقوع پیوست.»^{۸۸}

87 - متشابهات (الجزء الرابع) سؤال / 175

88 - شيء من تفسير سورة الفاتحة / المرتبة الثالثة: هي مرتبة الإنسان.

اگر محققین به کتاب الله مجید قرآن شریف مراجعه نمایند بسادگی باین حقیقت پی خواهند برد که صیحه مادی ملائکه بر اهل زمین چیزی جز وقوع عذاب بر منکران حجج الهی نیست و این صیحه مادی غیر از صیحه ملکوتی خواهد بود که رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ است اما صیحه مادی عذاباً لِّلْكَافِرِينَ خواهد بود و برای همگان قابل درک و فهم است. آیات قرآنی در خصوص صیحه مادی مرگ آفرین بسیار زیاد است برای نمونه یک مورد از آنها را ذکر میکنیم سپس در بخش پایانی کتاب آیات مربوط به عذاب امم سالفه را بیان خواهیم کرد تا مطلب واضحتر گردد. خداوند متعال میفرماید: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سَجِيلٍ؛ به جان تو سوگند، که آنان در مستی خود سرگردان بودند. پس به هنگام طلوع آفتاب، فریاد مرگبار [الصَّيْحَةَ] آنان را فرا گرفت. و آن [شهر] را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل بارانیدیم».^{۸۹}

سید احمد الحسن (ع) در بیان علت فرود آمدن ملائکه بسطح زمین فرمودند: «فالملائكة مقدسون طاهرون لا يقتربون إلا من بقعة مقدسة طاهرة أو من نفس مقدسة طاهرة، وإذا اضطروا النزول إلى بقعة غير طاهرة أو إلى نفس غير طاهرة لا يكونون مطمئنين بها مرتاحين لها، ولذلك فإن الكفرة والمنافقين تقل رؤاهم الصالحة من الملائكة، أو تكاد تكون معدومة ولا تنزل الملائكة على البقعة غير الطاهرة في الغالب إلا لإنزال العذاب؛ فرشتگان مقدس و پاکند و جز به بقعه ای (قطعه) پاک و مقدس یا نفسی طاهر و مقدس نزدیک نمی شوند و اگر مجبور به نزول بر بقعه ای ناپاک یا نفسی غیر منزّه شوند با آن مطمئن و آسوده خاطر نخواهند بود و به این خاطر است که کافران و منافقین رؤیای صالحه به ندرت می بینند یا به طور کل نمی بینند، و غالباً فرشتگان بر بقعه غیر طاهر نزول نمی کنند مگر برای انزال عذاب باشد».^{۹۰}

89 - حجر 72 الی 74

90 - متشابهات (الجزء الثالث) سؤال / 103

• روایاتی از صیبه مادی در ماه رمضان نداء آسمانی⁹¹ :

*1: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 104 ح 78 ؛ نعیم بن حماد فی کتاب الفتن ما هذا لفظه: قال عبد الوهاب بن بخت: و بلغنی أن رسول الله صلی الله علیه و سلم قال: « **فِي رَمَضَانَ آيَةٌ فِي السَّمَاءِ كَعَمُودٍ سَاطِعٍ** ».

عبد الوهاب بن بخت گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن رسیده که فرمود: در ماه رمضان در آسمان علامتی کَعَمُودٍ سَاطِعٍ مانند عمود درخشانده یافت می‌شود.

*2: الغيبة للنعماني: 253، باب 14، ح 13 ؛ يوسف بن يعقوب الجعفي أبو الحسن قال: حدثنا إسماعيل بن مهران قال: حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه، ووهيب بن حفص، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع) قال: « **إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لَيْلِيًا فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قَدَامَ الْقَائِمِ عِ بَقِيلٍ** ».

ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «وقتی علامتی را در آسمان دیدید که چند شب آتش بزرگی از جانب مشرق طلوع نمود در آن زمان فرج مردم فرا میرسد و این علامت اندکی پیش از (قیام) قائم (ع) است».

*3: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 106 ح 81 ؛ حدثنا نعیم عن عیسی بن یونس و الولید بن مسلم عن ثور بن یزید عن خالد بن معدان قال: « **سَتَبَدُّوا آيَةً عَمُودٍ مِنْ نَارٍ تَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدِّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ** ».

خالد بن معدان میگوید: «بزودی عمودی از آتش از طرف مشرق ظاهر می‌شود که اهل زمین آن را می‌بینند، کسی که آن را درک کرد باید غذای یک ساله اهل و عیال خود را تهیه نماید».

⁹¹ - 2- طلوع النجم من قِبَلِ الْمَشْرِقِ در ماه رمضان نداء آسمانی. از رسول الله محمد بن عبدالله (ص) نقل شده است: « **رَمَضَانُ قَلْبُ السَّنَةِ، فَإِذَا سَلِمَ رَمَضَانُ سَلِمَتِ السَّنَةُ كُلُّهَا** ». التشریف بالمنن ؛ ص 311 ح 437

*4: أمالی الشجرى: ج 2 ص 27- أخبرنا عبد الكريم و ابن قاذويه، قالوا: حدثنا عبد الله إملاء، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن محمد الجمال، قال: حدثنا إسماعيل بن عبد الله، قال: حدثنا عبد الله بن صالح، قال: حدثني معاوية بن صالح، عن ابن الزاهرية، عن كثير بن مرة، أنه قال: قال ابن قاذويه: « **آيَةُ الْحَدَثِ فِي رَمَضَانَ نَارٌ تَكُونُ فِي السَّمَاءِ شَبِيهَا بِأَعْنَاقِ النَّجْبِ أَوْ كَأَعْمِدَةِ الْحَدِيدِ ، فَإِذَا رَأَيْتَهَا ، فَأَعِدِّ لِأَهْلِكَ طَعَامَ سَنَةٍ ،** قال: و ربّما قال: **آيَةُ الْحَدَثِ عَمُودٌ نَارٌ يَطْلُعُ فِي السَّمَاءِ** ».

صاحب کتاب أمالی شجرى از ابن قاذويه روایت میکند که گفته است: « علامت حادثه آن است که آتشی در ماه رمضان در آسمان ظاهر میشود (آتشی که) شبیه به گردن انسان سخاوتمند یا شبیه به قطعه عمودی از آهن است. پس هنگامی که آن علامت را دیدی برای اهلت غذای یک سال را فراهم ساز. راوی گوید و شاید هم گفت: علامت حادثه عمودی از آتش است که در آسمان پدیدار میشود ».⁹²

92 - حَدَّثَ: رویداد ، اتفاق ، پیشامد ، حَدَّثَ : ج أَحْدَاثٌ : بدعت در دین ، امر واقع ، پیشامد ، هر امری که در میان مردم معروف و شناخته نباشد ؛ « أَحْدَاثُ الدَّهْرِ »: حوادث روزگار حُدُوثًا الْأَمْرُ : آن امر واقع شد. حَدَّثَانَ: پیشامدها، حوادث. (ح) [ع .] (ا). آغاز، ابتداء چیزی . حدثان الدهر: نواب روزگار، سختی ها و بلاهای زمانه.

ابن جبیر از کثیر بن مره حضرمی نقل کرده است: " **آيَةُ الْحَدَثَانِ فِي رَمَضَانَ عَلَامَةٌ فِي السَّمَاءِ يَكُونُ بَعْدَهَا اخْتِلَافُ النَّاسِ ، فَإِنْ أَدْرَكْتَهَا فَأَكْثَرُ مِنَ الطَّعَامِ مَا اسْتَطَعْتَ ؛** نشانه وقایع بزرگ آنست که در رمضان علامتی در آسمان پیدا می شود و بعد از آن، اختلاف در بین مردم شروع می شود، اگر آن زمان را درک کردی هر چه میتوانی طعام و غذا تهیه کن ". التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 106 ح 82

در روایتی دیگر از کثیر بن مره حضرمی نقل است: " **آيَةُ الْحَدَثِ فِي رَمَضَانَ ، قِيلَ : وَ مَا آيَةُ الْحَدَثِ ؟ قَالَ : عَمُودٌ مِنْ نَارٍ تَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ ، فَإِذَا رَأَيْتَهَا فَأَعِدِّ لِأَهْلِكَ طَعَامَ سَنَةٍ ؛** نشانه (وقوع) حوادث در ماه رمضان اتفاق می افتد. از او پرسیده شده نشانه حوادث چیست؟ گفت: عمودی از آتش از طرف آسمان مشرق طلوع نماید پس چون این نشانه را دیدی غذای یکساله اهلت را تهیه کن ". التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 310 الباب 9 ح 438

*5: الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ ج 2؛ ص 378: الحسين بن زيد، عن منذر الجوزي، عن أبي عبدالله (ع) قال: سمعته يقول: « يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلِّلُ السَّمَاءَ وَ خَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَ خَسْفٌ بِبَلَدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفِكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَّا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ ».

منذر روایت کرده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: « بازداشته می شوند مردم قبل از قیام قائم (ع) از گناهانشان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر میشود و سرخی که آسمان را می پوشاند، و (همچنین بوسیله) فرو رفتن زمین در بغداد، و فرو رفتن زمین در بصره و خون هائی که در بصره ریخته می شود، و خرابی خانه های آن شهر، و نابودی که در بین مردم آنجا پدید می آید، و ترسی که اهل عراق را فرا میگیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند ».

*6: الغيبة للنعماني؛ النص؛ ص 147 ح 5 باب 10؛ و به عن الحسين بن عبد الرحمن عن أبيه عن جده عمرو بن سعد قال قال أمير المؤمنين ع: « لَا يَقُومُ الْقَائِمُ حَتَّى تَفْقَأَ عَيْنُ الدُّنْيَا وَ تَطْهَرَ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ وَ تَلْكَ دُمُوعُ حَمَلَةِ الْعَرْشِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمْ قَوْمٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ يَدْعُونَ لِوَلَدِي وَ هُمْ بَرَاءٌ مِنْ وَلَدِي تِلْكَ عِصَابَةٌ رَدِيئَةٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ عَلَى الْأَشْرَارِ مُسَلِّطَةٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ مُفْتَنَةٌ وَ لِلْمُلُوكِ مُبِيرَةٌ يَظْهَرُ فِي سَوَادِ الْكُوفَةِ يَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ وَ الْقَلْبِ رِثُ الدِّينِ لَا خَلْقَ لَهُ مُهَجَّنٌ زَيْنٌ عُتْلٌ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الْعَوَاهِرِ مِنَ الْأَمَّهَاتِ مِنْ شَرِّ نَسْلِ لَّا سَقَاهَا اللَّهُ الْمَطَرَ ».⁹³

خالد بن معدان از پدر خود نقل میکند که گفته است: " إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ مِثْلَ النَّارِ فِي رَمَضَانَ ، فَأَعِدُّوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ ، فَإِنَّهَا تَكُونُ سَنَةً جُوعٍ ؛ هنگامی که در ماه رمضان در آسمان از سمت مشرق عمودی از آتش دیدید آنچه از طعام که در توانتان است فراهم سازید چرا که آن سال گرسنگی (یعنی قحطی) است ". الفتن ابن حماد؛ ص 153 ح 627

⁹³ - العد التنازلی فی علائم الظهور المهدی؛ ص 386: و أحد معانی العین هو الشمس و تفقاً أي تعوّر، فهو یعنی حدوث شیء فی الشمس یذهب به نورها و یصیر الفضاء أحمر، و السبب فی ذلك مهما كان التعبير عنه

عمرو بن سعد [بن معاذ أشهلي] گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: « قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه چشم دنیا بیرون آید و سرخی در آسمان پدیدار شود و آن ناشی از اشکهای حاملان عرش است که بر اهل زمین می‌ریزد (قیامت برپا نگردد) تا جماعتی که بهره‌چندانی از دین ندارند، در میان مردم پیدا شوند و برای فرزندم دعوت کنند در صورتی که خودشان از فرزندم بیزارند، آنان جماعتی پست هستند که نصیبی از دین ندارند، بر بدکاران مسلطند و ستمگران را فتنه‌انگیز و شاهان را مرگ‌آفرینند. در اطراف شهر کوفه آشکار می‌شوند (یا به اطراف شهر کوفه تسلط می‌یابند)، سرکردگی آنان را مردی به عهده دارد که سیاه‌رنگ و سیه‌دل است، بی‌بهره از دین، بی‌اخلاق، و بی‌اصل نَسَب، فرومایه و جفاکار است، دستان مادرانی نابکار او را برای تربیت دست به دست گردانده است؛ از بدترین تبار و نژاد است؛ خداوند باران خود را از آن قوم دریغ دارد.»

*7: الغيبة للنعماني: ص 272، باب 14، ح 48: محمد بن همام، عن الفزاري، عن ابن أبي الخطاب، عن الحسين ابن علي: عن صالح بن سهل، عن أبي عبدالله جعفر بن محمد (ع) في قوله: « **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ** »⁹⁴ فقال: « **تَأْوِيلُهَا** **فِيمَا يَأْتِي عَذَابٌ يَقَعُ فِي التُّوْبَةِ يَعْنِي نَارًا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْكُنَّاسَةِ كُنَّاسَةُ بَنِي أَسَدٍ حَتَّى تَمُرَّ بِثَقِيفٍ لَا تَدْعُ وَتُرَا لآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ وَ ذَلِكَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ع** ».

در کتاب غیبت نعمانی از صالح بن سهل نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام در باره آیه سأل سائل بعذاب واقع، فرمود: «تأویل آن اینست که عذابی در التوبة واقع می‌شود. یعنی آتشی که منتهی می‌شود بمزبله بنی اسد تا از قبیله ثقیف میگذرد و هر جا جایگاه ستمی بر آل محمد باشد، آن را می‌سوزاند و این واقعه قبل از خروج قائم (ع) خواهد بود.»

في العلوم الحديثه فهو دموع حمله العرش من الملائكة و غيرهم، أو أن الحمرة نفسها هي دموع حمله العرش التي تجرى دما على أهل الأرض من أجل ما يصيبهم، و يخلص من جميع ذلك ظهور الحمرة في السماء.

*8: الغيبة للنعماني ؛ النص ؛ ص 272 ب 14 ح 49- حدثنا أبو سليمان أحمد بن هودّه قال: حدثنا إبراهيم ابن إسحاق النهاوندي، عن عبد الله بن حماد الأنصاري، عن عمرو بن شمر، عن جابر قال: قال أبو جعفر عليه السلام: **« كَيْفَ تَقْرَءُونَ هَذِهِ السُّورَةَ قُلْتُمْ وَ آيَةُ سُورَةٍ قَالَ سُورَةٌ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ فَقَالَ لَيْسَ هُوَ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ إِنَّمَا هُوَ سَأَلَ سَائِلٌ وَ هِيَ نَارٌ تَقَعُ فِي الثُّيُوبِ ثُمَّ تَمْضِي إِلَى كُنَاسَةِ بَنِي أَسَدٍ ۹۵ ثُمَّ تَمْضِي إِلَى ثَقِيفٍ فَلَا تَدَعُ وَتَرَا لَالَ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ »**.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: « این سوره را چگونه می‌خوانید؟ عرض کردم: کدام سوره؟ فرمود: سوره **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ** پس فرمود: آن سوره «**سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ**» نیست بلکه آن «سال سیل» است، و آن آتشی است که در الثُّيُوبِ می‌افتد، و سپس از آنجا به کُنَاسَةِ بَنِي أَسَدٍ رسیده و بعد به ثَقِيف می‌رسد، تا اینکه هیچ جایگاه ستمی بر آل محمد را فرو نمی‌گذارد مگر آن که آن را به آتش می‌کشد.»

*9: الفتن ابن حماد ؛ ص 152 ح 621 ؛ حدثنا عبد الله بن مروان عن أرطاة بن المنذر عن تبيع عن كعب قال: **« هَلَاكُ بَنِي الْعَبَّاسِ عِنْدَ نَجْمٍ يَظْهَرُ فِي الْجَوْفِ، وَ هَدَّةٌ وَ وَاهِيَةٌ ، يَكُونُ ذَلِكَ أَجْمَعُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَكُونُ الْحُمْرَةُ مَا بَيْنَ الْخَمْسِ إِلَى الْعِشْرِينَ وَ الْهَدَّةُ فِيمَا بَيْنَ النِّصْفِ إِلَى الْعِشْرِينَ وَ الْوَاهِيَةُ مَا بَيْنَ الْعِشْرِينَ إِلَى أَرْبَعٍ وَ عِشْرِينَ، وَ نَجْمٌ يُرْمَى بِهِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ، ثُمَّ يَلْتَوِي كَمَا تَلْتَوِي الْحَيَّةُ حَتَّى يَكَادُ رَأْسَاهَا يَلْتَقِيَانِ، وَ الرَّجْفَتَانِ فِي لَيْلَةِ الْفُسْحَيْنِ، وَ النَّجْمُ الَّذِي يُرْمَى بِهِ شِهَابٌ يَنْقُضُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَهُ صَوْتٌ شَدِيدٌ حَتَّى يَقَعَ فِي الْمَشْرِقِ ثُمَّ يُصِيبُ النَّاسَ مِنْهُ بَلَاءٌ شَدِيدٌ »**.

ابن حماد در کتاب فتن نقل میکند که تبيع از قول کعب الاحبار گفته است: « هَلَاكُ بَنِي عَبَّاسِ زَمَانِي وَاقِعٌ مِيشُودُ كِه سِتَارِه اِي دَر دَل آسْمَانِ ظَاهِر شُودُ، وَ صَدَاي شَدِيد (هَدَّة) وَ خَوْفِ

⁹⁵ (3). الثوبية - بالفتح ثم الكسر، و ياء مشددة و يقال بلفظ التصغير -: موضع بالكوفة، أو قريب من الكوفة، و قيل: خريبة إلى جانب الحيرة على ساعه منها. و الكناسة - بضم الكاف - محله بالكوفة عندها أوقع يوسف بن عمرو الثقفي - و إلى العراق من قبل هشام ابن عبد الملك - زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام، و قصته مشهورة في التاريخ راجع مقاتل الطالبين لابي الفرج الأصفهاني.

(وَاهِيَّة)⁹⁶ بوجود، آید این وقایع در ماه رمضان روی میدهد، سرخی ما بین پنجم ماه رمضان تا بیستم ماه رمضان حاصل میشود، و صدای شدید ما بین نیمه ماه تا بیستم ماه بوجود می آید، و خوف و ترس مابین بیستم تا بیست چهارم ماه رمضان روی میدهد، ستاره ی است که او را درخشان میبینی همچون درخشش ماه، سپس مثل مار بنحوی بخود می پیچد که عنقریب است دو طرف آن بهم برسد، و در یک شب (الرَّجَّتَان) دو تکان شدید و نحس روی میدهد، و ستاره ای که شهابش را پرت می کند از آسمان فرود آمده در مشرق می افتد همراه با آن صدائی شدید نیز بوجود می آید، سپس از آن (شهاب) به مردم بلائی شدید می رسد.»

*10: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ الباب 74 فیما ذکره السلیلی فی کتاب الفتن ص 284 ح 411 : قال: حدَّثنا الحسن بن علی، قال: حدَّثنا کامل بن طلحة، قال: حدَّثنا ابن لهیعة، قال: حدَّثنا عبد الوهَّاب بن حسین عن محمد بن ثابت البنانی عن أبیه عن الحارث الهمدانی عن ابن مسعود عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قال: « إِذَا كَانَتْ صَيِّحَةٌ فِي رَمَضَانَ فَإِنَّهَا تَكُونُ مَعْمَعَةً فِي شَوَّالٍ، وَ تَمَيُّزُ الْقَبَائِلِ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، وَ تُسْفَكُ الدِّمَاءُ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ، وَ مَا الْمُحَرَّمُ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يُقْتَلُ النَّاسُ فِيهِ قَتْلًا » قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الصَّيْحَةُ؟ قَالَ: « هَذِهِ تَكُونُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ضُحًى، وَ ذَلِكَ إِذَا وَافَقَ شَهْرُ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَتَكُونُ هَذِهِ تَوْفِظُ النَّائِمَ وَ تُقْعِدُ الْقَائِمَ وَ تُخْرِجُ الْعَوَاتِقَ مِنْ خُدُورِهِنَّ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ فِي سَنَةٍ كَثِيرَةٍ الزَّلَازِلِ وَ الْبَرْدِ، فَإِذَا وَافَقَ شَهْرُ رَمَضَانَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، فَإِذَا صَلَّيْتُمُ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ، وَ اغْلِقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَ سُدُّوا الْكُؤَى، وَ دَثِّرُوا أَنْفُسَكُمْ، وَ سُدُّوا آذَانَكُمْ، وَ إِذَا أَحْسَسْتُمْ بِالصَّيْحَةِ فَخَرُّوا لِلَّهِ سُجَّدًا، وَ قُولُوا: سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبَّنَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَجَا، وَ مَنْ بَرَزَ لَهَا هَلَكَ ».

⁹⁶ - وَاهِيَّة: [وهى] مؤنث (الواهى) است بمعنى سست . وَهَى : مص ، ج وَهَىّ و أَوْهِيَّةُ : شكاف در چیزی . وَهَى : - الشىءُ : نوار یا شیرازه آن چیز سست شد ، کهنه شد ، سست شد - الحائطُ : دیوار در شرف سرنگون شدن شد ، افتاد . وَهِيَّةُ : [وهى] : اسم مره از (وَهَى و وَهَى) است ، شکافتگی .

ابن مسعود از حضرت محمد بن عبد الله (ص) روایت کرده که فرمود: « وقتی که در ماه رمضان صیحه (یعنی صدای شدیدی) بوجود آمد، در ماه شوال جنگ و فتنه‌هایی پیا خواهد شد، و در ذی قعدة قبیله‌ها متفرق میشوند، و در ماه ذی حجة و محرم خونها ریخته می‌شود، آنگاه سه مرتبه فرمود: چه محرمی؟! هیهات، هیهات در آن موقع مردم کشته میشوند». گفته شد یا رسول الله (ص) آن صیحه چیست؟ فرمود: « آن (هَدَّةٌ)^{۹۷} صدای شدید است که در نیمه ماه رمضان در هنگام بر آمدن آفتاب در روز جمعه روی خواهد داد، و این حادثه وقتی پیش می‌آید که شب (اول) ماه رمضان جمعه باشد، صدای شدیدی است که شخص خواب را بیدار میکند و شخص ایستاده را بزانو در می‌آورد، در آن شب جمعه زنان تازه عروس از عقیقه گاه خود خارج میشوند، **فِي سَنَةٍ كَثِيرَةٍ الزَّلْزَلِ وَالْبُرْدِ**، این حادثه در سالی است که زلزله و سردی هوا زیاد باشد پس هنگامی که آغاز ماه رمضان در آن سال موافق شب جمعه بود در آن موقع که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه رمضان را خواندید وارد خانه‌های خود شوید و درهای خانه خود را قفل کنید و پنجره (طاق) خود را مسدود نمائید، و خود را بپوشانید و گوشه‌های خود را ببندید، موقعی که آن صیحه را احساس کردید خدا را سجده کنید و بگوئید: **(سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبَّنَا)** زیرا کسی که این دستور را انجام دهد نجات می‌یابد و کسی که این عمل را انجام ندهد هلاک خواهد شد».^{۹۸}

^{۹۷} - هَدَّةٌ. آواز فرورفتن دیوار و مانند آن. (منتهی الارب). صوت وقع الحائط. (اقرّب الموارد): سمعت هَدَّةً؛ صدای فروریختن دیوار یا صخره ای را شنیدم. (از اقرّب الموارد). رسول اکرم (ص) سخن از هَدَّةٌ در ماه رمضان میگوید، هرچند که حصار آن را به صیحه تعبیر نمودند: «**قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الصَّيْحَةُ؟**»، اما باز رسول الله (ص) از تعبیر صیحه خودداری نموده و فرمودند: «**هَدَّةٌ تَكُونُ فِي النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ضَحَى**»، این حادثه نمیتواند همان صیحه آسمانی معروف 23 ماه رمضان وسیله جبرئیل باشد، چرا که در نیمه ماه روی می‌دهد و اعمالی که در مواجهه با آن انجام می‌شود چیزی شبیه به صیحه مادیست.

^{۹۸} - الفتن: ج 3 ص 118 ب ما يذكر من علامات من السماء...؛ عقد الدرر: ص 103 ب 4 ف 3؛ کنز العمال: ج 14 ص 569-570 ح 39627 نحوه مع زیادة سيرة.

*11: الكتب السنَّة (الأمالي الخميسية للشجري)، رقم الحديث: 1031- (حديث مرفوع) عن عبد الرحمن بن عبد الله عن الضحاك بن مزاحم عن ابن عباس، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: « يَطْلُعُ كَوْكَبٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ مِنَ الْمَشْرِقِ ، يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْعَامِ صِيحَةً فِي رَمَضَانَ ، يَمُوتُ فِيهَا سَبْعُونَ أَلْفًا ، وَيُعْمَى سَبْعُونَ أَلْفًا ، وَيَتِيَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا تَأْمُرُنَا إِنْ كَانَ ذَلِكَ ؟ قَالَ : عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ ، وَالصَّلَاةِ ، وَالتَّسْبِيحِ ، وَالتَّكْبِيرِ ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ : مَا عَلَامَةُ ذَلِكَ أَلَّا يَكُونَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ ؟ قَالَ : إِذَا مَضَى النِّصْفُ مِنْ رَمَضَانَ ، وَلَمْ يَكُنْ ، فَقَدْ أُمِنْتَ السَّنَةَ .»

صاحب کتاب امالی الخمیسیه از علماء اهل سنت حدیثی را از ابن مسعود می آورد که رسول خدا (ص) فرمودند: « يَطْلُعُ كَوْكَبٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ مِنَ الْمَشْرِقِ، ستاره ای در آخرالزمان از جانب مشرق طلوع نماید در همان سالی که صیحه رمضان شنیده شود در آن ماه هفتاد هزار نفر بمیرند و هفتاد هزار نفر نابینا و هفتاد هزار نفر بیخانمان گردند و هفتاد هزار نفر ناله سردهند و هفتاد هزار دختر باکره فتق شوند و هفتاد هزار نفر بیهوش گردند و هفتاد هزار نفر نیز کر گردند، گفته شد یا رسول الله اگر آن زمان را درک کردیم چکنیم؟ فرمودند: بر شماست که صدقه دهید و نماز گذارید و تسبیح و تکبیر خدا گوید و قرائت قرآن نماید گفته شد یا رسول الله علامت آن سال چیست تا نسبت به آن آگاهی یابیم؟ فرمودند: هنگامی که نصف ماه رمضان گذشت و کوكب آخرالزمان طلوع نکرد سال در امنیت خواهد بود.»

*12: الفتن ابن حماد ؛ ص 199 ح 810 : - حدثنا عبد الله بن مروان عن أرطاة عن تبيع عن كعب قال: « إِذَا كَانَتْ رَجَفَتَانِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ انْتَدَبَ لَهَا ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ وَاحِدٍ ، أَحَدُهُمْ يَطْلُبُهَا بِالْجَبْرُوتِ ، وَالْآخَرُ يَطْلُبُهَا بِالنَّسْكِ وَالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ ، وَالثَّالِثُ يَطْلُبُهَا بِالْقَتْلِ وَأَسْمُهُ عَبْدُ اللَّهِ ، وَيَكُونُ بِنَاحِيَةِ الْفُرَاتِ مُجْتَمِعٌ عَظِيمٌ ، يَقْتَتِلُونَ عَلَى الْمَالِ ، يُقْتَلُ مِنْ كُلِّ تِسْعَةٍ سَبْعَةٌ .»

تبیع گوید کعب چنین گفته است: « هنگامی که دو اتفاق بزرگ در ماه رمضان رخ دهد⁹⁹، سه نفر که هر سه از یک اهل بیت هستند ادعای رهبری مینمایند، یکی از آنها خواستار جبروت است، و دیگری خواستار عبادت و سکینه و وقار، و نفر سوم که اسمش عبدالله است خواستار قتل میباشد، و در ناحیه فرات اجتماع عظیمی برای جنگ بخاطر مال شکل میگیرد، **يُقْتَلُ مِنْ كُلِّ تِسْعَةِ سَبْعَةٍ**، که از هر 9 نفری 7 نفر کشته میشوند.»

*13: الفتن ابن حماد؛ ص 233 ح 923 - حدثنا عبد الله بن مروان عن أروطة عن تبيع عن كعب قال: « **يَكُونُ نَاحِيَةَ الْفُرَاتِ فِي نَاحِيَةِ الشَّامِ أَوْ بَعْدَهَا بِقَلِيلٍ مُجْتَمِعٌ عَظِيمٌ فَيَقْتَتِلُونَ عَلَى الْأَمْوَالِ ، فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ تِسْعَةِ سَبْعَةٍ ، وَذَاكَ بَعْدَ الْهَدَّةِ وَالْوَاهِيَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَبَعْدَ افْتِرَاقِ ثَلَاثِ رَايَاتٍ ، يَطْلُبُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ الْمَلِكَ لِنَفْسِهِ ، فِيهِمْ رَجُلٌ اسْمُهُ عَبْدُ اللَّهِ** .»

تبیع گوید کعب چنین گفته است: « در نواحی فرات سرزمین شام یا اطراف شامات با کمی فاصله اجتماع عظیمی برای جنگ بر سر اموال شکل میگیرد بگونه ای که از هر 9 نفری 7 نفر کشته میشوند، **وَذَاكَ بَعْدَ الْهَدَّةِ وَالْوَاهِيَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ**، و این واقعه بعد از آن است که (آسمان) شکافته شود و صدای فرو ریختنی در ماه رمضان بوجود آید، و(همچنین اجتماع عظیم فرات) بعد از جدا سازی سه پرچم است، آن پرچمهایی که هر کدام حکومت را برای خود میطلبند در بین آنها مردی وجود دارد که اسمش عبد الله است.»

⁹⁹ **رَجَفَاتَانِ**: تثنیه کلمه رجف است، رَجَفَ : رَجَفًا و رَجَفَانًا و رُجُوفًا و رَجِيفًا : از ترس پیشامدی که بر او وارد شده بود آرامش نداشت - الرَّجُلُ : آن مرد سرگردان و نا آرام شد - هُ : آن چیز را با شدت تکان داد پس لرزید و تکان خورد - القومُ : آن قوم برای جنگ آماده شدند - تِ الْأَرْضِ : زمین لرزید - الرَعْدُ : رعد پیایی غرید.

*14: مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام؛ ص 263 فصل [خطبة التنجية] ١٠٠- : و من خطبة له عليه السلام تسمى التنجية، ظاهرها أنيق، و باطنها عميق، فليحذر قارئها من سوء ظنه، فإن فيها من تنزيه الخالق ما لا يطيقه أحد من الخلائق، خطبها أمير المؤمنين عليه السلام بين الكوفة و المدينة، فقال: **« أَنَا صَاحِبُ الْخَلْقِ الْأَوَّلِ قَبْلَ نُوحِ الْأَوَّلِ، وَ لَوْ عَلِمْتُمْ مَا بَيْنَ آدَمَ وَ نُوحٍ مِنْ عَجَائِبِ اصْطَنَعْتُهَا، وَ أُمَّمِ أَهْلَكْتُهَا، فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ، فَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. أَنَا صَاحِبُ الطُّوفَانِ الْأَوَّلِ، أَنَا صَاحِبُ الطُّوفَانِ الثَّانِي، ... يَا جَابِرُ أَنْتُمْ مَعَ الْحَقِّ، وَ مَعَهُ تَكُونُونَ وَ فِيهِ تَمُوتُونَ، يَا جَابِرُ: إِذَا صَاحَ النَّاقُوسُ، وَ كَبَسَ الْكَابُوسُ، وَ تَكَلَّمَ الْجَامُوسُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ عَجَائِبُ وَ آيٌ عَجَائِبُ. إِذَا آنَارَتِ النَّارُ بِبُصْرِي، وَ ظَهَرَتِ الرَّأْيَةُ الْعُثْمَانِيَّةُ بِوَادِي سَوْدَاءَ، وَ اضْطَرَبَتِ الْبَصْرَةُ وَ غَلَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَ صَبَا كُلُّ قَوْمٍ إِلَى قَوْمٍ، وَ تَحَرَّكَتْ عَسَاكِرُ خُرَاسَانَ، وَ تَبَعَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ مِنْ بَطْنِ الطَّالِقَانِ، وَ بُوَيْعَ لِسَعِيدِ السَّوْسِيِّ بِخَوْزِسْتَانَ، وَ عَقَدَتِ الرَّأْيَةُ لِعَمَالِيْقَ كُرْدَانَ، وَ تَغَلَّبَتِ الْعَرَبُ عَلَى بِلَادِ الْأَرَمَنِ وَ السَّقْلَابِ، وَ أَدْعَنَ هِرْقُلُ بِقُسْطَنْطِينَةَ لِبَطَارِقَةَ سَيْنَانَ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ مُكَلَّمِ مُوسَى مِنَ الشَّجَرَةِ عَلَى الطُّورِ، فَيَظْهَرُ هَذَا ظَاهِرٌ مَكْشُوفٌ، وَ مَعَايِنٌ مَوْصُوفٌ... ثُمَّ بَكَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَالَ: وَاهَا لِلْأُمَّمِ، ... أَلَا وَ إِن لَكُمْ بَعْدَ الْحَيْنِ طَرِيقَةٌ تَعْلَمُونَ بِهَا بَعْضَ الْبَيَانِ وَ يَنْكَشِفُ لَكُمْ صَنَائِعُ الْبَرْهَانِ، عِنْدَ طُلُوعِ بَهْرَامِ وَ كَيَوَانَ عَلَى دَقَائِقِ الْاِقْتِرَانِ فَعِنْدَهَا تَتَوَاتَرُ الْهَدَاتُ وَ الزَّلَازِلُ، وَ تَقْبَلُ الرِّيَاةُ مِنْ شَاطِئِ جِيحُونَ إِلَى بِلَادِ بَابِلَ. ... تَقْبَلُ الرِّيَاةُ مِنْ شَاطِئِ جِيحُونَ لِفَارِسَ وَ نَصِيْبِيْنَ، تَتَرَادَفُ إِلَيْهِمُ رِيَاةُ الْعَرَبِ، فَيَنَادِي لِسَانُهُمْ بِقَدْرِ مَجْرَى السَّحَابِ، وَ نَقْصَا مِنَ الْكَوَاكِبِ وَ طُلُوعِ الْقَطْرِ التَّالِيِ الْجَنُوبِ، كَغَرَابِ الْاِبْنُورِ وَ زَلَازِلِ وَ هِبَاتِ وَ آيَاتِ. هُنَالِكَ يُوَضِّحُ الْحَقُّ وَ يَزُولُ الْبَلَاءُ، وَ يَعْزُ الْمُؤْمِنُ وَ يَذَلُّ الْكَافِرُ الْمَخَالِفُ، وَ يَمْلِكُ بَحَارُ الْكُوفَةِ الْبَرَى مِنْهُمْ، لَا الْمَتَغَلِّبِينَ فِي، أَلَا إِنَّهُمْ طِغَاةٌ مَرَادِي فِرَاعِنَةُ، وَ تَكُونُ بِنَوَاحِي الْبَصْرَةَ حَرَكَةً، لَسْتَ أَذْكَرَهَا وَ يَظْهَرُ الْعَرَبُ عَلَى الْعَجْمِ، وَ يَعْدِلُونَ بِالْأَهْوَاةِ مِنْ دُونَ النَّاسِ، وَ كَمِ أَشْيَاءَ أَخْفَيْتَهَا لَا يَطِيقُهَا الْوَعْيُ، وَ لَا يَصْبِرُ عَلَى حَمَلِهَا وَ أُمُورٌ قَدْ أَهْمَلْتَهَا خَوْفًا أَنْ تَقَالَ مَتَى عَلِمْتَهَا.»**

100 - حافظ برسي، رجب بن محمد، بيروت، چاپ: اول، 1422 ق. إلزام الناصب؛ ج 2؛ ص 199، بشاره

در خطبه معروف به (تطنجیه) امیر المومنین (ع) فرمودند: « من صاحب خلق اول قبل از نوح اول هستم، اگر کارهای عجیب و غریبی که در بین زمان حضرت آدم تا زمان حضرت نوح انجام داده‌ام می‌دانستید و درمی‌یافتید که چه امت‌هایی را هلاک کردم [بسیار متعجب می‌شدید]، همانا عذاب سزاوارشان بود زیرا اعمال بدی داشتند، **أَنَا صَاحِبُ الطُّوفَانِ الْأَوَّلِ، أَنَا صَاحِبُ الطُّوفَانِ الثَّانِي**، من صاحب طوفان اولم، من صاحب طوفان دوم هستم، ... ای جابر تو بر حق هستی و برحق نیز خواهی مُرد، ای جابر آن گاه که شیپور (جنگ) بصدا درآید^{۱۰۱}، و خواب های آشفته (حوادث تلخ) روی دهد^{۱۰۲}، و فَرْد زُورگو لب بسخن گشاید^{۱۰۳}، پس در آن هنگام عجایبی رخ دهد و چه عجایبی، در آن زمان شعله های آتش در بُصْرَى روشن شود^{۱۰۴}، و پرچم عُمَانی (سفیانی) در بیابان سیاه ظاهر گردد، و شهر بصره مضطرب شود، و برخی از آنان بر بعض دیگر غلبه پیدا کنند، و هر قومی بسوی قوم خود متمایل شود، و لشکریان خراسان به حرکت درآیند و شعیب بن صالح تمیمی از مرکز طالقان به آنها بپیوندد، و در خوزستان برای

¹⁰¹ **إِذَا صَاحَ النَّاقُوسُ**: زنگ بزرگی که در کلیسا نصب می کنند و هنگام مراسم مذهبی نواخته می شود.

¹⁰² **وَكَبَسَ الْكَابُوسُ**: خواب بد و وحشت آور.

¹⁰³ **وَتَكَلَّمَ الْجَامُوسُ**: معرب گامیش که مخفف گامویش است. در این دیار مردم این زمانه بجهت تفرقه گامویش (نر) و (ماده) نر را جاموس گویند به تعریب و ماده را گامویش چنانکه اصل است. (آندراج). جاموس با اینکه زورمند است از همه مخلوقات نالان تر است و از نیش مگس به آب پناه میبرد. نقل کنند اگر مردی آن را در خواب ببیند تعبیرش این است که وی چابک و شجاع باشد و بیش از دیگران بردبار باشد و اگر زنی شاخ آن را در خواب ببیند دلیل آن است که با پادشاهی ازدواج کند. (از حیات الحیوان دمیری ج 1 ص 167). رجوع به گامیش و گامویش شود.

¹⁰⁴ **النَّارُ بِبُصْرَى** در بعضی نسخ کلمه نصیبین آمده است بُصْرَى: نام شهری باستانی در کشور سوریه است. این شهر در فاصله ۱۸۰ کیلومتری دمشق واقع شده و در نزدیکی مرز بین سوریه و اردن و تا حدودی اسرائیل قرار دارد. نصیبین: شهری بوده است در بین النهرین سر راه موصل بشام و میان این شهر و سنجار نه فرسخ و میان آن تا موصل شش روز راه بوده است ، نصیبین از شهرهای بلاد جزیره میباشد.

سَعِيدِ السَّوْسِيِّ بیعت گرفته شود، و پرچی برای استقلال عمالیک کُردان منعقد و فراهم شد^{۱۰۵}، و اعراب بر سرزمین آرمن و سیلاب غالب کردند، و هرقل (پادشاه روم) در قُسطنطینه برای بَطَارِقَةُ سِنَان (افراد قدرتمند) نیرو و بفرستد، در آن زمان منتظر ظهور مکلم موسی از درختی که در کوه طور بود باشید^{۱۰۶}، او ظهور نماید با ظاهری آشکار و قابل وصف، آگاه باشید بخاطر اینکه حامل این علم را نیافتم عجائب زیادی را ترک کردم و دلائل زیادی را کتمان نگه داشتم، ... سپس علی (ع) گریست و گفت: وای بر امته! ... آگاه باشید که بعد از گذشت مدت زمانی بعضی از این مطالب بیان شده را خواهید فهمید، در آن زمان برای شما صنعت برهان (این خطبه) آشکار میشود، هنگام طلوع مریخ و زحل در یک خط موازی فرود (اجرام آسمانی) و

¹⁰⁵ موسوعه أهل البيت (عليهم السلام)؛ ج 20؛ ص 201: و اختلفت المقالات و حرکت عساکر خراسان و تبع شعيب

بن صالح التميمي من بطن طالقان و بویع لسعيد السقوسي بخوزستان و عقدت الراية لعماليق كردان ...

¹⁰⁶ سيد احمد الحسن (ع) در خصوص کوه طور، مکلم موسی و درخت وادی ایمن، مطالبی دارند که ذکر یکی از آنها در این جایگاه مفید است: " فالزيتون، والشجرة التي تخرج من طور سيناء، والتي تنبت بالدهن، والزيتونة اللشرقية ولا غربية، كلها تشير إلى شخص واحد هو المهدي الأول في زمن ظهور الإمام المهدي (ع)، فهو الزيتون في السورة التي نحن بصددھا، وهو الشجرة التي تخرج من طور سيناء (أى النجف)، كما روى عن أمير المؤمنين والصادق (ع). فقد نقلت الملائكة الطور بعد حادثة رفعه ولم يعاد إلى مكانه (وَإِذْ تَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)، ظنوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ، فهو لم يعد إلى مكانه، ولم يقع بهم، بل نُقل؛ زيتون و درختی که در طور سینا می‌روید و آن که تنبت بالدهن (روغن و غذای خورندگان را تامین می‌نماید) و زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، همه و همه به شخصی واحد اشاره می‌کند و او مهدی اول در زمان امام مهدی ع است و او همان زیتون در سوره‌ای است که تفسیر می‌کنیم و او همان درختی است که از طور سینا می‌روید (نجف اشرف) همان گونه که از امیرالمؤمنین علی ع و امام صادق ع روایت شده است. فرشتگان، طور سینا را بعد از برپا شدنش، منتقل کردند و طور سینا به جای اول بازنگشت. (و آن گاه که کوه را بر سر آنان بر افراشتیم و به حرکت در آوردیم و گمان بردند که بر آنان فرود می‌آید. آنچه به شما دادیم با قدرت بگیرد و آن را یاد کنید شاید پرهیزکار شوید) (العراف 171) آنان گمان کردند که کوه بر آنان فرود می‌آید در حالی که کوه به جای اول برنگشت و بر آنان فرود نیامد بل که منتقل شد ". سؤال / 155: المتشابهات الجزء الرابع

زلزله‌ها پشت سرهم واقع می‌شود^{۱۰۷}، و در آن زمان است که پرچم‌های (خراسانیون) از جانب جیهون به سمت بلاد بابل (عراق) روانه گردد، ... ، پرچم‌هایی از جانب فارس و نصیبین از کناره‌های رود جیهون بحرکت درآید، پشت بند آنها نیز پرچم‌های عرب بحرکت خود را آغاز کنند، با زبان‌هایی که نزدیک است به جایگاه بحرکت ابرها برسد ندهائی سر می‌دهند، در آن زمانه ستاره‌ها دچار نقصانی میشوند، و ستاره دنباله دار جنوب، مانند کلاغ سیاه بدشگون ابنور طلوع نماید^{۱۰۸}، در آن زمان زلزله‌ها، و گردُ خاک‌ها و نشانه‌های (بسیار) روی دهد، در آن هنگام است که حق واضح گردد و بلاء زایل شود و مومن عزتمند و کافر مخالف ذلیل گردد، و اعرابی که از اهالی فارس بیزار هستند مالک آب‌های کوفه گردند، آگاه باشید که آنها طُغات و فَرَاعِنه زمانند، و در نواحی بصره بحرکتی روی دهد که قصد بیان آن را ندارم، ولی پیروز میشود عرب بر عجم و پیش می‌روند تا اینکه به اهواز میرسند بدون آنکه با مردم کاری داشته باشند، و چقدر از وقایع را که مخفی نگه داشتم بخاطر اینکه جایگاه و صبر کننده‌ای بر حمل آن را نیافتم، و اموری را نیز مهمل گذاشتم بخاطر ترس از اینکه بگوئید اینها را از چه وقت دانسته است».

¹⁰⁷ (طلوع بهرام و کیوان علی دقائق الاقتران ؛ طلوع مریخ و زحل در یک خط موازی) : بهرام : (نجوم) نام کوکب مریخ است که در فلک پنجم می‌باشد و سرخ رنگ. در آیین زردشتی یکی از ایزدان است وی یار ایزدمهر و پاسبان عهد و پیمان و موکل به روز بیستم هر ماه شمسی (موسوم به بهرام) است . کیوان : (نجوم) نام کوکب زحل است که در فلک هفتم می‌باشد و از همه کواکب اعلی و اعظم است، و کی به معنی بزرگ و «ون» و «وان» به معنی مانند است.

¹⁰⁸ (و طلوع القطر التالی الجنوب، کغراب الابنور ؛ و ستاره دنباله دار جنوب مانند کلاغ سیاه بدشگون ابنور طلوع نماید) : قِطْرُ : گونه‌ای مس ، مس گذاخته ، گونه‌ای پارچه خط دار . تَالِي : ج تَالِيَات ، م التَّالِيَةُ ، ج تَوَالٍ [تلو] : پیرو ، دنباله رو ؛ « بالتَّالِي » : در پایان ، سپس . غُرَابٌ : ج أَعْرَابٌ و غُرْبٌ و غِرْبَانٌ و أَعْرِبَةٌ و جج غَرَّابِين (ح) : کلاغ سیاه و زاغ که در سیاهی و دوری و بر حذر بودن و فال بد ضرب المثل است.

توضیح :

در خصوص برخورد سیارک یا تعدادی از سیارک های ستاره مشرقی به زمین آنهم قبل از برخورد نهائی روایات بیانگر آن است که در مناطقی از عراق مخصوصا کوفه و یا مناطقی از عربستان شاهد برخوردهائی خواهیم بود امام صادق (ع) درباره آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ» فرمودند: «عَذَابٌ يَقَعُ فِي الثُّوَيَّةِ يَعْنِي نَارًا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْكُنَاسَةِ كُنَاسَةُ بَنِي أَسَدٍ حَتَّى تَمُرَّ بِثَقِيفٍ لَا تَدَعُ وَتُرَا لَالَ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ وَ ذَلِكَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ع ؛ عذابی در ثویه واقع می شود. یعنی آتشی که منتهی می شود بمزبله بنی اسد تا از قبیله ثقیف میگذرد و هر جا یکی از ظالمین آل محمد باشد، او را می سوزاند و این پیش از خروج قائم خواهد بود.»^{۱۰۹}

(عَذَابٌ يَقَعُ فِي الثُّوَيَّةِ): الثُّوَيَّةُ: مؤنث (الثَّوَى) است ، بمعنی : آغل گوسفند و گاو و شتر ، سنگی که در چراگاه قرار دهند تا نشانه ای برای چوپان به هنگام بازگشت گوسفندان در شب باشد. یاقوت می نویسد: ثَوِيَّة نام محلی در نزدیکی کوفه می باشد^{۱۱۰} فرات بن احنف کوفی می گوید: در محضر امام صادق (ع) عازم زیارت مولای متقیان امیرمؤمنان (ع) بودیم، هنگامی که به «ثویه» رسیدیم، امام (ع) پیاده شدند و دو رکعت نماز به جای آوردند، پرسیدم این چه نمازی بود؟ فرمودند: « هَذَا مَوْضِعُ مَنَبْرِ الْقَائِمِ، أَحَبَّبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ ؛ اینجا محل منبر حضرت قائم (ع) است، دوست داشتم که در اینجا نماز شکر به جای آورم.»^{۱۱۱}

(حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْكُنَاسَةِ كُنَاسَةُ بَنِي أَسَدٍ): الْكُنَاسَةُ: آشغال و زباله ، خاکروبه ، زباله دان . كُنَاسَةُ بَنِي أَسَدٍ: بنی اسدیان غالباً در شبه جزیره عربستان، در صحرای نجد و تهامه و در کنار منابع آب سکنا داشتند بنابه نقل طبری از سیف بن عمر، بنی اسد در فتوح عراق و به ویژه

¹⁰⁹ - الغيبة للنعماني: ص 272، باب 14، ح 48

¹¹⁰ - معجم البلدان، ج 2، ص 87؛ تاریخ الكوفه، ص 162

¹¹¹ - دلائل الامامة، ص 459؛ حلیة الأبرار، ج 5، ص 343

قادسیه، از خود رشادت‌هایی نشان دادند. و در ناحیه عراق و به ویژه اطراف کوفه و بصره ساکن شدند و گروه‌هایی از ایشان نیز به سوی شام هجرت کردند. در روزگار معاصر، بنی اسد در عراق، مجموعه‌ای از عشایر را تشکیل می‌دهند که به آن‌ها «اهل الجزائر» هم گفته می‌شود. آن‌ها غالباً در جنوب نهر فرات و در اطراف کربلا سکنا دارند پاره‌ای روایات مربوط به واقعه کربلا، نشان از شرکت چند تن از افراد بنی اسد در لشکر کوفه دارد، اما گروهی دیگر از ایشان که احتمالاً اهل شهر کوفه بودند و در آبادی‌های اطراف شهر سکنا داشتند، پیکر شهدای اهل بیت را دفن کردند. این موضوع چندان شهرت یافته است که در نمایش سنتی تعزیه، نمایش ویژه‌ای به تدفین شهدا به دست افراد بنی‌اسد اختصاص دارد. همچنین گروهی از راویان و اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) از بنی اسد یا موالیان ایشان بوده‌اند. (حَتَّى تَمُرَّ بِثَقِيفٍ): ثَقِيف : آنکه بسیار حاذق باشد ، چیزی که بسیار تُرش شده باشد ؛ « خَلُّ ثَقِيفٍ » : سرکه بسیار تُرش . بقایای قبیله ثقیف، مشتمل بر دهها طایفه کوچک و بزرگ، هنوز در طائف و اطراف آن به سر می‌برند و کوه حجاز در میان مکه و طائف، یکی از مراکز اصلی سکونت آنان است.

بنابر توضیحات ارائه شده میتوان چنین نتیجه گیری نمود که آتش فرو ریزنده در(ثَوِيَّة) اشاره ایست به برخورد یک شیء آسمانی نچندان بزرگ در اطراف شهر کوفه و نجف چرا که معمولا محل جمع آوری زباله ها در خارج از شهرها میباشد. بنابراین درنتیجه برخورد این شهاب سنگه به اطراف شهر کوفه شهرکها و روستاهای آن منطقه دچار خسارتهای شدید میشوند. محتمل است برخورد این شهاب سنگ در عراق باعث فعال شدن گسلها و درنتیجه آن خسف بغداد و بصره و سپس جاری شدن سیلاب در بصره بشود. امام صادق (ع) در روایتی فرمودند: « **يُزَجِرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلَّلُ السَّمَاءَ وَ خَسْفٍ بَبْغَدَادَ وَ خَسْفٍ بَبَلَدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٍ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلَ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ** ؛ بازداشته می شوند مردم قبل از قیام قائم (ع) از گناهانشان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر میشود و سرخی که آسمان را می پوشاند، و (همچنین بوسیله) فرو رفتن زمین در بغداد، و فرو رفتن زمین در بصره و خون هائی که در

بصره ریخته می‌شود، و خرابی خانه‌های آن شهر، و نابودی که در بین مردم آنجا پدید می‌آید، و ترسی که اهل عراق را فرا می‌گیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند.»^{۱۱۲}

برخورد این شهاب سنگ نچندان بزرگ در عراق سبب خرابی و ویرانی بخش هائی از کشور میشود که در نتیجه آن ضَعْفِ حکومتِ مرکزی در عراق را در پی خواهد داشت. شاید بشود گفت از اینروست که سفیانی انگیزه مضاعف پیدا مینماید برای فتح عراق مخصوصا بغداد یا همان زوراء آخرالزمان. ابن حماد صاحب کتاب فتن نقل میکند که تبیع از قول کعب الاحبار

گفته است: « هَلَاكُ بَنِي الْعَبَّاسِ عِنْدَ نَجْمٍ يَظْهَرُ فِي الْجَوْفِ، وَ هَدَّةٌ وَ وَاهِيَةٌ، يَكُونُ ذَلِكَ أَجْمَعُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَكُونُ الْحُمْرَةُ مَا بَيْنَ الْخَمْسِ إِلَى الْعِشْرِينَ وَ الْهَدَّةُ فِيمَا بَيْنَ النَّصْفِ إِلَى الْعِشْرِينَ وَ الْوَاهِيَةُ مَا بَيْنَ الْعِشْرِينَ إِلَى أَرْبَعٍ وَ عِشْرِينَ، وَ نَجْمٌ يُرْمَى بِهِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ، ثُمَّ يَلْتَوِي كَمَا تَلْتَوِي الْحَيَّةُ حَتَّى يَكَادُ رَأْسَاهَا يَلْتَقِيَانِ، وَ الرَّجْفَتَانِ فِي لَيْلَةِ الْفُسْحَيْنِ، وَ النَّجْمُ الَّذِي يُرْمَى بِهِ شِهَابٌ يَنْقُضُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَهُ صَوْتٌ شَدِيدٌ حَتَّى يَقَعَ فِي الْمَشْرِقِ ثُمَّ

يُصِيبُ النَّاسَ مِنْهُ بَلَاءٌ شَدِيدٌ؛ هلاکت بنی عباس زمانی واقع میشود که ستاره ای در دل آسمان ظاهر شود و صدای شدید (هده) و خوف (واهیة) بوجود آید این وقایع در ماه رمضان روی میدهد سرخی مابین پنجم ماه رمضان تا بیستم ماه رمضان حاصل میشود و صدای شدید مابین نیمه ماه تا بیستم ماه حاصل میشود و خوف و ترس مابین بیستم تا بیست چهارم ماه رمضان روی میدهد ستاره ی است که او را درخشان میبینی همچون درخشش ماه سپس مثل مار بنحوی بخود می‌پیچد که عنقریب است دو طرف آن بهم برسد و در یک شب دو (رجفه) تکان شدید و نحس روی میدهد و ستاره ای که شهابش را پرت میکند از آسمان فرود آمده در مشرق می افتد همراه با آن صدائی شدید نیز بوجود می آید سپس از آن (شهاب) به مردم

بلائی شدید میرسند».^{۱۱۳}

112 - بحار الأنوار جلد : 52 صفحه : 221-85. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ؛ ج 2 ؛ ص 378

113 - الفتن ابن حماد ؛ ص 152 ح 621

چهار نکته:

* 1- در روایتی که در کتاب تفسیر قمی از تاویل آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ» از امام باقر (ع) آمده عبارت: «نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ مَلَكٌ يَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا ؛ آتشی است که از مغرب بیرون می‌آید و ملکی از عقب آن را میراند»، وارد شده است. و از آنجهت که عبارت: (وَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ) در آخر حدیث تاکید میکند که این عذاب و آتش مغربی علیه بنی امیه در دوران ظهور مهدی (ع) بوقوع می‌پیوندد. میتوان آن را به حمله آمریکا و متحدانش برای سرنگونی نظام بعثی اموی صدام حسین (لع) تعبیر کرد. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که از امام محمد باقر علیه السلام معنی آیه: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ» را پرسیدند که آن عذاب چیست؟ فرمود: « نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ مَلَكٌ يَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا حَتَّى يَأْتِيَ مِنْ جِهَةِ دَارِ بَنِي سَعْدِ بْنِ هَمَّامٍ عِنْدَ مَسْجِدِهِمْ فَلَا تَدْعُ دَارًا لِبَنِي أُمَيَّةٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ أَهْلَهَا وَ لَا تَدْعُ دَارًا فِيهَا وَ تَرُ لِيَالِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ ؛ آتشی است که از مغرب بیرون می‌آید و فرشته‌ای از عقب آن را میراند تا بمحله بنی سعد بن همام میرسد و پهلوی مسجد آنها میایستد و تمام خانه‌های بنی امیه با ساکنین آن را میسوزاند، و هیچ خانه‌ای را که دشمنی از آل محمد در آن باشد، سالم نمیگذارد و همه را می‌سوزاند و آن مهدی است.»^{۱۱۴}

* 2- روایات اهل سنت از صدای بوجود آمده از یک برخورد شدید در زمان سفیانی دوم سخن بمان آورده اند. هَدَّة: [هَدَّ]: اسم مره از (هَدَّ) است ، صدای فروریختگی دیوار . هَدَد : [هَدَّ]: صدای بَم و کُلْفَت؛ ولید گوید شیخی بمن گفت که زهری گفته است: « فِي وَلايَةِ السُّفْيَانِيِّ الثَّانِي وَ خُرُوجِهِ عَلَامَةٌ تُرَى فِي السَّمَاءِ ؛ در زمان سلطنت و خروج سفیانی دوم علامتی در آسمان میبینی.»^{۱۱۵} جراح گوید أَرطَاءُ گفته است: « فِي زَمَانِ السُّفْيَانِيِّ الثَّانِي تَكُونُ

¹¹⁴ - بحار الأنوار ؛ ج 52 ؛ ص 188 ح 14 - فس، [تفسیر قمی]

¹¹⁵ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ، صفحه : 107

الْهَدَّةُ حَتَّى يَظُنَّ كُلُّ قَوْمٍ أَنَّهُ قَدْ خَرَبَ مَا يَلِيهِمْ ؛ در زمان سفیانی دوم (تَكُونُ الْهَدَّةُ) صدای فروریختگی شنیده میشود که هر گروهی گمان میکنند چیزی که نزدیک آنها است خراب شده است.»^{۱۱۶} جراح گوید أرطاة گفته است: « فِي زَمَانِ السُّفْيَانِيِّ الثَّانِي الْمَشُوهُ الْخَلْقِ هَدَّةٌ بِالشَّامِ حَتَّى يَظُنَّ كُلُّ قَوْمٍ أَنَّهُ خَرَابٌ مَا يَلِيهِمْ ؛ در زمان سفیانی دوم که خلقتش زشت است هَدَّةٌ بِالشَّامِ صدای فروریختگی در شام شنیده میشود که هر گروهی گمان میکنند چیزی که نزدیک آنها است خراب شد.»^{۱۱۷} جراح گوید أرطاة گفته است: « يَدْخُلُ الْأَزْهَرُ بْنُ الْكَلْبِيِّهِ الْكُوفَةَ فَتَصِيبُهُ قَرْحَةٌ، فَيَخْرُجُ مِنْهَا فَيَمُوتُ فِي الطَّرِيقِ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ آخَرٌ مِنْهُمْ، ...، مُشَوَّهَ الْخَلْقِ، مُصَفَّحَ الرَّأْسِ، حَمَشَ السَّاعِدَيْنِ، غَائِرَ الْعَيْنَيْنِ، فِي زَمَانِهِ تَكُونُ هَدَّةٌ ؛ الْأَزْهَرُ پسر الْكَلْبِيِّهِ داخل کوفه میشود و در آنجا دچار آسیبی میگردد، پس او را از کوفه خارج میسازند ولی در بین راه میمیرد، سپس مردی دیگر از خودشان خروج میکند، ...، او کسی است که خلقتش زشت، سرش بزرگ، ساعدهایش باریک، و در دو چشمش فرورفتگی دارد، در زمان او هَدَّةٌ برخورد شدید بوجود آید.»^{۱۱۸} لیث گوید از کسی شنیدم که تبعی گفته است: « إِذَا كَانَتْ هَدَّةٌ بِالشَّامِ قَبْلَ الْبَيْدَاءِ فَلَا بَيْدَاءَ وَ لَا سُفْيَانِيَّ - قَالَ اللَّيْثُ: كَانَتْ الْهَدَّةُ بِطَبْرِيَّةَ، فَاسْتَيْقَظَتْ لَهَا بِالْفُسْطَاطِ - وَ تَخَلَّعَ لَهَا أَجْنِحَةٌ، فَإِذَا هِيَ لَيْلَةٌ طَبْرِيَّةَ ؛ زمان صدای فروریختگی در شام قبل از بیداء است پس قبل از آن نه بیداء و نه سفیانی خواهد بود. لیث میگوید: این صدای فروریختگی در طَبْرِيَّة

¹¹⁶ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ، صفحه : 114

¹¹⁷ الفتن ابن حماد ؛ ص 153 ح 626

¹¹⁸ الفتن ابن حماد ؛ ص 188 ح 774

پیا می‌شود و (اهل) خیمه‌ها را بیدار کرده و دوطرف آن را خالی میکند، این است واقعه شب
طَبْرِيَه « ۱۱۹. ۱۲۰

* 3- در بعضی روایات سخن از آتشی بمیان آمده است که از قعر عدن در سرزمین یمن و
قبل از ظهور امام مهدی (ع) بوقوع می‌پیوندد و مردم را بسوی محشر که احتمالاً همان ظهور
امام (ع) باشد سوق میدهد. ماهیت این آتش از دید حقیر نامشخص است یعنی اینکه نمیدانم
آتشی طبیعی همچون فوران آتشفشان و غیره خواهد بود یا یک حادثه بشری مانند جنگی
پایدار و یا حتی سلاح‌های اتمی که در آن منطقه استفاده میشود. (الله يعلم)

عمر بن واثله از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «
**عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْيَانِيُّ وَ الدَّجَالُ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّابَّةُ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ طُلُوعُ
الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نُزُولُ عِيسَى ع وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ
مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ ؛** قبل از قیامت [و ظهور حضرت] حتماً ده اتفاق
می‌افتد: خروج سفیانی، خروج دجال، آمدن دخان [دود]، آمدن دابه [دابه الارض]، خروج قائم
(ع)، طلوع خورشید از مغرب، نازل شدن عیسی (ع)، فرو رفتن زمین در سمت مشرق، فرو
رفتن زمین در جزیره العرب، و آتشی که از قعر زمین در منطقه عدن خارج می‌شود و مردم
را به محشر سوق میدهد». ^{۱۲۱} نعیم از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: « **وَ تَحْشُرُهُمْ
نَارٌ مِنْ عَدْنٍ مَعَ الْقِرْدَةِ وَ الْخَنَازِيرِ، تَبِيْتُ مَعَهُمْ آيْنَ مَا بَاتُوا، وَ تُقِيلُ مَعَهُمْ آيْنَ مَا قَالُوا، وَ لَهَا مَا**

¹¹⁹ الفتن ابن حماد ؛ ص 481 ح 1501

¹²⁰ **طَبْرِيَّة**: (در عبری: תַּבְרִיָּה) نام شهری در استان شمالی اسرائیل است که جمعیت آن در سال ۲۰۰۶
۴۰،۱۰۰ نفر و مساحت آن ۱۰.۸۷۲ کیلومتر مربع است. در دامنه کوه‌های جلیل و بلندی‌های جولان واقع
شده‌است. طبریه همچنین در ساحل دریاچه طبریه قرار گرفته‌است. این دریاچه مهمترین منبع آب شیرین
اسرائیل به‌شمار می‌آید و از دیدگاه راهبردی برای کشور اسرائیل دارای اهمیت بسیاری است.

¹²¹ - الغيبة للطوسي ؛ النص ؛ ص 436 ح 426

سَقَطَ مِنْهُمْ؛ آتشی از عدن مردم را با میمون و خوک‌ها جمع خواهد کرد بگونه ای که هر کجا شب کنند و هر وقت بخوابند با آن میمون‌ها و خوک‌ها خواهد بود و آنچه که از آنها (یعنی مردم) سقوط کند (در امتحان الهی) برای آن آتش خواهد بود.»^{۱۲۲}

* 4- تنها در یک روایت بیان شده است که طلوع نجم المذنب در ماه صفر خواهد بود، اما با توجه به کثرت روایاتی که طلوع این ستاره را در ماه رمضان بیان نموده است بعید مینماید که در ماه صفر نجم المذنب آشکار شود، بهر ترتیب شاید بتوان آن را تاویل نمود و گفت عبارت: **«تَكُونُ عَلَامَةً فِي صَفَرٍ، وَ يُبْتَدَأُ نَجْمٌ لَهُ ذَنَابٌ؛** در ماه صفری علامتی خواهد بود که ابتداء ستاره دنباله داری پیدا شود.»^{۱۲۳} بمعنی آشکار شدن خبر نزدیک شدن ستاره ای دنبالدار به زمین است، که سبب وحشت هشیاری گروهی از مردم میشود، همچنین میتوان گفت ستاره دنبالدار حرکت خود را بسمت زمین در ماه صفر آغاز نموده و در ماه رمضان آشکار میگردد و در ادامه این حرکت وقایعی ناگوار برای ساکنان زمین بوجود می آید. (الله يعلم)

122 - التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص 186 ح 261

123 - التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن؛ ص 103 باب 64 ح 76- حَدَّثَنَا نُعَيْمٌ، حَدَّثَنَا رِشْدِينٌ عَنْ ابْنِ

لَهَيْعَةَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ:

• هلاکت 2/3 [دو سوم] بشریت پیشاپیش پیام قائم (ع)



با بررسی کلام مصعومین باین نتیجه میتوان پی برد که هلاکت و نابودی بسیاری از بشریت در صورت انکار مهدی موعود (ع) آن منجی بشریت حادثه ای قطعی خواهد بود از اینرو مسئله به این بزرگی بدون مقدمه یا بقول قرآن: (أَشْرَاطُ السَّاعَةِ) نخواهد بود.^{۱۲۴} افرادی روایات را تاویل نموده اند و گفته اند مسئله هلاکت دو سوم بشریت مربوط به جنگ قَرَقِیْسِیَا است و برای کلامشان دلایلی روایی نیز ذکر کرده اند اما از نظر حقیر چون مسئله هلاکت در بین این جماعت امری عظیم و غیر عادی جلوه کرده است سبب شده این حادثه را محصور در قَرَقِیْسِیَا بنمایند والا مانعی نخواهد داشت که حادثه قَرَقِیْسِیَا و غیر آن از جنگ های جهانی و هسته ای

124 - فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ . (18) محمد
 پس آیا جز این را انتظار می‌برند که ناگاه السَّاعَةَ (حادثه بزرگ) بر آنان فرا رسد ؟ در حالی که هم اکنون نشانه‌هایش آمده است ، پس هنگامی که حادثه بر آنان فرا رسد ، بیداری و هوشیاری‌شان از کجا و چگونه به آنان سود بخشد ؟

جزئی مقدمه ساز برای یک حادثه و عذاب سنگین الهی یعنی برخورد شهاب سنگی عظیم و در نتیجه آن هلاکت دو سوم بشریت باشد. بنابراین حادثه آرماگدون ، قرقسیا ، جنگ های هسته ای ، و بلایای طبیعی جزئی از یک مجموعه کلی برای پاکسازی کفار از صحنه گیتی در دوران امام محمد بن الحسن العسکری (ع) خواهد بود و بنابر روایت مقدمات آغاز این **(الْبَزَعِ الْأَكْبَرِ وَالْمَوْتِ الْأَحْمَرِ)** در دوران فتنه و اختلاف شام روی خواهد داد **(إِذَا اِخْتَلَفَ الرَّمْحَانُ بِالشَّامِ لَمْ تَجَلِ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ)** بگونه ای که میتوانیم بگوئیم از آغاز سال 2012 و شروع اختلافات شام صدای هلاکت بیش از 2/3 اهل زمین بگوش میرسد. از حضرت صادق (ع) نقل شده است: **« لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ. فَقُلْنَا: إِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَمَنْ يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟ »** ؛ این امر (ظهور امام مهدی) تحقق نمیپذیرد، مگر اینکه دو سوم مردم از میان بروند. عرض کردیم: وقتی دُو سُوْمُ مردم از میان بروند، دیگر کی میماند؟ فرمود: دوست نمیدارید که شما یک سوم باقی مانده باشید؟^{۱۲۵}

به این ترتیب منظور از **(لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ)** در روایات هلاکت دو سوم بشریت ممکن است امام مهدی (ع) باشد بنابراین در دوران خروج مهدی اول (ع)، مقدمات آن حوادث سهمگین فراهم میشود. پس پیشاپیش خروج مهدی اول (ع) جنگ هائی از جمله اختلاف در شام، حادثه قَرَقِيسِيَا، جنگ های هسته ی، برخورد تعدادی شهاب سنگ قبل وبعد از خروج و حتی در جنگ آرماگدون حوادثی روی خواهد داد که در آن مناطق حادثه خیز افراد بسیاری کشته میشوند اما این هلاکت ها غیر از آن برخورد نهائی خواهد بود چرا که این جنگها و بلایاء طبیعی در دوران نزدیک به خروج مهدی اول (ع) و در دوران فتوحات ایشان روی خواهد داد، اما هلاکت نهائی

احتمال دارد مربوط به دوران بعد از جنگ آرماگون و در دوران نزدیک به ظهور امام محمد المهدی (ع) باشد، که بنابر بعضی نقل ها 72 ماه بعد از خروج شعیب بن صالح واقع میشود.^{۱۲۶}

یوحنا نبی در کتاب مکاشفات خود اصحاب 16 آیات 12 الی 21 وحی که به او شده است را چنین بیان میکند: « 12 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ جَمَاهُ عَلَى النَّهْرِ الْكَبِيرِ الْفُرَاتِ، فَانْفَتَحَ مَأْوُهُ لِكَيْ يُعَدَّ طَرِيقُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ. 13 وَرَأَيْتُ مِنْ فَمِ التَّيْنِ، وَمِنْ فَمِ الْوَحْشِ، وَمِنْ فَمِ النَّبِيِّ الْكَذَّابِ، ثَلَاثَةَ أَرْوَاحٍ نَجَسَهُ شِبْهَ ضَفَادِعَ، 14 فَإِنَّهُمْ أَرْوَاحُ شَيَاطِينٍ صَانِعَةٌ آيَاتٍ، تَخْرُجُ عَلَى مُلُوكِ الْعَالَمِ وَكُلِّ الْمَسْكُونَةِ، لِتَجْمَعَهُمْ لِقِتَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ الْعَظِيمِ، يَوْمَ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ... 16 فَجَمَعَهُمْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى بِالْعِبْرَانِيَّةِ «هَرْمَجَدُون». 17 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِعُ جَمَاهُ عَلَى الْهَوَاءِ، فَخَرَجَ صَوْتُ عَظِيمٍ مِنْ هَيْكَلِ السَّمَاءِ مِنَ الْعَرْشِ قَائِلًا: «قَدْ تَمَّ!» 18 فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرُعُودٌ وَبُرُوقٌ. وَحَدَّثَتْ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، لَمْ يَحْدُثْ مِثْلَهَا مُنْذُ صَارَ النَّاسُ عَلَى الْأَرْضِ، زَلْزَلَةٌ بِمِقْدَارِهَا عَظِيمَةٌ هَكَذَا. 19 وَصَارَتْ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ، وَمَدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ، وَبَابِلُ الْعَظِيمَةُ ذُكِرَتْ أَمَامَ اللَّهِ لِيُعْطِيَهَا كَأْسَ خَمْرٍ سَخَطَ غَضَبِهِ. 20 وَكُلُّ جَزِيرَةٍ هَرَبَتْ، وَجِبَالٌ لَمْ تُوجَدْ. 21 وَبَرْدٌ عَظِيمٌ، نَحْوُ ثِقَلٍ وَزَنَةِ، نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى النَّاسِ. فَجَدَّفَ النَّاسُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ضَرْبِهِ الْبَرْدِ، لِأَنَّ ضَرْبَتَهُ عَظِيمَةٌ جَدًّا.»

126 - از محمد بن الحنفیه روایت شده که گفت: " تَخْرُجُ رَايَةٌ سَوْدَاءُ لِبَنِي الْعَبَّاسِ، ثُمَّ تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ أُخْرَى سَوْدَاءُ، فَلَانْسُهُمْ سُودٌ، وَثِيَابُهُمْ بَيْضٌ، عَلَى مُقَدِّمَتِهِمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، أَوْ: صَالِحُ بْنُ شُعَيْبٍ مِنْ تَمِيمٍ، يَهْزُمُونَ أَصْحَابَ السُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَنْزِلَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، يُوطِئُ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ، وَ يَمُدُّ إِلَيْهِ ثَلَاثِمِائَةَ مِنَ الشَّامِ يَكُونُ بَيْنَ خُرُوجِهِ وَبَيْنَ أَنْ يُسَلَّمَ الْأَمْرَ لِلْمَهْدِيِّ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ شَهْرًا؛ پرچم سیاهی از خراسان برای بنی عباس خارج می شود، (ثم) سپس پرچم سیاه دیگری از خراسان خروج می کنند که کلاه (صاحبان) آنها سیاه، و لباسهایشان سفید خواهد بود، سردار سپاه آنها مردی است که به او شعیب بن صالح گفته میشود، او از طایفه بنی تمیم است، و لشکریان سفیانی را شکست می دهد تا اینکه وارد بیت المقدس می شود و سلطنت را برای مهدی آماده می نماید. سیصد نفر از اهلی شام به کمک او خواهند برخاست، فاصله بین خروج شعیب بن صالح و تسلیم نمودن امر به مهدی، هفتاد و دو ماه (شش سال کامل) خواهد بود."

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن، ص 117 الباب 93 ح 110

« ۱۲ فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان مَشْرِقِ الشَّمْسِ آماده شود. ۱۳ سپس سه روح خبیث را دیدم که از دهانشان قورباغه بیرون میامد آن دهن های ناپاک از آن التَّيْنِ (اژدها) و الْوَحْشِ (دجال) و النَّبِيِّ الْكَذَّابِ (پیامبر دروغین یا علم مضل) بود ۱۴ آنها سه ارواح شیطانی بودند که نشانه‌هایی به ظهور می‌رسانند آنها نزد پادشاهان سراسر زمین می‌روند تا آنان را برای جنگِ آن روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند. ... ۱۶ آنگاه آن‌ها پادشاهان را در محلی که به عبری «حارمگِدُون» نام دارد، گرد هم آوردند. ۱۷^{۱۲۷} سپس فرشته هفتم کاسه (عذاب) خود را در هوا خالی کرد. آنگاه صدائی عظیم از جانب هیکل آسمان در عرش (الهی) بلند شد که می‌گفت: «**قَدْ تَمَّ؛** دیگر تمام شد!» ۱۸ در نتیجه آن حادثه اصوات و رعد و برق‌ها شکل گرفت و زمین‌لرزه‌ای عظیم روی داد، چنان عظیم و گسترده که از زمان به وجود آمدن انسان بر زمین، روی نداده بود. ۱۹ آنگاه شهر بزرگ سه قسمت شد «**وَمَدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ؛** و شهرهای اقوم (یا سازمان ملل) ویران شد» و در پیشگاه خداوند بابلِ بزرگ را به یاد آورد و جامی را که از شراب شدت غضبش پر بود، به او داد. ۲۰ همچنین (ساکنان) تمامی جزیره‌ها گریختند و کوهی یافت نشد (جهت فرار). ۲۱ آنگاه تگرگی عظیم، هر یک به وزن حدود یک مِثقال از آسمان بر انسان‌ها فرو ریخت و مردم به سبب بلای تگرگ به خداوند کفر گفتند؛ زیرا جدا که آن بارش تگرگ ضربه عظیمی به آنها وارد کرده بود.»

سید احمد الحسن (ع) فرمودند: « **المعرفةُ العالیةُ والتي تمثل الغرض من الخلق تتحقق في الأولى وهي السماء الأولى (سماء الرجعة)، وقبلها هي (سماء الذر)، وبدائتها أي (بداية الأولى) في ظهور الإمام المهدي (ع)، حيث تبدأ مرحلة الأولى ومقدمات تمهيد لعالم الرجعة؛** معرفت

127 - برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از بازگشت مسیح (ع) آخرین نبرد تاریخ، جنگ آخرالزمان، یا هارمجدون، اتفاق خواهد افتاد. مکان این جنگ، غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. گفته می‌شود ناپلئون وقتی به این جایگاه رسید گفت: این، میدانِ بزرگ‌ترین نبرد جهان است.

عالیه تمثیلی است از هدف خلقت که در اُولى تحقق میابد و اُولى همان آسمان اول است که در آن (آسمان رجعت) وجود دارد، و قبل از آسمان رجعت، آسمان دیگری به نام (آسمان ذر) وجود دارد، و شروع حرکت بسمت آسمان اول در دوران ظهور امام مهدی (ع) شکل میگیرد، و آن زمانست که مرحله اول (ظهور امام مهدی) شروع شود و مقدماتی برای آماده سازی جهت رفتن به عالم رجعت شکل بگیرد».^{۱۲۸}

سید احمد الحسن (ع) فرمودند: « **فتكون مراتب قوس النزول هي: عالم الذر، ثم النزول إلى ظلمة المادة، ثم الصعود في قيامة القائم حتى الوصول إلى الرجعة؛** و مراتب قوس نزول عبارتند از: عالم ذر، سپس نزول به ظلمت ماده و سپس صعود در قیامت قائم تا آن که به رجعت برسد».^{۱۲۹}

سید احمد الحسن (ع) فرمودند: « **وفي نهاية حركة الفلك الأعظم (أقصد قوس النزول)، وبداية صعوده إلى جهة الآخرة، سيبدأ هذا العالم الجسماني بالتحول إلى جحيم ويستعر، فالذين اختاروا زخرف الأرض عقوبتهم إعادتهم إلى ما اختاروه، وعصوا الله من أجله، أو قل إبقاؤهم فيه؛ لأنه سيكون جهنم المستعرة بإعمالهم وأفعالهم وظلمهم. والآن تبين لك مناسبة الآية السابقة: (يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ).** وعند بداية صعود (قوس النزول) يبدأ (عالم الرجعة)، وهو عالم آخر وامتحان آخر لمن محض الإيمان ولمن محض الكفر، وعالم الرجعة يبدأ مع نهاية ملك المهدي الثاني عشر (ع)، وهو القائم الذي يخرج عليه الحسين (ع)؛ و در پایان حرکت فلك اعظم (منظورم قوس نزول است)، و آغاز صعودش به

¹²⁸ - المتشابهات (الجزء الرابع) سؤال / 171

¹²⁹ - المتشابهات (الجزء الرابع) سؤال / 169؛ **قيامة القائم**، معنى قیامة: [م] [ع مص] برانگیخته شدن، قائم شدن، قیامت با لفظ افتادن، افکندن، برخاستن، بر چیزی رفتن و آوردن، مستعمل است، دیگر نامهای قیامت عبارتند از: یوم فزع اکبر، یوم الجزاء، یوم الدین، یوم الحساب، رستاخیز، رستخیز، یوم النشور، یوم المشهور، یوم التغابن، یوم الحشر، الصاخة، القارعة، الحاقة، الغاشية، الساعة.

سوی جهت آخرت، تحوّل و دگرگونی این عالم جسمانی به جهنم آغاز و بر افروخته خواهد شد. پس کسانی که زینت و زرق و برق زمین را انتخاب کردند پاداش آنها باز گشتشان به آن چیزی که انتخاب کردند و بخاطرش خدا را عصیان نمودند می باشد، یا اینکه بگوئیم در آن باقی خواهند ماند؛ زیرا که بواسطه اعمال و افعال و ظلمشان، جهنمی فروزان و شعله ور خواهد بود. و اکنون مصداق آیه ای که پیش تر ذکر کردم، برایت آشکار شد: (يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ)، (و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد). و در آغاز صعود (قوس نزول) عالم رجعت آغاز می شود، و آن عالمی دیگر و امتحانی دیگر برای کسی که به ایمان محض و برای کسی که به کفر محض رسیده اند، می باشد. و عالم رجعت با پایان حکومت مهدی دوازدهم (ع)، قائمی که حسین بن علی (ع) بر او خروج می کند، آغاز خواهد شد.^{۱۳۰}

أحمد بن حنبل در مسند خود از عبد الله بن حواله روایت کرده است که رسول الله (ص) فرمود: « لِيَفْتَحَنَّ لَكُمْ الشَّامُ ، وَالرُّومُ ، وَفَارِسُ ، ... ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِي أَوْ هَامَتِي ، فَقَالَ : يَا ابْنَ حَوَالَةَ ، إِذَا رَأَيْتَ الْخِلَافَةَ قَدْ نَزَلَتْ الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ ، فَقَدْ دَنَّتْ الزَّلَازِلُ وَالْبَلَايَا وَالْأُمُورُ الْعِظَامُ ، وَالسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ إِلَى النَّاسِ مِنْ يَدِي هَذِهِ مِنْ رَأْسِكَ ؛ مطمعناً شام و روم و فارس برای شما فتح خواهد شد ... سپس حضرت دست خود را بر سر من قرار داده فرمودند: ای ابن حواله هنگامی که دیدی خلافت در سرزمین مقدس نزول اجلال فرمود زلزله ها و بلاها و امور عظیم نزدیک شود در آن زمان فاصله السَّاعَةُ با مردم به نزدیکی دست من بر سر تو خواهد بود.^{۱۳۱}»

130 - المتشابهات (الجزء الرابع) سؤال / 175

131 - مسند أحمد بن حنبل مُسْنَدُ الْأَنْصَارِ حَدِيثُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ حَوَالَةَ رَضِيَ رَقْمَ الْحَدِيثِ: 21897 . الملاحم

لابن منادی ؛ ص 133 ح 51 / 3 . الإمام المهدي عند أهل السنة ؛ ج 1 ؛ ص 265

حقیر نظریه ای مطرح کردم بدین شکل که مقدمات هلاکت دو سوم بشریت در دوران نزدیک به خروج یمانی (ع) و هلاکت دو سوم در دوران بعد از خروج یمانی (ع) و نزدیک به ظهور امام مهدی (ع) واقع خواهد شد اینک به روایاتی در این زمینه توجه نمائید :

*1: کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج 2 ص 655 ب 57 ح 27 : عن الحسين بن سعيد، عن صفوان بن يحيى، عن عبد الرحمن بن الحجّاج، عن سليمان بن خالد، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: « **قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةُ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ السَّيْفُ وَ الْمَوْتِ الْأَبْيَضِ الطَّاعُونَ** ».»

در کمال الدین از سلیمان بن خالد روایت نموده که گفت شنیدم ابا عبد الله الصادق (ع) میفرمود: « پیشاپیش قائم دو گونه مرگ خواهد بود: مرگ سرخ و مرگ سفید، بطوری که از هر هفت نفر پنج نفر جان میدهند، مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است ».»^{۱۳۲}

132 - عبارت: « **الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ** » در روایت قبل از عبارت مرگ سفید آمده است و این خود میتواند دلیلی باشد بر این موضوع که شاید طاعون که عبارت است از بیماری های کشنده واگیردار در نتیجه اقدامات جنگ جویانه بشر رقم خواهد خورد. اما عبارت: « **وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ** » بیانگر این مطلب است که مقدار قابل توجهی از مرگها نیز بوسیله بیماری رقم خواهد خورد که نسبت آن با مرگ سرخ بیشتر از یک سوم (1/3) نخواهد بود و شاید هم کمتر چرا که قاندا مرگ سرخ ناشی از انفجار خیلی بیشتر از مقدار کشته شدگان موت ایض است بگونه ای که در نتیجه آن مرگ وسیع بوسیله موت احمر مقدمات بوجود آمدن بیماری های واگیردار فراهم میشود:

جده گوید امیرالمومنین (ع) فرمود: « **بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَالْوَأَنِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ** » ؛ پیشاپیش قائم مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخ در زمان خودش و در غیر زمان خودش برنگ خون وجود دارد اما مرگ سرخ همان شمشیر است و مرگ سفید همان طاعون ». الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ؛ ج 2 ؛ ص 372

*2: کمال الدین و تمام النعمة؛ ج 2 ص 655-656 ب 57 ح 29- روى محمد بن جعفر الأسدي، عن أبي سعيد الآدمي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن محمد بن مسلم و أبي بصير[قالا: [سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: **« لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ، فَقُلْتُ: فَإِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ قَالَ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي؟ »**

در کمال الدین از ابو بصیر و محمد بن مسلم روایت شده که گفتند: شنیدیم ابا عبد الله الصادق (ع) میفرمود: « این امر (ظهور امام مهدی) تحقق نمیپذیرد، مگر اینکه دو سوم مردم از میان بروند عرض شد وقتی دو سوم مردم از میان بروند، دیگر کی میماند؟ فرمود: آیا دوست نمیدارید که شما از یک سوم باقی مانده باشید؟ ».

*3: الغيبة، نعماني، ص 274، باب 14، ح 54: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال حدثنا علي بن الحسين، قال حدثني محمد بن عبد الله، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن زرارة، قال: **« قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: النَّدَاءُ حَقٌّ؟ قَالَ: إِي وَ اللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ. وَ قَالَ ع: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاسِ »**.

ابو بصیر گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: **« جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ ع؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ... ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قَدَامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَ الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيُّ شَيْءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ؛ فدايت کردم خروج قائم (ع) چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: ای ابا محمد ما خاندان وقتی معین نمی کنیم، زیرا محمد (ص) فرموده است: «تعیین کنندگان وقت دروغ گویند»، ای ابا محمد همانا پیشاپیش این امر پنج نشانه است: نخستین آنها آوازی است در ماه رمضان، و خروج سفیانی و خروج خراسانی، و کشته شدن نفس زکیه، و فرو رفتن زمین در بیداء، سپس فرمود: ای ابا محمد ناگزیر پیشاپیش خروج قائم دو طاعون روی خواهد داد: طاعون سفید، و طاعون سرخ، عرض کردم: فدايت کردم آن دو طاعون چیست؟ فرمود: اما طاعون سفید همان مرگ همه گیر و عمومی است و اما طاعون سرخ همان**

زراره گوید: از ابا عبد الله الصادق (ع) پرسیدم: (آیا) نداء آسمانی حق است؟ فرمود: « آری به خدا سوگند، چنان است که هر قومی با زبان خودشان آن را می‌شنود! و آن حضرت فرمود: این امر محقق نمی‌شود تا اینکه نهمدهم (10 / 9) مردم از میان بروند ».

*4: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص 128 الباب 111 فیما ذکره نعیم؛ ح 133 : حدَّثنا نعیم: حدَّثنا یحیی بن الیمان عن کیسان الرقاشی القصار و کان ثقة، قال: حدَّثنی مولای قال: سمعت علیاً یقول: **« لَا یَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى یُقْتَلَ ثَلَاثٌ وَ یَمُوتَ ثَلَاثٌ وَ یَبْقَى ثَلَاثٌ »**.

کیسان از استاد خود نقل میکند که امام علی (ع) میفرمود: « مهدی خروج نمیکند تا اینکه یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر بمیرند و یک سوم دیگر باقی بمانند ».

*5: مع العبد الصالح ج 1 باب (دعوا الأمر حتى يأتي وقته..)- قال السيد احمد الحسن (ع) فی جواب أبو حسن من انصار امام مهدی (ع): **« فدعوا الأمر حتى يأتي وقته، اقترب الطوفان ولم يبق الكثير، أنت إذا كنت تريد شيئاً فلديك الروايات، وأيضاً لديك المتشابهات " . فقلت: اقترب الطوفان ولا ضمان أن لا نهلك معهم والعياذ بالله، فسلام لك ممن أحبك بروحه وقصر في جنب الله كثيرا . فقال (ع): " أسأل الله أن ينجيكم. للأسف أنهم يتبعون هؤلاء الفقهاء الضالين وسيوردونهم نار جهنم، فهم لأجل هؤلاء الفقهاء ولأجل الدنيا التي ستحترق عليهم يسبونى ويحاربونى ويخسرون الدنيا والآخرة. لو كانت نجاتهم وهدايتهم بإراقة دمی لما تأخرت اليوم قبل غد، والله إنى حزين ومتألم لأجل عامة الناس المخدوعين، فأنا أرى أن الهلاك قد أظلمهم وهم يحسبون أنهم باقون في هذه الدنيا وهى باقية لهم »**.

سید احمد الحسن (ع) در جواب ابو حسن یکی از انصار امام مهدی (ع) فرمودند: « این امر را رها کنید تا زمانش فرا رسد. طوفان نزدیک شده و چیز زیادی نمانده است. اگر به دنبال چیزی هستی، روایات و متشابهات پیش روی شما است». گفتم: طوفان نزدیک شده و هیچ تضمینی نیست که ما همراه آنها هلاک نشویم -پناه بر خدا- سلام بر شما از جانب کسی که شما را با دل و جان دوست می‌دارد و در کنار خدا بسی کوتاهی نموده است. (ع) فرمودند: «از خداوند

تقاضا دارم که شما را نجات دهد. متأسفانه آنها از فقهای گمراهی که سرانجام آنها را به آتش جهنم وارد می‌سازند، پیروی می‌کنند. آنها به خاطر این فقها و به خاطر دنیایی که بر سرشان آتشین خواهد شد، مرا ناسزا می‌گویند و با من می‌جنگند و در دنیا و آخرت زیان می‌بینند. اگر نجات و هدایت‌شان در ریخته شدن خون من بود، حتی یک روز هم تاخیر نمی‌کردم. به خدا سوگند من به حال این عامه‌ی مردم که فریب خورده‌اند، اندوهگین و درمدم. می‌بینم که هلاکت و نیستی بر آنها سایه افکنده و آنها گمان می‌کنند که در این دنیا تا ابد باقی خواهند ماند و دنیا نیز برای آنها پاینده است.»

*6: مع العبد الصالح ج 1 باب (تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً...) - طرح أحد الإخوة بعض المشاكل على السيد احمد الحسن (ع)، فقال في نصيحته: «... هل تظنون أن شغلي فيكم فقط، سيهلك أكثر الناس وهم على ضلال ويذهبون إلى جهنم، وأنتم كل واحد مشغول بنفسه، كل واحد منكم يصيح أنا؟! لا أحتاج كلاماً كثيراً، أريد منكم عملاً قليلاً. أعمالكم تعرض علينا وفيها كل واحد يصرخ أنا، لماذا لا تجاهدون أنفسكم؟ ألا تستحون من الله، من محمد، من علي، من آل محمد (ع)؟! الكل، الكل، الكل. والله الذي سيأتي يشيب الصغير؟؟ هل تعون؟؟ أقول لك هلاك أكثر الناس!! أنتم لا تخافون الموت وتصرخون أنا أنا أنا!! من أعطاكم الأمان من الهلاك معهم وأنتم تصرخون أنا أنا أنا؟!»

سید احمد الحسن (ع) در جواب یکی از انصار امام مهدی (ع) که بعضی از مشکلات را بایشان مطرح کرده بود فرمودند: «... آیا گمان می‌کنید مشغله‌ی من، فقط شما هستید؟ بیشتر مردم در حالی از بین خواهند رفت که بر گمراهی‌اند و وارد جهنم می‌شوند و حال آن که هر یک از شما مشغول به خویشتن خویش است. هر یک از شما فریاد منیت سر می‌دهد؟! سخنوری بسیار، از شما نمی‌خواهم، اندکی عمل از شما خواستارم. اعمال شما بر ما عرضه می‌شود و در آن، هر کس فریاد می‌زند من! چرا با نفس خود مجاهده نمی‌کنید؟! آیا از خدا، از محمد، از علی و از آل محمد شرم نمی‌کنید؟! همه، همه، همه! به خدا چیزی که در پیش رو است، کودک را پیر می‌کند!! آیا کمک می‌کنی؟! من به شما می‌گویم از بین رفتن اکثر مردم!! شما از

مرگ نمی‌ترسید و بانگ «من من من» سر می‌دهید!! چه کس به شما امان داده است که با آنها هلاک نمی‌شوید؟! و حال آن که فریاد می‌زنید «من من من»!».

*7: الجواب المنیر ج 5 السؤال / 491 : صفر 1431 هـ. ق کتب السید احمد الحسن (ع): «الأذان هو دعوة الحق، والقمر هو الوصي، واختفاؤه واضح، والأقمار الأربعة حوله وهو مختفي أي مؤمنون يتصلون به، وفوران الأرض هو عذاب من الله، إذا لم يحدث البداء سينزل بأهل الأرض ويهلك أكثرهم، والعذاب لا ينزل إلا بعد أن يكون هناك رسول منذر لأهل الأرض الذين ينزل بهم العذاب، قال تعالى: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا)».

سید احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنیر جلد 5 سوال 491 نوشتند: «اذان در خواب به معنی دعوت حق است و ماه، بیانگر وصی است اما پنهان شدن آن امری واضح و روشن است و ظهور چهار ماه در اطراف آن از اتصال و ارتباط اشخاص مومن به وصی حکایت می‌کند. و اما فوران زمین به معنی عذاب الهی است که اگر بداء (تغییر) اتفاق نیفتد بر اهل زمین نازل میشود و بیشتر آنها را بهلاکت میرساند و عذاب الهی هیچ وقت نازل نمیشود مگر اینکه رسول یا هشدار دهنده ای برای ساکنان زمینی که عذاب بر آنها نازل خواهد شد وجود داشته باشد. که خداوند میفرماید: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) (هیچ وقت عذابی را نازل نکرده ایم مگر قبل از آن رسولی را به آنجا فرستاده باشیم)».

*8: الجواب المنیر ج 4 السؤال / 347 : کتب السید أحمد الحسن فی جواب السؤال قسم الثالث : «سیدی، ما هی علامات الساعة التي تظهر قبل الإمام المهدي (ع) وعجل الله فرجه والتي تليه ؟ ج س 3: سترون العلامات الكبرى إذا شاء الله ولم يبق الكثير لها، وربما يفنى ثلثا الناس أو أكثر».

سید احمد الحسن (ع) در جواب کسی که نوشته بود: «آقای من! نشانه‌های فرا رسیدن قیامت (الساعة) که قبل از امام مهدی(ع) ظاهر می‌شود و آن نشانه‌ها که پس از ایشان می‌آید چیست؟ نوشتند: پاسخ سؤال 3 : اگر خداوند بخواهد نشانه‌های بزرگی خواهید دید و چیز زیادی از آنها باقی نمانده است و چه بسا دو سوّم مردم یا بیشتر هلاک شوند».

*9: الجواب المنير ج 5 سوال/471 : القسم السادس، كتب السيد احمد الحسن (ع): « **أما حدوث حدث على الأرض ونزول عذاب بأهل الأرض فهذا أمر قد أنذرت منه ويفعل الله ما يريد، فله الأمر من قبل ومن بعد، وسواء كان هذا العذاب سببه اقتراب كوكب أو أن يصدم الأرض نيزك أو كويكب أو أي أمر كوني آخر، فهذا أمر الله وهذا هو الطوفان الثاني الذي ربما يسبب هلاك معظم أهل الأرض، ويفعل الله ما يشاء، أما موعد عام 2012 فأقول لك ربما يكون أقرب من هذا بكثير، والله الأمر من قبل ومن بعد** ».

سيد احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنير جلد 5 سوال 471 قسمت 6 نوشتند: « اما در مورد رخداد یک فاجعه بزرگ بر روی زمین که عذابی برای مردم هست به شما هشدار داده ام و خداوند هر آنچه بخواهد انجام میدهد و برای او امریست که قبل و بعدش به او باز میگردد خواه این عذاب به خاطر نزدیک شدن یک ستاره یا برخورد شهاب سنگ یا سیاره کوچکی به زمین هر چیز کیهانی دیگر باشد و این امر خداوند است و این طوفان دومی است که شاید باعث هلاکت بیشتر اهالی زمین شود و خداوند هر آنچه بخواد انجام میدهد. اما وعده سال 2012 پس من به شما میگویم شاید این امر خیلی نزدیکتر باشد. امر خداوند قبل و بعدش به او باز میگردد ».

*10: باینیه النداء رقم (6) / 1 / سوال / 1424 هـ . ق - كتب السيد احمد الحسن (ع) إلى رئيس أمريكا بوش او من يقوم بمقامه: « **أنا من رأيت في منامك وستراني كثيراً، عليك إخراج قواتك العسكرية من بلاد المسلمين في الحال دون قيد أو شرط وإلا فبقوة الواحد الأحد الفرد الصمد أنا الذي سألقى أمريكا -الوحش الحديدي الذي أكل وداس كل الممالك على الأرض- إلى وقيد النار كما أخبر دانيال (ع) في التوراة وستعلم نبأى عما قليل وستعلم إن أميركا مدفوعة إلى يميني في ملكوت السماوات وسأسحقها إذا أذن الله (عم يتسائلون * عن النبأ العظيم * الذي هم فيه مختلفون * كلا سيعلمون * ثم كلا سيعلمون)** ».

سيد احمد الحسن (ع) در قسمت ششم از بیانیه نداء خطاب به بوش رئیس جمهور آمریکا یا کسی که جایگزین او میشود نوشتند: « من آن کسی هستم که در رؤیایت دیدی و بزودی

رؤیاهای بیشتری از من میبینی بر تو واجب است سرعت نیروهای نظامیت را از سرزمین های اسلامی بدون هیچگونه قید و شرطی خارج سازی وَاَلَّا بِقَدْرَتِ: (الواحد الأحد الفرد الصمد) من آن کسی هستم که تازیانه های آتش را بر آمریکا (همان حیوان وحشی آهنینی که میخورد و با چکمه هایش له میکند تمام ممالک روی زمین را) فرود می آورد همانگونه که دانیال (ع) در تورات خبر داده است و بزودی خبر آنچه را که نزدیک است میشنوی و بزودی خواهی دانست که آمریکا دفع میشود از طرف راست من در ملکوت آسمانها و بزودی هنگامی که خداوند اذن دهد خورد و کوبیده خواهد شد (مردم از چه خبری پرسش می کنند * از خبری بزرگ * که در آن باهم به جدال و اختلاف دارند * هرگز چنین نیست بزودی خواهید دانست * سپس هرگز چنین نیست بزودی خواهید دانست)».

*11: التیه أو الطريق إلى الله : التیه فی الأمة الإسلامية 1420 هـ - ق- کتب السید احمد الحسن (ع): « **والحمد لله أن الأمة الإسلامية اليوم بدأت في طريق العودة إلى الله، وفي طريق الصحوة الدينية الإسلامية التي نراها كل يوم تتسع لتشمل البلاد الإسلامية كلها، وتهدد عروش الطغاة الذين تسلطوا على هذه الأمة واستفرغوا كل ما بوسعهم لإغراق الشباب المسلم في الشهوات المادية والجنسية، ونشروا الملاهي والخمور والفجور في البلاد الإسلامية وبثوا من خلال التلفزيون وغيره كل ما حرم الله من الأغاني ونساء عاريات وقصص عن حياة الغربيين، الهدف منها تفكيك الأسرة الإسلامية ولكن الله أفضل خطتهم وأتى بنيانهم من القواعد، وسيخر السقف على رؤوسهم قريباً إن شاء الله** ».

سید احمد الحسن (ع) در کتاب التیه باب سرگردانی امت اسلامی نوشتند: « و خدا را سپاس که امروزه ملت اسلام بازگشت به سوی خداوند و راه بیداری دینی و اسلامی را آغاز کردند، و هر روزه گسترش بیشتر می یابد تا کلیه کشورهای اسلامی را دربر گیرد، و فروریزنده گان عروش طاغوتیان باشند طواغیتی که بر این امت چنگ انداخته اند و تا حد ممکن سرمایه ها آن را به تاراج بردند، جوانان مسلمان را در منجلاب شهوت، لذت های مادی و جنسی، فرو ببرند، و عشرت کده های فساد و بساط شراب خواری را در کشورهای مسلمان به پا کردند و آنچه که

خداوند حرام فرموده، از رقص و موسیقی و آواز تا صحنه های زنان عریان و داستان های زندگی غرب، که هدفی جز از هم گسستن خانواده ندارد، از شبکه های تلویزیونی برای کشور های مسلمان پخش کردند. منتهی خداوند تمام افکار شومشان را نقش بر آب کرد و پایه هایشان را درهم کوبید، و انشاء الله دیری نخواهد پایید که سقف بر سرشان خراب خواهد شد.»

*12: رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي اصْحاح (6) : « 12 وَنَظَرْتُ لَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّادِسَ، وَإِذَا زُلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ حَدَثَتْ، وَالشَّمْسُ صَارَتْ سَوْدَاءَ كَمِسْحٍ مِنْ شَعْرٍ، وَالْقَمَرُ صَارَ كَالدَّمِ، 13 وَنُجُومُ السَّمَاءِ سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا تَطْرَحُ شَجَرَةُ التَّيْنِ سَقَاطَهَا إِذَا هَزَّتْهَا رِيحٌ عَظِيمَةٌ. 14 وَالسَّمَاءُ انْفَلَقَتْ كَدَرَجٍ مُلْتَفٍّ، وَكُلُّ جَبَلٍ وَجَزِيرَةٍ تَرَحُّزًا مِنْ مَوْضِعَيْهِمَا. 15 وَمَلُوكُ الْأَرْضِ وَالْعُظَمَاءُ وَالْأَغْنِيَاءُ وَالْأُمَرَاءُ وَالْأَقْوِيَاءُ وَكُلُّ عَبْدٍ وَكُلُّ حُرٍّ، أَخْفَوْا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَغَايِرِ وَفِي صُخُورِ الْجِبَالِ، 16 وَهُمْ يَقُولُونَ لِلْجِبَالِ وَالصُّخُورِ: اسْقِطِي عَلَيْنَا وَأَخْفِينَا عَنْ وَجْهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَعَنْ غَضَبِ الْخُرُوفِ، 17 لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَ يَوْمٌ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ. وَمَنْ يَسْتَطِيعُ الْوُقُوفَ؟ ».

یوحنا نبی در اصحاح (6) مکاشفات در توضیح هفت مہری کہ بہ برہ نر دادہ شدہ بود مینویسد: « ۱۲ ہنگامی کہ مہر ششم را باز کرد، دیدم کہ زمین لرزہای عظیم رخ داد و خورشید سیاہ شد، همچون پلاسی سیاہ* و کل ماہ بہ رنگ خون درآمد. ۱۳ ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، همچون درخت انجیری کہ در اثر بادی شدید، میوہهای نارس خود را فرو ریزد. ۱۴ آسمان مانند طوماری کہ پیچیدہ شود، برچیدہ شد و ہر کوہ و ہر جزیرہای از جای خود برداشتہ شد. ۱۵ آنگاہ پادشاہان زمین، افراد عالی رتبہ و فرماندہان نظامی، ثروتمندان و قدرتمندان، ہر انسان چہ غلام و چہ آزاد، خود را در غارها و در میان صخرہهای کوہها پنهان کردند. ۱۶ آنان بہ کوہها و صخرہها می گفتند: بر ما بیفتید و ما را از چشمان آن تخت نشین و از خشم برہ پنهان کنید؛ ۱۷ زیرا روز بزرگ خشم او رسیدہ است و چہ کسی می تواند در برابر آن (یَوْمٌ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ) بایستد؟ »

***13: المفاجأة لمحمد عيسى بن داود، 509- ماذا قال علي (عليه السلام) عن آخر الزمان ؛ ص 225 : ح 322 - قال سيدنا علي كرم الله وجهه في جفره الأحمر: « و يسبق المهدي ظهور النجم ذو الذنب العجيب، ليس ما ترونه نجم ثلثي العقد الواحد، و لا نجم ثلثي القرن، و لا نجم كل قرن إنما النجم ذو القرون له قلب و فيه نار و ثلج و هواء و تراب. يمتد ذنبه ما أسرع ما أسرع في جريه سرعة نور الشمس ما انفجر الفجر، يعود أوله على آخره كأنه الطوق العظيم، يكون له و هج في ليل كأن شمس أشرقت ثم يروح لدائرتة، و بعده هلاك و موت كثير خيرا لأهل الخير و شرا لأهل الشر!! ».**

صاحب کتاب ماذا قال علی (ع) عن آخر الزمان، از کتاب مفاجات محمد عیسی بن داوود نقل میکند که در کتاب جفر قرمز رنگ مولانا علی (ع) اینگونه نوشته شده است: « قبل از مهدی ستاره دنباله دار عجیبی پیدا میشود، که مانند هیچکدام از ستاره های دنباله دار شناخته شده نیست ستاره هائی که هر قرن و یا نیم قرن و یا حتی در طول یک سوم قرن دیده میشوند بلکه آن ستاره دنباله دار قرن هاست که پدیدار نشده است برای او هسته ای است که در درون آن آتش و یخ و هوا و خاک وجود دارد، دنباله اش هرچه بیشتر به خورشید نزدیک شود بلندتر میشود و همچون نور خورشید در هنگامه فجر ممتد است، دنباله آن ستاره اولش را دور زده تا به انتهایش میرسد مانند یک طوق عظیم، در تاریکی شب برای او نور است همچون نور خورشید در هنگام صبح، سپس بعد از مدت زمانی در طوقی که تشکیل داده است محو میگردد، و بعد از پدیدار شدنش هلاکت و مرگ های بسیاری روی میدهد که برای اهل نیکی خیر و برای اهل بدی شر است ».

• تعلیقی بر عبارت «الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ بَابِلُ الْمَدِينَةِ الْقَوِيَّةِ» در روایای یوهنا:



سید احمد الحسن (ع) در نامه هدایت خطاب به جمعی از انصار استرالیا فرمودند:

در روایای یوحنا اصحاب هجدهم آمده است:

1 ثُمَّ بَعْدَ هَذَا رَأَيْتُ مَلَكَآ آخَرَ نَازِلًا مِنَ السَّمَآءِ، لَهُ سُلْطَانٌ عَظِيمٌ. وَاسْتَنَارَتِ الْأَرْضُ مِنْ بَهَائِهِ.
 2 وَصَرَخَ بِشِدَّةٍ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلًا: «سَقَطَتْ! سَقَطَتْ بَابِلُ الْعَظِيمَةِ! وَصَارَتْ مَسْكَنًا لِشَيَاطِينٍ،
 وَمَحْرَسًا لِكُلِّ رُوحٍ نَجَسٍ، وَمَحْرَسًا لِكُلِّ طَائِرٍ نَجَسٍ وَمَمْقُوتٍ، 3 لِأَنَّهُ مِنْ خَمْرِ غَضَبٍ زَنَاهَا قَدْ
 شَرِبَ جَمِيعُ الْأُمَّمِ، وَمُلُوكُ الْأَرْضِ زَنَوْا مَعَهَا، وَتُبَّجَّارُ الْأَرْضِ اسْتَعْنَوْا مِنْ وَفْرَةِ نَعِيمِهَا. 4 ثُمَّ
 سَمِعْتُ صَوْتًا آخَرَ مِنَ السَّمَآءِ قَائِلًا: «اُخْرُجُوا مِنْهَا يَا شَعْبِي لِئَلَّا تَشْتَرِكُوا فِي خَطَايَاهَا، وَلِيَلَّا
 تَأْخُذُوا مِنْ ضَرْبَاتِهَا. 5 لِأَنَّ خَطَايَاهَا لَحِقَّتِ السَّمَآءَ، وَتَذَكَّرَ اللَّهُ آثَامَهَا. 6 جَاذَوْهَا كَمَا هِيَ أَيْضًا
 جَاذَتْكُمْ، وَضَاعَفُوا لَهَا ضِعْفًا نَظِيرَ أَعْمَالِهَا. فِي الْكَأْسِ الَّتِي مَزَجَتْ فِيهَا امْرُجُوا لَهَا ضِعْفًا.

پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. او اقتدار بسیار داشت و از جلال او زمین روشن شد ۲ و با صدایی پرتوان چنین فریاد برآورد: «سقوط کرده است! بابل* بزرگ، سقوط کرده است! حال مسکن دیوها گشته و به کمینگاه هر روح ناپاک* و هر پرنده نجس و نفرت‌انگیز مبدل شده است! ۳ زیرا تمامی قوم‌ها با شراب شهوت، آری با شراب زناکاری* او در دام افتاده‌اند. پادشاهان زمین با او زنا* کردند و بازرگانان* زمین، از تجملات بی‌حدش که بی‌شرمانه اندوخته بود، دولت‌مند شدند.» ۴ آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: «ای قوم من، اگر نمی‌خواهید در گناهانش سهیم باشید و اگر نمی‌خواهید سهمی از بلایایش بر شما آید، از این شهر بیرون آید! ۵ زیرا گناهانش روی هم انباشته شده و تا به آسمان رسیده و خدا اعمال ناعادلانه‌اش* را به یاد آورده است. ۶ به همان شیوه‌ای که او با دیگران رفتار کرد، با او رفتار کنید، آری، سزای اعمالش را دوچندان دهید؛ در جامی که او معجونی تهیه کرده است، دو برابر برایش بیامیزید.

7 بِقَدْرِ مَا مَجَّدَتْ نَفْسَهَا وَتَنَعَّمَتْ، بِقَدْرِ ذَلِكَ أَعْطَوْهَا عَذَابًا وَحُزْنًا. لَأَنَّهَا تَقُولُ فِي قَلْبِهَا: أَنَا جَالِسَةٌ مَلِكَةً، وَلَسْتُ أَرْمَلَةً، وَلَنْ أَرَى حُزْنَ. 8 مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ سَتَأْتِي ضَرْبَاتُهَا: مَوْتُ وَحُزْنٌ وَجُوعٌ، وَتَحْتَرِقُ بِالنَّارِ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهَ الَّذِي يَدِينُهَا قَوِيٌّ. 9 وَسَيَبْكِي وَيَنُوحُ عَلَيْهَا مُلُوكُ الْأَرْضِ، الَّذِينَ زَنَوْا وَتَنَعَّمُوا مَعَهَا، حِينَمَا يَنْظُرُونَ دُخَانَ حَرِيقِهَا، 10 وَاقْفِينَنَّا مِنْ بَعِيدٍ لِأَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، قَاتِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ بَابِلُ! الْمَدِينَةُ الْقَوِيَّةُ! لَأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ جَاءَتْ دَيْنُونَتُكَ.

۷ به همان اندازه که او خود را جلال می‌داد و بی‌شرمانه در تجمل زندگی می‌کرد، او را عذاب دهید و سوگوارش سازید؛ زیرا در دل خود پیوسته می‌گوید: «همچون ملکه‌ای بر تخت نشسته‌ام، بیوه نیستم و هرگز سوگوار نخواهم شد.» ۸ از این رو، در یک روز بلایای او بر سرش خواهد آمد؛ یعنی مرگ، ماتم و قحطی. او کاملاً با آتش سوخته خواهد شد؛ زیرا یهوه* خدا که او را داوری کرد، پر قدرت است. ۹ «وقتی پادشاهان زمین که با او مرتکب زنا* شدند و بی‌شرمانه در تجمل با وی زندگی کردند، دود سوختن او را ببینند، برایش از فرط اندوه خواهند

گریست و بر سینه خود خواهند زد. ۱۰ عذاب او، آنان را ترسان خواهد ساخت، پس دور ایستاده خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر تو ای شهر بزرگ، بابل، ای شهر قوی؛ زیرا در یک ساعت، داوری تو به اجرا در آمد.»

11 وَيَبْكِي تُجَارُ الْأَرْضِ وَيُنُوحُونَ عَلَيْهَا، لَأَنَّ بَضَائِعَهُمْ لَا يَشْتَرِيهَا أَحَدٌ فِي مَا بَعْدُ، 12 بَضَائِعَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْحَجَرِ الْكَرِيمِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالْبَزِّ وَالْأَرْجُونَ وَالْحَرِيرِ وَالْقَرْمِزِ، وَكُلَّ عُودٍ ثِينِيٍّ، وَكُلَّ إِنَاءٍ مِنَ الْعَاجِ، وَكُلَّ إِنَاءٍ مِنْ أَثْمَنِ الْخَشَبِ وَالنُّحَاسِ وَالْحَدِيدِ وَالْمَرْمَرِ، 13 وَقِرْفَةً وَبَخُورًا وَطِيبًا وَلَبَانًا وَخَمْرًا وَزَيْتًا وَسَمِيدًا وَحِنْطَةً وَبِهَائِمَ وَغَنَمًا وَخَيْلًا، وَمَرْكَبَاتٍ، وَأَجْسَادًا، وَنُفُوسَ النَّاسِ. 14 وَذَهَبَ عَنكَ جَنَى شَهْوَةِ نَفْسِكَ، وَذَهَبَ عَنكَ كُلُّ مَا هُوَ مُشْحِمٌ وَبِهِيٍّ، وَلَنْ تَجْدِيهِ فِي مَا بَعْدُ. 15 تُجَارُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّذِينَ اسْتَغْنَوْا مِنْهَا، سَيَقْفُونَ مِنْ بَعِيدٍ، مِنْ أَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، يَبْكُونَ وَيُنُوحُونَ، 16 وَيَقُولُونَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ الْمُتَسَرِّبَلَةُ بَزًّا وَأَرْجُونَ وَقَرْمِزٍ، وَالْمُتَحَلِّيَةُ بِذَهَبٍ وَحَجَرٍ كَرِيمٍ وَلَوْلُؤٍ! 17 لِأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرَبَ غِنَى مِثْلُ هَذَا. وَكُلُّ رَبَّانٍ، وَكُلُّ الْجَمَاعَةِ فِي السُّفْنِ، وَالْمَلَا حُونَ وَجَمِيعُ عَمَّالِ الْبَحْرِ، وَقَفُوا مِنْ بَعِيدٍ، 18 وَصَرَخُوا إِذْ نَظَرُوا دُخَانَ حَرِيقِهَا، قَائِلِينَ: آيَةُ مَدِينَةٍ مِثْلُ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ؟

۱۱ «همچنین بازرگانان زمین برای او گریسته، ماتم می‌گیرند؛ زیرا دیگر کسی نیست که کالاهای آنان را بخرد؛ ۱۲ یعنی محموله‌های طلا، نقره، سنگ‌های گرانبها، مروارید، کتان نفیس، پارچه‌های ارغوانی و سرخ، ابریشم و هر آنچه از چوب معطر ساخته شده است و انواع اشیای ساخته شده از عاج، چوب پرارزش، مس، آهن و مرمر. ۱۳ همچنین دارچین، ادویه هندی، بخور، روغن معطر، کُنْدُر، شراب، روغن زیتون، آرد مرغوب، گندم، گاو، گوسفند، اسب، ارابه، برده و جان انسان. ۱۴ آری، همین چیزهای مرغوب* که جانت مشتاقش بود، تو را ترک کرده است. همچنین همه خوراکی‌های لذیذ و چیزهای باشکوه برای تو از میان رفته است و دیگر هرگز نخواهد بود. ۱۵ «عذاب او، بازرگانی را که از فروش این کالاها ثروتمند شدند، ترسان خواهد ساخت. از این رو دور ایستاده، خواهند گریست و ماتم خواهند گرفت. ۱۶ آنان خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که ملبس به جامه‌های کتان نفیس و

ارغوانی و سرخ بود و به فراوانی با زیورآلات طلا، سنگ‌های قیمتی و مروارید آراسته شده بود. ۱۷ چون چنین ثروت عظیمی در یک ساعت از بین رفت. «ناخدایان کشتی‌ها، مسافران دریا، ملوانان و تمام کسانی که از راه دریا امرار معاش می‌کنند، دور ایستاده، ۱۸ وقتی دود سوختنش را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: «آیا شهری دیگر همچون این شهر بزرگ وجود دارد؟»

19 وَالْقَوْمُ تُرَابًا عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَصَرَخُوا بَاكِينَ وَنَائِحِينَ قَائِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، الَّتِي فِيهَا اسْتَعْنَى جَمِيعُ الَّذِينَ لَهُمْ سَفْنٌ فِي الْبَحْرِ مِنْ نَفَائِسِهَا! لَأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرِبَتْ!
20 اِفْرَحِي لَهَا أَيَّتُهَا السَّمَاءُ وَالرُّسُلُ الْقَدِيسُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ، لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ دَانَهَا دَيْنُونَتِكُمْ. 21 وَرَفَعَ مَلَاكٌ وَاحِدٌ قُوَى حَجَرًا كَرَحَى عَظِيمَةً، وَرَمَاهُ فِي الْبَحْرِ قَائِلًا: هَكَذَا بَدَفَعَ سَتْرَمِي بَابِلُ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، وَلَنْ تُوجَدَ فِي مَا بَعْدُ. 22 وَصَوْتُ الضَّارِبِينَ بِالْقَيْثَارَةِ وَالْمُغَنِّينَ وَالْمُزْمِرِينَ وَالنَّافِخِينَ بِالْبُوقِ، لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَكُلُّ صَانِعٍ صِنَاعَةً لَنْ يُوجَدَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَصَوْتُ رَحَى لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. 23 وَنُورُ سِرَاجٍ لَنْ يُضِيءَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَصَوْتُ عَرِيسٍ وَعَرُوسٍ لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. لَأَنَّ تِجَارَكَ كَانُوا عُظَمَاءَ الْأَرْضِ. إِذْ بِسِحْرِكَ ضَلَّتْ جَمِيعُ الْأُمَمِ. 24 وَفِيهَا وُجِدَ دَمُ أَنْبِيَاءٍ وَقَدِيسِينَ، وَجَمِيعٍ مَن قَتَلَ عَلَى الْأَرْضِ .

۱۹ آنان بر سر خود خاک ریختند و با گریه و ماتم فریادزنان گفتند: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که از دولتش تمام صاحبان کشتی‌ها ثروتمند شدند، چون آن شهر در یک ساعت از بین رفته است». ۲۰ «ای آسمان، از آنچه بر سر او آمد شاد باش! همچنین شما ای مقدّسان، رسولان و پیامبران شاد باشید! زیرا خدا به خاطر شما حکم داوری خود را بر او اعلام کرده است». ۲۱ سپس فرشته‌ای پر قدرت سنگی همچون سنگ آسیاب را بلند کرد. آن را به دریا انداخت و گفت: «به همین سان بابل، آن شهر بزرگ پایین افکنده خواهد شد و دیگر نخواهد بود. ۲۲ دیگر آواز خوانندگانی که چنگ می‌نوازند و می‌خوانند و صدای نوازندگان، نی‌نوازان و شیپورزان در تو به گوش نخواهد رسید و دیگر هیچ صنعتگری، از هر حرفه‌ای که باشد در تو یافت نخواهد شد و دیگر صدای سنگ آسیاب در تو شنیده نخواهد شد. ۲۳ دیگر نور هیچ چراغی در تو نخواهد تابید، دیگر صدای هیچ عروس و دامادی در تو شنیده نخواهد

شد؛ زیرا بازرگانانِ تو مردانِ عالی‌رتبه زمین بودند و تو تمام قوم‌ها را با توسل به نیروهای غیبی* گمراه کردی. ۲۴ آری، خون پیامبران، مقدّسان و تمام کسانی که بر زمین بی‌رحمانه کشته شدند، به گردن این شهر بود.»

توضیح :

سید احمد الحسن (ع) درنامه هدایت بعد از ذکر بابل در رویاء یوحنا لاهوتی متذکر میشوند که بابل اشاره به بغداد و عراق دارد: « **وبابل تشير إلى العراق ؛ لأنّ بابل كانت عاصمة العراق في ذلك الزمن ، فكل الملاحم والفتن تجري في العراق وعلى أرض العراق . وخراب بغداد ذكروه بالرايات التي تأتيها من دول العالم وبالفتن ؛** و بابل اشاره ای است به عراق، زیرا پایتخت عراق در آن زمان بود. پس همه ی جنگ ها و فتنه ها در عراق و روی سرزمین عراق اتفاق می افتند. و ویرانی بغداد را یاد کردند(ع) بوسیله ی پرچم هایی که از حکومت های جهان می آید و همراه با فتنه انگیزی «. ۱۳۳

اما باید توجه داشت کلام معصومین ابعاد و مصداق های مختلفی میتواند داشته باشد و گاهی تا هفتاد وجه برای آیات قرآن کریم و روایات معصومین بیان شده است.^{۱۳۴} حقیر علاوه بر اینکه کلام سید احمد الحسن (ع) را صحیح دانسته میگویم: بابل اشاره به عراق و شهر بغداد دارد. اما با این حال میتوان متصور بود بابل قدرتمند و عظیم که همه پادشاهان آخرالزمان با آن زنا کرده اند یعنی حاکمیت مردم و دموکراسی را را قبول نموده اند اشاره ای است به آمریکا، چراکه بابل قدرتمند بزرگ در دوران یوحنا اشاره به عراق و شهر بابل قدیم بوده است اما در

133 - رسالة الهداية

134 - از حمران بن اعین از امام صادق (ع) گفت: شنیدم که میفرماید: (من می توانم به هفتاد وجه سخن

بگویم و تاویل آنها را نیز بگویم) بصائر الدرجات ص 349-350

آخرالزمان بابل العظیم آن شهری که منبع شرارت و شهوت و پایمال کردن خون انبیاء بوسیله شورها و انتخابات است کشور آمریکاست: « 3 لَانَّهُ مِنْ خَمْرٍ غَضَبِ زَنَاهَا قَدْ شَرِبَ جَمِيعُ الْأُمَمِ، وَمُلُوكُ الْأَرْضِ زَنَوْا مَعَهَا، وَتُبَّجَارُ الْأَرْضِ اسْتَغْنَوْا مِنْ وَفْرَةِ نَعِيمِهَا. 24 ... لَأَنَّ تُبَّجَارِكِ كَانُوا عُظَمَاءَ الْأَرْضِ. إِذْ بِسِحْرِكِ ضَلَّتْ جَمِيعُ الْأُمَمِ ؛ زیرا که آن از شراب غضب است که زنا کرده و تمام امت ها از آن نوشیدند و پادشاهان زمین با آن زنا کردند و تاجران زمین از وفور نعمتش مستغنی شدند. ... چرا که تاجران تو از بزرگان زمین بودند، چرا که بوسیله سحر تمام امت ها گمراه شدند ». در مکاشفه یوحنا اصحاح 17 به صورت کاملا واضح این موضوع تعیین شده است که (بَابِلُ الْعَظِيمَةُ) در دوران ظهور منجی، آمریکا ستمگر خواهد بود، علاوه بر آنکه عراق و بغداد از گذشته تا به امروز به این اسم مشهور است: « 5 وَعَلَى جِبْهَتِهَا اسْمٌ مَكْتُوبٌ: «سِرُّ بَابِلُ الْعَظِيمَةُ أُمَّ الزَّوَانِي وَرَجَاسَاتِ الْأَرْضِ». 6 وَرَأَيْتُ الْمَرْأَةَ سَكْرَى مِنْ دَمِ الْقِدِّيسِينَ وَمِنْ دَمِ شُهَدَاءِ يَسُوعَ. فَتَعَجَّبْتُ لِمَا رَأَيْتُهَا تَعَجَّبًا عَظِيمًا! 7 ثُمَّ قَالَ لِي الْمَلَائِكَةُ: «لِمَاذَا تَعَجَّبْتَ؟ أَنَا أَقُولُ لَكَ سِرَّ الْمَرْأَةِ وَالْوَحْشِ الْحَامِلِ لَهَا، الَّذِي لَهُ السَّبْعَةُ الرَّؤُوسِ وَالْعَشْرَةُ الْقُرُونِ: 8 الْوَحْشُ الَّذِي رَأَيْتِ، كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، وَهُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَصْعَدَ مِنَ الْهَوَايَةِ وَيَمْضِيَ إِلَى الْهَلَاكِ. وَسَيَتَعَجَّبُ السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ، الَّذِينَ لَيْسَتْ أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةً فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ، حِينَمَا يَرَوْنَ الْوَحْشَ أَنَّهُ كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، مَعَ أَنَّهُ كَائِنٌ. 9 هُنَا الذَّهْنُ الَّذِي لَهُ حِكْمَةٌ! السَّبْعَةُ الرَّؤُوسِ هِيَ سَبْعَةُ جِبَالٍ عَلَيْهَا الْمَرْأَةُ جَالِسَةً. 10 وَسَبْعَةُ مُلُوكٍ: خَمْسَةٌ سَقَطُوا، وَوَاحِدٌ مَوْجُودٌ، وَالْآخِرُ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ. وَمَتَى أَتَى يَنْبَغِي أَنْ يَبْقَى قَلِيلًا. 11 وَالْوَحْشُ الَّذِي كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ فَهُوَ ثَامِنٌ، وَهُوَ مِنَ السَّبْعَةِ، وَيَمْضِي إِلَى الْهَلَاكِ.

۵ بر پیشانی آن زن این نام مرموز نوشته شده بود: «بابل* بزرگ، مادر فاحشه‌ها و چیزهای نفرت‌انگیز زمین.» ۶ سپس دیدم که آن زن با خون مقدسان و خون کسانی که به عیسی شهادت دادند، مست شده است. با دیدن او بسیار حیرت کردم. ۷ آنگاه فرشته به من گفت: «چرا حیرت کردی؟ من راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن بر آن سوار است، به تو خواهم گفت: ۸ آن وحش که دیدی، زمانی بود، اما اکنون نیست و به‌زودی

از چاه بی انتها بالا می آید و به سمت نابودی می رود. سپس ساکنان زمین - آنان که نامشان از آغاز دنیا در دفتر حیات نوشته نشده بود - حیرت خواهند کرد که چطور وحش زمانی بود، اما اکنون نیست و باز حضور خواهد یافت. ۹ «ذهنی که حکمت داشته باشد، این را درک می کند: آن هفت سر، مظهر هفت کوه هستند که زن بر آنها نشسته است. ۱۰ همچنین آنها مظهر هفت پادشاه نیز هستند که پنج تن از آنان سقوط کرده اند، یکی هست و دیگری هنوز نیامده است، اما وقتی بیاید، باید برای اندک زمانی بماند. ۱۱ آن وحش که زمانی بود، اما اکنون نیست، پادشاه هشتم است که از آن هفت پادشاه برمی خیزد و به سمت نابودی می رود.»

همچنین اگر ما به بیانیه نداء سید احمد الحسن (ع) توجه نمائیم و رویاء یوحنا لاهوتی را در کنار آن قرار دهیم متوجه خواهیم شد این ملت آمریکا است که بوسیله برخورد شهاب سنگی در دود و آتش خواهد سوخت: «**وَرَفَعَ مَلَاكٌ وَّاحِدٌ قُوًى حَجْرًا كَرَحِيٍّ عَظِيمَةً، وَرَمَاهُ فِي الْبَحْرِ قَاتِلًا؛ هَكَذَا بِدَفْعِ سِتْرَمِي بَابِلُ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، وَلَنْ تُوجَدَ فِي مَا بَعْدُ؛** و یکی از ملائک قدرتمند یک سنگی که مانند سنگ آسیاب است بلند کرد و به دریا انداخت و گفت این چنین است که شهر عظیم بابل دفع میشود و مورد هدف قرار می گیرد و بعد از این پیدا نمی شود.»

سید احمد الحسن (ع) در بیانیه نداء نوشتند: «**أنا الذي سألقى أمريكا - الوحش الحديدي الذي أكل وداس كل الممالك على الأرض - إلى وقيد النار كما أخبر دانيال (ع) في التوراة وستعلم نبأى عما قليل وستعلم إن أميركا مدفوعة إلى يميني في ملكوت السماوات وسأسحقها إذا أذن الله؛** من آن کسی هستم که تازیانه های آتش را بر آمریکا (همان حیوان وحشی آهنینی که می خورد و با چکمه هایش له میکند تمام ممالک روی زمین را) فرود می آورد همانگونه که دانیال (ع) در تورات خبر داده است و بزودی خبر آنچه را که نزدیک است میشنوی و بزودی خواهی دانست که آمریکا دفع میشود از طرف راست من در ملکوت آسمانها و بزودی هنگامی که خداوند اذن دهد خورد و کوبیده خواهد شد.»^{۱۳۵}

*1: الجواب المنير ج 1 سوال/15: 25 / ربيع الأول / 1426 هـ ق، كتب سيد احمد الحسن (ع) في الجواب Reta Jorj - :
 « ثالثاً: في الإنجيل. إنجيل متى الإصحاح الرابع والعشرين: (. . . 6) وسوف تسمعون بحروب وأخبار حروب . . . (15) فمتى نظرتهم رجساً الخراب التي قال عنها دانيال النبي قائماً في المكان المقدس . . . (22) ولكن لأجل المختارين تقصر تلك الأيام . . . لأنه كما إن البرق يخرج من المشارق ويظهر إلى المغارب هكذا يكون أيضاً مجيء ابن الإنسان . . . وللوقت بعد ضيق تلك الأيام تظلم الشمس والقمر لا يعطى ضوءه . . .). وفي هذا الإصحاح علامات القيامة الصغرى يذكرها عيسى (ع) كما ذكرها الرسول محمد (ص) والأئمة (ع) حروب وكسوف وخسوف ورجس الخراب (أمريكا) والمهم انه عبر عن بداية ظهوره من المشرق إلى المغرب والمشرق نسبةً إلى مكان عيسى (ع) في ذلك الزمان يكون العراق ، والبرق الذي خرج من المشرق وظهر في المغرب هو إبراهيم حيث خرج من العراق وظهر في الأرض المقدسة ».

سيد احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنير در جواب Reta Jorj - زن مسیحی نوشتند: « سوّم: در انجيل ، إنجيل متى إصحاح بيست و چهارم: (... 6 و جنگهای و اخبار جنگها را خواهيد شنيد... 15 پس چون مکروه ویرانی را که بزبان دانیال نبی گفته شده است و در مکان مقدس موجود است ببینید... 22 ولیکن بخاطر برگزیدگان آنروز ها کوتاه خواهد شد... زیرا همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسرانسان نیز چنین خواهد شد... و نور بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد...). و در این اصحاح ، عیسی نشانه های قیامت صغری را ذکر می کند همانطوریکه رسول اکرم و ائمه ذکر کرده اند ، جنگ ، خورشید گرفتگی ، ماه گرفتگی ... مکروه ویرانی (آمریکا)... مهم این است که وی در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حرکت می کند و مشرق نسبت به مکان عیسی در آن زمان عراق می باشد ، و نوری که از مشرق خارج شده و در مغرب ظاهر شده ابراهیم است که از عراق خارج و در سرزمین مقدس ظاهر شده است ».

*2: المفاجأة لمحمد عيسى بن داود: 507 : ماذا قال علي (عليه السلام) عن آخر الزمان حديث [216]- و في الجفر: «
 معشر آل البيت، إني أبين لكم و أفهمكم، يبعث الله مهدينا عدوا لمن ذمه الله و لعنه، ألا إنه
 لمنتمقم من الظالمين، فاتح الحصون، و غالب كل قبيلة من أهل الشرك و هاديها لدين الله، و
 لا غالب له و لا منصور عليه، فافهموا إنه رشيد سديد، مشيد لأمر الله آياته، يزلزل الله له
الأرض زلزالا عظيما، و يقذف باطنها نارا، و ترمى السماء شهابا و جبالا و نحاسا و حديدا، فَوَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * بالجانب الغربي من مشرق الإسلام، يرى أهل المغرب هولاء، و تسمع الإنس
و الجن قرقعة و صداما تهتز له الدوائر، و تنحرف المحاور، و تخرج العذراء من خدرها، و
يبكى الجنين في جوفها، و تصم أسماعها و تنتقب طولها، و تحشد نساؤها و تهرب رجالها،
فقد أعذر الله للأرض إعدارها، و أنذرها إنذارها، و بدا النجم الثاقب، يرونه أهل المشارق و
أهل المغارب».

صاحب كتاب ماذا قال علي (ع) عن آخر الزمان، از کتاب مفاجات محمد عيسى بن داود نقل
 میکند که در کتاب جفر مولانا علی (ع) اینگونه نوشته شده است: « ای جماعت آل البيت من
 برای شما مطالبی بیان میکنم تا آگاه شوید خداوند مهدی ما را مبعوث گرداند درحالی که
 دشمن دروغگویان و لعنت کنندگان خداست آگاه باشید که او انتقام گیرنده از ظالمان فاتح
 مرزهاست او بر تمام قبایل اهل شرک فائق آمده و هدایت کننده ای آنهاست بدین خداوند
 کسی بر او چیره و پیروز نگردد این را خوب بفهمید او توانا و مُسَدَد شده و رفعت دهنده امر
 آیاتِ خداست. خداوند برای او زمین لرزه عظیمی بوجود آورد بگونه ای که زمین برای او
 آتشش را پرتاب کند و آسمان نیز برای او شهاب ها و کوه ها و نحسی ها و آهنش را به بیرون
 پرتاب کتد. پس وای بر تکذیب کنندگان در آن روز ساکنان مغرب از (طرف) مشرق اسلام.
 در آن روز اهل مغرب هول و هراسی بینند که انس و جن ناله و فریادشان را بشنود برافراشته
 میشود بر سر اهل مغرب دوائری سپس منحرف شود از محورش. دختران تازه عروس از حجره
 ها بیرون آیند و جنین ها در شکم مادر خود بگریه افتند از صدای ناقوس ها گوش خود را
 بگیرند زنانشان را جمع کنند و مردانشان بسرعت بگیرزند بتحقیق که خداوند گناهان اهل

زمین را بارها بخشید و آنها را انذار داده ترساند. سپس آغاز کرد عذاب روز تکذیب کنندگان را با ستاره ثاقبی که همه اهالی مشرق و مغرب آن را ببینند».^{۱۳۶}

***3: المفاجأة لمحمد عيسى بن داود: 190-192. ماذا قال علي (عليه السلام) عن آخر الزمان حديث [581]- و في الجفر: «
يهبط من السماء على بلاد الأمريك في الحائط الغربي من الأرض كويكب العذاب عندما
تكتفي المرأة بالمرأة و الرجل بالرجل و يرضى الحاكم هناك بالدم البريء يسيل في قدس
الله و يحمل أكداس الذهب لمن عليه الله غضب، و يملأ مائدة اليهود بالطير الدسم كأنه
البخت العظيمة، و بالبيض المكنوز سما و نارا فيرسل الله عذاب الرجفة على الأمريك و تمطر
السماء و يلا لهم، و تشب نار بالحطب الجزل غربي الأرض فيرون معهن موتات و حصد نبات و
آيات بينات، فأبشروا بنصر من الله عاجل و فتح فتوح إمام عادل، يقر الله به أعينكم و يذهب
بحزنكم و يكون فرقانا من الله بين أوليائه و أعدائه».**

صاحب کتاب ماذا قال علي(ع) عن آخر الزمان از کتاب مفاجات محمد عيسى بن داود نقل میکند که در کتاب جفر مولانا علی (ع) اینگونه نوشته شده است: « خداوند از آسمان ستاره های غدایش را بر سرزمین آمریکا که در قسمت غربی زمین است فرود آورد این واقعه زمانی روی دهد که زنان به زنان و مردان به مردان (در دفع غرائض شهوانی) اکتفا نمایند و آن زمان است که حاکم آنجا راضی شود بجاری شدن خون بیگناهان. او در قدس الله برای کسی که مورد غضب پروردگار است وسایل جنگی از جنس طلا میفرستد و پرمیکند خزانه (نظامی) یهود را با پرندگان تیره (پرنده گانی) که بهمراهش بدبختی های عظیم روی دهد. در آن طائرات اشیاء سفیدی است که در درون آنها: (رفع دهنده و آتش پنهان) وجود دارد. پس خداوند عذاب خورد کننده بر آمریکا میفرستد. و از آسمان بلائی بر آنها بیارد بلائی که حائط غربی زمین را پراز آتش کند بهمراه آن حادثه مرگ ها و درو شدن رویده ها و نشانه های روشن را خواهند

¹³⁶ - عصر السفیانی ؛ ص 410 (عبد الکریم زبیدی)

دید پس بشارت باد بر شما به پیروزی عاجل از جانب پروردگارتان و فتح الفتوح امام عادلان بدین شکل خداوند چشمهایتان را روشن گرداند و ناراحتی را از شما بزدايد پس آن حادثه جدا کننده حق و باطل از جانب خداوند در بین اولیاء و اعدائش است.»

***4: تسالونیکیان ۱: ۱-۱۲ : ۱ مِنْ بُولُسَ وَ سِيلَوَانُسَ وَ تِيمُوثَاوُسَ إِلَى جَمَاعَةِ التَّسَالُونِيكِيِّينَ الَّتِي فِي اتِّحَادٍ بِاللهِ أَبِيْنَا وَالرَّبِّ يَسُوعَ الْمَسِيحِ: « ۶ ذَلِكَ أَنَّهُ بَرُّ مِنْ جِهَةِ اللهِ أَنْ الَّذِينَ يُضَايِقُونَكُمْ يُجَازِيهِمْ ضَيْقًا، ۷ وَأَمَّا أَنْتُمْ الَّذِينَ تُعَانُونَ الضَّيْقَ، فَيُجَازِيكُمْ رَاحَةً مَعَنَا عِنْدَ الْكَشْفِ عَنِ الرَّبِّ يَسُوعَ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ مَلَائِكَتِهِ الْأَقْوِيَاءِ ۸ فِي نَارٍ مُلْتَهَبَةٍ، إِذْ يُنْزَلُ الْأَنْتِقَامَ بَمَنْ لَا يَعْرِفُونَ اللهُ وَبِمَنْ لَا يُطِيعُونَ الْبَشَارَةَ عَنِ رَبَّنَا يَسُوعَ. ۹ هَوْلًا سَيَكَابِدُونَ دَيْئُونَ الْهَلَاكِ الْأَبَدِيَّ، مُبْعَدِينَ عَنِ وَجْهِ الرَّبِّ وَعَنْ مَجْدِ قُوَّتِهِ، ۱۰ عِنْدَمَا يَأْتِي لِتَمَجِّدَ مَعَ قَدِّسِيهِ وَيُظَهِّرَ عَجِيبًا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ جَمِيعِ الَّذِينَ مَارَسُوا الْإِيْمَانَ، لِأَنَّ الشَّهَادَةَ الَّتِي آدَيْنَاهَا لَأَقْتِ إِيْمَانًا بَيْنَكُمْ.»**

۱ از طرف بولس، سیلوانوس* و تیموتائوس به جماعت تسالونیکیان، به شما که در اتحاد با پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح هستید: « ۶ زیرا به راستی عادلانه است که خدا کسانی را که به شما آزار می‌رسانند، سزا دهد. ۷ اما به شما که آزار می‌بینید و به ما، آسودگی بخشیده خواهد شد. این امر هنگامی روی خواهد داد که عیسی سرور از آسمان با فرشتگان پر قدرتش ظهور کند؛ ۸ ظهوری در آتش مشتعل. آنگاه او از کسانی که خدا را نمی‌شناسند و از آنانی که بشارت در مورد سرورمان عیسی را به گوش نمی‌گیرند، انتقام خواهد گرفت. ۹ ایشان با محکوم شدن به نابودی ابدی، از پیش روی سرور محو خواهند شد و از جلال قدرت او محروم خواهند گردید. ۱۰ این امر زمانی رخ خواهد داد که او می‌آید تا با مقدسان خود جلال یابد. در آن روز همه کسانی که به او ایمان ورزیده‌اند، او را تمجید خواهند کرد؛ شما نیز چون به شهادتی که ما دادیم ایمان آوردید، در زمره آنان خواهید بود.»

اما بابل الصَّغِيرُ یا همان بغداد در آخرالزمان و بطور کلی عراق، نابودی و ویرانیش بدلیل وقوع جنگها و فتنه های مختلف خواهد بود بدین ترتیب بابلی که در یک ساعت نابودیش فرا میرسد غیر از بابلی است که بمرور زمان و با جمع شدن اصحاب فتنه در آن خرابیش حاصل میشود.

سید احمد الحسن (ع) در نامه هدایت روایتی را بدین شکل از امام صادق (ع) بیان میفرماید:
**قال الصادق عن بغداد : (... فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ وَ بَطْشِهِ تُحْرَقُهُمُ الْفِتْنُ وَ تَتْرُكُهُمْ حَمَمًا
الْوَيْلُ لَهَا وَ لِمَنْ بِهَا كُلُّ الْوَيْلِ مِنَ الرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَ مِنَ رايَاتِ الْغَرْبِ وَ مِنَ كَلْبِ الْجَزِيرَةِ وَ
مِنَ الرَّايَةِ الَّتِي تَسِيرُ إِلَيْهَا مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ وَ اللَّهُ لَيَنْزِلَنَّ فِيهَا مِنْ صُوفِ الْعَذَابِ مَا لَا
عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ بِمِثْلِهِ وَ لَا يَكُونُ طُوفَانٌ أَهْلَهَا إِلَّا السَّيْفُ ، الْوَيْلُ عِنْدَ ذَلِكَ كُلِّ الْوَيْلِ
لِمَنْ اتَّخَذَهَا مَسْكَنًا فَإِنَّ الْمَقِيمَ بِهَا لِشِقَائِهِ وَ الْخَارِجَ مِنْهَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ ، ثُمَّ يُخَرَّبُهَا اللَّهُ
بِتِلْكَ الْفِتْنِ وَ الرَّايَاتِ حَتَّى لَيَمُرُّ عَلَيْهَا الْمَارُّ فَيَقُولُ هَاهُنَا كَانَتْ الزَّوْرَاءُ) .**

امام صادق (ع) درباره ی بغداد گفت: (... مورد لعنت خدا و خشم اوست، فتنه ها آن را خراب می کنند و بسیاری آن را ترک می کنند، پس وای بر آن وبر کسانی که در آن هستند، همه ی ویل ها از پرچم های زرد، پرچم های مغرب، و پرچم هایی که از الجزیره واز پرچم هایی که از دور و نزدیک به سمت آن می آیند. به خدا قسم از انواع عذاب ها در آن نازل می شود، همچون سایر امت های متمرّد از اول روزگار تا آخر آن نازل می شود، عذابی بر آن که نه چشمی تا به حال آن دیده و نه گوشی مانند آن شنیده باشد و طوفانی اهلش را دربر می گیرد که آن طوفان جزء شمشیر نیست، پس وای بر کسی که در آن مسکن بگیرد، و کسی که در آن اقامت کند، اقامت کنندگان در آن دچار بیچارگی و بدبختی می شود، و کسی که از آن خارج شوند، رحمت خداوند شامل او می شود. ... سپس خداوند بوسیله همان فتنه ها و آن پرچم ها [بغداد را] ویران می کند، تا اینکه عابر بر آن عبور می کند، پس می گوید: این جاست که قبلاً زوراء بوده است).^{۱۳۷}

• نتیجه بحث :

اولاً : در پیشاپیش قیام قائم (ع) (2/3 دو سوم) بشریت بعلت تکذیب رسول و گناهانشان نابود خواهند شد، یک سوم یا بیشتر از آن بوسیله مَوْتٌ أَحْمَرٌ یعنی جنگها گسترده و اتمی و سپس برخورد شهاب سنگی بزمین، و یک سوم یا کمتر بوسیله مَوْتٌ أَبْيَضٌ یعنی طاعون از بین خواهند رفت. علت آن نیز شیوع بیماری های خطرناک بخاطر اجساد مردگان و رها شدن موسسات میکروبی بیولوژیکی بعد از برخورد شهاب سنگ یا بمب های اتمی و غیر آن خواهد بود شاید باین علت است که مرگ سرخ قبل از مرگ سفید در روایات بیان شده است به این معنی که طاعون نتیجه گریزناپذیر مرگ سرخ خواهد بود.^{۱۳۸}

دوماً : شخصیت قائم در روایات هلاکت مشخص نیست و ممکن است امام مهدی (ع) و یا مهدی اول (ع) باشد، هرچند که از طریق بعضی قرائن که سابقاً ذکر شد محتمل است پیش از قیام امام مهدی (ع) و در دوران خروج یمانی موعود (ع) هلاکت بیش از 2/3 بشریت روی دهد و علت آن نیز پاکسازی زمین از وجود کفار در دوران قائم آل محمد (ع) است: امام صادق (ع) در این خصوص فرمودند: « **أَمَا مَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي؟** ؛ آیا دوست نمیدارید که شما از یک سوم باقی مانده باشید؟ ».^{۱۳۹}

138 - امام صادق (ع) فرمودند: " **قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةٌ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ** ؛ پیشاپیش قائم دو گونه مرگ خواهد بود: مرگ سرخ و مرگ سفید، بطوری که از هر هفت نفر پنج نفر جان میدهند، مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است ". کمال الدین و تمام النعمه؛ ج 2 ص 655 ب 57 ح 27

139 - امیر المؤمنین علیه السلام بعد از ذکر دَجَالٍ و کشتن او توسط کسی که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز میخواند فرمود: " **أَلَا إِنَّ بَعْدَ ذَلِكَ الطَّامَّةَ الْكُبْرَى قُلْنَا وَ مَا ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ خُرُوجُ دَابَّةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ عِنْدِ الصَّفَا مَعَهَا خَاتَمُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ عَصَا مُوسَى ع يَضَعُ الْخَاتَمَ عَلَى وَجْهِ**

ستاره هلاکتِ (الْقَرْنُ ذُو الشَّفَا) یا (النَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ) یا (النَّجْمُ الْأَحْمَرُ) و... قبل از خروج و برخورد بزمین طلوع و ظهوری خواهد داشت بآن معنی که وارد مدار زمین شده و عاملی میگردد برای حوادث طبیعی از جمله: زلزله ، طوفان ، سیلاب ، برخورد چند سیارک از آن بزمین ، تغییر و دگرگونی در احوالات مردم و باز شدن چشم سوم یا همان دید برزخی افراد در هنگام خواب و بیداری ، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی غیر متعارف که بدلیل قرار گرفتن ستاره مشرقی بین خورشید و ماه و زمین روی میدهد در هنگام خورشید گرفتگی آن ستاره مشرقی است که بین زمین و خورشید قرار گرفته و سایه اش را بر زمین می اندازد و در هنگام ماه گرفتگی نیز این ستاره مشرقی است که بین زمین و ماه قرار میگیرد، خورشید گرفتگی حاصل از آن واقعه در نیمه ماه رمضان حاصل میشود اما ماه گرفتگی در روایات بصورت مختلف در روایات بیان شده است بعضی از آنها ابتدا ماه رمضان و پاره ای دیگر انتهای ماه

كُلُّ مُؤْمِنٍ فَيَنْطَبِعُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَ يَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيَنْكَتِبُ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا حَتَّىٰ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُنَادِي الْوَيْلُ لَكَ يَا كَافِرٌ وَ إِنَّ الْكَافِرَ يُنَادِي طُوبَىٰ لَكَ يَا مُؤْمِنٌ وَ دِدْتُ أَنِّي الْيَوْمَ كُنْتُ مِثْلَكَ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا ثُمَّ تَرَفَعُ الدَّابَّةُ رَأْسَهَا فَيَرَاهَا مَنْ بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَفَعُ التَّوْبَةُ فَلَا تَوْبَةَ تُقْبَلُ وَ لَا عَمَلٌ يَرْفَعُ وَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ... آگاه باشید! پس از آن «طامَّة الكبری» بلیه بزرگ است. گفتند: آن چیست؟! فرمود: خروج «دابة الارض» از کوه صفاست. با او خواهد بود انگشتر سلیمان و عصای موسی؛ پس خاتم سلیمان را بر هر مؤمنی گذارد، نوشته می‌شود «هذا مؤمن حقا» و بر روی هر کافر نهد، نوشته می‌شود «هذا کافر حقا» تا این که مؤمن فریاد زند: ای وای بر حال تو! ای کافر! کافر نیز فریاد کند: خوشا به حال تو ای مؤمن! آرزو داشتم کاش من هم امروز مانند تو بودم و رستگار می‌شدم! آن گاه «دابة الارض» سر خود را بلند می‌کند؛ پس هر کس میان مغرب و مشرق هست، او را می‌بیند و این کار بعد از طلوع خورشید از مغرب خواهد بود. در آن هنگام است که «توبه» برداشته می‌شود و دیگر توبه قبول نشود، عملی بالا نرود و ایمان برای کسی که قبلا ایمان نیاورده و در سایه ایمانش خیری نیاندوخته‌اند، نفعی نخواهد بخشید.

معجم أحادیث مهدی: 3/ 132 ح 67؛ کمال الدین: 2/ 527 ب 47 ح 1؛ بحار الأنوار: 19452 ب 25 ح 26 و 53/ 100 ب 29 ح 120.

رمضان را بیان کرده اند، البته محتمل است یکی از این دو واقعه نیز بصورت طبیعی روی دهد و حادثه دیگر بواسطه آن جرم آسمانی.^{۱۴۰}

سوماً : سوالی که برای بسیاری از پژوهشگران مهدویت مطرح است و جوابی قانع کننده برای آن وجود نداشته است، این است که چگونه ممکن است مهدی (ع) عدل و داد را در زمین بگستراند آنگونه که جور ستم گسترش یافته است؟ چگونه ممکن است مهدی (ع) بر اصحاب جور و ستم باوجود تمام امکانات مادی گسترده ای که در اختیار دارند یروز شود؟ چگونه ممکن است مهدی (ع) بر نقاط مختلف دنیا تسلط یابد و از اهل کتاب جزیه دریافت کند؟ چگونه ممکن است کشورهای اسلامی آنقدر ثروتمند شوند که دیگر کسی محتاج صدقات در دوران حکومت مهدوی گردد؟ ...

در جواب تمامی این پرسشها عظیم شاید بتوان گفت: در دوران ظهور دست غیبی از جانب خداوند سبحان وجود خواهد داشت که شرایط زیست محیطی و اجتماعی بشریت را دستخوش تغییر و تحولات بنیادین به نفع مسلمانان و کشورهای مسلمان خواهد کرد تغییراتی که به سبب

140 - بدر الأزدی نقل کرده است که نزد امام باقر علیه السلام نشسته بودیم که حضرت فرمود: " **آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ تَنَكَّسِفُ الشَّمْسُ فِي النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَنَكَّسِفُ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي النِّصْفِ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: إِنِّي أَعْلَمُ مَا تَقُولُ وَ لَكِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ ع** ؛ دو نشانه پیش از قیام قائم پدیدار خواهد شد که از هنگام هبوط آدم علیه السلام بر زمین اتفاق نیفتاده است؛ اوّل کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوّم کسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی کسوف در آخر ماه و کسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر علیه السلام فرمودند: می دانم شما چه می گوئید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم که این دو حادثه از بعد از هبوط (نفس) آدم به زمین روی نداده است."

برخورد شهاب سنگی عظیم به زمین بوجود خواهد آمد و موجب خواهد شد تغییرات جوی و جمعیتی جهان به نفع سرزمین های اسلامی رقم بخورد و در نتیجه این کاهش جمعیت و فروپاشی اقتصادی و نظامی دنیای کفر مهدی (ع) میتواند به کمک اعوان و انصارش هسته نظامی قدرتمند را در کشورهای اسلامی بمرکزیت کوفه در سرزمین های تحت تصرف باجرا در بیاورد و از سرزمین هائی که اهل کتاب هستند در قبال پرداخت جزیه خدمات دولتی ارائه نماید در چنین شرایط زیست محیطی مسلمانان به چنان رشد و بالندگی دست میابند که دیگر میزان درآمدشان از میزان مصرف سالیانه اش بیشتر میشود و با گسترش این شرایط خوب اقتصادی در بین اقشار جامعه میزان دریافتی صدقات برای محتاجات کاهش چشمگیری خواهد داشت و چه بسا در مقطعی میزان دریافتی صدقات بدلیل بی نیازی جامعه اسلامی از آن بصر هم برسد. (الله یعلم)

سید احمد الحسن (ع) در کتاب عقائد چنین مینویسد:

در این جا خدا نا باوران اشکالی بدین شرح مطرح می کنند: وقوع زلزله ها در زمین و برخورد بعضی سنگ ها یا شهاب سنگ ها به زمین در زمان های گذشته ...، همگی نشان می دهد که آنچه وجود دارد یک نظام منظم نیست، بلکه تصادفی است. این سخن در حقیقت فقط مانند اشکال گرفتن شخص نادان نسبت به چیزی است که نمی داند، چون وجود نظام فراگیر مولد و ثبوت آن و ثبوت هدفمند بودن آن، هیچ منافاتی با وجود حوادثی که ظاهراً با نظام فراگیر هماهنگ نیست ندارد. برای تبیین بیشتر مسئله به این مثال توجه کنید:

اگر باغ منظمی با درختان منظم و با نهایت دقت و تنظیم از جهت انواع و فاصله بینشان وجود داشته باشد و در وسط همین باغ تکه زمینی ببینیم که درختانش کنده شده و خاکش شسته شده باشد، آیا این حادثه و جهل ما به شایستگی هایش اجازه می دهد که حکم کنیم

که این باغ، یک جنگل یا یک باغ نامنظم است، با وجود این همه نظمی که می بینیم که از هر جهت این قطعه زمین خراب را در بر گرفته است؟!!

واقعیت این است که ما در قله پوچی خواهیم بود اگر حکم کنیم که این باغ یک جنگل است، چون ما در وسطش تکه‌ای زمین خراب دیدیم، باین که نمی دانیم که سبب آن چیست و شاید علتش ایجاد یک خانه برای سکونت در وسط باغ یا ایجاد یک استخر برای پرورش ماهی یا گاوداری یا چراگاه روباز یا ده‌ها علت محتمل دیگر بوده باشد.

همین مسئله بر اتفاقاتی که می گویند ناقض دلیل نظم در زمین و عالم آفرینش است منطبق می شود، یعنی از آن جا که نظام مند بودن عالم روشن است و با ادله ثابت شده است، با اتفاقات جزئی که علتش را به شکل کامل نمی دانیم نقض نمی شود و چه بسا اگر علت این حوادث را می دانستیم می گفتیم که این نهایت نظم و حکمت است.

جهلی بزرگ تر از این نیست که یک موجود که عمرش در بهترین حالت از صدسال نمی گذرد (مثل انسان) درباره اتفاقی که اثرش بعد از او تا هزاران یا صدها هزار یا حتی چندین میلیون سال ادامه دارد حکم صادر کند. آیا این تماماً مثل این نیست که یک موش کور زیرزمینی که همه عمرش را در سوراخی زیر زمین می گذراند، درباره کسانی که پایه‌های آسمان خراش را در زمین حفر می کنند حکم کند که کارشان ویرانگری و پوچی است و نیرویی غیرمنظم و بدون عقل است، چون حفاری آن‌ها باعث تلف شدن سوراخ محل زندگی من شده است؟! چه کسی می گوید هر اتفاقی که مخالف مصالح مادی و جسمانی بعضی از موجودات در پاره‌ای از زمان شود یک کار پوچ و غیرعقلانه است: الیس

من الممكن أن يكون هادفاً لإصلاح بعض النفوس، أو يهدف لتحقيق مصلحة الكل ؟ أليس القوانين العادلة التي يقرها الجميع تنص على معاقبة المجرم القاتل أو السارق، فهل هذه

العقوبة عبث وتدل على عدم النظام وعدم العقل؛ لأنها تسبب ضرراً للإنسان ما؟ أم إن هذه

العقوبة هي غاية الحكمة والتنظيم والعقل مع اشتغالها على إتلاف نفس أو مال أو التسبب

بضرر ما؟!!! ؛ آیا ممکن نیست که هدفش اصلاح بعضی از نفوس است یا هدفش تحقق
مصلحت همه است؟ آیا قوانین عادلانه‌ای که همگی به آن اقرار دارند که تصریح به عقاب
مجرم (مثلاً قاتل یا دزد) می‌کند، پوچ است و نشان‌دهنده عدم نظم و عدم عقلانیت است،
چون موجب آسیب رساندن به برخی از انسان‌ها می‌شود؟! یا این که این عقوبت نهایت
حکمت و نظام و عقلانیت است، با این که مستلزم تلف شدن جان یا مال عده‌ای می‌شود و
به برخی آسیب می‌رساند؟!

در حقیقت، نظم امر ثابتی است و در نتیجه نظم‌دهنده حکیم هم برای کسی که طالب حق
باشد بسیار روشن و ثابت است و این گونه اشکالات هرگز دلیل نظم را نقض نمی‌کند، بلکه
در نهایت صرف اشکالاتی است که نشان‌دهنده شکست صاحب اشکال در اثبات عقایدش
می‌باشد و برای همین پس از آن که اقرار می‌کند که از جنگیدن با دلیل عاجز است، به
اشکال گرفتن و شبهه کردن دست می‌اندازد. ۱۴۱ . ۱۴۲

¹⁴¹ عقائد الإسلام باب (صفة الأثر دالة على صفة المؤثر في الحياة الأرضية)

¹⁴² سید احمد الحسن (ع) در کتاب الجهاد باب الجنة فرمودند: « ويحاول هؤلاء الجهلة جعل هدف الإنسان
المرجو بل والغرض من خلقه هو تحقيق التقدم المادي الجسماني، بينما القرآن يبين لنا العلاقة بين التقدم
المادي الجسماني والتكامل الروحي هكذا (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى)، أي إنَّ الغنى المادي
والتقدم المادي داعٍ إلى طغيان الإنسان وانحطاطه الروحي، وهذا منظور اليوم في حياة البشرية على هذه
الأرض، فالأرض لم تعرف فساداً وإفساداً وظلماً وطغياناً كما هو حاصل اليوم. وربما ينتفض بعض الناس
الذين أنسوا هذا العالم المادي حيث إنهم يرون الكمال في التقدم المادي، مع أنهم لو التفتوا لوجدوا هذا



العالم المادی الجسمانی یسیر إلى الزوال، بل هو فی زوال مستمر، فكل يوم يموت أناس ويحيا آخرون، بل سیأتی يوم يموت فيه الجميع ولا يحيا أحد مكانهم (كُلُّ مَنْ عَلَيَّهَا فَانٍ)، والتقدم المادی الكبير اليوم یشیر إلى قرب هذا الزوال ؛ وابن جاهلان تلاش می کنند که هدف انسان وبلکه منظور از آفرینش آن را تحقق وپیشرفت مادی وجسمانی قرار دهند، در صورتیکه قرآن برای ما رابطه پیشرفت مادی جسمانی و تکامل روحی را بیان کرده است (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ * أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى) یعنی همان غنای مادی وپیشرفت مادی باعث طغیان انسان وانحطاط روحی وی می شود واین هدف امروزی حیات بشریت در این زمین است، و زمین مانند آنچه امروزه حاصل شده به خود فساد وافساد و ظلم و طغیان ندیده است. و بعضی از مردم با این عالم مادی انس گرفتند تا آنجایی که تصور کردند که کمال در پیشرفت مادی است، و اگر آنها ملتفت شوند می بینند که این عالم مادی بسوی زوال ونابودی بلکه در زوال مستمر سیر می کند که در هر روز انسانهایی می میرند وانسانهایی به دنیا می آیند و روزی می آید که همه انسانها در آن می میرند و کسی بجای آنها زنده نگردد (كُلُّ مَنْ عَلَيَّهَا فَانٍ)، وپیشرفت بزرگ مادی امروزه به نزدیک شدن این زوال اشاره می کند.»

• هفت حدیث در خاتمہ کتاب :

*1: التیه أو الطريق إلى الله : قال سيد أحمد الحسن (ع) من علامات قرب ظهوره (ع): « **وظهور الكوكب المذنب يضيء كما يضيء القمر وينعطف حتى يكاد يلتقي طرفاه، والنداء من السماء في شهر رمضان في الثالث والعشرين منه، وظهور السفیانی في الشام؛ في الأردن واحتلاله سوريا وبعض فلسطين، وقبله يحصل اختلاف في الشام على الحكم، ودخول السفیانی العراق وقتله حاكم العراق، وخسوف القمر في آخر شهر رمضان لخمس بقين منه، وكسوف الشمس في منتصف شهر رمضان، وهاتين العلامتين في شهر واحد، ... ، وظهور نار في الحجاز، وظهور نار في السماء، وظهور حمرة في السماء، ورکود الشمس عند الزوال، وخراب بغداد بالحروب والفتن، وخراب البصرة، وظهور ذكره ع على ألسنة الناس، وخروجه في وتر من السنين، وقتل النفس الزكية في الكعبة يذبح بين الركن والمقام، ويقوم القائم بعد هذه العلامة بخمسة عشر يوماً أو أقل منها. وبعد قيامه توجد علامات للدلالة عليه، وهي الخسف بجيش السفیانی في البيداء بين مكة والمدینة، وربما كان النداء بعد قيامه للدلالة على حقه خصوصاً أن المنادی جبرائیل ع في السماء».**

سيد أحمد الحسن (ع) در خصوص بعضی از علامات نزدیکی به ظهور مهدی (ع) فرمودند: « **وظهور ستاره ای دنباله دار در آسمان که روشنایی آن همانند روشنایی ماه است، سپس خم می شود تا جایی که گویی دو طرفش بهم می رسد ، و نداء در بیست سوم ماه رمضان ، و ظهور سفیانی در شام در اردن و اشغال کردن سوریه و بعضی از مناطق فلسطین و قبل از ظهور سفیانی اختلاف در شام بر سر حوکت روی میدهد ، و ورود سفیانی به عراق و کشتن حاکم آن ، و ماه گرفتگی در یک پنجم آخر ماه رمضان ، و کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان ، و این دو علامت در یک ماه اتفاق می افتد ، ... ، و ظهور آتشی در حجاز ، و ظهور آتشی در آسمان ، و ظهور سرخی در آسمان ، و باقی ماندن خورشید در حین زوال ، و خراب شدن بغداد بخاطر**

جنگ و فتنه ها ، و خراب شدن بصره ، و آشکار شدن یاد مهدی (ع) بر زبان مردم ، و خروج مهدی (ع) در یک سال وتر ، و قتل نفس زکیه در کعبه بگونه ای که بین رکن و مقام ذبح میشود ، و بعد از کشته شدن نفس زکیه در فاصله بیست پنج روز یا کمتر از آن مهدی (ع) قیام مینماید. و بعد از قیام مهدی (ع) علامات روی میدهد که دلالت بر قیام او مینماید ، و از آن علامات خسف جیش سفیانی در بیداء بین مکه و مدینه است ، و چه بسا نداء (اصلی) بعد از قیام مهدی (ع) روی دهد بخاطر دلالت به حقش خصوصا وقتی که منادی جبرائیل باشد آنهم در آسمان».^{۱۴۳}

*2: الجواب المنیر ج 5 سوال/471 : القسم السادس، کتب السید احمد الحسن (ع): « **أما حدوث حدث علی الأرض ونزول عذاب بأهل الأرض فهذا أمر قد أنذرت منه ويفعل الله ما يريد، فله الأمر من قبل ومن بعد، وسواء كان هذا العذاب سببه اقتراب كوكب أو أن یصدم الأرض نیزك أو كویكب أو أي أمر كونی آخر، فهذا أمر الله وهذا هو الطوفان الثاني الذي ربما یسبب هلاك معظم أهل الأرض، ويفعل الله ما یشاء** ».

سید احمد الحسن (ع) وصی و رسول امام مهدی (ع) خطاب باهل زمین فرمودند: « اما در مورد رخداد یک فاجعه بزرگ بر روی زمین که عذابی برای مردم هست به شما هشدار داده ام و خداوند هر آنچه بخواهد انجام میدهد و برای او امریست که قبل و بعدش به او باز میگردد خواه این عذاب به خاطر نزدیک شدن یک ستاره یا برخورد شهاب سنگ یا سیاره کوچکی به زمین هر چیز کیهانی دیگر باشد و این امر خداوند است و این طوفان دومی است که شاید باعث هلاکت بیشتر اهالی زمین شود و خداوند هر آنچه بخواد انجام میدهد ».

¹⁴³ - التیه أو الطريق إلى الله : تهيئة الامة للخروج من التیه - تهيئة القوة للجهاد - المذنب المقصر

*3: بحار الأنوار ؛ ج 52 ؛ ص 339 باب 27 ح 84- ش، [الإرشاد] روى أبو بصير عن أبي جعفر ع فى حديث طويل أنه قال: « إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ جَعَلَهَا جَمَاءً وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنْفَ وَ الْمِيَازِيبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ وَ لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سَنَةً إِلَّا أَقَامَهَا وَ يَفْتَحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَ الصِّينَ وَ جِبَالَ الدِّيْلَمِ فَيَمَكْتُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونُ قَالَ يَا مَرُّهُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قَلَّةِ الْحَرَكَهَ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونُ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ ص وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشِعَ بَنِي نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ .»

ابو بصير گوید امام باقر (ع) در حدیث طولانی فرمود: « هنگامی که قائم قیام نماید بسمت کوفه حرکت می کند و در آنجا چهار مسجد را ویران سازد، و مسجد مرتفعی بر روی زمین نباشد مگر آنکه آن را ویران ساخته صاف و هموار سازد، و راه بزرگی را می گشاید و هر بالکنی را می شکند و لوله های فاضلاب و ناودان را که بر سر راه مردم قرار داده شده، می بندد. هیچ بدعتی را باقی نخواهد گذاشت و همه سنت ها را برپا خواهد ساخت، و قسطنطنیه و چین و کوه های دیلم را فتح خواهد کرد، در آنجا (کوفه) هفت سال می ماند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماسست، پس از آن خداوند هرچه اراده کند انجام می دهد. گفتم: فدایت شوم! سال ها چگونه طولانی می شود؟ فرمود: خدای تعالی به فلک ها دستور ثانی و کندی حرکت را می دهد! پس روزها و سال ها طولانی می شود. گفتم: آن ها (فلاسفه و اخترشناسان) می گویند که اگر (برنامه) فلک تغییر یابد (نظام عالم بهم می خورد و) فاسد می شود؟! فرمود: این گفته زنادقه (خدانشناسان) است، اما مسلمان ها راهی به این طور عقاید ندارند، در حالی که خداوند ماه را با درخواست پیامبرش شکافت و آفتاب را برای یوشع بن نون برگردانید و به طولانی شدن روز قیامت خبر داده است و این که آن روز به اندازه هزار سال خواهد بود .»^{۱۴۴}

*4: انجيل لوقا، باب 21 آيات 5 الى 41: « 5 - وَإِذْ كَانَ قَوْمٌ يَقُولُونَ عَنِ الْهَيْكَلِ إِنَّهُ مُزَيَّنٌ بِحِجَارَةٍ حَسَنَةٍ وَتُحَفِّ، قَالَ: 6- «هَذِهِ الَّتِي تَرَوْنَهَا، سَتَأْتِي أَيَّامٌ لَا يُتْرَكُ فِيهَا حَجَرٌ عَلَى حَجَرٍ لَا يُنْقَضُ». 7- فَسَأَلُوهُ قَائِلِينَ: «يَا مُعَلِّمُ، مَتَى يَكُونُ هَذَا؟ وَمَا هِيَ الْعَلَامَةُ عِنْدَمَا يَصِيرُ هَذَا؟» 8- فَقَالَ: «انظروا! لَا تَضِلُّوا. فَإِنَّ كَثِيرِينَ سَيَأْتُونَ بِاسْمِي قَائِلِينَ: إِنِّي أَنَا هُوَ! وَالزَّمَانُ قَدْ قَرُبَ! فَلَا تَذْهَبُوا وَرَاءَهُمْ. 9- فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِحُرُوبٍ وَقِلَاقِلٍ فَلَا تَجْزَعُوا، لِأَنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ هَذَا أَوَّلًا، وَلَكِنْ لَا يَكُونُ الْمُنْتَهَى سَرِيعًا». 10- ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: «تَقُومُ أُمَّةٌ عَلَى أُمَّةٍ وَمَمْلَكَةٌ عَلَى مَمْلَكَةٍ، 11- وَتَكُونُ زَلَزَلٌ عَظِيمَةٌ فِي أَمَاكِنَ، وَمَجَاعَاتٌ وَأَوْبَةٌ. وَتَكُونُ مَخَافٌ وَعَلَامَاتٌ عَظِيمَةٌ مِنَ السَّمَاءِ. ... 25- «وَتَكُونُ عَلَامَاتٌ فِي الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ، وَعَلَى الْأَرْضِ كَرْبٌ أُمَمٍ بِحَيْرَةٍ. الْبَحْرُ وَالْأَمْوَجُ تَضِجُ، 26- وَالنَّاسُ يُغْشَى عَلَيْهِمْ مِنْ خَوْفٍ وَأَنْتِظَارٍ مَا يَأْتِي عَلَى الْمَسْكُونَةِ، لِأَنَّ قُوَّاتِ السَّمَاوَاتِ تَتَزَعَّزَعُ. 27- وَحِينَئِذٍ يُبْصِرُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا فِي سَحَابَةٍ بِقُوَّةٍ وَمَجْدٍ كَثِيرٍ. 28- وَمَتَى ابْتَدَأَتْ هَذِهِ تَكُونُ، فَانْتَصِبُوا وَارْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ لِأَنَّ نَجَاتَكُمْ تَقْتَرِبُ». ... 37- وَكَمَا كَانَتْ أَيَّامُ نُوحٍ كَذَلِكَ يَكُونُ أَيْضًا مَجِيءُ ابْنِ الْإِنْسَانِ. 38- لِأَنَّهُ كَمَا كَانُوا فِي الْأَيَّامِ الَّتِي قَبْلَ الطُّوفَانِ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَتَزَوَّجُونَ وَيُزَوَّجُونَ، إِلَى الْيَوْمِ الَّذِي دَخَلَ فِيهِ نُوحٌ الْفُلَكَ، 39- وَلَمْ يَعْلَمُوا حَتَّى جَاءَ الطُّوفَانُ وَأَخَذَ الْجَمِيعَ، كَذَلِكَ يَكُونُ أَيْضًا مَجِيءُ ابْنِ الْإِنْسَانِ. 40- حِينَئِذٍ يَكُونُ اثْنَانُ فِي الْحَقْلِ، يُؤَخِّذُ الْوَاحِدَ وَيُتْرِكُ الْآخَرَ. 41- ائْتِنَانِ تَطْحَنَانِ عَلَى الرَّحَى، تُؤَخِّذُ الْوَاحِدَةَ وَتُتْرِكُ الْآخَرَى».

حضرت عیسی (ع) در خصوص علائم و حوادث آخر الزمان و ظهور پسر انسان (یمانی موعود) فرمودند: « ۵ مدتی بعد، هنگامی که عده‌ای در مورد معبد صحبت می‌کردند که با چه سنگ‌های مرغوب و هدایای وقف‌شده‌ای آراسته شده است، ۶ عیسی گفت: «روزهایی خواهد آمد که از آنچه اکنون در اینجا می‌بینید، سنگی بر سنگی باقی نخواهد ماند، بلکه تمامی آن‌ها فرو ریخته خواهد شد.» ۷ سپس آنان از او پرسیدند: «استاد، به ما بگو، این امور چه وقت روی خواهد داد و نشانه نزدیک شدن این‌ها چه خواهد بود؟» ۸ او گفت: «مراقب باشید که گمراه نشوید؛ زیرا بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت: «من او هستم» و «زمان مقرر نزدیک است.»

در پی ایشان مروید. ۹ به علاوه، وقتی اخبار جنگ‌ها و آشوب‌ها* را می‌شنوید، هراسان شوید؛ زیرا نخست باید این امور به وقوع بپیوندد، اما پایان بلافاصله نخواهد آمد.» ۱۰ سپس به آنان گفت: «قومی بر ضد قومی دیگر و حکومتی بر ضد حکومتی دیگر برخواهد خاست. ۱۱ زمین‌لرزه‌های عظیم به وقوع خواهد پیوست، در مناطق مختلف قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر یکی پس از دیگری روی خواهد داد و وقایع هولناک و نشانه‌های عظیم، از آسمان ظاهر خواهد شد. ... ۲۵ «همچنین، نشانه‌هایی در خورشید، ماه و ستارگان خواهد بود و بر روی زمین، ملتها به دلیل غرّش دریای خروشان راه‌گریز را نخواهند دانست و مشوّش خواهند شد. ۲۶ انسان‌ها از ترس و از تصوّر آنچه در انتظار ساکنان زمین است، از هوش خواهند رفت؛ زیرا نیروهای آسمان‌ها به لرزه در خواهد آمد. ۲۷ آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید. ۲۸ اما شما هنگام آغاز این وقایع، راست بایستید و سرهای خود را بلند کنید؛ زیرا نجات شما نزدیک است.» ... ۳۷ حضور پسر انسان درست همچون روزگار نوح خواهد بود. ۳۸ زیرا در روزهای پیش از توفان، مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند، زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا روزی که نوح وارد کشتی شد؛ ۳۹ در واقع، مردم توجه نکردند تا آن که توفان آمد و همه را برد. حضور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ۴۰ در آن زمان، از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی گرفته و دیگری به حال خود واگذاشته خواهد شد. ۴۱ از دو زن که با هم آسیاب می‌کنند، یکی گرفته و دیگری به حال خود واگذاشته خواهد شد.»

*5: تفسیر الالوسی روح المعانی ، جلد : 8 ، صفحه : 97- أخرجه الطبرانی وابن عساكر عن حذيفة بن اليمان رضى الله تعالى عنه: «لَتَقْصِدَنَّكُمْ نَارٌ هِيَ الْيَوْمَ خَامِدَةٌ فِي وَادٍ يُقَالُ : لَهُ بَرْهُوتٌ ، يَغْشَى النَّاسَ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ، تَأْكُلُ الْأَنْفُسَ وَالْأَمْوَالَ ، تَدْوُرُ الدُّنْيَا كُلُّهَا فِي ثَمَانِيَةِ أَيَّامٍ ، تَطِيرُ كَطَيْرِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ ، حَرُّهَا بِاللَّيْلِ أَشَدُّ مِنْ حَرِّهَا بِالنَّهَارِ ، وَلَهَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ الرَّعْدِ الْقَاصِفِ ، هِيَ مِنْ رُءُوسِ الْخَلَائِقِ بِالنَّهَارِ أَدْنَى مِنَ الْعَرْشِ. قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَسَلِمَةٌ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ؟ قَالَ : وَآيْنَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ؟ يَوْمَئِذٍ هُمْ شَرٌّ مِنَ الْحُمْرِ ، يَتَسَافَدُونَ كَمَا تَسَافَدُ الْبَهَائِمُ ، وَلَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ ، يَقُولُ : مَهْ مَهْ .»

شهاب الدین الألوسی و متقی هندی در کتاب «تفسیر روح المعانی و کنز العمال» در روایتی از حذیفه بن الیمان، آورده اند که پیغمبر اسلام (ص) فرمود: «در آینده آتشی بسوی شما روی خواهد آورد که الان خاموش است از سرزمینی که آن را «برهوت» می‌نامند، در آن آتش عذاب دردناکی است که هم جانها و هم اموال مردم را پایمال می‌کند، تمام دنیا را در ظرف هشت روز دور می‌زند، و مانند پرواز ابر و باد به آسمان پرواز می‌کند. گرمی او در شب بیشتر از گرمی آن در روز است برای آن غرشی است در بین آسمان و زمین مانند غرّش رعد کوبنده، و آن به سر مردم نزدیکتر است از عرش، به آن حضرت عرض شد: یا رسول الله آیا در آن روز مؤمنین و مؤمنات از آن آتش در امانند؟ فرمود: مؤمنین و مؤمنات در آن روز کجا هستند؟! مردمان آن روز از حیوانات وحشی شرورترند، مانند بهائم دور هم جمع می‌شوند و مانند جهیدن بهائم بر یکدیگر، بر روی همدیگر می‌جهند و یک مرد در میان آنها پیدا نمی‌شود که بگوید بس است، بس است».

*6: إلزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب (عليه السلام)؛ ج 2؛ ص 148: خطب علي عليه السلام في البصرة المعروفة بخطبة البيان في علامات الظهور النسخة الأولى: في نسخة حدثنا محمد بن أحمد الأنباري قال: حدثنا محمد بن أحمد الجرجاني قاضي الري قال: حدثنا طوق بن مالك عن أبيه عن جده عن عبد الله بن مسعود رفعه إلى علي بن أبي طالب عليه السلام: لما تولى الخلافة بعد الثلاثة أتى إلى البصرة فرقى جامعها و خطب الناس خطبةً تذهل منها العقول و تقشعر منها الجلود، قال الراوي: **« فقامت إليه أشراف العراق و قالوا له: يا مولانا يا أمير المؤمنين نفديك بالآباء و الامهات بين لنا كيف تقوم الساعة و أخبرنا بدلالاتها و علاماتها؟ فقال عليه السلام: من علامات الساعة يظهر صائح في السماء و نجم في السماء له ذنب في ناحية المغرب و يظهر كوكبان في السماء في المشرق ثم يظهر خيط أبيض في وسط السماء و ينزل من السماء عمود من نور ثم ينخسف القمر ثم تطلع الشمس من المغرب فيحرق حرها شجر البراري و الجبال ثم تظهر من السماء فتحرق أعداء آل محمد حتى تشوى وجوههم و أبدانهم ثم يظهر كف بلا زند و فيها قلم يكتب في الهواء و الناس يسمعون صرير القلم و هو يقول: و اقترب الوعد الحق فإذا هي شاخصة أبصار الذين كفروا، فتخرج يومئذ الشمس و القمر و هما منكسفتا النور فتأخذ الناس الصيحة، التاجر في بيعه و المسافر في متاعه و الثوب في مسداته و المرأة في غزلها و**

إِذَا كَانَ الرَّجُلُ بَيْدَهُ طَعَامٌ فَلَا يَقْدِرُ بِأَكْلِهِ، وَ يَطْلُعُ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ هُمَا أَسْوَدَا اللَّوْنِ وَ قَدْ وَقَعَا فِي زَوَالِ خَوْفَا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُمَا يَقُولَانِ: إِلَهِنَا وَ خَالِقُنَا وَ سَيِّدُنَا لَا تَعَذِّبْنَا بِعَذَابِ عِبَادِكَ الْمَشْرِكِينَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ طَاعَتَنَا وَ الْجِهْدَ فِيْنَا وَ سَرَعَتَنَا لِمَضَى أَمْرِكَ وَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: صَدَقْتُمَا وَ لَكِنِّي قَضَيْتُ فِي نَفْسِي أَنِّي أَبْدَأُ وَ أَعِيدُ وَ أَنِّي خَلَقْتُكُمَا مِنْ نُورِ عِزَّتِي فَيَرْجِعَانِ إِلَيْهِ فَيَبْرِقُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَرْقَةً تَكَادُ تَخْطِفُ الْأَبْصَارَ وَ يَخْتَلِطَانِ بِنُورِ الْعَرْشِ فَيَنْفِخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، ثُمَّ يَنْفِخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.»

عبدالله بن مسعود - به اسنادی که در متن خطبه البیان ذکر شده - گوید: زمانی که امیرالمومنین امر خلافت را عهده دار گردید، پس از سه روز به بصره آمد و به مسجد جامع مسجد شرفیاب شده برفراز منبر قرار گرفت و سخنانی ایراد فرمود که عقول را به شگفتی و بدنها به لرزه افکند. مردم چون این سخنان را از حضرتش بشنیدند بسیار گریستند و صداها را به فریاد و ناله و شیون بلند کردند. راوی گوید: « اشراف عراق به پا خواسته عرضه داشتند: ای امیر مومنان! پدران و مادرانمان به فدایت، برای ما بیان فرما که چگونه حادثه بزرگ (الساعة) بر پا می شود و خبر ده ما را به نشانها و علائم آن. حضرت در پاسخ درخواستشان فرمود: فریاد کننده ای در آسمان رخ می نمایاند. ستاره ای دنباله دار در جانب مغرب و دو ستاره در مشرق بسان ریسمان سپیدی که از آن عمود نوری متصاعد است ظاهر می گردند. پس از آن خسوف می شود و آفتاب از جانب مغرب سر می زند که حرارتش درختان بیابانها و کوه ها را می سوزاند. آن گاه آتشی از آسمان فرو ریزد که دشمنان آل محمد را بسوزاند آن گونه که چهره ها و بدنهایشان را بریان کند. کف دستی بدون مچ در فضا پدید آید که قلمی بدست دارد. در آسمان چیزی می نویسد که مردم صدای نوشتنش را به گوش جان می شنوند که: زمان وعده حق فرا رسید. چشمان آنان که کافر شدند از فرط تعجب به یک نقطه ثابت می ماند. در آن روز آفتاب و ماه چون روزهای قبل بیرون آیند، اما فروغ از آنها گرفته شده باشد. آن گاه صیحه ای مردم را فرو گیرد در حالی که تاجر مشغول خرید و فروش و مسافر در میان

متاع خود باشد. جامه در جایگاه خود باشد و زن به رسیدن یا نساجی خود سرگرم. زمانی که مرد لقمه به دست مبهوت ماند و توانایی خوردنش را نداشته باشد. آفتاب و ماه در آیند در حالی که سیاه رنگ باشند. در آن حالت زوال واقع شود (یا متزلزل و لرزان باشند). از ترس خدای تعالی مردم در آن حال گویند: ای خدای ما و ای آفریننده و آقای ما! ما را به گناه بندگان مشرکت عذاب مکن. تو می دانی فرمانبرداری ما را و کوشش و شتابی که برای امتثال اوامر تو در ما موجود است. تو چه بسیار که بر امور نهانی احاطه و آگاهی داری. خدای تعالی در این هنگام به آنان گوید: راست می گوئید، لیکن من در نزد خود حکم کرده ام که شما را برگردانده خلقتی جدید کنم. به درستی که من شما را از نور عزت خود آفریده ام. پس آفتاب و ماه به سوی او بر می گردند. از هر یک از آنها برقی که با نور عرش در آمیخته جستن کند آن گونه که چشمها خیره کند. آن گاه در صور دمیده شود و هر که در آسمانها و زمین است از آن بی هوش گردد، مگر آنانی را که خداوند بخواهد. دیگر بار در صور نفخه دیگری دمیده شود و مردگان بر پا خیزند. انا لله و انا اليه راجعون.»

*7: رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي، اصحاح: 21.20 : 1 **وَرَأَيْتُ مَلَكَآ نَازِلًا مِّنَ السَّمَآءِ مَعَهُ مِفْتَاحُ الْهَآوِيَةِ، وَسِلْسِلَةٌ عَظِيمَةٌ عَلَي يَدِهِ. 2 فَقَبَضَ عَلَي التَّنِينِ، الْحَيَّةِ الْقَدِيمَةِ، الَّذِي هُوَ اِبْلِيسُ وَالشَّيْطَانُ، وَقَيَّدَهُ اَلْفَ سَنَةً، 3 وَطَرَحَهُ فِي الْهَآوِيَةِ وَاغْلَقَ عَلَيْهِ، وَخَتَمَ عَلَيْهِ لِكَي لَا يُضِلَّ الْاُمَمَ فِي مَا بَعْدُ، حَتَّى تَتِمَّ الْاَلْفُ السَّنَةِ. وَبَعْدَ ذَلِكَ لَا بَدَّ اَنْ يُحَلَّ زَمَانًا يَسِيرًا.**

آنگاه دیدم که فرشته‌ای از آسمان پایین می‌آید و در دستش کلید چاه بی‌انتها* و زنجیری بزرگ است. ۲ او اژدها، یعنی همان مار کهن را که ابلیس و شیطان است گرفته، در بند کشید تا به مدت ۱۰۰۰ سال در بند بماند، ۳ او را در چاه بی‌انتها* انداخت و در را به رویش قفل کرد و مهر و موم نمود تا قوما را تا پایان آن ۱۰۰۰ سال، دیگر گمراه نکند. پس از آن باید برای مدتی کوتاه آزاد شود.

4 وَرَأَيْتُ عُرُوشًا فَجَلَسُوا عَلَيْهَا، وَأَعْطُوا حُكْمًا. وَرَأَيْتُ نَفُوسَ الَّذِينَ قُتِلُوا مِنْ أَجْلِ شَهَادَةِ يَسُوعَ وَمِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَالَّذِينَ لَمْ يَسْجُدُوا لِلْوَحْشِ وَلَا لَصُورَتِهِ، وَلَمْ يَقْبَلُوا السِّمَّةَ عَلَى جَبَاهِهِمْ وَعَلَى أَيْدِيهِمْ، فَعَاشُوا وَمَلَكَوا مَعَ الْمَسِيحِ أَلْفَ سَنَةٍ. 5 وَأَمَّا بَقِيَّةُ الْأَمْوَاتِ فَلَمْ تَعِشْ حَتَّى تَمِّمَ الْأَلْفُ السَّنَةَ. هَذِهِ هِيَ الْقِيَامَةُ الْأُولَى. 6 مَبَارَكٌ وَمُقَدَّسٌ مَنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي الْقِيَامَةِ الْأُولَى. هُوَ لَا لَيْسَ لِلْمَوْتِ الثَّانِي سُلْطَانٌ عَلَيْهِمْ؛ بَلْ سَيَكُونُونَ كَهَنَةً لِلَّهِ وَالْمَسِيحِ، وَسَيَمْلِكُونَ مَعَهُ أَلْفَ سَنَةٍ.

۴ تخت‌هایی دیدم که کسانی بر آنها نشسته بودند و اقتدار داوری به ایشان داده شد. آری، کسانی را دیدم که به خاطر شهادت دادن در مورد عیسی و سخن گفتن در مورد خدا اعدام شده بودند. آنان وحش و مجسمه آن را پرستش نکرده بودند و آن علامت را بر پیشانی و دستشان نداشتند. ایشان زنده شدند و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با مسیح سلطنت کردند. ۵ (بقیه مردگان، تا پایان آن ۱۰۰۰ سال زنده نشدند.) این رستاخیز اول است. ۶ خوشحال و مقدسند کسانی که در رستاخیز اول سهمی دارند؛ مرگ دوم بر آنان هیچ اقتداری ندارد، بلکه کاهنان خدا و کاهنان مسیح خواهند بود و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با او سلطنت خواهند کرد.

7 ثُمَّ مَتَى تَمَّتِ الْأَلْفُ السَّنَةُ يَحِلُّ الشَّيْطَانُ مِنْ سِجْنِهِ، 8 وَيَخْرُجُ لِيُضِلَّ الْأُمَّمَ الَّذِينَ فِي أَرْبَعِ زَوَايَا الْأَرْضِ: جُوجَ وَمَاجُوجَ، لِيَجْمَعَهُمْ لِلْحَرْبِ، الَّذِينَ عَدَدُهُمْ مِثْلُ رَمْلِ الْبَحْرِ. 9 فَصَعِدُوا عَلَى عَرْضِ الْأَرْضِ، وَأَحَاطُوا بِمَعَسِكَرِ الْقَدِيسِينَ وَبِالْمَدِينَةِ الْمَحْبُوبَةِ، فَنَزَلَتْ نَارٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ وَأَكَلَتْهُمْ. 10 وَإِبْلِيسُ الَّذِي كَانَ يُضِلُّهُمْ طُرِحَ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ وَالْكَبْرِيتِ، حَيْثُ الْوَحْشُ وَالنَّبِيُّ الْكَذَّابُ. وَسَيُعَذَّبُونَ نَهَارًا وَلَيْلًا إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

۷ به محض پایان یافتن آن ۱۰۰۰ سال، شیطان از زندانش رها خواهد شد ۸ و بیرون خواهد آمد تا قوم‌های چهار گوشه زمین را گمراه کرده، آنان را برای جنگ گرد هم آورد، آری جوج و ماجوج. شمار آنان مانند شن‌های دریاست. ۹ آنان بر تمام زمین پیش رفته، خیمه‌گاه مقدسان

و آن شهر محبوب را محاصره کردند. اما آتش از آسمان آمد و آنان را بلعید ۱۰ و ابلیس که آنان را گمراه می کرد به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که هم وحش و هم پیامبر دروغین بودند. اینان شب و روز، همیشه و تا ابد عذاب خواهند دید.

11 ثُمَّ رَأَيْتُ عَرْشًا عَظِيمًا أَبْيَضَ، وَالْجَالِسَ عَلَيْهِ، الَّذِي مِنْ وَجْهِهِ هَرَبَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَلَمْ يُوَجَدْ لَهُمَا مَوْضِعٌ! **12** وَرَأَيْتُ الْأَمْوَاتَ صِغَارًا وَكِبَارًا وَأَقْفِينَ أَمَامَ اللَّهِ، وَأَنْفَتَحَتْ أَسْفَارُ، وَأَنْفَتَحَ سِفْرٌ آخَرٌ هُوَ سِفْرُ الْحَيَاةِ، وَدِينَ الْأَمْوَاتِ مِمَّا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي الْأَسْفَارِ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِمْ. **13** وَسَلَّمَ الْبَحْرُ الْأَمْوَاتَ الَّذِينَ فِيهِ، وَسَلَّمَ الْمَوْتُ وَالْهَائِيَةَ الْأَمْوَاتَ الَّذِينَ فِيهِمَا. وَدِينُوا كُلُّ وَاحِدٍ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِ. **14** وَطُرِحَ الْمَوْتُ وَالْهَائِيَةُ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ. هَذَا هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي. **15** وَكُلُّ مَنْ لَمْ يُوَجَدْ مَكْتُوبًا فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ طُرِحَ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ.

۱۱ آنگاه تختی بزرگ و سفید دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. زمین و آسمان از برابر او گریختند و جایی برایشان یافت نشد. ۱۲ مردگان را دیدم که کوچک و بزرگ در پیشگاه تخت ایستاده بودند و دفترهایی* باز شد. دفتری دیگر نیز باز شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب آنچه در دفترها نوشته شده بود، مطابق اعمالشان داوری شدند. ۱۳ آنگاه دریا مردگانی را که در آن بودند، پس داد و مرگ و گور،* مردگانی را که در آنها بودند، پس دادند و هر یک مطابق اعمالش داوری شد. ۱۴ سپس مرگ و گور* به دریاچه آتش افکنده شد. این است مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. ۱۵ به علاوه، هر که در دفتر حیات یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده شد.

اصحاح 21: 1 ثُمَّ رَأَيْتُ سَمَاءً جَدِيدَةً وَأَرْضًا جَدِيدَةً، لِأَنَّ السَّمَاءَ الْأُولَى وَالْأَرْضَ الْأُولَى مَضَتَا، وَالْبَحْرُ لَا يُوَجَدُ فِي مَا بَعْدُ. **2** وَأَنَا يُوحَنَّا رَأَيْتُ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ أُورُشَلِيمَ الْجَدِيدَةَ نَازِلَةً مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُهَيَّأَةً كَعُرُوسٍ مُزَيَّنَةٍ لِرَجُلِهَا. **3** وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: «هُوَذَا مَسْكَنُ اللَّهِ مَعَ النَّاسِ، وَهُوَ سَيَسْكُنُ مَعَهُمْ، وَهُمْ يَكُونُونَ لَهُ شَعْبًا، وَاللَّهُ نَفْسُهُ يَكُونُ مَعَهُمْ

إِلَيْهَا لَهُمْ. 4 وَسَيَمْسَحُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عَيْونِهِمْ، وَالْمَوْتُ لَا يَكُونُ فِي مَا بَعْدُ، وَلَا يَكُونُ حُزْنٌ وَلَا صُرَاخٌ وَلَا وَجَعٌ فِي مَا بَعْدُ، لِأَنَّ الْأُمُورَ الْأُولَى قَدْ مَضَتْ.»

آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم؛ زیرا آسمان پیشین و زمین پیشین از میان رفته بود. دریا نیز دیگر وجود ندارد. ۲ من یوحنا هستم که شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم شهری که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد، و به آراستگی عروسی بود که برای دامادش آماده شده باشد. ۳ آنگاه صدایی بلند از تخت شنیدم که گفت: «نگاه کن! خیمه خدا با انسان‌هاست. او با آنان ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با آنان خواهد بود. ۴ خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد. دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد نیز وجود نخواهد داشت. چیزهای گذشته سپری شده است.»

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

صادق شکاری

28 / سؤال / 1438

ضمیمہ (1): عذاب الہی در کلام سید احمد الحسن (ع)



*1: إضاعات من دعوات المرسلين ج 2 ابواب (إضاعة من أسباب العذاب) و (إضاعة من مقدمات العذاب) 26 صفر 1425 هـ. ق - كتب السيد احمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع): « العذاب الإلهي لأمّة ما في زمن ما أمر عظيم لا يكون إلا بعد أن تذهب الأمّة بالانحراف العقائدي والتشريعي بعيداً، وينكس معظم أبنائها ويمسون يرون المقاييس مقلوبة، (يرون المنكر معروفاً والمعروف منكراً)، وبعد أن يرسل رسول يبين للناس الانحراف والباطل الذي تواضعوا على قبوله والعمل به، ثم يكذب أبناء الأمّة الرسول ويعرضوا عنه لا مباليين أو مستهزئين. إذن فأسباب العذاب هي الانحراف والفساد، إضافة إلى رفض أي محاولة إصلاح لهذا الانحراف وتكذيب رسل الله سبحانه وتعالى. ... إذا تمت أسباب العذاب، وكذب الرسول واستهزأ به القوم وخصوصاً علماء السوء ومقلديهم العميان، بدأت مرحلة جديدة وهي مقدمات العذاب، وهي كمقدمات العاصفة الهوجاء التي تبدأ بنسيم طيب يركن إليه الجاهل ويظن انه سيدوم، ولكن بعد لحظات تصل الريح العاصف التي تدمر كل شيء بإذن ربها، (فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ) الانعام 44 ».

سید احمد الحسن (ع) در کتاب إضاعات من دعوات المرسلين جلد 2 باب های (إضاعة من أسباب العذاب) و (إضاعة من مقدمات العذاب)، بطور خلاصه چنین فرمودند: « عذاب الہی

برای هر امتی و در هر زمانی، رخداده بزرگی است که فقط پس از این اینکه امت به سوی انحرافات عمیق عقایدی و تشریحی رفته باشند، واقع می‌گردند؛ هنگامی که بیشترشان وارونه شده، مقیاس‌ها را وارونه می‌بینند (منکر را معروف و معروف را منکر می‌بینند). همچنین پس از این رخ می‌دهد که فرستاده‌ای، فرستاده می‌شود تا برای مردم انحراف و باطلی را که پذیرفته‌اند و به آن عمل می‌کردند، بیان کند و سپس اعضای این جامعه، فرستاده را تکذیب می‌کنند، از او روی گردان می‌شوند و به او اعتنایی نمی‌کنند یا به مسخره کردن و استهزا روی می‌آورند. بنابراین، علت وقوع عذاب، انحراف و فساد، مضاف بر نپذیرفتن هر گونه تلاشی برای اصلاح این انحراف، و تکذیب فرستادگان خداوند سبحان و متعال می‌باشد. ... هنگامی که دلایل و موجبات عذاب کامل و فرستاده تکذیب شد و مردم -مخصوصاً علمای بی‌عمل و مقلدان کوردل‌شان- او را به مسخره گرفتند، مرحله‌ی جدیدی آغاز می‌شود؛ مقدمات عذاب؛ درست مانند مقدمات طوفان سهمگینی که ابتدا با نسیم خوش‌آیندی که نادان به آن تکیه می‌کند و گمان می‌کند استمرار دارد، آغاز می‌شود، ولی پس از لحظاتی به تند بادی تبدیل می‌شود که با اجازه‌ی پروردگارش همه چیزها را از زیر و رو می‌کند. (فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * در ب هر چیزی را به رویشان گشودیم تا از آنچه یافته بودند شادمان گشتند، پس به ناگاه فرو گرفتیمشان و همگان نومید گردیدند) .»

*2: الجواب المنير ج 1 سوال/15؛ 25 / ربيع الأول / 1426 هـ ق کتب سيد احمد الحسن (ع) في الجواب Reta Jorj :-

« قال تعالى (فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ *يَغْشى النَّاسَ هذا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى لَهُمُ الذُّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ) وهذا الدخان عذاب والعذاب يسبق برسالة قال تعالى (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) (الإسراء 15). وأيضاً هذا الدخان أو العذاب هو عقوبة على تكذيب رسول أرسل للمعذبين وهو بين أظهرهم كما هو واضح من الآيات (ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ) وأيضاً هذا الدخان أو العذاب مقارن للقيامة الصغرى بل هو البطشة الصغرى كما هو واضح في الآية فليس بعده إلا البطشة الكبرى والانتقام من الظالمين . إذن فالدخان من علامات قيام القائم

وهذا ورد عن الأئمة (ع) وهو مقترن برسول بل هو بسبب تكذيب أهل الأرض لهذا الرسول فهو عقوبه لهم (أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ) فمن هو هذا الرسول؟ ومن مرسل هذا الرسول؟».

سید احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنیر جلد 1 سوال 15 در جواب Reta Jorj - زن مسیحی نوشتند: « گفته خداوند تعالی چنین است: (ای رسول منتظر روزی باش که در آسمان دودی آشکار پدید آید آن دود آسمانی که عذابی دردناک است مردم را احاطه کند (و کافران فریاد برآرند که) پروردگارا! این عذاب را از ما برطرف ساز که البته ما ایمان می آوریم. چگونه و از کجا متذکر می شوند و ایمان می آورند در صورتی که فرستاده ای آشکار با دلایلی روشن به سویشان آمد (ولی ایمان نیاوردند) * پس ، از او روی گرداندند و گفتند او تعلیم یافته ای دیوانه است * ما عذاب را برای مدت اندکی بر می داریم شما باز به کفر خود بر می گردید * ای رسول! منتظر آن روز بزرگی باش که ما آنها را به عذاب سخت بگیریم که البته ما از آنها انتقام خواهیم گرفت). این دخان (دود) عذاب است و آن عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده ای است: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا * ما گناهکاران را عذاب نمی دهیم تا اینکه فرستاده ای را در بین آنان بفرستیم)، و نیز این دود یا عذاب ، مجازات تکذیب فرستاده ای است که برای آنها فرستاده شده است و آن فرستاده در میان آنان است همان طوریکه آیات بوضوح این را بیان می کند: (ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ * سپس از او اعراض کردند و گفتند که او تعلیم یافته ای دیوانه است)، و نیز این دود یا عذاب ، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می کند همان طوریکه عذاب ، قوم یونس یا یونان را در برگرفت و این دود (عذاب) همزمان با قیامت صغری است. همانطوری که در این آیه به وضوح دیده می شود پس دخان (دود) از نشانه های قیام حضرت مهدی است این را ائمه ف بیان کرده اند و عذاب همزمان است با آمدن فرستاده ای بسوی آنها از جانب امام مهدی و این عذاب به سبب اینکه ساکنان زمین آن فرستاده را تکذیب کردند جهت مجازات آنها نازل می شود: (أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَ قَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * چگونه و از کجا متذکر شده و ایمان می آورند در

حاليکه فرستاده ای آشکار به سوی آنها آمد، پس این رسول کیست؟ فرستنده این رسول کیست؟».

***3: المتشابهات (الجزء الثاني) سؤال / 52: كتب السيد احمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع): «أَنَّ اللَّهَ سبحانه يُرسل العذاب على الأمة إذا أعرضت عن ولي الله وخليفته في أرضه، ثم إنَّ هذا العذاب ينزل بهم إذا استمروا على فسقهم وتمردهم على الأوامر الإلهية المبلغة لهم. وربما يُرسل العذاب وينزل بهم مباشرة إذا حقت عليهم الكلمة بعد أن ظلموا ولي الله وفسقوا عن أمر الله سبحانه.»**

سید احمد الحسن (ع) در کتاب متشابهات جلد 3 سوال 52 نوشتند: « خدای تبارک و تعالی در صورتی بر یک امت عذاب را ارسال می کند که با ولی او و خلیفه اش بر روی زمین مخالفت کنند . سپس این عذاب بر آنها نازل می شود اگر بر فسق و تمردشان بر اوامر الهی که به آنها ابلاغ شده ادامه دهند و چه بسا عذاب ارسال شده مستقیماً بر آنها نازل شود اگر مستحق آن شوند بعد از اینکه به ولی خدا ظلم کرده و در او امر خدای تبارک و تعالی فسوق کنند.»

***4: المتشابهات (الجزء الثالث) سؤال / 85: كتب السيد احمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع): « سنة الله سبحانه وتعالى أن تستبطن المعجزة المادية العذاب، فبمجرد التكذيب بها ينزل العذاب، بل إنَّ سنة الله سبحانه وتعالى أن ينزل العذاب بالأمم التي تُكذب الرسل، بعد أن يستفرغ الرسول كل وسائل التبليغ والهداية معهم، كما هو حال نوح وهود (ع)، فلم تكن معجزتهم إلا العذاب الذي أهلك الأمم التي كذبتهم. ولكن هناك سبيلان لدفع هذا العذاب:**

الأول: وهو دعاء الرسول وطلبه من الله سبحانه وتعالى أن يرفع العذاب عن الأمة التي كُلف بتبليغها وهدايتها، وهذا الأمر يكلف الرسول مشقةً وعناءً عظيماً؛ لأنه يعنى تحمل المزيد من التكذيب والسخرية والإمتهان التي يلاقيها عادةً الرسول من أمتة المكذبة له، وهذا الدعاء الذي يرفع العذاب عن الأمة المتمردة لم يحصل إلا من رسول الله محمد (ص)، (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ)، أي وأنت تدعو لرفع العذاب عنهم.

أما الأمر الثاني الذي يرفع العذاب فهو: التوبة والاستغفار من قبل الأمة، وهذا الأمر أيضاً لم يحصل إلا من قوم يونس حيث تابوا واستغفروا الله بعد أن أظلمهم العذاب، (فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ)، ورفع عنهم العذاب بعد أن ضجوا بالتوبة والاستغفار إلى الله سبحانه وتعالى: (وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) .

سید احمد الحسن (ع) در کتاب متشابهات جلد 3 سوال 85 نوشتند: « سنت خدای تبارک و تعالی این است که همیشه معجزه مادی با عذاب همراه است، پس به مجرد اینکه معجزه تکذیب شود عذاب نازل می شود، بلکه سنت خداوند سبحان نزول عذاب بر امتیهای است که صاحبان رسالت‌های الهی را تکذیب می کنند که آن هم بعد از این است که رسول از کلیه وسایل تبلیغ و هدایت آنها خالی شود همانند حال نوح و هود ، که معجزه های آنها چیزی نبود جز عذابی که امتیهای را که آنها را تکذیب کردند هلاک کرد و لیکن در آنجا دو راه برای دفع این عذاب وجود دارد:

اول: دعای آن رسول و طلب او از خداند سبحان در رفع عذاب از امتی که به تبلیغ و هدایت آنها موظف شده بود و این امر رسول را متحمل مشقت و سختی بسیاری می کند، برای اینکه این امر به معنی تحمل بیشتر تکذیب و تمسخر است که معمولاً رسول از امتی که او را تکذیب کرده اند با آن روبرو می شوند و این دعایی که باعث رفع عذاب از امت متمرّد می شود این اتفاق نیفتاد مگر از جانب رسول الله محمد [که دعا نمود عذاب از امت اسلام رفع شود]: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ * یعنی تو دعا کنی برای رفع عذاب از امت).

و اما امر دوم: چیزی که باعث رفع عذاب می شود: توبه و استغفار از جانب امت است و البته این امر حاصل نشد مگر برای قوم حضرت یونس وقتی توبه کردند و از خداوند طلب استغفار کردند بعد از اینکه نزدیکی عذاب و وقوع علایم آن باعث ذلت آنها شد: (هیچ شهری نبوده است که [اهلش] ایمان بیاورد تا ایمانشان به آنان سوددهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان

آوردند ، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و آنان را تا پایان عمرشان برخوردار نمودیم^{۱۴۵} . پس عذاب را از آنها دفع کرد بعد از اینکه ضجه کنان توبه کردند و از خدای سبحان طلب استغفار کردند. (وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * و تا ایشان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود) .»

*5: خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية - 8 / ربيع الثاني / 1426 هـ . ق. ۱۳۸۴ هـ . ش - قال السيد احمد الحسن وصی ورسول الإمام المهدي (ع): « يامن تتخاذلون عن نصره الإمام المهدي (ع) هل تنتظرون إلا الاصطفاف مع السفیانی (لع) وارث یزید ابن معاویة (لع) بعد اصطفافکم مع الدجال الأكبر (آمریکا) إِذَا فابشروا بنار وقودها (النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ). ... وَإِذَا كَانَ قَرَارُكُمْ هُوَ خِذْلَانِ الْحُسَيْنِ فِي هَذَا الزَّمَانِ ، وَإِذَا اخْتَرْتُمْ ظَلَمَ أَنْفُسَكُمْ فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ وَأَنْذَرُكُمْ عَذَابَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَلَا عِذْرَ لَكُمْ وَلَا عَازِرَ . وَأَنَا وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْأَنَا لِنِ ادْعُو بِتَعْجِيلِ الْعَذَابِ وَنَزُولِهِ بِكُمْ وَإِنْ كُنْتَ أَرَاهُ قَدْ أَظْلَمَ ، وَسَأَصْبِرُ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ أَلْفَ عَامٍ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ، وَلَنْ أَشْكُوكُمْ إِلَى اللَّهِ بَلْ سَيْشْكُوكُمْ جَدِي رَسُولَ اللَّهِ (ص) لِأَنَّهُ وَصَى بِي وَذَكَرَ اسْمِي وَنَسَبِي وَصَفْتِي وَسَيْشْكُوكُمْ آبَائِي الْأَئِمَّةَ (ع) لِأَنَّهُمْ ذَكَرُونِي بِاسْمِي وَنَسَبِي وَصَفْتِي وَمَسْكَنِي ، وَسَتَشْكُوكُمْ دِمَاءَ الْحُسَيْنِ الَّتِي سَأَلْتَ فِي كَرْبَلَاءَ لِلَّهِ وَلَا أَجَلَ أَبِي (ع) وَلَا أَجَلَ . وَسَيْشْكُوكُمْ أَشْعِيَا وَارْمِيَا وَدَانِيَا وَعَيْسِي وَيُوحَنَّا الْبَرْبَرِي لِأَنَّهُمْ بَيْنُوا أَمْرِي لِأَهْلِ الْأَرْضِ قَبْلَ سِنِينَ طَوِيلَةً ، وَسَتَشْكُوكُمْ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالْقُرْآنَ الَّتِي ذَكَرْتَ فِيهَا كُلَّ هَذَا وَتَخْذَلُونَنِي . أَرِيدُ حَيَاتِكُمْ وَأَرِيدُ نَجَاتِكُمْ فَأَعِينُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ .»

سید احمد الحسن (ع) در خطبه خطاب به طلبه های حوزه های علمیه فرمودند: « ای کسانی که از یاری امام (ع) شانه خالی می کنید، آیا منتظر پیوستن به سپاه سفیانی (لع) وارث یزید ابن معاویه (لع) بعد از پیوستن به دجال بزرگ (آمریکا لع) هستید؟ پس شما را به آتش جهنم

بشارت باد، که هیزم آن: (... النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ * ... مردم و سنگ هائی هستند، که برای کافران مهیا شده). ... و اگر نیت شما این است که با امام حسین (ع) در این زمان پیمان شکنی کنید، و اگر ظلم به خود را برگزینید به شما هشدار می دهم و شما را بر حذر می دارم از عذاب خداوند سبحان و تعالی در دنیا و آخرت، و هیچ عذر و بهانه ای برای شما باقی نخواهد ماند. و من، و از شر منیت به خدا پناه می برم، برای زود فرا رسیدن عذاب و نازل شدن آن دعا نمی کنم، هر چند که عذاب را می بینم که به شما نزدیک شده و بر شما سایه افکنده است، و صبر خواهم کرد، حتی اگر خداوند هزار سال هم بخواهد، تا اینکه وقت امری که انجام شدنی است، فرا رسد؛ و از شما نزد خداوند متعال شکایت نمی کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا خواهد کرد، زیرا که او به من وصیت کرده و نام و نسبم و صفاتم را ذکر کرده است. و شکایت شما را پدران آئمه ی من خواهند کرد، زیرا که آنها اسم و نسب و صفات و مسکن من را، ذکر نمودند. و خون حسین (ع) که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم (ع) و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و حضرت اشعیا و ارمیا و دانیال و عیسی و یوحنا ی بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا سالهای طولانی پیش برای همه ی مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده ام شما را شکایت خواهند کرد. با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می کنید و مرا یاری نمی دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید.».

*6: الجواب المنیر ج 2 السؤال / 111: کتب سید احمد الحسن (ع) فی الجواب ؛ شیما حسن علی: « **فهم اليوم علموا بأنفسهم غب ما سنوا واحتلبوا طلاع القعب دماً عیباً. فهل هذا الحال الذی أنتم فیہ عذاب من الله سبحانه أم لا؟! فی قرارة أنفسکم تقرّون أنه عذاب من الله، ولكن تخافون أن تقرّوا بألسنتکم لتلا یقال لکم فهذا أحمد الحسن مرسل من الإمام المهدی (ع)، وهذه رسالة إلهیة، والله یقول: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) ».**

سید احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنیر ج 2 سوال 111 در جواب شیما حسن علی نوشتند: « و امروز، آنها به عاقبت آنچه بنیان نهادند نزدیک شده اند و قدح بزرگ خونهای

پایمال شده را دوشیدند. آیا این وضعیتی که شما امروز در آن گرفتار شدید، عذابی از جانب خداوند نیست؟! در خلوت خود می‌گویید که عذابی الهی است ولی می‌ترسید به زبان اقرار کنید تا مبادا به شما بگویند که این احمد الحسن، فرستاده شده از سوی امام مهدی (ع) و این رسالت، رسالتی الهی است در حالی که خداوند می‌فرماید: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا * و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌دهیم مگر اینکه فرستاده‌ای بر آنها مبعوث کنیم)».

*7: الجواب المنير ج 3 السؤال / 442: كتب سيد احمد الحسن (ع) في الجواب ؛ عزام العبيدي - المنتصر باليماني: « **أَمَّا الدخان؛ فهو إشارة للعذاب، أي العذاب المرافق لدعوة الحق كما رافق كل الدعوات الإلهية السابقة ونزل بالأمم المتمردة، ولكن هذه المرة سيشمل كل أهل الأرض إن عارضوا أمر الله؛ لأن الدعوة وصلت لهم وموجهة إليهم بأجمعهم أسأل الله أن ينجي المؤمنين بفضلته سبحانه** ».

سيد احمد الحسن (ع) در کتاب جواب المنير ج 3 سوال 244 در جواب عزام العبيدي نوشتند: « اما دود (در روایات) نشانه ای است برای عذاب، عذابی که همراه با دعوت حق می‌آید همانگونه که به همراه تمام دعوت های الهی سابق بوده است و سببی بوده است برای نزول عذاب بامتهای متمرّد از دعوتگران الهی و لكن اگر اينبار امر خداوند بر عذاب متمردين قرار گیرد شامل تمام اهل زمین خواهد شد بخاطر اینکه اينبار دعوت الهی همگانی است و به همه اهل زمین رسید، از خداوند سبحان می‌خواهم که به فضلش مومنين را نجات دهد ».

*8: المتشابهات (الجزء الرابع) سؤال / 164: كتب السيد احمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع): « (**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ * وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ * وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ * الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ * فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِغٌ صَادٍ)** ، أي إِنَّ (روح المهدي الأول) هي من جند الله، وكانت مع علي بن أبي طالب (ع) عندما أنزل جند الله من الملائكة العذاب بعاد و ثمود وفرعون، الذين طغوا في البلاد. وملائكة الله وجنود الله يأتمرون بأمر المهدي الأول، كما أنه يأتمر بأمر الإمام المهدي (ع)، حتى يصل الأمر إلى علي (ع)، وهكذا علي (ع) يأتمر بأمر

محمد (ص)، ومحمد بأمر الله. فالذی أنزل العذاب بالأمم المتمردة هو الله سبحانه وتعالى، وهو محمد (ص)، وهو علي (ع) وهو الإمام المهدي (ع) ...، وهو المهدي الأول ...، وهم ملائكة الله الذين يأترون بأمر جند الله سبحانه وتعالى.»

سید احمد الحسن (ع) در کتاب متشابهات جلد 4 سوال 164 نوشتند: « (آیا ندیدی پروردگارت با عاد چه کرد * و باغ مستحکم و استوار آنان را چگونه ویران کرد * آن باغی که مانندش هرگز در دیاری ساخته نشد * و با ثمود که در میان صخره‌ها خانه ساختند * و فرعون قوی که قصرهایش مستحکم بود؟ * آنان که در شهرها، سرکشی کردند * و فساد را در آنان گستراندند * پس پروردگارت، تازیانه عذاب را بر آنان فرستاد * همانا پروردگارت، در انتظار است) ^{۱۴۶}، یعنی روح مهدی اول از سربازان خداست و همراه علی ابن ابیطالب ع بود آن گاه که سربازان خداوند از فرشتگان عذاب را بر عاد و ثمود و فرعون فرستاد. آنان که در زمین سرکشی کردند. آری فرشتگان خدا و سربازان او از مهدی اول، فرمان می‌گیرند. همان گونه که او از امام مهدی (ع) فرمان می‌گیرد تا آن که امر به علی (ع) می‌رسد و همینطور، علی (ع) از محمد (ص) و او از خدا امر می‌گیرد. پس آن که عذاب را بر امتهای سرکش می‌فرستد، خدای سبحان و متعال است. و آن کس که عذاب را می‌فرستد، محمد (ص) است و او علی (ع) است و او امام مهدی (ع) است... و او مهدی اول... است و آنها فرشتگان خداوند که به اذن سربازان خداوند سبحان و متعال عمل می‌کنند.»

*9: بیانیه تقدیم کتاب الإفحام لمکذب رسول الإمام (ع) - / 1 ربیع الأول 1426 هـ.ق - کتب السید احمد الحسن وصی ورسول الإمام المهدي (ع): « فنحن قوم قد ظلمنا منذ أن قبض نبينا (ص) إلى يومنا هذا ، فلا يشرك نفسه مع من ظلمنا ولا يكون ممن يدعوا إلى حقنا وينكرنا ويقاثلنا ويتأول علينا. فان تنصفوني فانا وأعوذ بالله من الأنا بقیة من نوح وذخيرة من ابراهيم (ع) وقطعة من طور موسى (ع) وبشارة عيسى (ع) ونور من محمد المصطفى (ص) أبي علي المرتضى وأمي فاطمة الزهراء (ع)

ودماء الحسن والحسين (ع) تجرى فى عروقى ، أنا بقیة من آل محمد (ع) و (نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ
الْأُولَى) (النجم:56) ، أنا طالع المشرق ونجمة الصبح درع داوود (ع) ، أنا رحمة الله بالمؤمنين ونقمة
الله على الكافرين.

أرسلنى أبى الإمام محمد بن الحسن المهدي (ع) بشيراً ونذيراً بين يدي عذاب شديد ، فان
تكررونى اصبر حتى يأذن الرحمن فى أمرى وحتى يعلم الله أنى صبرت على أمرٍ أمرٌ من
الصبر كما صبر آبائى (ع) فطالما صبر أبى (ع) حتى شهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله انه
اصبر من أيوب (ع) وازهد من عيسى (ع) ، وما أغناه (ع) وأغنانى عما فى أيديكم فان له (ع)
ولى أنا العبد الفقير لرحمة ربه مقعد صدقٍ عند مليكٍ مقتدر ، وقد بعثنى لأنقذكم من النار
المستعرة فى هذه الدنيا وغداً فى القيامة ، بعد استصراخكم إياه واستغاثتكم به مساءً وصباحاً
وسيندم غداً من يساوى نفسه اليوم بآل محمد ولات حين ندم وسأقف بين يدي حكم عدل
وتقفون ونعم الحكم الله والموعد القيامة (يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً) (الفرقان: 27) .»

سید احمد الحسن (ع) در بیانیه ای که در مقدمه کتاب، فهانندن نسبت به تکذیب کننده
رسول امام (ع)، قرار داده شد نوشتند: « ما قومی هستیم که از هنگام وفات پیامبران تا به
امروز مورد ظلم و ستم قرار گرفتیم، پس کسی خود را شریک با کسانی که به ما ظلم کردند
نکند، و از جمله دعوت کنندگان به انکار ما و حقمان نباشد و با ما نجنگد و بر ما تأویل نکند.
اگر با من منصف باشید، من و پناه می‌برم به خدا از شر منیت، باقی مانده‌ی نوح و ذخیره‌ای از
ابراهیم (ع) و قطعه‌ای از طور موسی (ع) و بشارتی از حضرت عیسی (ع) و نوری از محمد
مصطفی (ص) هستم، پدرم علی مرتضی (ع) و مادرم فاطمه زهراء (س) و خون حسن و حسین
(ع) در رگ‌هایم در جریان است. من بقیه‌ای از آل محمد و (هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَى) * این
بیم دهنده‌ای از [جمله] بیم دهندگان نخستین است) هستم، من قیام‌گر مشرق و ستاره‌ی صبح
و ذره‌ی داوود (ع) هستم، من رحمت خدا بر مؤمنین و عذاب بر کافرانم.

پدرم امام محمد بن الحسن المهدی (ع) مرا هشدار دهنده و بیم دهنده‌ای که در بین دستانش عذابی شدید است فرستاده، اگر مرا انکار کنید صبر می‌کنم تا خداوند رحمان در امرم اذن دهد و تا خداوند بداند که بر امری تلخ‌تر از صبر شکبیا بودم، همان‌گونه که پدرانم (ع) صبر پیشه کردند، و همان‌گونه که پدرم (ع) صبرش بطول انجامید تا جایی که خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان بر صبر او گواهی دادند، که ایشان (ع) صبورت‌تر از ایوب (ع) و پرهیزکارتر از عیسی (ع) می‌باشد. ایشان (ع) از آنچه در دستان شماسست بینیاز است و من بواسطه ایشان بینیازم، چرا که ایشان (ع) ولی خداست و من که بنده ای فقیر برحمت خداوندم دارای جایگاهی ثابت نزد پادشاه مقتدرم. ایشان (ع) مرا فرستاد تا شما را از آتشی که امروز در این دنیا و فردا در قیامت شعله‌ور است نجات دهم، بعد از این که ایشان (ع) را شب و روز خواندید و استغاثه کردید. کسانی که امروز خود را با آل محمد یک‌سان می‌بینند فردا فرصت و مجال پشیمانی نخواهند داشت، و بزودی در بین دستان داوری عادل خواهم ایستاد و شما نیز خواهید ایستاد، و چه خوشا است حکم خداوند و میعادگاه روز قیامت: (وَيَوْمَ يَعْزُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * و روزی است که ستم‌کار دست‌های خود را می‌گزد [و] می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی بر می‌گرفتم)».

*10: بَيَانِيَةُ الْبِرَائَةِ - 13/ 6/ 1425 هـ . ق - كِتَابُ السَّيِّدِ أَحْمَدَ الْحَسَنِ وَصِيٍّ وَرَسُولِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع): «أَمَّا بَعْدَ فَيَا شَيْعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) بِحَسَبِ مَا تَدْعُونَ لَقَدْ قَامَتْ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ التَّامَةُ مِنْ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى بِي وَبَنِي الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ فَمَنْ سَارَ مَعِيَ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنِّي هَلَكٌ وَهَوَى ، وَهَذَا هُوَ الْإِنْذَارُ الْأَخِيرُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ وَمَنْ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ (ع) وَمَا بَعْدَهُ إِلَّا آيَةُ الْعَذَابِ وَالْخِزْيِ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ، وَفِي الْآخِرَةِ جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا وَبُئْسَ الْمَهَادُ لِمَنْ لَمْ يَلْتَحِقْ بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ . اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ) (النمل:62) ، وَأَنَا الْمُضْطَرُّ وَابْنُ السَّبِيلِ وَالْيَتِيمُ وَالْمَسْكِينُ فَاجْنِبْنِي بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعَطَائِكَ الْإِبْتِدَاءِ يَا مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ رَبِّي اسْتَنْصِرْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّي فَانصُرْنِي إِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ أَنْتَ سُبْحَانَكَ».

سید احمد الحسن (ع) در بیانیه براءت معروف به 13 رجب 1425 هـ، ق - ۱۳۸۳ هـ.ش - که در تاریخ 13 جمادی الثانی 1425 بنگارش درآمد، نوشتند: « اما بعد شما ای شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بر اساس ادعای تشیعی که می کنید، همانا حجت رسا و کامل از سوی خداوند و به واسطه‌ی من بر شما اقامه شد، و این که من راه مستقیم به سوی بهشت‌های پر نعمت هستم، پس هر کس با من همراه شود نجات یافت، و هر کس با من مخالفت کند هلاک می گردد؛ و این آخرین هشدار از خدا و از امام مهدی (ع) می باشد، و بعد از این هشدار چیزی جز آیت عذاب و خفت و خواری در دنیا نخواهد بود، و در آخرت به جهنم واصل میشود و چه بد جایگاهی است جهنم برای کسی که به این دعوت ملحق نشود. خداوندا فرمودی: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ * کیست آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد آیا معبودی با خداست چه کم پند می پذیرید)، و من آن درمانده و در راه مانده و یتیم و مستمند هستم، پس با فضل و رحمت و بخشش ابتدائی خویش مرا اجابت کن! ای اجابت کننده‌ی دعای درماندگان. خداوندا طلب یاری و پیروزی بر دشمنانت و دشمنان خود می کنم پس یاری و پیروزم گردان! که قدرتی بدون کمک و یاری تو نیست ای خداوند منزه.»

ضمیمہ (2): ذاب الہی در مکاشفات یوحنا لاهوتی:

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 8 [مكاشفه 8: 1-13]

1 وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّابِعَ حَدَثَ سُكُوتٌ فِي السَّمَاءِ نَحْوَ نِصْفِ سَاعَةٍ. 2 وَرَأَيْتُ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ يَقِفُونَ أَمَامَ اللَّهِ، وَقَدْ أُعْطُوا سَبْعَةَ أَبْوَاقٍ. 3 وَجَاءَ مَلَاكٌ آخَرٌ وَوَقَفَ عِنْدَ الْمَذْبَحِ، وَمَعَهُ مِبخَرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَأُعْطِيَ بَخُورًا كَثِيرًا لِكَيْ يُقَدِّمَهُ مَعَ صَلَوَاتِ الْقِدِّيسِينَ جَمِيعِهِمْ عَلَى مَذْبَحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ الْعَرْشِ. 4 فَصَعِدَ دُخَانُ الْبَخُورِ مَعَ صَلَوَاتِ الْقِدِّيسِينَ مِنْ يَدِ الْمَلَائِكَةِ أَمَامَ اللَّهِ. 5 ثُمَّ أَخَذَ الْمَلَائِكَةُ الْمِبخَرَةَ وَمَلَأَهَا مِنْ نَارِ الْمَذْبَحِ وَأَلْقَاهَا إِلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرَعُودٌ وَبُرُوقٌ وَزَلْزَلَةٌ. 6 ثُمَّ إِنَّ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْأَبْوَاقُ تَهَيَّأُوا لِكَيْ يُبَوِّقُوا.

ہنگامی کہ برہ مہر ہفتم را باز کرد، حدود نیم ساعت در آسمان سکوت برقرار شد. ۲ آنگاہ دیدم کہ بہ آن ہفت فرشتہ کہ در حضور خدا می ایستند، ہفت شیپور دادہ شد. ۳ سپس فرشتہ ای دیگر کہ بخورسوزی* از طلا در دست داشت، آمد و کنار مذبح ایستاد. آنگاہ مقدار فراوانی بخور بہ او دادہ شد تا آن را با دعاہای تمام مقدّسان بر مذبح طلایی کہ در مقابل تخت بود، تقدیم کند. ۴ از دست آن فرشتہ، دود بخور ہمراہ با دعاہای مقدّسان بہ حضور خدا بالا رفت. ۵ اما آن فرشتہ بی درنگ بخورسوز را برداشت و آن را با آتش مذبح پر کرد و بہ سوی زمین انداخت. آنگاہ، غرّش رعدہا و صداہا برخاست و صاعقہ ہای نورانی پدید آمد و زمین لرزہای روی داد. ۶ سپس آن ہفت فرشتہ کہ ہفت شیپور داشتند، آمادہ دمیدن در آن ہا شدند.

7 فَبَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ الْأَوَّلُ، فَحَدَّثَ بَرْدٌ وَنَارٌ مَخْلُوطَانِ بَدَمٍ، وَأَلْقِيَا إِلَى الْأَرْضِ، فَاحْتَرَقَ ثُلُثُ الْأَشْجَارِ، وَاحْتَرَقَ كُلُّ عُشْبٍ أَخْضَرَ. 8 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ الثَّانِي، فَكَانَ جَبَلًا عَظِيمًا مُتَقِدًا بِالنَّارِ أَلْقَى إِلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ ثُلُثُ الْبَحْرِ دَمًا. 9 وَمَاتَ ثُلُثُ الْخَلَائِقِ الَّتِي فِي الْبَحْرِ الَّتِي لَهَا حَيَاةٌ، وَأُهْلِكَ ثُلُثُ السُّفُنِ. 10 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ الثَّلَاثُ، فَسَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ كَوْكَبٌ عَظِيمٌ مُتَقِدٌ كَمِصْبَاحٍ، وَوَقَعَ عَلَى ثُلُثِ الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ. 11 وَاسْمُ الْكَوْكَبِ يُدْعَى «الْأَفْسَنْتِينَ».

فَصَارَ ثُلُثُ الْمِيَاهِ أَفْسَنْتَيْنَا، وَمَاتَ كَثِيرُونَ مِنَ النَّاسِ مِنَ الْمِيَاهِ لِأَنَّهَا صَارَتْ مُرَّةً. 12 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ الرَّابِعُ، فَضْرِبَ ثُلُثُ الشَّمْسِ وَثُلُثُ الْقَمَرِ وَثُلُثُ النُّجُومِ، حَتَّى يُظْلِمَ ثُلُثُهُنَّ، وَالنَّهَارُ لَا يُضِيءُ ثُلُثَهُ، وَاللَّيْلُ كَذَلِكَ. 13 ثُمَّ نَظَرْتُ وَسَمِعْتُ مَلَكَ طَائِرًا فِي وَسْطِ السَّمَاءِ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «وَيْلٌ! وََيْلٌ! وََيْلٌ لِّلسَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَجْلِ بَقِيَّةِ أَصْوَاتِ أَبْوَابِ الثَّلَاثَةِ الْمَلَائِكَةِ الْمُزْمِعِينَ أَنْ يُبَوِّقُوا!».

۷ فرشته اول در شیپور خود دمید. آنگاه تگرگ و آتشی که به خون آمیخته بود به زمین فرو ریخته شد و یکسوم زمین سوخت و یکسوم درختان سوختند و تمام گیاهان سبز نیز سوختند. ۸ فرشته دوم در شیپور خود دمید. آنگاه چیزی شبیه به کوهی بزرگ و مشتعل به دریا پرتاب شد. پس یکسوم دریا به خون مبدل گردید ۹ و یکسوم موجودات جاندار دریا مردند و یکسوم کشتی‌ها درهم شکستند. ۱۰ فرشته سوم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای بزرگ که همچون مشعلی می‌سوخت از آسمان سقوط کرد و بر یکسوم رودخانه‌ها و چشمه‌های آب فرو افتاد. ۱۱ نام آن ستاره افسنتین* است. یکسوم آب‌ها به افسنتین مبدل شد و بسیاری از انسان‌ها از آن آب‌ها مردند؛ زیرا آب‌ها تلخ شده بود. ۱۲ فرشته چهارم در شیپور خود دمید. آنگاه به یکسوم خورشید و به یکسوم ماه و به یکسوم ستارگان ضربه‌ای وارد شد تا بدین گونه یکسوم آن‌ها تاریک گردد و یکسوم روز، بی‌نور باشد و یکسوم شب نیز. ۱۳ آنگاه نگاه کردم و صدای عقابی را که در دل آسمان* در پرواز بود، شنیدم که به بانگ بلند می‌گوید: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، چون به زودی صدای شیپورهای دیگر که آن سه فرشته در آن‌ها می‌دمند، برخاورد خاست!»

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 9 [مکاشفه ۹: ۱-۲۱]

1 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ الْخَامِسُ، فَرَأَيْتُ كَوْكَبًا قَدْ سَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَأُعْطِيَ مِفْتَاحَ بَيْتِ الْهَآوِيَّةِ. 2 فَفَتَحَ بَيْتَ الْهَآوِيَّةِ، فَصَعِدَ دُخَانٌ مِنَ الْبَيْتِ كَدُخَانِ أَتُونِ عَظِيمٍ، فَأَظْلَمَتِ الشَّمْسُ وَالْجَوُّ مِنْ دُخَانِ الْبَيْتِ. 3 وَمِنَ الدُّخَانِ خَرَجَ جَرَادٌ عَلَى الْأَرْضِ، فَأُعْطِيَ سُلْطَانًا كَمَا لِعَقَارِبِ الْأَرْضِ

سُلْطَانُ. 4 وَقِيلَ لَهُ أَنْ لَا يَضُرَّ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَلَا شَيْئًا أَخْضَرَ وَلَا شَجَرَةً مَا، إِلَّا النَّاسَ فَقَطِ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ خْتَمُ اللَّهِ عَلَى جِبَاهِهِمْ.

فرشته پنجم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود. به او* کلید چاه بی‌انتها* داده شد. ۲ وقتی چاه بی‌انتها را گشود، دودی همچون دود کوره‌ای بزرگ از آن برخاست، به طوری که خورشید و هوا از دود آن چاه تاریک شد. ۳ از میان آن دود، ملخ‌هایی به روی زمین آمدند و به آن‌ها اقتدار داده شد؛ همان اقتداری که عقرب‌های زمین دارند. ۴ به آن‌ها گفته شد که نه به سبزه‌های زمین آسیب رسانند و نه به هیچ گیاه یا درختی، بلکه فقط به مردمانی آسیب رسانند که مَهر خدا را بر پیشانی خود ندارند.

5 وَأُعْطِيَ أَنْ لَا يَقْتُلَهُمْ بَلْ أَنْ يَتَعَذَّبُوا خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. وَعَذَابُهُ كَعَذَابِ عَقْرَبٍ إِذَا لَدَغَ إِنْسَانًا. 6 وَفِي تِلْكَ الْأَيَّامِ سَيَطْلُبُ النَّاسُ الْمَوْتَ وَلَا يَجِدُونَهُ، وَيَرْغَبُونَ أَنْ يَمُوتُوا فَيَهْرَبُ الْمَوْتَ مِنْهُمْ. 7 وَشَكْلُ الْجَرَادِ شِبْهُ خَيْلٍ مُهَيَّأَةٍ لِلْحَرْبِ، وَعَلَى رُؤُوسِهَا كَأَكَالِيلِ شِبْهِ الذَّهَبِ، وَوُجُوهُهَا كَوُجُوهِ النَّاسِ. 8 وَكَانَ لَهَا شَعْرٌ كَشَعْرِ النِّسَاءِ، وَكَانَتْ أَسْنَانُهَا كَأَسْنَانِ الْأُسُودِ، 9 وَكَانَ لَهَا دُرُوعٌ كَدُرُوعِ مَنْ حَدِيدٍ، وَصَوْتُ أَجْنِحَتِهَا كَصَوْتِ مَرْكَبَاتِ خَيْلٍ كَثِيرَةٍ تَجْرِي إِلَى قِتَالٍ. 10 وَلَهَا أَذْنَابٌ شِبْهُ الْعَقَارِبِ، وَكَانَتْ فِي أَذْنَابِهَا حُمَاتٌ، وَسُلْطَانُهَا أَنْ تُؤْذِيَ النَّاسَ خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. 11 وَلَهَا مَلَائِكَةُ الْهَوَايَةِ مَلَائِكَةً عَلَيْهَا، اسْمُهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ «أَبْدُون»، وَلَهُ بِالْيُونَانِيَّةِ اسْمٌ «أَبُولْيُون». 12 الْوَيْلُ الْوَاحِدُ مَضَى هُوَذَا يَأْتِي وَيَلَانُ أَيْضًا بَعْدَ هَذَا.

۵ ملخ‌ها اجازه کشتن این مردمان را نداشتند، بلکه به آن‌ها اجازه داده شد که ایشان را به مدت پنج ماه عذاب دهند. عذاب آنان مانند عذاب نیش عقربی بود که انسان را می‌زند. ۶ در آن روزها مردمان جویای مرگ خواهند بود، اما آن را نخواهند یافت؛ آرزوی مردن خواهند کرد، اما مرگ از آنان خواهد گریخت. ۷ ظاهر ملخ‌ها همچون اسب‌هایی بود که برای نبرد آماده شده‌اند؛ بر سرهایشان چیزی شبیه تاج طلایی بود و صورتشان به چهره انسان‌ها شباهت داشت، ۸ اما موهایشان همچون موی زنان بود و دندان‌هایشان همچون دندان‌های شیر. ۹

آن‌ها سینه‌پوش‌هایی همچون زره آهنین داشتند. صدای بال‌هایشان مانند صدای ارابه‌هایی بود که با اسب‌های بسیار به میدان جنگ می‌تازند. ۱۰ دُم‌ها و نیش‌هایی دارند، همچون دُم و نیش عقرب. اقتدار آن‌ها در دُم‌هایشان است که مردمان را پنج ماه آسیب رسانند. ۱۱ آن‌ها پادشاهی بر خود دارند که همان فرشته چاه بی‌انتها است. نام او به عبری «آبدون» است، اما به یونانی «آپولیون» نام دارد. ۱۲ یک وای گذشت. بنگر! پس از این‌ها دو وای دیگر در راه است.

13 **ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ، فَسَمِعَتْ صَوْتًا وَاحِدًا مِنْ أَرْبَعَةِ قُرُونٍ مَذْبَحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ اللَّهِ، 14 قَائِلًا لِلْمَلَائِكَةِ السَّادِسِ الَّذِي مَعَهُ الْبُوقُ: «فَكَ الْأَرْبَعَةَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَيَّدِينَ عِنْدَ النَّهْرِ الْعَظِيمِ الْفُرَاتِ». 15 فَانْفَكَ الْأَرْبَعَةَ الْمَلَائِكَةَ الْمُعَدُّونَ لِلْسَّاعَةِ وَالْيَوْمِ وَالشَّهْرِ وَالسَّنَةِ، لِكَيْ يَقْتُلُوا ثُلُثَ النَّاسِ. 16 وَعَدَدُ جِيُوشِ الْفُرْسَانَ مِثْلًا أَلْفِ أَلْفٍ وَأَنَا سَمِعْتُ عَدَدَهُمْ. 17 وَهَكَذَا رَأَيْتُ الْخَيْلَ فِي الرُّوْيَا وَالْجَالِسِينَ عَلَيْهَا، لَهُمْ دُرُوعٌ نَارِيَّةٌ وَأَسْمَانُجُونِيَّةٌ وَكِبْرِيَّتِيَّةٌ، وَرُؤُوسُ الْخَيْلِ كَرُؤُوسِ الْأُسُودِ، وَمِنْ أَفْوَاهِهَا يَخْرُجُ نَارٌ وَدُخَانٌ وَكِبْرِيَّتٌ. 18 مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ قُتِلَ ثُلُثُ النَّاسِ، مِنَ النَّارِ وَالذُّخَانِ وَالْكَبْرِيتِ الْخَارِجَةِ مِنْ أَفْوَاهِهَا، 19 فَإِنَّ سُلْطَانَهَا هُوَ فِي أَفْوَاهِهَا وَفِي أذُنَابِهَا، لِأَنَّ أذُنَابَهَا شِبْهُ الْحَيَاتِ، وَلَهَا رُؤُوسٌ وَبِهَا تَضْرُّ. 20 وَأَمَّا بَقِيَّةُ النَّاسِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتَلُوا بِهَذِهِ الضَّرَبَاتِ، فَلَمْ يَتُوبُوا عَنْ أَعْمَالِ أَيْدِيهِمْ، حَتَّى لَا يَسْجُدُوا لِلشَّيَاطِينِ وَأَصْنَامِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالنُّحَاسِ وَالْحَجَرِ وَالْخَشَبِ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تُبْصِرَ وَلَا تَسْمَعَ وَلَا تَمْشِيَ، 21 وَلَا تَأْبُوا عَنْ قَتْلِهِمْ وَلَا عَنْ سِحْرِهِمْ وَلَا عَنْ زِنَاهُمْ وَلَا عَنْ سَرِقَتِهِمْ.**

۱۳ فرشته ششم در شیپور خود دمید. آنگاه صدایی از شاخ‌های مذبح* طلایی که در حضور خداست، شنیدم ۱۴ که به آن فرشته ششم که شیپور داشت، گفت: «آن چهار فرشته را که در کنار رودخانه بزرگ فرات در بندند، رها کن.» ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای آن ساعت و روز و برای آن ماه و سال آماده شده بودند، رها شدند تا یک‌سوم مردم را بکشند. ۱۶ شنیدم که شمار سپاهیان سواره‌نظام دویست هزار هزار (400 هزار نفر) بود. ۱۷ ظاهر اسب‌ها و سواران آن‌ها که در رؤیا دیدم، چنین بود: آن‌ها سینه‌پوش‌هایی به سرخی آتش، به رنگ آبی سنگ زرگون و به زردی گوگرد، بر تن داشتند. سر اسبان همچون سر شیر بود و از دهانشان

آتش و دود و گوگرد بیرون می‌آمد. ۱۸ از این سه بلا، یعنی آتش و دود و گوگرد که از دهان آن‌ها بیرون آمد، یک‌سوم مردم کشته شدند. ۱۹ اقتدار اسبان در دهان و در دُمشان است؛ زیرا دُمشان همچون ماری است که سر دارد و با آن‌ها آسیب می‌رسانند. ۲۰ باقی مردمان که از این بلایا کشته نشدند، از کارهای دست خود توبه نکردند؛ آنان نه از پرستش دیوها دست کشیدند و نه از پرستش بت‌های طلایی، نقره‌ای، مسی، سنگی و چوبی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند. ۲۱ آنان نه از قتل‌هایشان توبه کردند، نه از توسل به نیروهای غیبی، نه از اعمال نامشروع جنسی و نه از دزدی‌هایشان.

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 10 [مکاشفه ۱۰:۱-۱۱]

1 ثُمَّ رَأَيْتُ مَلَكَآ آخَرَ قَوِيًّا نَازِلًا مِّنَ السَّمَآءِ، مُتَّسِرِبًا بِسَحَابَةٍ، وَعَلَى رَأْسِهِ قَوْسٌ قُرْحٌ، وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ، وَرِجْلَاهُ كَعَمُودِي نَارٍ، 2 وَمَعَهُ فِي يَدِهِ سِيفٌ صَغِيرٌ مَّفْتُوحٌ. فَوَضَعَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْبَحْرِ وَالْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ، 3 وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ كَمَا يُزْمَجِرُ الْأَسَدُ. وَبَعْدَ مَا صَرَخَ تَكَلَّمَتِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا.

آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. جامه‌ای از ابر در بر داشت* و رنگین‌کمانی بر سرش بود. صورتش همچون خورشید و پاهایش مانند ستون‌هایی از آتش بود. ۲ در دست خود طوماری کوچک داشت که باز شده بود و پای راستش را بر دریا گذاشت و پای چپش را بر زمین. ۳ سپس با صدایی بلند، مانند شیری که می‌غرّد، فریادی زد. هنگام فریاد او آن هفت رعد به صدا درآمد، سخن گفتند.

4 وَبَعْدَ مَا تَكَلَّمَتِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا، كُنْتُ مُزْمِعًا أَنْ أَكْتُبَ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا مِّنَ السَّمَآءِ قَائِلًا لِي: «اخْتِمْ عَلَى مَا تَكَلَّمَتِ بِهِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ وَلَا تَكْتُبْهُ». 5 وَالْمَلَآكُ الَّذِي رَأَيْتُهُ وَاقِفًا عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَآءِ، 6 وَأَقْسَمَ بِالْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبْدِينَ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَآءَ وَمَا فِيهَا وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهَا وَالْبَحْرَ وَمَا فِيهِ: أَنْ لَا يَكُونَ زَمَانٌ بَعْدُ! 7 بَلْ فِي أَيَّامِ صَوْتِ الْمَلَآكِ السَّابِعِ مَتَى أَرْمَعُ أَنْ يُبَوِّقَ، يَتِمُّ أَيْضًا سِرُّ اللَّهِ، كَمَا بَشَّرَ عِبِيدَهُ الْأَنْبِيَاءَ.

۴ وقتی آن هفت رعد سخن گفتند، می‌خواستیم آن را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «آنچه هفت رعد گفتند، مخفی نگاه دار و آن‌ها را ننویس.» ۵ در آن هنگام، آن فرشته‌ای که دیدم و بر دریا و زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد. ۶ آنگاه به او که همیشه و تا ابد زنده است و آسمان، زمین و دریا و آنچه را که در آن‌هاست آفرید، چنین سوگند خورد: «دیگر بیش از این تأخیری نخواهد بود، ۷ بلکه در آن روزهایی که فرشته هفتم در شیپور خود بدمد، آن راز مقدّس که خدا خبر خوش آن را به غلامان خود انبیا اعلام کرد، قطعاً تحقق خواهد یافت.»

8 وَالصَّوْتُ الَّذِي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُهُ مِنَ السَّمَاءِ كَلَّمَنِي أَيْضًا وَقَالَ: «اذْهَبْ خُذِ السَّفْرَ الصَّغِيرَ الْمَفْتُوحَ فِي يَدِ الْمَلَائِكَةِ الْوَاقِفَةِ عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ». 9 فَذَهَبْتُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ قَائِلًا لَهُ: «أَعْطِنِي السَّفْرَ الصَّغِيرَ». فَقَالَ لِي: «خُذْهُ وَكُلْهُ، فَسَيَجْعَلُ جَوْفَكَ مَرًّا، وَلَكِنَّهُ فِي فَمِكَ يَكُونُ حُلُومًا كَالْعَسَلِ». 10 فَأَخَذْتُ السَّفْرَ الصَّغِيرَ مِنْ يَدِ الْمَلَائِكَةِ وَأَكَلْتُهُ، فَكَانَ فِي فَمِي حُلُومًا كَالْعَسَلِ. وَبَعْدَ مَا أَكَلْتُهُ صَارَ جَوْفِي مَرًّا. 11 فَقَالَ لِي: «يَجِبُ أَنْكَ تَتَّبَعُوا أَيْضًا عَلَى شُعُوبٍ وَأُمَمٍ وَالسِّنَّةِ وَمُلُوكٍ كَثِيرِينَ».

۸ آنگاه بار دیگر، آن صدا از آسمان به گوشم رسید و به من گفت: «برو و طومار باز شده‌ای را که در دست فرشته‌ای است که بر دریا و زمین ایستاده، بگیر.» ۹ پس نزد آن فرشته رفتم و گفتم که طومار کوچک را به من بدهد. او به من گفت: «بگیر و آن را بخور. هنگامی که خوردی شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت به شیرینی عسل خواهد بود.» ۱۰ وقتی طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم، در دهانم همچون عسل، شیرین بود؛ اما پس از خوردن آن، شکم تلخ شد. ۱۱ آنگاه به من گفتند: «تو باید بار دیگر در مورد قوم‌ها، ملت‌ها، زبان‌ها و پادشاهان بسیار، نبوت کنی.»

رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 11 [مكاشفه ۱۱:۱-۱۹]

1 ثُمَّ أُعْطِيَتْ قَصَبَةً شَبِيهَةً عَصَا، وَوَقَفَ الْمَلَائِكَةُ قَائِلًا لِي: «قُمْ وَقِسْ هَيْكَلَ اللَّهِ وَالْمَذْبَحَ وَالسَّاجِدِينَ فِيهِ. 2 وَأَمَّا الدَّارُ الَّتِي هِيَ خَارِجُ الْهَيْكَلِ، فَاطْرَحْهَا خَارِجًا وَلَا تَقِسْهَا، لِأَنَّهَا قَدْ أُعْطِيَتْ لِلْأُمَّمِ، وَسَيَدُوسُونَ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ اثْنِينَ وَأَرْبَعِينَ شَهْرًا. 3 وَسَأُعْطِي لِشَاهِدَيَّ، فَيَتَّبَعَانِ أَلْفًا وَمِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ يَوْمًا، لِابْسِينَ مُسُوحًا». 4 هَذَانِ هُمَا الزَّيْتُونَتَانِ وَالْمَنَارَتَانِ الْقَائِمَتَانِ أَمَامَ رَبِّ الْأَرْضِ. 5 وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، تَخْرُجُ نَارٌ مِنْ فَمِهِمَا وَتَأْكُلُ أَعْدَاءَهُمَا. وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، فَهَكَذَا لَا بُدَّ أَنَّهُ يُقْتَلُ. 6 هَذَانِ لَهُمَا السُّلْطَانُ أَنْ يُغْلِقَا السَّمَاءَ حَتَّى لَا تُمْطَرَ مَطَرًا فِي أَيَّامِ نُبُوتِهِمَا، وَلَهُمَا سُلْطَانٌ عَلَى الْمِيَاهِ أَنْ يُحَوِّلَاهَا إِلَى دَمٍ، وَأَنْ يَضْرِبَا الْأَرْضَ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ كُلَّمَا أَرَادَا.

آنگاه ساقه‌ای از نی که همچون چوبی بلند* بود به من داده شد و او به من گفت: «برخیز و مکان مقدس معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و کسانی را که در آنجا پرستش می‌کنند، بشمار. ۲ اما صحن معبد را که بیرون از مکان مقدس معبد قرار دارد، کاملاً نادیده گرفته، اندازه بگیر؛ زیرا به قوم‌ها داده شده است. آنان برای ۴۲ ماه شهر مقدس را زیر پاهای خود پایمال خواهند کرد. ۳ آنگاه سبب خواهم شد که دو شاهدم پلاس بپوشند و برای ۱۲۶۰ روز نبوت کنند.» ۴ این دو شاهد مظهر آن دو درخت زیتون و دو چراغدان هستند و در برابر خداوند زمین ایستاده‌اند. ۵ اگر کسی بخواهد به آنان آسیب رساند، آتش از دهانشان بیرون آمده، دشمنانشان را فرو می‌بلعد. آری، هر که قصد آسیب رساندن به ایشان را داشته باشد، باید به این گونه کشته شود. ۶ آنان اختیار دارند که آسمان را ببندند تا در روزهایی که نبوت می‌کنند، باران نبارد و اختیار دارند که آب‌ها را به خون مبدل کنند و هر چند بار که بخواهند، هر گونه بلا را بر سر زمین بیاورند.

7 وَمَتَى تَمَّ شَهَادَتُهُمَا، فَالْوَحْشُ الصَّاعِدُ مِنَ الْهَوَايَةِ سَيَصْنَعُ مَعَهُمَا حَرْبًا وَيَغْلِبُهُمَا وَيَقْتُلُهُمَا. 8 وَتَكُونُ جُثَّتَاهُمَا عَلَى شَارِعِ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تُدْعَى رُوحِيًّا سَدُومَ وَمِصْرَ، حَيْثُ صَلِبَ رَبَّنَا

أَيضًا. 9 وَيَنْظُرُ أَنَا مِنْ الشُّعُوبِ وَالْقَبَائِلِ وَاللَّسِنَةِ وَالْأُمَّمِ جُتِّيهِمَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَنِصْفًا، وَلَا يَدْعُونَ جُتِّيهِمَا تُوَضَّعَانِ فِي قُبُورٍ. 10 وَيَشْمَتُ بِهِمَا السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ وَيَتَهَلَّلُونَ، وَيُرْسِلُونَ هَدَايَا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَأَنَّ هَذَيْنِ النَّبِيِّينَ كَانَا قَدْ عَذَّبْنَا السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ.

۷ هنگامی که شهادت دادن خود را به پایان رسانند، آن وحش که از چاه بی‌انتها* بیرون می‌آید، با آنان به نبرد خواهد پرداخت و بر آنان غالب آمده، آنان را خواهد کشت. ۸ اجساد ایشان در خیابان اصلی آن شهر عظیم خواهد بود؛ شهری که به مفهوم مجازی سدوم و مصر خوانده می‌شود و سرورشان نیز در آنجا بر تیر اعدام شد. ۹ مردمانی از همه قوم‌ها، طایفه‌ها، زبان‌ها و ملت‌ها برای سه روز و نیم بر اجساد آنان خواهند نگرست و اجازه نخواهند داد که اجسادشان دفن شود. ۱۰ ساکنان زمین از بابت مرگ آنان شاد شده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا آن دو نبی، ساکنان زمین را عذاب می‌دادند.

11 ثُمَّ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ وَالنِّصْفِ، دَخَلَ فِيهِمَا رُوحُ حَيَاةٍ مِنَ اللَّهِ، فَوَقَفَا عَلَى أَرْجُلَيْهِمَا. وَوَقَعَ خَوْفٌ عَظِيمٌ عَلَى الَّذِينَ كَانُوا يَنْظُرُونَهُمَا. 12 وَسَمِعُوا صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لَهُمَا: «اصْعِدَا إِلَى هُنَا». فَصَعِدَا إِلَى السَّمَاءِ فِي السَّحَابَةِ، وَنَظَرَهُمَا أَعْدَاؤُهُمَا. 13 وَفِي تِلْكَ السَّاعَةِ حَدَثَتْ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، فَسَقَطَ عَشْرُ الْمَدِينَةِ، وَقُتِلَ بِالزَّلْزَلَةِ أَسْمَاءٌ مِنَ النَّاسِ: سَبْعَةُ آلَافٍ. وَصَارَ الْبَاقُونَ فِي رَعْبَةٍ، وَأَعْطُوا مَجْدًا لِإِلَهِ السَّمَاءِ. 14 الْوَيْلُ الثَّانِي مَضَى وَهُوَذَا الْوَيْلُ الثَّلَاثُ يَأْتِي سَرِيعًا. 15 ثُمَّ بَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِعُ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ عَظِيمَةٌ فِي السَّمَاءِ قَائِلَةٌ: «قَدْ صَارَتْ مَمَالِكُ الْعَالَمِ لِرَبِّنَا وَمَسِيحِهِ، فَسَيَمْلِكُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ».

۱۱ بعد از آن سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا بدیشان داخل شد و ایشان بر پا ایستادند و کسانی که آنان را دیدند، بسیار وحشت کردند. ۱۲ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدند که به آنان گفت: «به اینجا بالا بیایید.» پس در برابر چشمان دشمنانشان در ابری به آسمان بالا رفتند. ۱۳ در آن ساعت، زلزله‌ای عظیم به وقوع پیوست و یک‌دهم شهر فرو ریخت. در آن زلزله ۷۰۰۰ نفر کشته شدند و باقی مردم را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را

جلال دادند. ۱۴ وای دوم گذشت. بنگر! وای سوم به زودی می آید. ۱۵ فرشته هفتم در شیپور خود دمید. آنگاه صداهایی بلند در آسمان پیچید که می گفت: «پادشاهی دنیا متعلق به خداوند ما و مسیح او شده است و او همیشه و تا ابد در مقام پادشاه سلطنت خواهد کرد.»

16 وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا الْجَالِسُونَ أَمَامَ اللَّهِ عَلَى عُرُوشِهِمْ، خَرُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَسَجَدُوا لِلَّهِ 17 قَائِلِينَ: «نَشْكُرُكَ أَيُّهَا الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، لِأَنَّكَ أَخَذْتَ قُدْرَتَكَ الْعَظِيمَةَ وَمَلَكَتَ. 18 وَعَظَبْتَ الْأُمَّمَ، فَأَتَى غَضَبُكَ وَزَمَانَ الْأَمْوَاتِ لِيُدْأَنُوا، وَلِتُعْطَى الْأَجْرَةَ لِعَبِيدِكَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْقِدِّيسِينَ وَالْخَائِفِينَ اسْمَكَ، الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ، وَلِيُهْلِكَ الَّذِينَ كَانُوا يُهْلِكُونَ الْأَرْضَ». 19 وَأَنْفَتَحَ هَيْكَلُ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ، وَظَهَرَ تَابُوتُ عَهْدِهِ فِي هَيْكَلِهِ، وَحَدَّتْ بُرُوقٌ وَأَصْوَاتٌ وَرَعُودٌ وَزَلْزَلَةٌ وَبَرْدٌ عَظِيمٌ.

۱۶ آنگاه آن ۲۴ پیر که در پیشگاه خدا بر تخت‌های خود نشسته بودند، روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کردند ۱۷ و گفتند: «ای یهوه* خدا، ای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی، از تو سپاسگزاریم؛ زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده‌ای. ۱۸ قوم‌ها خشمناک شدند و خشم تو نیز برآمد. آنگاه زمان مقرر فرارسید تا مردگان داوری شوند و غلامانت انبیا و مقدّسان و کسانی که از نام تو می‌ترسند چه کوچک و چه بزرگ پاداش یابند و کسانی که زمین را به نابودی می‌کشند، نابود شوند.» ۱۹ آنگاه مکان مقدّس معبد خدا که در آسمان است، باز شد و صندوق عهد او در مکان مقدّس معبدش نمایان گشت. ناگهان صاعقه‌های نورانی پدید آمد و صداها و رعدها برخاست و زلزله‌ای و تگرگی عظیم رخ داد.^{۱۴۷}

1 وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنْ الْهَيْكَلِ قَائِلًا لِلسَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ: «امضُوا وَاسْكُبُوا جَامَاتِ غَضَبِ اللَّهِ عَلَى الْأَرْضِ». 2 فَمَضَى الْأَوَّلُ وَسَكَبَ جَامَهُ عَلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ دَمَامِلُ خَبِيثَةٌ وَرَدِيَّةٌ عَلَى النَّاسِ الَّذِينَ بِهِمْ سِمَةٌ الْوَحْشِ وَالَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِصُورَتِهِ. 3 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الثَّانِي جَامَهُ عَلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ دَمًا كَدَمِ مَيِّتٍ. وَكُلُّ نَفْسٍ حَيَّةٍ مَاتَتْ فِي الْبَحْرِ.

سپس صدایی بلند از مکان مقدس شنیدم که به آن هفت فرشته گفت: «بروید و هفت کاسه خشم خدا را بر زمین خالی کنید.» ۲ فرشته اول رفت و کاسه خود را بر زمین خالی کرد. آنگاه مردمی که علامت وحش را بر خود داشتند و مجسمه آن را پرستش می‌کردند، به زخم‌هایی بدخیم و دردناک مبتلا شدند. ۳ فرشته دوم کاسه خود را در دریا خالی کرد. آنگاه دریا به خونی که همچون خون انسان مرده بود، مبدل شد و همه جانداران آن مردند؛ یعنی هر چه در دریا بود، مُرد.

4 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الثَّلَاثُ جَامَهُ عَلَى الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِعِ الْمِيَاهِ، فَصَارَتْ دَمًا. 5 وَسَمِعْتُ مَلَكَ الْمِيَاهِ يَقُولُ: «عَادِلٌ أَنْتَ أَيُّهَا الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَكُونُ، لِأَنَّكَ حَكَمْتَ هَكَذَا. 6 لِأَنَّهُمْ سَفَكُوا دَمَ قَدِيْسِينَ وَأَنْبِيَاءَ، فَأَعْطَيْتَهُمْ دَمًا لِيَشْرَبُوا. لِأَنَّهُمْ مُسْتَحِقُّونَ!» 7 وَسَمِعْتُ آخَرَ مِنَ الْمَذْبُوحِ قَائِلًا: «نَعَمْ أَيُّهَا الرَّبُّ الْإِلَهَ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ! حَقٌّ وَعَادِلَةٌ هِيَ أَحْكَامُكَ».

۴ فرشته سوم کاسه خود را در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب خالی کرد و آن‌ها نیز به خون مبدل شدند. ۵ آنگاه شنیدم فرشته‌ای که بر آب‌ها بود، گفت: «ای تو که هستی و بودی، ای تو که وفاداری، تو عادل‌ی که اینچنین داوری کردی؛ ۶ زیرا آنان خون مقدسان و پیامبران را ریختند و تو به ایشان خون دادی تا بنوشند؛ آنان سزاوار این هستند.» ۷ سپس شنیدم که مذبح گفت: «آری، ای یَهُوَه* خدا، ای قادر مطلق، داوری‌های تو راست و عدل است.»

8 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الرَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الشَّمْسِ، فَأَعْطَيْتُ أَنْ تُحْرِقَ النَّاسَ بِنَارٍ، 9 فَاحْتَرَقَ النَّاسُ احْتِرَاقًا عَظِيمًا، وَجَدَّفُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى هَذِهِ الضَّرَبَاتِ، وَلَمْ يَتُوبُوا لِيُعْطُوهُ مَجْدًا. 10 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الْخَامِسُ جَامَهُ عَلَى عَرْشِ الْوَحْشِ، فَصَارَتْ مَمْلَكَتُهُ مُظْلِمَةً. وَكَانُوا يَعْضُونَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ مِنَ الْوَجَعِ. 11 وَجَدَّفُوا عَلَى إِلَهِ السَّمَاءِ مِنْ أَوْجَاعِهِمْ وَمِنْ قُرُوحِهِمْ، وَلَمْ يَتُوبُوا عَنْ أَعْمَالِهِمْ.

۸ فرشته چهارم کاسه خود را بر خورشید خالی کرد. آنگاه به خورشید اجازه داده شد مردم را با آتش بسوزاند. ۹ با این که مردم از شدت حرارت آن می‌سوختند، به نام خدا که اختیار این بلایا در دست اوست، کفر گفتند و توبه نکردند و او را جلال ندادند. ۱۰ فرشته پنجم کاسه خود را بر تخت وحش خالی کرد. آنگاه سلطنت آن وحش در تاریکی فرو رفت و مردم از درد، زبان‌های خود را گاز می‌گرفتند. ۱۱ اما آنان به سبب درد و زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند و از اعمال خود توبه نکردند.

12 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ جَامَهُ عَلَى النَّهْرِ الْكَبِيرِ الْفُرَاتِ، فَانْشَفَ مَاءُهُ لِكَيْ يُعَدَّ طَرِيقَ الْمُلُوكِ الَّذِينَ مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ. 13 وَرَأَيْتُ مِنْ فَمِ التَّنِينِ، وَمِنْ فَمِ الْوَحْشِ، وَمِنْ فَمِ النَّبِيِّ الْكَذَّابِ، ثَلَاثَةَ أَرْوَاحٍ نَجَسَهُ شِبْهَ ضَفَادِعَ، 14 فَإِنَّهُمْ أَرْوَاحُ شَيْطَانٍ صَانِعَةُ آيَاتٍ، تَخْرُجُ عَلَى مُلُوكِ الْعَالَمِ وَكُلِّ الْمَسْكُونَةِ، لِتَجْمَعَهُمْ لِقِتَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ الْعَظِيمِ، يَوْمَ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. 15 «هَا أَنَا أَنِي كَلِصًّا طُوبَى لِمَنْ يَسْهَرُ وَيَحْفَظُ ثِيَابَهُ لَيْلًا يَمْشِي عُرْيَانًا فَيَرَوُا عُرْيَتَهُ». 16 فَجَمَعَهُمْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى بِالْعِبْرَانِيَّةِ «هَرْمَجْدُون».

۱۲ فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان مَشْرِقِ الشَّمْسِ آماده شود. ۱۳ سپس سه روح خبیث را دیدم که از دهانشان قورباغه بیرون می‌آمد آن دهن‌های ناپاک از آن التنین (اژدها) و الْوَحْشِ (دجال) و النَّبِيِّ الْكَذَّابِ (پیامبر دروغین یا علم مضل) بود ۱۴ آنها سه ارواح شیطانی بودند که نشانه‌هایی به ظهور می‌رسانند آنها نزد پادشاهان سراسر زمین می‌روند تا آنان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند. ۱۵ «بنگر! من همچون دزد می‌آیم! خوشا به حال هر که بیدار می‌ماند و لباس خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و مردم رسوایی او را ببینند.» ۱۶ آنگاه آنها پادشاهان را در محلی که به عبری «حارمگدون» نام دارد، گرد هم آوردند.

17 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الْهَوَاءِ، فَخَرَجَ صَوْتُ عَظِيمٍ مِنْ هَيْكَلِ السَّمَاءِ مِنَ الْعَرْشِ قَائِلًا: «قَدْ تَمَّ!» 18 فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرَعُودٌ وَبُرُوقٌ. وَحَدَّثَتْ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ، لَمْ يَحْدُثْ مِثْلَهَا مُنْذُ صَارَ النَّاسُ عَلَى الْأَرْضِ، زَلْزَلَةٌ بِمِقْدَارِهَا عَظِيمَةٌ هَكَذَا. 19 وَصَارَتْ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ، وَمَدُنُ الْأُمَّمِ سَقَطَتْ، وَبَابِلُ الْعَظِيمَةُ ذُكِرَتْ أَمَامَ اللَّهِ لِيُعْطِيَهَا كَأْسَ خَمْرٍ سَخَطِ غَضَبِهِ. 20 وَكُلُّ جَزِيرَةٍ هَرَبَتْ، وَجِبَالٌ لَمْ تُوَجَدْ. 21 وَبَرَدٌ عَظِيمٌ، نَحْوُ ثِقَلٍ وَزَنَةِ، نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى النَّاسِ. فَجَدَّفَ النَّاسُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ضَرْبِهِ الْبَرْدِ، لِأَنَّ ضَرْبَتَهُ عَظِيمَةٌ جَدًّا.

ضمیمه (3): سُنَّةُ النَّاَوَكِيْنِ وَ الْعَذَابُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ



سید أحمد الحسن (ع) فرمودند: « اقرأ القرآن وأنت تعرف ما يجري اليوم وغداً. اقرأ قصص الأنبياء والأئمة وأنت تعرف ما يجري اليوم وغداً. ألم تقرأ قوله تعالى: (قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاً مِّنُ الرَّسُلِ)، قصة الرسل تكاد تكون واحدةً ومتراصةً. نعم، هناك اختلافات في أن هذا الأمر يُمضى هنا ولا يُمضى هناك، ولكن لا يعني أنه لا يحدث؛ قرآن را بخوان و خواهی دانست که امروز و فردا چه می شود. داستان های انبیاء و ائمه علیهم السلام را مطالعه کن و خواهی دانست که پیشامد امروز و فردا چیست. آیا فرموده خداوند را نخوانده ای: (قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاً مِّنُ الرَّسُلِ) (بگو من از [میان] پیامبران نودرآمدی نبودم)، داستان فرستادگان با یکدیگر ارتباط داشته و نزدیک است در یک قصه ادغام شوند. آری، تفاوت هایی در میان است، ممکن است این امر در این جا رخ دهد و در آن جا رخ ندهد، اما بدان معنا نیست که اتفاق نمی افتد.»^{۱۴۸}

۱۷ سپس فرشته هفتم کاسه (عذاب) خود را در هوا خالی کرد. آنگاه صدائی عظیم از جانب هیكل آسمان در عرش (الهی) بلند شد که می گفت: «قَدْ نَمَّ؛ دیگر تمام شد!» ۱۸ در نتیجه آن حادثه اصوات و رعد و برق ها شکل گرفت و زمین لرزه ای عظیم روی داد، چنان عظیم و گسترده که از زمان به وجود آمدن انسان بر زمین، روی نداده بود. ۱۹ آنگاه شهر بزرگ سه قسمت شد «وَمَدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ؛ و شهرهای اقوم (یا سازمان ملل) ویران شد» و در پیشگاه خداوند بابل بزرگ را به یاد آورد و جامی را که از شراب شدت غضبش پر بود، به او داد. ۲۰ همچنین (ساکنان) تمامی جزیره ها گریختند و کوهی یافت نشد (جهت فرار). ۲۱ آنگاه تگرگی عظیم، هر یک به وزن حدود یک مِثقال از آسمان بر انسان ها فرو ریخت و مردم به سبب بلای تگرگ به خداوند کفر گفتند؛ زیرا جدا که آن بارش تگرگ ضربه عظیمی به آنها وارد کرده بود.

148 - مع العبد الصالح الجزء الثاني باب هل يُعاد ما جرى على الحسين (ع).

بیت اللہ الرحمتہ الرحیم

سورۃ الانبیاء ◀ ۳۲۲ ▶ الجزء السابع عشر: اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱) مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۲) لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلَكُمُ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۳) قَالَ رَبِّ يَعْلمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴) بَلْ قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٌ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ (۵) مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (۶) وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷) وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸) ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹) لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰) وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱) فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲) لَّا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (۱۳) قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴) فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵) وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۱۶) لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷) بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری رویگردانند * هیچ پند تازه ای از پروردگارشان نیامد مگر اینکه بازی کنان آن را شنیدند * در حالی که دلهایشان مشغول است و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که آیا این جز بشری مانند شماس است آیا دیده و دانسته به سوی سحر می روید * پیامبر گفت پروردگارم هر گفتار [ی] را در آسمان و زمین می داند و اوست شنوای دانا * بلکه گفتند خوابهای شوریده است [نه] بلکه آن را برافته بلکه او شاعری است پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد باید برای ما نشانه ای بیاورد * قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [به آیات ما] ایمان نیاوردند پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می آورند * و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم گسیل نداشتیم اگر نمی دانید از اهل الذکر پرسید * و ایشان را

جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند * سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراط کاران را به هلاکت رسانیدیم * در حقیقت ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است، آیا نمی‌اندیشید * و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم * پس چون عذاب ما را احساس کردند بناگاه از آن می‌گریختند * [هان] مگریزید و به سوی آنچه در آن متعمم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید * گفتند ای وای بر ما که ما واقعاً ستمگر بودیم * سخنشان پیوسته همین بود تا آنان را درو شده بی‌جان گردانیدیم * و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم * اگر می‌خواستیم بازیچه ای بگیریم قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم * بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکند و بناگاه آن نابود می‌گردد وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید.

سوره الأنبياء ◀ ۳۳۱ ▶ الجزء السابع عشر: **لَا يَخْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳) يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴) وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵) إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶) وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)**

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی‌کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد! (۱۰۳) در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. (۱۰۴) در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد!» (۱۰۵) در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان! (۱۰۶) ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

سورة القصص ◀ ۳۹۲ ▶ الجزء العشرون: **وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (۵۸) وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۵۹)**

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم! (۵۸) و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (۵۹)

سورة الكهف ◀ ۳۰۰ ▶ الجزء الخامس عشر: **وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵) وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (۵۶) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷) وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸) وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (۵۹)**

و چیزی مردم را بازداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جز اینکه (خیره‌سری کردند؛ گویی می‌خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (۵۵) ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی‌فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند! (۵۶) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش

فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دل‌های اینها پرده‌هایی افکنده‌ایم تا نفهمند؛ و در گوشه‌هایشان سنگینی قرار داده‌ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند! (۵۷) و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (۵۸) این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (۵۹)

سورة الأنفال ◀ ۱۸۱ ▶ الجزء التاسع: **وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵) قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (۳۸)**

(آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (۳۵) به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آنها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می‌شود؛ و حکم نابودی آنان صادر می‌گردد). (۳۸)

سورة مريم ◀ ۳۱۰ ▶ الجزء السادس عشر: **قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (۷۵)**

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این روز)، یا (عذاب) ! السَّاعَةَ (آن روز) پس بزودی خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (۷۵)

سورة الملك ◀ ۵۶۳ ▶ الجزء التاسع والعشرون: **أَمِنْتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶) أَمْ أَمِنْتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷) وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)**

آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می‌دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟! (۱۶) یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می‌دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است! (۱۷) کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، اما (بین) مجازات من چگونه بود! (۱۸)

سورة البقرة ◀ ۹ ▶ الجزء الاول: **وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸) فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۵۹)**

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [= بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگوئید: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.» (۵۸) اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند؛ لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم. (۵۹)

سورة البقرة ◀ ۳۳ ▶ الجزء الثاني: **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (۲۱۴)**

آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!) (۲۱۴)

سورة الأنعام ◀ ۱۳۲ ▶ الجزء السابع: **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲) فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳) فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۴۴)**

ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند)، آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق)، خضوع کنند و تسلیم گردند! (۴۲) چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد! (۴۳) (آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مایوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (۴۴)

سورة الأعراف ◀ ۱۶۲ ▶ الجزء التاسع: **وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (۹۴) ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)**

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! (۹۴) سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی

(و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند)، و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی‌فهمیدند. (۹۵)

سورة الزمر ◀ ۴۶۴ ▶ الجزء الرابع والعشرون: **وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (۵۴) وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵) أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (۵۶)**

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! (۵۴) و از بهترین دستورهای که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید! (۵۵) (این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!» (۵۶)

سورة الأنعام ◀ ۱۳۳ ▶ الجزء السابع: **فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۴۴) فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)**

(آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید،) و آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (۴۴) و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (۴۵)

سوره الأنفال ◀ ۱۸۰ ▶ الجزء التاسع: وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲) وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳) وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائِهِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۴)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آرا! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (۳۲) ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (۳۳) چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگارانند؛ ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (۳۴) (آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (۳۵)

سوره یونس ◀ ۲۱۴ ▶ الجزء الحادی عشر: قُلْ لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰) أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَانَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۵۱) ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲) وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۳) وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۵۴)

بگو: «من (حتی) برای خودم زیان و سودی را مالک نیستم، (تا چه رسد برای شما!) مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می‌دانم که) برای هر قوم و ملتی، سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود)، نه ساعتی تأخیر می‌کنند، و نه پیشی

می گیرند! (۴۹) بگو: «اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید، آیا می‌توانید آن را از خود دفع کنید؟!» پس مجرمان برای چه عجله می‌کنند؟! (۵۰) یا اینکه آنگاه که واقع شد، به آن ایمان می‌آورید! (به شما گفته می‌شود: حالا؟! در حالی که قبلاً برای آن عجله می‌کردید! ولی اکنون چه سود!) (۵۱) سپس به کسانی که ستم کردند گفته می‌شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟! (۵۲) از تو می‌پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حق است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعاً حق است؛ و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید!» (۵۳) و هر کس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب،) برای نجات خویش می‌دهد! و هنگامی که عذاب را ببینند، (پشیمان می‌شوند؛ امّا) پشیمانی خود را کتمان می‌کنند، (مبادا رسواتر شوند!) و در میان آنها، بعدالت داوری می‌شود؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد! (۵۴)

سورة الرعد ◀ ۲۵۳ ▶ الجزء الثالث عشر: **وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)**

اگر بوسیله قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (امّا) هدایت اجباری سودی ندارد! و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعد؛ خود تخلف نمی‌کند! (۳۱)

سورة ابراهيم ◀ ۲۶۱ ▶ الجزء الثالث عشر: **وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا آخِرْنَا إِلَىٰ آجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبُ دَعْوَتِكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُلَ أَوْلَمُ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن**

زَوَالٍ (۴۴) وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ
 الْأَمْثَالَ (۴۵) وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِيَتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)
 فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴۷)

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ظالمان می گویند:
 «پروردگارا! مدت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!»
 (اما پاسخ می شنوند که:) مگر قبلاً سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنايي برای شما نیست؟!
 (۴۴) (آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشان ستم کردند، ساکن
 شدید؛ و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم؛ و برای شما، مثلها (از سرگذشت
 پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)! (۴۵) آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند؛ و
 همه مکرها (و توطئه هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوهها را از
 جا برکند! (۴۶) پس گمان مبر که خدا وعده ای را که به پیامبران داد، تخلف کند! چرا که
 خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (۴۷)

سورة الأحقاف ◀ ۵۰۵ ▶ الجزء السادس والعشرون: **وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ
 النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)
 قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲) قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ
 اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۳) فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ
 أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمَطِّرٌ نَبَلٌ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴) تَدْمِرُ
 كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)**

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد
 در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای
 یگانه را نپرستید! (و گفت:) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم! (۲۱) آنها گفتند: «آیا
 آمده ای که ما را (با دروغهائیت) از معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می گویی عذابی را که به

ما وعده می‌دهی بیاور!» (۲۲) گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می‌داند چه زمانی شما را مجازات کند)؛ من آنچه را به آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می‌بینیم که پیوسته در نادانی هستید!» (۲۳) هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده‌ای دیدند که بسوی دره‌ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می‌بارد!» (ولی به آنها گفته شد: این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می‌کردید، تندبادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است! (۲۴) همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نابود میکند (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه‌هایشان به چشم نمی‌خورد؛ ما این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم! (۲۵)

سورة الحج ◀ ۳۳۲ ▶ الجزء السابع عشر: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)
 يَوْمَ تَرَوُنَّا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲) وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۴۷) وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (۱) روزی که آن را می‌بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی‌گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد؛ و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (۲) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (۳۹) آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر ناپیدا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود. (۴۶)

سوره الإسراء ◀ ۲۹۰ ▶ الجزء الخامس عشر: **وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۶) سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (۷۷)**

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرون ت کنند! و هرگاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده)، و پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی ماندند! (۷۶) این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت! (۷۷)

سوره ص ◀ ۴۵۳ ▶ الجزء الثالث والعشرون: **كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲) وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (۱۳) إِنْ كُنَّا إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابُ (۱۴) وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵) وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)**

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (۱۲) و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (۱۳) هر یک (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (۱۴) اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می سازد)! (۱۵) آنها (از روی خیره سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (۱۶)

سوره یس ◀ ۴۴۲ ▶ الجزء الثالث والعشرون: **وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (۲۸) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹) يَا حَسْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰)**

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود؛ (۲۸) (بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! (۲۹) افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می کردند! (۳۰)

سورة الصافات ◀ ۴۴۸ ▶ الجزء الثالث والعشرون: **وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (۷۱) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (۷۲) فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ (۷۳) إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۷۴) وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵) وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶) وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷) وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸) سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱) ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ (۸۲) وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲) وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳) فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۴) وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۵) أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶) فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذِرِينَ (۱۷۷) وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۸) وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹) سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰) وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)**

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (۷۱) ما در میان آنها انذارکنندگان فرستادیم، (۷۲) ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود! (۷۳) مگر بندگان مخلص خدا! (۷۴) و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده‌ای هستیم! (۷۵) و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (۷۶) و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (۷۷) و نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی نهادیم. (۷۸) سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (۷۹) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۸۰) چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (۸۱) سپس دیگران [= دشمنان او] را غرق کردیم! (۸۲) وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... (۱۷۱) که آنان یاری شدگانند، (۱۷۲) و لشکر ما پیروزند! (۱۷۳) از آنها [= کافران] روی بگردان تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرارسد)! (۱۷۴) و وضع آنها را بنگر (چه بی‌محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۵)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می‌کنند؟! (۱۷۶) اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، اندازشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (۱۷۷) از آنان روی بگردان تا زمان معینی! (۱۷۸) و وضع کارشان را ببین؛ آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۹) منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می‌کنند. (۱۸۰) و سلام بر رسولان! (۱۸۱) حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (۱۸۲)

سورة الدخان ◀ ۴۹۶ ▶ الجزء الخامس والعشرون: **بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (۹) فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (۱۰) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱) رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲) أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۱۳) ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْلَهُمْ مَجْنُونٌ (۱۴) إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵) يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ (۱۶)**

ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می‌کنند. (۹) پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد... (۱۰) که همه مردم را فرامی‌گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (۱۱) (می‌گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می‌آوریم. (۱۲) چگونه: و از کجا متذکر می‌شوند با اینکه رسول روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (۱۳) سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته‌ای دیوانه است!» (۱۴) ما عذاب را کمی برطرف می‌سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی‌گردید! (۱۵) (ما از آنها انتقام می‌گیریم) در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت؛ آری ما انتقام گیرنده‌ایم! (۱۶)

سورة ق ◀ ۵۱۹ ▶ الجزء السادس والعشرون: **وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (۲۰) وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲) إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)**

و در «صور» دمیده می‌شود؛ آن روز، روز تحقق وعده وحشتناک است! (۲۰) و گوش فراده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، (۴۱) روزی که همگان صیحه

رستاخیز را بحق می‌شنوند؛ آن روز، روز خروج (از قبرها) است! (۴۲) ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و بازگشت تنها بسوی ماست! (۴۳)

سورة الطور ﴿ ۵۲۳ ﴾ الجزء السابع والعشرون: وَالطُّورِ (۱) وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲) فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ (۳) وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴) وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵) وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶) إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷) مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (۸) يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹) وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰) فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱) الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲) يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً (۱۳) هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۴) وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (۴۴) فَذَرَهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵) يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶) وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷) وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸) وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

سوگند به کوه طور، (۱) و کتابی که نوشته شده، (۲) در صفحه‌ای گسترده، (۳) و سوگند به «بیت المعمور»، (۴) و سقف برافراشته، (۵) و دریای مملو و برافروخته، (۶) که عذاب پروردگارت واقع می‌شود، (۷) و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (۸) (این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی‌آید، (۹) و کوه‌ها از جا کنده و متحرک می‌شوند! (۱۰) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان، (۱۱) همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند! (۱۲) در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می‌رانند! (۱۳) (به آنها می‌گویند:) این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید. (۱۴) آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می‌کند می‌گویند: «این ابر متراکمی است!» (۴۴) حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند؛ (۴۵) روزی که نقشه‌های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند! (۴۶) و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)؛ ولی بیشترشان نمی‌دانند! (۴۷) در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که

برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی! (۴۸) (همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)! (۴۹)

سورة القمر ◀ ۵۲۸ ▶ الجزء السابع والعشرون: اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱) وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲) وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ (۳) وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴) حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ (۵) فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ تُكْرَهُ (۶) خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (۷) مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ (۸) كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (۹) فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ (۱۰) فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (۱۱) وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲) وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرَ (۱۳) تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ (۱۴) وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ (۱۵) فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ (۱۶) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ (۱۷)

حادثه بزرگ نزدیک شد و ماه از هم شکافت! (۱) و هرگاه نشانه و معجزه‌ای را ببینند روی گردانده، می‌گویند: «این سحری مستمر است!» (۲) آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری قرارگاهی دارد! (۳) به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (انبیا و امت‌های پیشین) به آنان رسیده است! (۴) این آیات، حکمت بالغه الهی است؛ اما انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی‌دهد! (۵) بنابر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می‌کند (دعوت به حساب اعمال)! (۶) آنان در حالی که چشمهایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهای پراکنده از قبرها خارج می‌شوند، (۷) در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت کننده گردن می‌کشند؛ کافران می‌گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!» (۸) پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد. (۹) او به درگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده‌ام، انتقام مرا از آنها بگیر!» (۱۰) در این هنگام درهای آسمان را

با آبی فراوان و پی‌درپی گشودیم؛ (۱۱) و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)؛ (۱۲) و او را بر مرکبی از الواح و میخهایی ساخته شده سوار کردیم؛ (۱۳) مرکبی که زیر نظر ما حرکت می‌کرد! این کیفری بود برای کسانی که (به او) کافر شده بودند! (۱۴) ما این ماجرا را بعنوان نشانه‌ای در میان امتها باقی گذاردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (۱۵) (اکنون بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود! (۱۶) ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (۱۷)

سورة الرحمن ◀ ۵۳۲ ▶ الجزء السابع والعشرون: يُرْسَلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِلٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶) فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸) فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰) يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲) هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳) يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنِ (۴۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵)

شعله‌هایی از آتش بی‌دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود؛ و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید! (۳۵) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۶) در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می‌دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت)؛ (۳۷) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۳۸) در آن روز هیچ کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی‌شود (و همه چیز روشن است)؛ (۳۹) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۰) مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند)؛ (۴۱) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۲) این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند! (۴۳) امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (۴۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۵)

سورة الواقعة ﴿ ۵۳۴ ﴾ ► الجزء السابع والعشرون: إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱) لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲) خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳) إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴) وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵) فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا (۶) وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷) فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸) وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۹) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰) أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱) فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۱۲) ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولَئِينَ (۱۳) وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (۱۴)

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (۱) هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند! (۲) (این واقعه) گروهی را پایین می‌آورد و گروهی را بالا می‌برد! (۳) در آن هنگام که زمین بشدت به لرزه درمی‌آید، (۴) و کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود، (۵) و بصورت غبار پراکنده درمی‌آید، (۶) و شما سه گروه خواهید بود! (۷) (نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی! (۸) گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (۹) و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (۱۰) آنها مقربانند! (۱۱) در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند)! (۱۲) گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستینند، (۱۳) و اندکی از امت آخرین! (۱۴)

سورة المعارج ﴿ ۵۶۸ ﴾ ► الجزء التاسع والعشرون: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲) مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳) تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴) فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵) إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶) وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹) وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰) يُبْصَرُونَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمئِذٍ بِبَنِيهِ (۱۱) وَصَاحِبِيهِ وَأَخِيهِ (۱۲) وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳) وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّهَا لَأَنزَالٌ لِّلشَّوَى (۱۵) نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (۱۶) تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷) وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸) فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰) عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱) فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ (۴۲) يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ (۴۳) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! (۱) این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند، (۲) از سوی خداوند ذی المعارج [= خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می‌کنند]! (۳) فرشتگان و روح [= فرشته مقرب خداوند] بسوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (۴) پس صبر جمیل پیشه کن، (۵) زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند، (۶) و ما آن را نزدیک می‌بینیم! (۷) همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می‌شود، (۸) و کوه‌ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود، (۹) و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی‌گیرد! (۱۰) آنها را نشانسان می‌دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشان است)، چنان است که گنهکار دوست می‌دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند، (۱۱) و همسر و برادرش را، (۱۲) و قبیله‌اش را که همیشه از او حمایت می‌کرد، (۱۳) و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند؛ (۱۴) اما هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله‌های سوزان آتش است، (۱۵) دست و پا و پوست سر را می‌کند و می‌برد! (۱۶) و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می‌زند، (۱۷) و (همچنین آنها که) اموال را جمع و ذخیره کردند! (۱۸) سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم... (۴۰) که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد! (۴۱) آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فروروند و بازی کنند تا زمانی که روز موعود خود را ملاقات نمایند! (۴۲) همان روز که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند، گویی به سوی بتها می‌دوند... (۴۳) در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده‌ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می‌شد! (۴۴)

سوره هود ◀ ۲۲۵ ▶ الجزء الثاني عشر: **وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36) وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ (37) وَ يَصْنَعِ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (38) فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ**

عَذَابٌ مُّقِيمٌ (39) حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (40) وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (41) وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (42) قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (43)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می‌کردند، غمگین مباش! (۳۶) و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!» (۳۷) او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند؛ (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد!» (۳۸) بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!» (۳۹) (این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) - مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندان] - و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند! (۴۰) او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگرم آمرزنده و مهربان است!» (۴۱) و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت میداد؛ (در این هنگام، نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (۴۲) گفت: «بزودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهداری در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر آن کس را که او رحم کند!» در این هنگام، موج در میان آن دو حایل شد؛ و او در زمره غرق‌شدگان قرار گرفت! (۴۳)

سوره المعارج ◀ ۵۷۰ ▶ الجزء التاسع والعشرون: إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱) قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲) أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (۳) يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴) قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵) فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶) وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷) ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸) ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹) فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱) وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا (۲۲) وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳) وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴) مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵) وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶) إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» (۱) گفت: «ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم، (۲) که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید! (۳) اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می‌دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر می‌دانستید!» (۴) (نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (بسوی تو) دعوت کردم، (۵) اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنان نیفزود! (۶) و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آنها را پیامرزی، انگشتان خویش را در گوشه‌هایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند! (۷) سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (۸) سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم! (۹) به آنها گفتم:

«از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است... (۱۰) نوح (بعد از نومییدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است! (۲۱) و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند... (۲۲) و گفتند: دست از خدایان و بت‌های خود بردارید (به خصوص) بت‌های «وَد»، «سواع»، «یعوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید! (۲۳) و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند! خداوندا، ظالمان را جز ضلالت میفزا!» (۲۴) (آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند! (۲۵) نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! (۲۶) چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند! (۲۷) پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان باایمان را بیمارز؛ و ظالمان را جز هلاکت میفزا!» (۲۸)

سوره المزمّل ◀ ۵۷۴ ▶ الجزء التاسع والعشرون: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹) وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰) وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۱۱) إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲) وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (۱۴) إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵) فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِئْسَ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷) السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸) إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)

همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن، (۹) و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین! (۱۰) و مرا با تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (۱۱) که نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (۱۲) و غذایی گلوگیر، و غذایی دردناک، (۱۳) در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درمی‌آید، و کوه‌ها (چنان درهم کوبیده می‌شود که) به شکل

توده‌هایی از شن نرم درمی‌آید! (۱۴) ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم! (۱۵) (ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم! (۱۶) شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می‌دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می‌کند، (۱۷) و آسمان از هم شکافته می‌شود، و وعده او شدنی و حتمی است. (۱۸) این هشدار و تذکری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (۱۹)

سورة المرسلات ◀ ۵۸۰ ▶ الجزء التاسع والعشرون: **وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲) وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳) فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴) فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵) عُدْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ (۷) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹) وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتِ (۱۱) لِيَأْيَ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲) لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴) وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵) أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶) ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷) كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸) وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)**

سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می‌شوند، (۱) و آنها که همچون تند باد حرکت می‌کنند، (۲) و سوگند به آنها که (ابرها را) می‌گسترانند، (۳) و آنها که جدا می‌کنند، (۴) و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می‌نمایند، (۵) برای اتمام حجّت یا برای انذار، (۶) که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می‌شود، یقیناً واقع شدنی است! (۷) در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند، (۸) و (کرات) آسمان از هم بشکافند، (۹) و در آن زمان که کوه‌ها از جا کنده شوند، (۱۰) و در آن هنگام که برای پیامبران (بمنظور ادای شهادت) تعیین وقت شود! (۱۱) (این امر) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (۱۲) برای روز جدایی (حق از باطل)! (۱۳) تو چه می‌دانی روز جدایی چیست! (۱۴) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۱۵) آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟! (۱۶) سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می‌فرستیم! (۱۷) (آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم! (۱۸) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۱۹)

سوره النازعات ◀ ۵۸۴ ▶ الجزء الثلاثون: **فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵) يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲) فِيْمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳) إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا (۴۴) إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنْ يَخْشَاهَا (۴۵) كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)**

هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد، (۳۴) در آن روز انسان به یاد کوششهایش می‌افتد، (۳۵) و از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟! (۴۲) تو را با یادآوری این سخن چه کار؟! (۴۳) نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! (۴۴) کار تو فقط بیم‌دادن کسانی است که از آن می‌ترسند! (۴۵) آنها در آن روز که قیام قیامت را می‌بینند چنین احساس می‌کنند که گویی توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است! (۴۶)

سوره الشمس ◀ ۵۹۵ ▶ الجزء الثلاثون: **كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱) إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدم عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴) وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)**

قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (۱۱) آنگاه که شقی‌ترین آنها بپاخواست، (۱۲) و فرستاده الهی [= صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا را با آبشخورش واگذارید!» (۱۳) ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد! (۱۴) و او هرگز از فرجام این کار [= مجازات ستمگران] بیم ندارد! (۱۵)

سوره الفجر ◀ ۵۹۳ ▶ الجزء الثلاثون: **وَالْفَجْرِ (۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶) إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ**

(۱۰) الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

به سپیده دم سوگند، (۱) و به شبهای دهگانه، (۲) و به زوج و فرد، (۳) و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است)! (۴) آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمی برای صاحبان خرد نیست؟! (۵) آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (۶) و با آن شهر «إِرم» باعظمت، (۷) همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (۸) و قوم «ثمود» که صخره‌های عظیم را از (کنار) درّه می‌بریدند (و از آن خانه و کاخ می‌ساختند)! (۹) و فرعونی که قدرتمند و شکنجه‌گر بود، (۱۰) همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، (۱۱) و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛ (۱۲) به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت! (۱۳) به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! (۱۴)

سورة الحاقة ﴿ ۵۶۶ ﴾ الجزء التاسع والعشرون: الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳) كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵) وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷) فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ (۸) وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹) فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَّابِيَةً (۱۰) إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱) لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكَرَةً وَتَعْيِيهَا أَذُنٌ وَأَعْيَةٌ (۱۲) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴) فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵) وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

روزی است که مسلماً واقع می‌شود! (۱) چه روز واقع شدنی! (۲) و تو چه می‌دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (۳) قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (۴) اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند! (۵) و اما قوم «عاد» با تندبادی

طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند، (۶) (خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدى که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند! (۷) آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟! (۸) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده [=قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹) و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (۱۰) و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (۱۱) تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشه‌های شنوا آن را دریابد و بفهمد. (۱۲) به محض اینکه یک بار در «صور» دمیده شود، (۱۳) و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند، (۱۴) در آن روز «واقعه عظیم» روی می‌دهد، (۱۵) و آسمان از هم می‌شکافد و سست می‌گردد و فرومی‌ریزد! (۱۶)

سورة الصافات ◀ ۴۴۶ ▶ الجزء الثالث والعشرون: **إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶) وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷) لَّا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸) دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹) إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)**

ما آسمان نزدیک [= پایین] را با ستارگان آراستیم، (۶) تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! (۷) آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می‌گیرند! (۸) آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است! (۹) مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می‌کند! (۱۰)

سورة الطارق ◀ ۵۹۱ ▶ الجزء الثلاثون: **وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)**

سوگند به آسمان و کوبنده شب! (۱) و تو نمی‌دانی کوبنده شب چیست! (۲) همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکیهاست! (۳)

سورة الذاریات ◀ ۵۲۰ ▶ الجزء السادس والعشرون: وَالذَّارِيَاتِ ذُرْوًا (۱) فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲) فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳) فَالْمَقْسِمَاتِ أَمْرًا (۴) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ (۵) وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶) وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۷) إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (۸) يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَن أُفِّكَ (۹) قَتَلَ الْخَرَاصُونَ (۱۰) الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱) يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (۱۲) يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳) ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴) هَلْ آتَاكَ حَدِيثٌ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴) إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّكْرُونَ (۲۵) قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱) قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲) لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (۳۳) مُّسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴) فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶) وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷) وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸) فَتَوَلَّىٰ بِرْكَنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹) فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۴۰) وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (۴۱) مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (۴۲) وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ (۴۳) فَتَعَتُوا عَنِ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (۴۴) فَمَا اسْتَطَاعُوا مِّن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (۴۵) وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۴۶) وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷) وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸) وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹) فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰) وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۱) كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲) أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳) فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (۵۴) وَذَكَرْ فَإِنَّ الدَّكَرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵) وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶) مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (۵۷) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸) فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ (۵۹) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِّن يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت درمی‌آورند، (۱) سوگند به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می‌کنند، (۲) و سوگند به کشتیهایی که به آسانی به حرکت درمی‌آیند، (۳) و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند، (۴) (آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است؛ (۵) و بی‌شکّ (دین) واقع‌شدنی است! (۶) قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (۷) که شما (درباره دین) در گفتاری مختلف و گوناگونید! (۸) (تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می‌شود که از قبول حقّ سرباز می‌زند! (۹) کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! (۱۰) همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند، (۱۱) و پیوسته سؤال می‌کنند: «روز جزا چه موقع است؟!» (۱۲) (آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می‌سوزانند! (۱۳) (و گفته می‌شود: بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (۱۴) آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴) در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته‌اید!» (۲۵) (ابراهیم) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟» (۳۱) گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده‌ایم... (۳۲) تا بارانی از «سنگ - گل» بر آنها بفرستیم؛ (۳۳) سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است!» (۳۴) ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می‌کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، (۳۵) ولی جز یک خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم! (۳۶) و در آن شهرهای بلا دیده) نشانه‌ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند به جای گذاردیم. (۳۷) و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (۳۸) اما او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه!» (۳۹) از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود! (۴۰) و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی‌باران بر آنها فرستادیم، (۴۱) که بر هیچ چیز نمی‌گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می‌ساخت. (۴۲) و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدّتی کوتاه بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!» (۴۳) آنها از فرمان

پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می‌کردند (بی‌آنکه قدرت دفاع داشته باشند)! (۴۴) چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند! (۴۵) همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند! (۴۶) و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می‌بخشیم! (۴۷) و زمین را گسترده‌تر کردیم، و چه خوب گستراننده‌ای هستیم! (۴۸) و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید! (۴۹) پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم! (۵۰) و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم‌دهنده‌ای آشکارم! (۵۱) این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» (۵۲) آیا یکدیگر را به آن سفارش می‌کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (۵۳) حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود؛ (۵۴) و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد. (۵۵) من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)! (۵۶) هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند! (۵۷) خداوند روزی‌دهنده و صاحب قوّت و قدرت است! (۵۸) و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابراین این عجله نکنند! (۵۹) پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می‌شود! (۶۰)

لا حول ولا قوّة الا بالله

■ سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، وی احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد المهدی فرزند حسن العسکری فرزند علی الہادی فرزند محمد الجواد فرزند علی الرضا فرزند موسیٰ کاظم فرزند جعفر الصادق فرزند محمد الباقر فرزند علی السجاد فرزند حسین الشہید فرزند علی امیر المؤمنین فرزند ابیطالب می باشد. کہ درود و سلام خدا بر آن ہا باد.

او جانشین و فرستادہ امام مہدی (محمد فرزند حسن عسکری) برای عموم مردم، یمانی موعود نزد شیعیان، و طبق عقیدہ اہل سنت همان مہدی ای است کہ رسول خدا بہ تولد ایشان در آخر الزمان مژدہ دادہ بودند؛ و معزی برای پیامبران خدا و فرستادگانہ کہ پیامبر خدا حضرت عیسیٰ وعدہ او را در انجیل دادہ است، و نجات دہندہ ای کہ پیامبر خدا ایلیا، وعدہ ظهورشان را بہ یہودیان دادہ بودند.

سال 1999 میلادی (1378 هـ ش) در عراق پایتخت دولت عدل الہی ہمراہ با دعوت بزرگ خداوند ظهور کردند و دعوتشان توسط دلایل و احتجاجاتش نزد مردم همانگونہ کہ پیامبران و فرستادگان خداوند از قبل بر قومشان احتجاج می کردند، در کل عالم انتشار پیدا کرد. دلایل ایشان شامل: چندین متن (عین وصیت جد بزرگوارشان پیامبر اکرم، کہ اسم و شأن و منزلتشان در آن اشارہ شدہ است. و همچنین دہ ہا متن معتبر دیگر نزد مسلمانان، مسیحیان و یہودیان) - علمی کہ با آن بہ مبارزہ و مناظرہ بزرگان ادیان و کل طوائف برخاستند - پرچم بیعت خدا و دعوت بہ حاکمیت خداوند و نیز ہمراہ با تأیید خدای پاک و منزہ در ملکوت توسط صدہا رؤیای صادقہ پیامبران و اوصیایی کہ بہ آن شہادت می دہند.

و همانا با خط مبارکشان مجموعہ ای از کتاب ہایی کہ شامل بسیاری از مسایل خدانشناسی بودند را در میان مردم منتشر کردند. از آن ہا می توان بہ: کتاب توحید، متشابہات، روشنگری از دعوات فرستادگان، سفر حضرت موسیٰ بہ مجمع البحرین، نبوت خاتمہ، فتنہ گوسالہ، جہاد

درب بهشت، حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم، گزیده ای از تفسیر سوره فاتحه و چندین کتاب دیگر اشاره کرد.

اما هدف دعوت ایشان، همان هدف دعوت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (درود خداوند بر آن ها باد) است تا همانا توحید و یگانگی در تمامی نواحی جهان انتشار پیدا کند. هدف پیامبران و فرستادگان هدف اوست و بیان تورات و انجیل و قرآن و آنچه را که در مورد آن دچار اختلاف شده اند، پر شدن زمین از عدل و داد همانگونه که از جور و ستم پر شده است، می باشد؛ تا گرسنگان را سیر کند و تنگدستان را در نیازمندی باقی نماند. تا یتیمان را پس از غم و اندوه طولانیشان شاد گرداند و زنان بیوه از آنچه که نیازهای مادی دارند، با احترام دریافت کنند. تا... تا... و تا آنچه از عدل و رحمت و راستی در شریعت است تحقق بخشد. همانا بسیاری از مؤمنان پراکنده شده در مناطق زیادی از جهان به این دعوت مبارک و فرخنده پیوسته اند.

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت رسمی انصار امام مهدی مراجعه نمایید:

[/http://almahdyoon.org](http://almahdyoon.org)

کتاب دیگر:

الطُّوفانِ الثَّانِي؛ تحلیلی بر روایاتِ هلاکت 2.3 (دُو سُوْم) بِشْرِیت.pdf

<http://u2s.ir/JXFouH>

تحلیلی بر روایات؛ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبِ.pdf

<http://u2s.ir/TG4q8>

تحلیلی بر روایت؛ مَنْ يَضْمَنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ الْقَائِمَ.pdf

<http://u2s.ir/jp9TwDx>

مُعْجَمِ احَادِيثِ سُفْيَانِي؛ (236) روایت در مورد سُفْيَانِي و اختلافِ أَهْلِ الشَّامِ.pdf

<http://u2s.ir/Uyu8C>

چهل (40) روایت از پرچم های سیاه مهْدَوِيِّ يَمَانِي.pdf

<http://u2s.ir/2N5jcTs>

هشتاد (80) روایت از مَلَا حِمِ اهلِ مَشْرِقِ (ایران) در آخِرِ الزَّمَانِ.pdf

<http://u2s.ir/BMdsP>

علائمِ آخِرِ الزَّمَانِ در مَكاشِفَاتِ يُوحَنَّا؛ رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللّاهوتِي.pdf

<http://u2s.ir/ePTL2L>